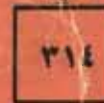
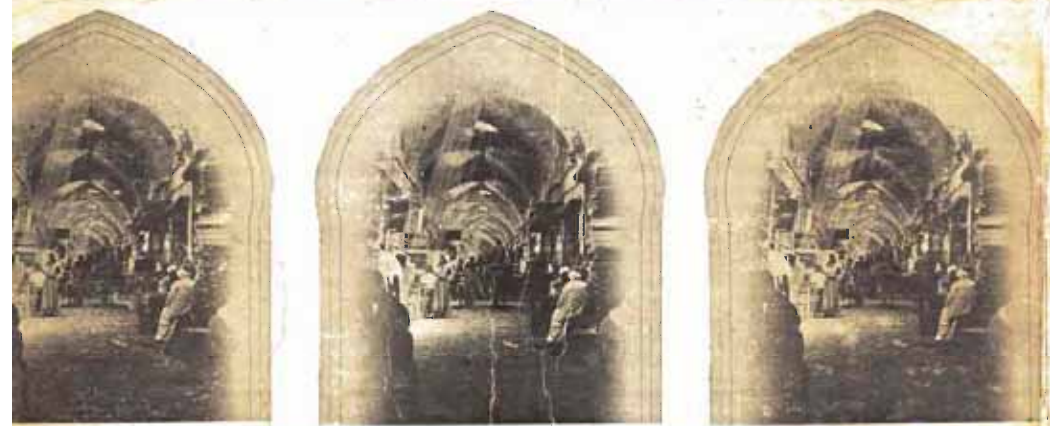


جغرافیای اجتماعی شهرها

اکولوژی اجتماعی شهر

تألیف: دکتر حسین شکوئی



جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر
تألیف: دکتر حسین شکوئی



عنوان: جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر
تألیف: دکتر حسین شکوئی

سرپرست گروه جغرافیای مدرسه تربیت مدرس

ناشر: انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

چاپ: اول

تاریخ: تیرماه ۱۳۶۵

تیراژ: ۳۰۰۰

گرافست: بهروز شادان

حروفچینی: کامت ست زمانی

لیتوگرافی: طوس ۸۲۹۱۶۳

چاپ: کلینی

مقدمه

بسمه تعالی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را می‌توان به یقین سرآغازی برای احیاء مجدد ارزشهای متعالی و زمینه تجلی هویت اسلامی دانست، هویتی که در طی قرن‌ها با نهاد و خوی و خصلت ساکنان این مرز و بوم عجین و بارور شده است. این حرکت که با فریادهای الله اکبر نفوس مطمئنه مردان و زنان هشیار و قهرمانان گمنام اسلام آغاز شده بود پایه‌های اصلی استمرار خویش را در کسب هویت فرهنگی اسلامی تشخیص داد و به زودی با رهنمودهای داهیانه حضرت امام خمینی حصول آنرا در انقلاب فرهنگی جستجو کرد. این بار همت و شجاعت و تلاش مؤمنانه گروهی از دانشجویان کفرستیز و متعهد به اسلام بود که به صورت پیش قراولان این حرکت، چاره‌اساسی را در تغییر بنیادی نظام دانشگاهی یافته و اهداف و شیوه‌ها و روشهای سنتی و مثلاً علمی آن را مورد سؤال جدی قرار دادند تا با اتکاء به شعائر اصیل انقلاب، دانشگاه را از لوث وجود جریان‌ات غریزه رها سازند. این کوششها و تلاشهای صادقانه اگرچه به دلایلی، بویژه در زمینه علوم انسانی، نتوانست آنگونه که انتظار می‌رفت ریشه‌ای عمل کند، ولی تحولات مبارکی نیز به همراه داشت که یکی از آن دستاوردها روی آوردن هزاران دانشجوی و استاد به تحقیق و تفحص و پژوهش در مسائل مبتنی به جامعه در حال تحول ما بود. به همین جهت علوم و رشته‌های مورد نیاز جامعه انقلابی به سرعت رشد کرد و گسترش یافت.

بدون شک جغرافیا—در مفهوم وسیع آن—یکی از دانشهایی است که پس از انقلاب از رشد کمی و بویژه کیفی وسیعی برخوردار شده است. جغرافیا که تا چندی قبل جز در محدوده برخی اسامی خاص و مقداری محفوظات و یا بحثهای آکادمیک خشک خلاصه نمی‌شد، حصار تنگ خود را شکافت و تحولی عمیق در مباحث نظری و عملی آن در تمام سطوح روی داد و بدین سان به رشته‌ای زنده، فعال و کارآمد تبدیل شد و توانست بخش وسیعی از مطالب رسانه‌های گروهی و وسایل اشاعه فرهنگ را به جانب موضوعات و مباحث متنوع خود سوق دهد.

اینک، جغرافیا که زمانی در حوزه برنامه‌های استعماری غرب برای کشف مناطق مختلف جهان و استثمار آنها قرار داشت. به برکت انقلاب اسلامی به حربه‌ای در دست عالمان و متعلمان متعدد مسلمان تبدیل شده است که بوسیله آن از یک سونسبت به موقعیت خویش و از سونسبت به جهان استکباری پیرامون خود شناخت پیدا کرده و بتواند ضربات دائمی و پیوسته خود را هرچه دقیق‌تر، و قاطع‌تر بر امپریالیسم جهان‌خوار و عوامل گوناگون آن وارد و زمینه انهدام نظم ظالمانه موجود و برپائی حکومت قسط و عدل جهانی را آماده سازند. حضور برخی جغرافیدانان متعدد و معتقد در پروژه‌های عمرانی و طرحهای وسیع بازسازی و گسترش و برنامه‌ریزیهای خرد و کلان و سمینارهای علمی و پژوهشی، بعد دیگر رویکرد جدی به مفاهیم و دانش جغرافیا را نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی بر کلیه مراکز تحقیقی واجب است به تعمیق هرچه بیشتر این علم پرداخته و زمینه‌های استفاده و بهره‌وری از آنرا جهت حل معضلات و مشکلات جامعه اسلامی بیش از پیش فراهم سازند.

پیدایش شهرها به شیوه امروزی آن، نتیجه تحولات دوره جدید است. از هنگامی که بازار تجارت در اروپا رونق یافت—ابتدا شهرهای بندری ایجاد گشت و با پیدایش و گسترش صنعت و تکنیک، که نیاز به تمرکز و نیروی کار فراوان داشت، به تدریج روستاها از اهالی خالی شد و شهرها گسترش و توسعه یافت.

رشد شهرها و بسط تجارت در اروپا، و گسترش دامنه آن به کشورهای جهان سوم، شهرهای این ممالک را تابع ضرورت‌های ناشی از سیاستهای استعماری نمود و بافت اجتماعی—اقتصادی آن را دگرگون ساخت. در این شهرها، قسمت اعظم نیروی کار در بخش خدمات، از قبیل تخلیه کشتی، حمل و نقل جهانگردان بانکداری، هتلداری، اداره رستورانها، توزیع و فروش اجناس وارداتی تمرکز یافته است. این شهرنشینان عموماً بدون هیچ تولید مؤثری، از عمده مصرف‌کننده‌هایی هستند که به دلیل گسترش ارتباطات و توریسم،

معمولاً تحت تأثیر ارزشهای مصرفی جدید بوده و با تقلید و اقتباس از سبکها و مدهای جدید، بازار مصرف کالاهای خارجی را رونق و وابستگی فرهنگی و فساد عمومی را روزه روز تشدید می‌نمایند. از طرف دیگر شرکت‌های بزرگ غربی به دلیل آنکه این قبیل مشاغل، منبع مهمی برای تحصیل ارز به حساب می‌آید به گسترش هرچه بیشتر آن دامن می‌زنند.

در شهرهای بزرگ با آنکه سطح زندگی و میزان مصرف بالاتر از دیگر نقاط است، به دلیل رشد روحیه فردی و نبودن احساس تعلق خاطر به محل و عدم ارتباط و دوستی با همسایگان، هم محلی‌ها، همشهریها نبودن نظارت جامعه به دلیل بی‌نام و نشان بودن شهروندان و خصوصاً سست بودن عقاید دینی، ناراحتیهای روحی و روانی و جرائم افزایش یافته و بسیاری از انحرافات شیوع و بروز پیدا می‌کند. انحرافات که در شهرهای کوچک و روستاها اثری از آن نمی‌توان یافت و یا حداقل آنکه دامنه آن بسیار محدود می‌باشد.

کتابی را که در دست دارید، یکی از معدود آثاری است که درباره ابعاد اجتماعی شهرها به تجزیه و تحلیل پرداخته و اطلاعات ذیقیمتی ارائه داده است. همچنانکه مؤلف محترم تذکر داده‌اند، در تدوین این اثر بیش از ۸۰ مآخذ علمی مورد مطالعه قرار گرفته و بدون شک حاصل آن می‌تواند راهگشای برخی از سئوالات اساسی در مورد مشکلات و مسائل شهرها باشد. آقای دکتر حسین شکونی قبلاً نیز در زمینه جغرافیای شهری کتابهای باارزش دیگری را منتشر ساخته و توانسته‌اند باب بحث و تحقیق را در این زمینه بیش از پیش گسترش دهند. امیدواریم که در آینده شاهد آثار جدیدتری از صاحب‌نظران و پژوهشگران، درباره «ویژگیهای شهر و شهرنشینی در فرهنگ اسلامی» باشیم.

بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

در بررسی ساخت اکولوژیکی شهرهای اروپائی مثل اغلب شهرهای دنیا، ترکیب جمعیت شهر و فرهنگ مردم، نحوه زندگی و اقتصاد شهری در همه جای شهر، یکدست و همسان نمی باشد. هر محله ای مشخصات اجتماعی خود را دارد. میان عوامل اکولوژیکی، مذهب در جدائی گزینی اکولوژیکی و تعیین مرزهای پردوام محله ای موثر افتاده است. بسیاری از شهرهای اروپای قرون وسطی، دارای گتوهای یهودیان بود و پاره ای از خیابانها، هنوز هم به خیابان یهودیان معروف می باشد. در شهر بلغاست، عامل مذهب محلات کاتولیک نشین و پروتستان نشین را به شدت از هم جدا کرده است.

عامل دوم در جدائی گزینی اکولوژیکی، عامل زبان می باشد. در سوئیس، آلمان غربی، فرانسه، چکسلواکی و سایر کشورها عامل زبان به جدائی گزینی خانواده های شهری زمینه مساعدی بخشیده است. در برابر عامل مذهب و زبان، عامل نژادی و قومی به ندرت جدائی گزینی اکولوژیکی را موجب گشته است. تنها در شهرهای انگلیسی، بخشی از مردم کشورهای مشترک المنافع به ویژه از هند و پاکستان، به یک جدائی گزینی ضعیف تن در داده اند.

امروزه، اساسی ترین عامل در جدائی گزینی اکولوژیکی در شهرهای اروپائی، عامل پایگاه طبقاتی خانواده هاست که با معیارهای شغلی و میزان درآمد تعیین می شود. تا آنجا که پایگاه شغلی خانواده ها به خیابانها نیز اطلاق می شود: خیابان کارگران چرم سازی، خیابان رنگرزان و خیابان سراجان از آن جمله است. چنین نامهایی، بیانگر محل کار صنعتگران اروپائی است اما در همان حال نشانگر محل زندگی آنها نیز می باشد. در دوره قرون وسطی، در پاره ای از شهرها مثل لوبک^{۳۶}، بازرگانان در طرف غرب خیابان و صنعتگران در سمت شرق خیابان زندگی می کردند. امروزه نیز، در شهرهای اروپائی مثل لیور پول (انگلستان) مدیران، کارفرمایان کوچک، مغازه داران، صاحبان مشاغل تخصصی با فاصله بسیار زیادی از بخش مرکزی شهر زندگی می کنند و کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر در بخش مرکزی شهر لیور پول اقامت دارند. قبل از عمومیت یابی حمل و نقل عمومی در شهرها، به نش مرکزی شهرها در اختیار خانه های ثروتمند شهری بود و بعد از ورود اتومبیل به شهر، طبقه اول و دوم جامعه شهری، اقامت در حومه ها را بر زندگی در مرکز شهر ترجیح می دادند اما عده ای از خانواده های طبقه اول و دوم، هنوز هم در مرکز شهر زندگی می کنند^{۳۷}.

به طور کلی مشخصات اکولوژیکی شهرهای اروپائی را که از عوامل تاریخی،

36. Lubeck.

37. Terry G. Jordan. The European Culture Area. Harper, Row, New York. 1973. P. 329.

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منشاء می گیرد می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- عامل تاریخی: شهرهای اروپائی آثاری از دوره رومیها، دوره ترون وسطی دوره رنسانس و دوره جدید در چهره و بافت شهری منعکس می سازند.

۲- عامل اقتصادی: در کشورهای اروپائی زمین محدود است و در اغلب شهرهای اروپائی زمین کمیاب می نماید. از این رو به سبب آپارتمان نشینی تراکم متوسط جمعیت بسیار زیاد است. زمینهای اطراف شهرها به شدت در تولیدات کشاورزی بکار گرفته می شود تا کشورهای اروپائی را از نظر وابستگی به واردات غذایی نجات دهد. در اغلب کشورهای اروپائی حد متوسط تراکم جمعیت، حداقل سه یا چهار برابر امریکا و در هلند ۱۶ برابر امریکا است. در همان حال، کشورهای اروپائی با علاقمندی، حوزه های جنگلی اطراف شهرها را حفاظت می کنند و آن را به گذران اوقات فراغت مردم شهری و روستائی اختصاص می دهند. نتیجه چنین سیاستی سبب شده است که در حوزه های شهری یک نوع فشردگی و تراکم بوجود آید و مرزهای شهر و روستا به سختی محافظت شود کاری که برنامه ریزان شهری صمیمانه بدان اعتقاد دارند. محدودیت زمین، تراکم زیاد جمعیت و کنترل مرزهای شهر و روستا، موجب گرانی قیمت زمین در اغلب شهرهای اروپائی شده است. یادآور می شویم که در بسیاری از نقاط اروپا، زارعین حتی در برابر پرداخت سه چهار برابر قیمت زمین، حاضر به فروش زمین آباء و اجدادی خود نیستند و وابستگی صادقانه ای به زمین خود دارند.

۳- عامل سیاسی: در کشورهای اروپائی، سیاست دولتها، در جهت حراست از منافع شهروندان، در چهره و بافت شهرها موثر افتاده است. دولتها از طریق برنامه ریزی صحیح در سطوح محلی، شهری و ناحیه ای، بیشترین کنترل را در نحوه استفاده از زمینهای شهری اعمال می کنند و غالباً برنامه ریزی شهری و ناحیه ای در رابطه با هم پیاده می شود.

در شهرهای بزرگ اروپا، وجود پارکها و جنگلها در داخل یا اطراف شهرها به زیبایی و مطبوعیت زندگی شهری می افزاید. اغلب این پارکها، از دوره رنسانس و یا از دوره هایی است که فرمانروایان پرقدرت، جهت خود پایز و یا شکارگاه اختصاصی ایجاد می کردند. امروزه این قبیل پارکها و فضاهای زیبا به ملتهای اروپائی تعلق گرفته است.

سیاست دولتهای اروپائی بر این اساس قرار دارد که در شهرها به حمل و نقل عمومی اهمیت بیشتری داده شود. روی این اصل، آمد و شد اغلب ساکنین شهرها به اتوبوسها، ترامواها و متروهای شهری وابسته است. شبکه های حمل و نقل عمومی همه زوایای شهرها را می پوشاند. هدف این است که به هر قیمتی شده وسایل حمل و نقل عمومی در دسترس همه

ساکتین شهری قرار بگیرند حتی اگر در بیشتر ساعات خالی و یا با نصف ظرفیت حرکت کنند.

۴ — عامل فرهنگی: بسیاری از شهرهای اروپائی، شاید تنها کانون بزرگ فرهنگی ملت‌های اروپائی محسوب می‌شوند. این شهرها از نظر دانشگاهی، آموزشی، هنری، انواع تخصص‌ها امتیازات گسترده‌ای عرضه می‌دارند. این حالت فرهنگی، به شدت حالت ماندگار و دوست‌داشتنی به شهرهای اروپائی می‌بخشد^{۳۸}. بی‌جهت نیست که با گذشت قرن‌ها و ورود تکنولوژی جدید، شهرهای اروپائی هنوز هم آن شادابی و زیبایی خود را حفظ کرده‌اند.

اقتصاد امریکا و اکولوژی اجتماعی شهرها:

شهرهای امریکائی، قبل از استقلال، نقش چندان معتبری نداشتند. تنها پاره‌ای از آنها مادر شهر تجاری بودند. روشن است که در دوره رونق تجارت، بنادر امریکا، به عنوان کانون اصلی خطوط تجاری اعتبار یافت، مغازه‌ها و فروشگاه‌های بزرگ در بنادر استعمارزده بوجود آمد، هنرمندان و صنعتگران، جهت پاسخگویی به نیازهای مادی و فرهنگی بازرگانان و اولیای امور، زندگی در این بنادر را ترجیح دادند. اما کار صنعتگران محلی هنوز، محدود بود. زیرا در آن زمان، شهرهای استعمارزده امریکائی، نقشهای محدود و کم‌اهمیتی داشتند. شهرها به سرعت توسعه نمی‌یافتند و جمعیت زیادی نیز نمی‌پذیرفتند. در دوره استعمار، سهم جمعیت شهرنشین تنها ۹٪ کل جمعیت بود (۱۶۹۰) و صد سال بعد این نسبت به ۵۱٪ کاهش یافت. اما به سبب حاکمیت تجارت در اقتصاد، شهرهای بندری به توسعه رسیدند و افزایش جمعیت پیدا کردند. بنادر به عنوان مرکز جذب و توزیع مجدد جمعیت در اطراف شهرها و سراسر منطقه به نقشهای تازه‌ای دست یافتند.

زمانی که بنادر امریکا به نقش تجاری دست می‌یابند و به عنوان مادر شهر تجاری همه فعالیت‌های بانکی، حسابرسی، پذیرائی، مبادله کالا، رونق صنایع کارخانه‌ای و توزیع کالا را در خود متمرکز می‌سازند به تدریج به بافت تازه‌ای می‌رسند. استعمار انگلیس در جهت کنترل مراکز تجاری، تنها در توسعه پاره‌ای از بنادر می‌کوشید و از توسعه سایر شهرها به سبب مشکلات کنترل جلوگیری می‌کرد. بنادر عمده‌ای که به عنوان مرکز اصلی حمل و نقل زیر کنترل دولت انگلیس به اهمیت رسیدند عبارت بودند از: نیویورک، بوسطن، فیلادلفیا و بالتیمور، نتیجه عملکرد سیاست استعماری انگلیس سبب می‌شود که در سال ۱۷۹۰، در حدود ۷۰٪ جمعیت شهرنشین امریکا در چهار بندر فوق اقامت کنند و مجموع جمعیت سایر شهرها در همان سال از ۵۰/۰۰۰ نفر تجاوز نکند.

38. Dean S. Rugg. Spatial Foundations of Urbanism Brown Company. Iowa. 1972. pp. 236-238.

بعد از استقلال امریکا، بازرگانان امریکائی، جانشین بازرگانان انگلیسی شدند و نقش تجاری بنادر را به اعتبار بیشتری رساندند. جمعیت شهری از ۲۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۷۹۰ به ۶/۰۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۸۶۰ افزایش یافت. بازرگانان امریکائی در همان ۱۰ سال اول انقلاب با هم بر رقابت برخاستند و هر کسی جهت پیشرفت و حاکمیت خود، تفنگ خود را بکار انداخت. بازرگانان چهار بندر نیویورک، بوسطن، فیلادلفیا و بالتیمور در تلاش بودند که بازرگانی خارجی را زیر کنترل خود درآورند. در این راه بازرگانان نیویورکی با دست گرفتن ۶۲٪ تجارت خارجی، این بندر را به عنوان اولین و بزرگترین مادر شهر تجاری امریکا نقش می‌دهند. در این دوره، نقش تجاری شهر به سایر نقشهای شهری حاکمیت داشت در نتیجه ساخت داخلی شهر کمتر تغییر می‌یافت زیرا بازرگانان مستقیماً در تولید شرکت نمی‌کردند. ۳۹ اصولاً در شهرهای قبل از سرمایه‌داری بزرگ، حتی تجارت به سوی یک شیوه فراغت خاطر و آسودگی خیال کشیده می‌شود و پول تنها آرزوی افراد نمی‌باشد. زندگی روزمره به مانند مداری در اطراف مراکز پخش کالا به گونه‌ای، هرچه پیش آید، خوش آید، ادامه می‌یابد. در دوره نقش تجاری شهرها، در بنادر امریکا، سه گروه از مردم کاملاً مشخص داده می‌شدند:

۱ — بازرگانان به همراه حقوق‌دانان و مستخدمین خود.

۲ — صنعتگران، کارگران روزمزد، کارگران ماهر.

۳ — کارگران بخش حمل و نقل، دریانوردان، صاحبان گاریها و چهارچرخه‌ها.

معلوم است که در دوره تجارت، شهرها به طور طبیعی در اطراف انبار کالاها، اسکله‌ها و دوروبر مراکز سیاسی — اقتصادی شهر توسعه می‌یافتند. در این دوره، اغلب مؤسسات و سازمانهای شهری کوچک می‌نمودند، افراد در همان محلی که زندگی می‌کردند بکار گرفته می‌شدند. زمینه‌های مختلف شغلی در بخش مرکزی شهرها دیده می‌شد از این رو، در بخش مرکزی شهر همه گونه از مردم دیده می‌شدند و زندگی عده‌ای از مردم به درآمدهای اتفاقی و روزمره بستگی داشت. گدایان، بیچارگان، کارگران فقیر و صاحبان مشاغل اتفاقی، غالباً در بیرون از شهرها زندگی می‌کردند و واحدهای مسکونی زائغ‌ای در اختیار داشتند. صاحبان مشاغل اتفاقی در جهت پیدا کردن یک شغل دائمی به شهرهای مختلف مهاجرت می‌کردند در آغاز قرن نوزدهم، هر شهر بندری، به دو بخش تقسیم می‌شود:

39. Maurice H. Yeates and Barry J. Garner. The North American City. Harper-Row. New York. 1971. pp. 34-50.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

شهر، کانون همه جاذبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این مکان انسان را از بربریت به اوج تمدن رسانیده و آگاهیهایی او را جلال و شکوه بخشیده است. محققین، متفکرین و طبقات مختلف شهری هر یک به نحوی در مورد زندگی شهری بدآوری می‌نشینند: عده‌ای عقیده دارند که شهر به مثابه یک دوزخ واقعی است، شهر کانون همه بیرحمها و محرومیتهاست، شهر به صورت یک تله است، شهر کلکسیون همه تیره‌بختها و سیه‌روزیها جامعه بشری است، شهر به مثابه خانه اموات می‌نماید، شهر منشاء سقوط همان تمدنی است که خود پرورش داده است. در برابر این طرز تفکر، عده‌ای دیگر معتقدند که شهر کانون اصلی همه میراثهای فرهنگی، عواطف و احساسات بشری است، شهر به صورت موزه اندیشه‌ها، تفکرات، شیوه نظامهای حکومتی و نحوه نگرش به عدالت اجتماعی است، شهر تجلی گاه نظام ارزشهای انسانی، اعتقادات، امیدها و نگرانیهاست، شهر به همه ارزشهای بشری ارج و اعتبار خاصی قائل است و اگر شهر توقف کند توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه، امکان‌پذیر نخواهد بود. از این روی انصافی است که اگر از شهر سخن بماند و تنها به ساخت فیزیکی شهر، ترافیک سنگین شهر و یا سودرسانی برق و تلفن شهری اندیشه شود. در حالی که هر آجر، هر ساختمان، هر خیابان و هر میدان شهر یادآور دردها، رنجها، شادیا و امیدهای جماعات انسانی است. این سلسله مراتب اجتماعی که میان ساختمانهای شهری دیده می‌شود بیانگر معماری ظلم و جور یا عدالت و انصاف سازمانهای شهری است. اکولوژی اجتماعی شهرها که از آن به عنوان جغرافیای اجتماعی شهرها نیز نام می‌برند، این شیوه اجتماعی — اقتصادی شهرها را بتصویر می‌کشد و بر هویت اجتماعی شهرها تأکید دارد. اکولوژی

فصل هفتم آینده شهرها و توسعه شهری

افزایش جمعیت شهری	۲۰۹
هنداپلیس (عشرت آباد)	۲۱۳
مفاهیم فاصله و شهرهای آینده	۲۱۹
شهرهای جامعه انبوه آگاهی	۲۲۰
اکیومناپلیس	۲۲۴
منابع و مآخذ فصل هفتم	۲۲۷

اجتماعی شهرها به تعادل بخشی میان ساخت فیزیکی و ساخت اجتماعی شهر می اندیشد و بیگانگی با اکولوژی اجتماعی شهرها را در برنامه ریزی شهری، زیانبار می داند چیری که تاکنون سازمانهای شهری کشورهای جهان سوم، بدان بی اعتنا بوده اند، بی جهت نیست که در اغلب محلات شهرهای جهان سوم، از شور، شوق و همه‌ی زندگی خبری نیست.

جغرافیای اجتماعی شهرها در تلاش است تا کمپوهای جامعه شهری، در رابطه با ساخت فیزیکی شهرها نشان داده شود و ساخت فیزیکی شهرها، منطبق و سازگار با شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرها سامان گیرد. به سخن ساده، اکولوژی اجتماعی شهرها، گذرگاه تازه ای می جوید تا همه شهروندان بتوانند در سراسر شهر به زندگی شایسته ای دست یابند.

در تألیف این کتاب، آخرین تحقیقات و مسیرهای اکولوژی شهری در چند سال اخیر، با استفاده از ۸۰ منبع معتبر علمی بکار گرفته شده است و سعی گردیده است ضمن بررسی مطالب اکولوژی اجتماعی، به روش کار نیز اشاره شود تا انطباق ساخت فیزیکی شهر با شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی آن به روشنی نشان داده شود. اینکه در این هدف چقدر توفیق یافته ام قضاوتش با من نیست.

وظیفه خود می دانم از آقای احمدپوراحمد دانشجوی رشته جغرافیای مدرسه تربیت مدرس که مرا در بازخوانی و تنظیم منابع کتاب صمیمانه یاری کرده اند، سپاسگزاری نمایم.

حسین شکوئی

فصل اول

مفاهیم و سابقه کار در اکولوژی شهری

مفاهیم و ارزشهای اکولوژی شهری:

کلمه اکولوژی^۱ از کلمه یونانی اویکوس^۲ به معنی مسکن- محل زیست- خانه (اجاق، مقدس خانه) ولوگوس^۳ به مفهوم دانش آمده است.^۴ در سال ۱۸۶۸ عنوان اکولوژی به وسیله ارنست هاکل^۵ که به پدر اکولوژی گیاهی معروف است مطرح شد و از ابتدای قرن بیستم اکولوژی گیاهی و اکولوژی حیوانی که روابط و وابستگی گیاهان و حیوانات را با محیط زیست آنها نشان می داد با ابعاد گسترده ای مورد مطالعه قرار گرفت.^۶

در دهه دوم و سوم قرن بیستم اکولوژی انسانی به شدت از طرف جامعه شناسان مورد توجه قرار می گیرد و از این شاخه علمی به عنوان علم شناسایی روابط و مناسبات مشترک میان انسان و محیط زیست او نام برده می شود که همان تعریف سنتی جغرافیا را نشان می دهد: «انسان، طبیعت و روابط متقابل میان این دو»، بی جهت نیست که هارلن با روز^۷ جغرافی دان معروف، جغرافیا را علم اکولوژی انسانی می داند.^۸

در اکولوژی انسانی هرگونه محیط زیست انسان در رابطه با شکل زندگی گروههای انسانی مورد مطالعه قرار می گیرد که حاصل آن اکولوژی مسکن، اکولوژی روستایی، اکولوژی شهری، اکولوژی ناحیه ای و اکولوژی فرهنگی می باشد. توان گفت که اکولوژیستها نقطه نظر کاملاً مشخصی دارند. آنها همه الگوهای زندگی را در بومهای معین بررسی می کنند.^۹

شاید اکولوژی شهری را ابتدا مکتب جامعه شناسی شیکاگو به جامعه علمی شناساند. اکولوژیستهای جامعه شناس، در زمینه الگوهای توسعه شهری و محل انتخابی گروههای انسانی در شهرها، به نظریه های تازه ای دست یافتند. اما برای جغرافی دانان بیش از همه ساخت داخلی شهرها و موقع جغرافیایی آنها مورد توجه بود. بدینسان در اکولوژی شهری شرایط آب و هوایی، توپوگرافی، پوشش گیاهی، خصیصه های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، قومی و نظام حکومتی در رابطه با ساخت داخلی شهرها، محل انتخابی گروههای انسانی و همه

1. ECOLOGY.

2. OIKOS.

3. LOGOS.

4. CARL J. George and Daniel McKinley. Urban Ecology MacGraw-Hill. London 1974 P.7.

5. Ernest Haeckel.

6. B.T. Robson. Urban Analysis. P. 8.

7. H. H. Barrows.

8. S.R. Eyre and G.R.J. Jones. Geography and Human Ecology Edward Arnold. London 1966 P. 6.

9. F.E. Emery. Towards A Social Ecology. Plenum Press. London. 1973. P. Vii.

پدیده‌هایی که در محیط جغرافیایی شهر ظاهر می‌شوند مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اکولوژی شهری مثل همه شاخه‌های دانش اکولوژی کلی نگر و جامع‌نگر است از این رو در اکولوژی شهری تنها با یک شرکت تجاری یا صنعتی سرو کار نخواهیم داشت بلکه با گونه‌ها روبرو خواهیم بود مثل سازمانهای مالی، سازمانهای خدماتی، محلات شهری^{۱۰} و... که مشخصات مشترک دارند.

بررسیهای اکولوژیکی از شهرها ممکن است نتواند همه مسائل شهری را حل نماید اما مطمئناً نگرشهای علمی و منطقی آن در مطالعات شهری بسیار مؤثر می‌افتد.

بسیاری از برنامه‌های شهری بدان سبب با شکست روبرو می‌شود که فاقد جامعیت و کلیت می‌باشد. اکولوژی شهری این جامعیت و کلیت را در جهت شناخت مسائل و نیازهای شهری بکار می‌گیرد.^{۱۱}

اکولوژی، انسانی سنتی:

جهت گیری اکولوژی انسانی در سیر تکوینی آن، ما را با سه دوره کاملاً مشخص آشنا می‌سازد:

۱ - دوره‌ای که اصول و مفاهیم اکولوژی انسانی از اکولوژی گیاهی و حیوانی تأثیر می‌پذیرد و تجزیه و تحلیل جامعه انسانی بر این اصول استوار می‌شود. در این دوره تأکید بیشتر در زمینه روند «رقابت»، «تسلط»، «توالی و تسلسل» و نتیجه عملکرد این مراحل در پراکندگی گروههای انسانی و فعالیتهای تجاری در کل جامعه صورت می‌گیرد. کارهای اولیه را برت پارک^{۱۲}، ارنست برگس^{۱۳} رودریک مکینزی^{۱۴} بهترین مطالعات اکولوژیکی این دوره محسوب می‌شود.^{۱۵}

۲ - در دوره دوم تأکید روی چهره‌های طبیعی حوزه‌های معین همراه با مشخصات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی آنها بیشتر می‌شود.

۳ - در دوره سوم، مطالعات عینی همراه با قانون‌بندی پدیده‌های اجتماعی نظیر جرم و جنایت در شهرها و امراض روانی در رابطه با فاصله‌گیری از بخش مرکزی شهرها روی

10. Noel P. Gist Sylvia Fleis Fava. Urban Society. Thomas J. Crowell Company/NewYork. 1975. P. 151.

11. Forrest W. Stearns and Tom Montag. «The Urban Ecosystem. Halstead Press. U.S.A. 1974.

12. Robert Park.

13. Ernest Burgess.

14. R.D. Mckenzie.

۱۵ - برای اطلاع بیشتر از عقاید و نظریات ارنست برگس و سایر پایه‌گذاران اکولوژی شهری به کتاب جغرافیای شهری (جلد دوم) تألیف نگارنده از انتشارات دانشگاه تبریز، تجدید چاپ از کتابفروشی تهران در تیریز مراجعه شود.

۷ - شهرهای بزرگ در لبه توقف قرار گرفته‌اند^{۴۳}

۸ - اکولوژی سیاهان امریکا نیز از مواردی است که هنگام مطالعه اکولوژی اجتماعی شهرهای امریکا، اکولوژیستها بخشی از کار خود را به آن اختصاص می‌دهند. در شهرهای امریکا، سیاهان و سایر رنگین پوستان، در مقایسه با سفیدپوستان، دو تا سه برابر بیشتر از فقر و بیکاری رنج می‌برند. خانواده‌های سیاهان به سبب اقامت در مجاورت شاهراهها، میدانها، چهارراههای بخش مرکزی شهرها و آلودگی شدید این نقاط شهری، بیش از سایر مردم شهری به امراض ناشی از آلودگی هوا مبتلا می‌شوند. برابریک تحقیق، میزان سرب موجود در خون کودکان سیاهان این مناطق شهری، فوق‌العاده زیاد است و میزان سم DDT نیز در خون کودکان دو تا سه برابر کودکان سفیدپوستی است که در هوای پاک شهری زندگی می‌کنند. بررسیهای اکولوژیکی از شرایط زندگی سیاهان شهرهای بزرگ امریکا مسائلی را به شرح زیر در گویهای سیاهان روشن می‌سازد:

۱ - تراکم زیاد جمعیت ۲ - فقدان تجهیزات کافی در واحدهای مسکونی ۳ - استفاده از خیابان به عنوان محل تفریح و گذران اوقات فراغت به سبب فضای ناکافی در واحدهای مسکونی و عدم دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت ۴ - هجوم موش و سایر آفات به خانه‌ها ۵ - بالا بودن میزان اتومبیل میان سیاهان در جهت پر کردن خلاء شخصیت و بی‌اعتنائی محیط زندگی ۶ - ترافیک سنگین محلات سیاهان ۷ - کهنه‌گی و فرسودگی واحدهای مسکونی سیاهان ۸ - بالا بودن میزان اعتیاد، جرم و جنایت، بالا بودن میزان خانواده‌های بی‌سرپرست^{۴۴}. پاره‌ای از جغرافی دانان امریکائی با مطالعه اکولوژی سیاهان در رابطه با نحوه زندگی اجتماعی آنها چنین اظهارنظر می‌کنند: ممکن است روزگاری کره‌ماه کاملاً در اختیار امریکائیها قرار بگیرد اما تصویر یک زندگی مطلوب برای همه مردم امریکا و سیاهان، مثل ستارگان در دورستها می‌باشد. زیرا هم اکنون ۲۵ میلیون نفر از مردم امریکا، پائین‌تر از مرز فقر قرار گرفته‌اند. در پاره‌ای از شهرهای بزرگ امریکا، درآمد سالانه یک خانواده در بخش ثروتمندترین شهر ۳۵۰۰۰ دلار و در بخش فقیرترین شهر ۲۵۰۰ دلار می‌باشد^{۴۵} در محلات فقیرنشین شهرها، از هر ده خانواده یک خانواده گرفتار دزدیهای شبانه می‌گردند در حالی که دزدیهای شبانه در محلات ثروتمندترین به ندرت اتفاق می‌افتد. از

۴۳. Ned H. Greenwd and J.M.B. Edwards. Human Environments and Natural Systems. Duxbury Press. 1973. pp. 218-219.

۴۴ - منبع پیش گفته صفحه ۲۲۱.

45. David Smith. «The North American City». The Geographical Magazine. May 1978. pp. 507-510.

چهره‌های کاملاً شناخته شده شهرهای آمریکائی حاکمیت اتومبیل بر آنهاست. بدینسان که اتومبیل شکل و ساخت اکولوژیکی شهر را تعیین می‌کند خانواده‌های آمریکائی با اتومبیل به سر کار خود می‌روند، با اتومبیل به کلیسا می‌روند، با اتومبیل به بانک می‌روند، با اتومبیل به فروشگاه‌های بزرگ می‌رسند، در داخل اتومبیل خود فیلم سینمائی را در سینماهای روباز تماشا می‌کنند و بالاخره عامل اتومبیل، در همهٔ زوایای زندگی مردم شهرهای آمریکا از هنر، نقاشی، شعر، سینما، سکس و جنایت گرفته تا نحوهٔ زندگی زوجهای آمریکائی و انواع تفریحات انتخابی تأثیر بسیار داشته است.

شهرهای اروپای شرقی و شوروی:

دولتهای سوسیالیستی، وارث فرهنگهای گوناگونی هستند که در طول قرن‌ها در این کشورها ریشه دوانیده است. این فرهنگها، به همراه مشخصات سرمایه‌داری پیشرفته و خصیصه‌های جامعهٔ فئودالی به موازات نفوذ ادیان کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس و اسلام، در طول تاریخ، بافت اکولوژیکی شهرهای اروپای شرقی و شوروی را تعیین کرده است. این قطعات موزائیکی، به روشنی در محلات و خیابانهای شهرهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی قابل مشاهده است. موضوعی که بر مسئولیت برنامه‌ریزان شهری در جهت حراست و پاسداری از این میراثهای فرهنگی و قومی تأکید می‌ورزد. ساخت اکولوژیکی صدها شهر کوچک و شهرهای بزرگ مثل پراگ، بوداپست، بلگراد، ورشو، مسکو و سمرقند بر این توافق سیاست برنامه‌ریزی و فرهنگ سنتی شهر گواهی می‌دهد. بدیگرسخن، برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند که بافت اکولوژیکی شهرهای قبل از انقلاب را با نیازهای زندگی جامعه جدید مطابقت دهند^{۴۶}.

در مطالعه ساخت اکولوژیکی شهرهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی، معمولاً روی چهار عامل تأکید می‌شود: نقش بخش مرکزی شهرها، انتخاب معیارها، میکرورایون، ناحیه و شهر.

۱- بخش مرکزی شهرها:

بخش مرکزی شهرهای شرقی با بخش مرکزی شهرهای غربی تفاوت‌های زیادی دارند. بدینسان که در غرب، بخش مرکزی شهرها نقش تجاری دارد و محل یابی شرکتها، موسسات و

46. F.E. Ian Hmliton, «The East European and Soviet City», The Geographical magazine, May 1978, p. 511.

سازمانهای اقتصادی همه به قیمت زمین، اجاره‌ها و هزینه حمل و نقل وابسته است. در حالی که بخش مرکزی شهرهای اروپای شرقی و شوروی نقش فرهنگی و سیاسی دارند.

در بخش مرکزی اغلب شهرهای بزرگ، یک میدان عمومی با یک کاخ فرهنگی که یادگار روزهای تاریخی است به مرکز شهر اعتبار می‌بخشد. میدان نهم سپتامبر شهر صوفیه، میدان سرخ مسکو، و کاخ فرهنگی ورشو از آن جمله است. در این میدانها مراسم یادبود روزهای تاریخی برگزار می‌شود. میدانهای بخش مرکزی شهرها از مجسمه‌ها، بوسترها و یک ستارهٔ سرخ پوشیده شده است^{۴۷} در بخش مرکزی شهرهای شرقی، همهٔ آثار تاریخی، قصرهای تاریخی، تاسیسات فرهنگی، مراکز هنری و تحقیقاتی، کتابفروشی‌ها، کانون نویسندگان و روزنامه‌نگاران، کتابخانه‌های معتبر، کلیساهای قدیمی و بالاخره میراث فرهنگی ملت‌های شرقی جای گرفته است. موسسات حزبی و دولتی نیز در بخش مرکزی شهر قرار دارند. انجمنهای علمی مثل انجمن جغرافیائی، انجمن دوستداران طبیعت، انجمن هنرمندان در این بخش فعالیت می‌کنند.

۲- انتخاب معیارها:

در برنامه‌ریزی شهری در کشورهای اروپای شرقی و شوروی، همواره پاره‌ای استانداردها موردنظر بوده است و استاندارد شدن همه واحدهای مسکونی، فضای سرانه و محلات شهری، چهرهٔ یکسان و یکنواخت به محلات شهری می‌بخشد.

۳- میکرورایون^{۴۸}، اساس برنامه‌ریزی شهری:

واحد انتخابی در برنامه‌ریزی منطقه واحدهای مسکونی در شهرهای شوروی، میکرورایون می‌باشد که تا حدودی با واحدهای خودیار-محل در شهرکهای جدید انگلیسی برابری می‌کند. فکریاجاد میکرورایون به دههٔ ۱۹۳۰ برمی‌گردد اما شکل‌گیری آنها از سال ۱۹۵۸ به بعد می‌باشد. اهداف ایجاد میکرورایونها در شهرهای شوروی به شرح زیر می‌باشد:

الف- همراهی میان بخشهای سکونت و سازمانهای خدماتی شهر در یک سطح محدود تا توسعهٔ شهری با اصول منطقی صورت بگیرد.

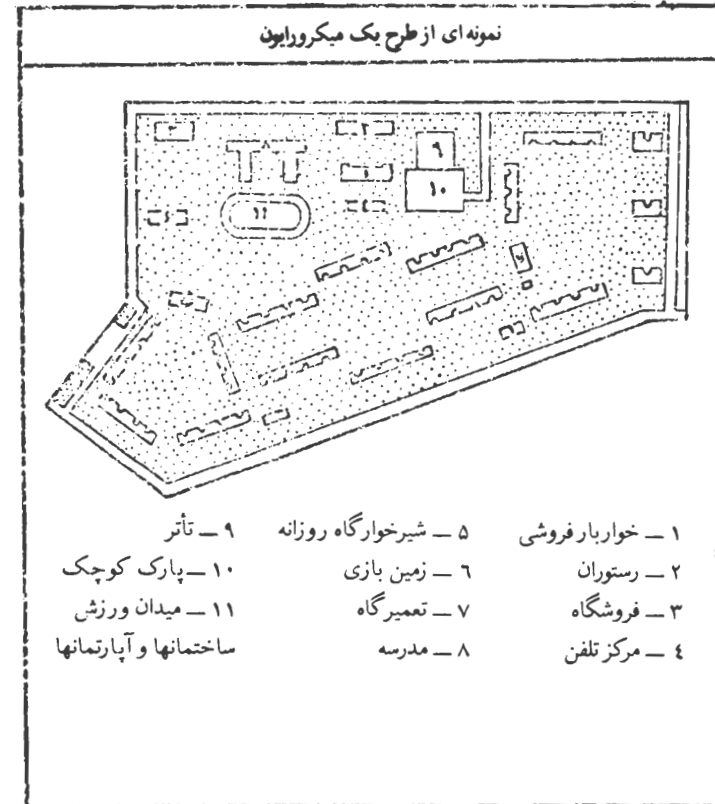
ب- از نظر ایدئولوژی شوروی، میکرورایونها مطلوبترین جامعهٔ محلی بشمار می‌روند که در آنها، خانواده‌ها روابط صمیمانه‌تری با هم برقرار می‌سازند.

47. Dean S. Rugg, Spatial Foundations of Urbanism. Brown Company, Iowa. 1972, p. 219.

48. Micorayon.

نمودار ۴. از: دین راک

نمونه‌ای از طرح یک میکرورایون



هر میکرورایون دارای مشخصات زیر می باشد:

- ۱ - یک میکرورایون در زمینی به وسعت ۳۰ تا ۵۰ هکتار ساختمان می شود.
 - ۲ - بلوکهای آپارتمانی با ارتفاع مختلف در اطراف یک مرکز کوچک ساختمان می گردد. در این مرکز، مدارس، درمانگاه، مغازه ها، فضای باز، رستورانها، لباس شوییها و خدمات دیگر پاسخگوی نیازهای روزانه ساکنین میکرورایون می باشد. حد متوسط شعاع این تأسیسات خدماتی از آپارتمانها: ۲۰۰-۱۵۰ متر در نظر گرفته شده است.
 - ۳ - جمعیت میکرورایونها در اوایل کار ۵۰۰۰-۳۰۰۰ نفر بود که بعدها به ۱۲۰۰۰ نفر و گاهی تا ۲۰،۰۰۰ نفر افزایش یافته است. در صورت وسعت گیری میکرورایونها، در برنامه ریزی، تأسیسات خدماتی در ۵۰۰ متری آپارتمانهای مسکونی قرار می گیرد. همه خریدهای روزانه در داخل محدوده میکرورایونها با پیاده روی انجام می شود.
 - ۴ - هر میکرورایون از شبکه های اصلی ترافیک جدا شده است و اغلب آنها به وسیله کمربند فضای سبز احاطه می شوند. البته هر میکرورایون به یک یا چند وسیله حمل و نقل عمومی مربوط می گردد.
- عده ای از محققین با مطالعه میکرورایونها، ضمن پذیرش امتیازات آنها در برنامه ریزی شهری، به نارسائیهای زیر اشاره می کنند:
- الف - ساخت جمعیتی و اجتماعی میکرورایونها را، تنها نزدیکی به محل کار تعیین می کند. از این رو در یک میکرورایون صاحبان مشاغل گوناگون زندگی می کنند. شاید این امر در عدم ایجاد روابط صمیمانه میان همسایگان موثر افتد.
 - ب - با توجه به افزایش تدریجی اتومبیل در جامعه شوروی، میکرورایونها کمتر به فکر خانواده های صاحب اتومبیل بوده است.
 - ج - تراکم جمعیت در ساختمانهای بلندمرتبه بسیار زیاد می باشد.
 - د - فضای سرانه در آپارتمانها محدود گرفته شده است.
- بلوکهای آپارتمانی اغلب ۱۲ تا ۱۶ قطعه می باشد. در شوروی به سال ۱۹۷۴، اعلام شد که حداقل ارتفاع بلوکهای آپارتمانی ۱۲ طبقه و حداکثر آن ۲۵ طبقه خواهد بود اما اغلب بلوکهای آپارتمانی در ۱۶ طبقه ساختمان می شود. بیشتر آپارتمانها دو اتاق خوابه و در هر یک از اتاقها به طور متوسط ۱/۶ نفر زندگی می کنند.

۴ - ناحیه و شهر:

در اروپای شرقی و شوروی، به هنگام برنامه ریزی، پیوستگی و ارتباط نزدیکی میان

برنامه ریزی ناحیه ای و شهری دیده می شود. اقتصاد برنامه ریزی شده، شهر را نه به صورت مجزا و جزیره ای بلکه با واحد ناحیه و در سطح ناحیه می نگرد و همه مسائل ناحیه ای و شهری را در یک کلیت می پذیرد. معمولاً در سطح ناحیه مهار کردن توسعه شهرهای بزرگ، تأسیسات صنعتی، تولیدی و خدماتی شهرهای کوچک و متوسط مورد تأکید قرار می گیرد. ایجاد شهرکهای جدید در سطوح ناحیه ای هم بار سنگین شهرهای پرجمعیت را کاهش می دهد و هم شهرکهای جدید به نقشهای تازه مثل نقش معدنی، صنعتی و خوابگاهی دست می یابند. اغلب این شهرکها در حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارند^{۴۹}.

جمعیت شهری:

بعد از انقلاب، یکی از نتایج صنعتی شدن اتحاد شوروی، توسعه سریع شهرها و شهرهای کوچک بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. در سال ۱۹۱۳، تنها ۱۸٪ مردم شوروی در شهرها زندگی می کردند. این نسبت در سال ۱۹۷۹ به ۶۲٪ جمعیت رسید. بدینسان در سال ۱۹۷۹، در حدود ۱۶۴ میلیون نفر از مردم شوروی در شهرها و ۹۹ میلیون نفر در ۴۶۹،۰۰۰ روستا زندگی می کردند. روشن است که این افزایش جمعیت شهری بیشتر از طریق مهاجرتهای روستائی حاصل گشته است. بطوریکه میان سالهای ۱۹۵۹-۱۹۲۷، تقریباً ۴۳ میلیون نفر از روستاها به شهرهای شوروی مهاجرت کردند. این میزان مهاجرت برابر با مهاجرت مردم از اروپا به امریکای شمالی، آفریقا و استرالیا میان سالهای ۱۹۳۹-۱۸۰۰ می باشد.

هم اکنون بیش از ۶۰٪ جمعیت شوروی در ۶۰۰۰ شهر و شهرک اقامت دارند. ۵۶٪ شهروندان شوروی در شهرهای بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفری زندگی می کنند و تعداد این قبیل شهرها به ۲۵۰ شهر می رسد. از آن میان جمعیت ۲۰ شهر بیش از یک میلیون نفر می باشد. از این رو شوروی را سرزمین شهرهای بزرگ می نامند^{۵۰}.

سنخ شناسی توسعه شهری در جهان سوم:

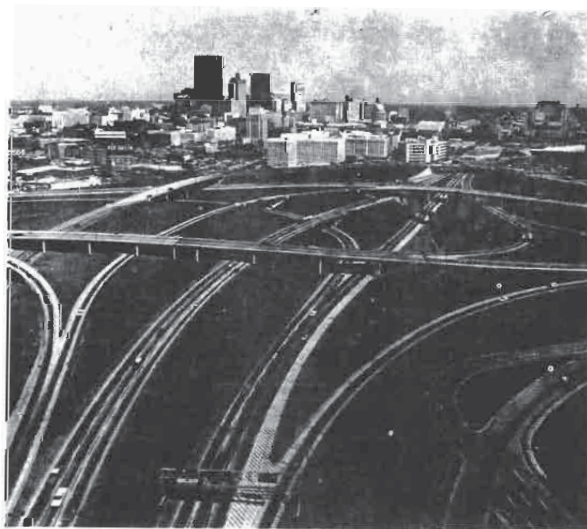
عده ای از محققین به هنگام مطالعه توسعه شهری در کشورهای جهان سوم، با توجه به میزان جمعیت، زمینهای قابل کشت، منابع طبیعی و نرخ افزایش جمعیت، کشورهای جهان سوم را به چهار گروه به شرح زیر تقسیم می کنند:

49. Dean S. Rugg. Spatial Foundations of Urbanism. p. 256.

50. Judith Pallot and Denis J.B. Shaw. Planning in the Soviet Union. Croom Helm. London 1981. p. 215.



چهره شهری در شهرهای جهان سوم



چهره شهری در کشورهای توسعه یافته

۱ — کشورهایی که فعلاً نصف جمعیت آنها شهرنشین است و روند توسعه شهری به طور مرتب ادامه دارد. فشار کمتری از طرف جمعیت کشور به زمینهای قابل کشت و منابع طبیعی وارد می شود. در این گروه، روند توسعه شهری قبل از پایان قرن بیستم پایان می پذیرد و در آن زمان بیشتر جمعیت این قبیل کشورها در حوزه های شهری زندگی خواهند کرد. آرژانتین، برزیل، مکزیک و کلمبیا نمونه ای از این گروه کشورها می باشند. افزایش جمعیت شهرهای بزرگ این گروه تا سال ۲۰۰۰ میلادی به این شرح خواهد بود:

مکزیکوسیتی ۳۱/۵ میلیون نفر، بوئنوس آیرس ۱۳/۷ میلیون نفر، سائو پولو ۲۶ میلیون نفر، ریودوژانیرو ۱۹/۳ میلیون نفر، بوگوتا ۹/۵ میلیون نفر.

۲ — در پاره های از کشورهای جهان سوم، توسعه شهری در یکی دو دهه اخیر شدت بیشتری یافته است. هم اکنون نصف جمعیت این قبیل کشورها در روستاها زندگی می کنند. فشار جمعیت روی منابع طبیعی و زمینهای قابل کشت چندان زیاد نیست. در صورت برطرف شدن موانع موجود در راه بهره برداری از منابع طبیعی، وضع این گروه از کشورها، نظیر کشورهای گروه اول خواهد بود. مصر، کره، مالزی، الجزایر نمونه ای از گروه دوم می باشند. در سال ۲۰۰۰ میلادی، قاهره ۱۶/۹ میلیون نفر، سئول ۱۸/۷ میلیون نفر، مانیل ۱۲/۸ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت.

۳ — در گروه سوم کشورهایی قرار دارند که دارای جمعیت روستائی بیشتری می باشند. اما شهرنشینی و روند توسعه شهری را با شتاب طی می کنند. تا پایان قرن بیستم این قبیل کشورها باز هم جمعیت روستائی بیشتری خواهند داشت و نرخ افزایش جمعیت روستائی نیز بالا خواهد بود. سودان، سنگال، کنیا و نیجریا نمونه ای از گروه سوم می باشند. تا سال ۲۰۰۰ میلادی، لاگوس ۹/۴ میلیون نفر و کینشاسا ۷/۸ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت.

۴ — در گروه چهارم کشورهایی دیده می شوند که فشارهای جمعیتی روی زمینهای روستائی فوق العاده زیاد است. در صورت ادامه نرخ فعلی افزایش جمعیت، در اواخر قرن، این کشورها در شرایط فقر مطلق گرفتار خواهند شد. چین، هند، پاکستان و اندونزی از این قبیل کشورها می باشند. در سال ۲۰۰۰ میلادی شهر شانگهای ۲۲/۱ میلیون نفر، پکن ۲۲ میلیون نفر، کلکته ۲۰ میلیون نفر، بمبئی ۱۹/۸ میلیون نفر، جا کارتا، ۱۷/۸ میلیون نفر، کراچی ۱۶/۶ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت^{۵۱}.

51. George Beier, Anthony Churchill, Michael Cohn. «The Task Ahead for Cities of the Developing Countries». World Development. p. 367.

در جهت مقایسه توسعه شهرهای جهان صنعتی و توسعه یافته با شهرهای بزرگ جهان سوم که در بالا ذکر شد جمعیت شهرهای بزرگ جهان صنعتی را در اواخر قرن بیستم در اینجا می آوریم: نیویورک ۲۲ میلیون نفر، لندن ۱۲/۷ میلیون نفر، توکیو ۲۸/۷ میلیون نفر پاریس ۱۲/۴ میلیون نفر^{۵۲}.

مهم اینجاست که توسعه شهرهای بزرگ جهان توسعه یافته در یک دوره طولانی و در طی یکی دو قرن عملی شده است در حالی که شتاب توسعه شهری در جهان سوم از پدیده های بعد از جنگ دوم جهانی است. بدینسان با توجه به ارقام موجود، در ۱۷ سال آینده، جمعیت شهری کشورهای جهان سوم ۱/۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر افزایش می یابد. این میزان افزایش، دو برابر جمعیت شهرهای کشورهای صنعتی و توسعه یافته در زمان ماست. در سال ۱۹۷۵، در کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم، ۹۰ شهر بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشتند که این تعداد در ۱۷ سال آینده به ۳۰۰ شهر افزایش می یابد.

برابر مطالعات انجام شده، در اواخر قرن بیستم، تقریباً $\frac{2}{3}$ افزایش جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه، در قاره آسیا زندگی خواهند کرد. چین و هند ۶۰٪ این افزایش را به خود اختصاص خواهند داد و برای اولین بار در تاریخ شهرنشینی، جهان سوم دارای مگاالایس های زیادی خواهد بود.

توسعه شهری در اروپا، در طی قرنهای اتفاق افتاد، جمعیت به آرامی افزایش یافت، درآمدها به تدریج بالا گرفت، تخصصهای کارگری بوجود آمد، بازرگانی میان کشورها تعادل منطقی داشت، انتشار نوآوریها به تدریج در جامعه رسوخ کرد و همه این شرایط، زمینه های مساعدی را جهت توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، توسعه فرهنگی و تشکیلات منظم سیاسی فراهم ساخت. در برابر این شرایط متعادل و مثبت، توسعه شهری در جهان سوم، روندی جدا از توسعه شهری در اروپا داشت و شرایط حاکم بر آن کاملاً متفاوت بود. اهم این عوامل عبارتند از:

- ۱- رشد سریع جمعیت.
- ۲- کاهش سرانه زمینهای قابل کشت و پائین آمدن درآمد سرانه روستائیان.
- ۳- کاهش هزینه حمل و نقل و ارتباطات و بوجود آمدن امکانات جابجایی سریع مردم.

۴- ثابت ماندن مرزهای کوشوها و ایجاد موانع در جهت مهاجرتها بین المللی.

۵- بی ثباتی اوضاع سیاسی و وابستگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به کشورهای متروپل.

کشورهائی که از نظر اقتصادی- سیاسی، بیرون از گروه کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی قرار گرفته اند به عنوان جهان سوم خوانده می شوند. این عنوان با مفاهیم گوناگون و بی قاعده، به همه کشورهای در حال توسعه در قاره آسیا، آفریقا و امریکای لاتین اطلاق می گردد. پاره ای از کشورهای جهان سوم، مثل کشورهای عضو اوپک دارای درآمد سرشاری می باشند و برخی دیگر نظیر بنگلادش از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شوند. از این روالی از محققین، ۲۵ کشور جهان را که به حداقل توسعه دست یافته اند جهان چهارم می نامند. برخی از مؤسسات تحقیقاتی، کشورهای دنیا را به کشورهای کم درآمد کشورهائی با درآمد متوسط، کشورهای صنعتی، کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای سوسیالیستی تقسیم می کنند. با هر طبقه بندی که فرض شود حد متوسط درآمد سرانه در کشورهای کم درآمد، ۴۰ مرتبه کمتر از کشورهای صنعتی است.

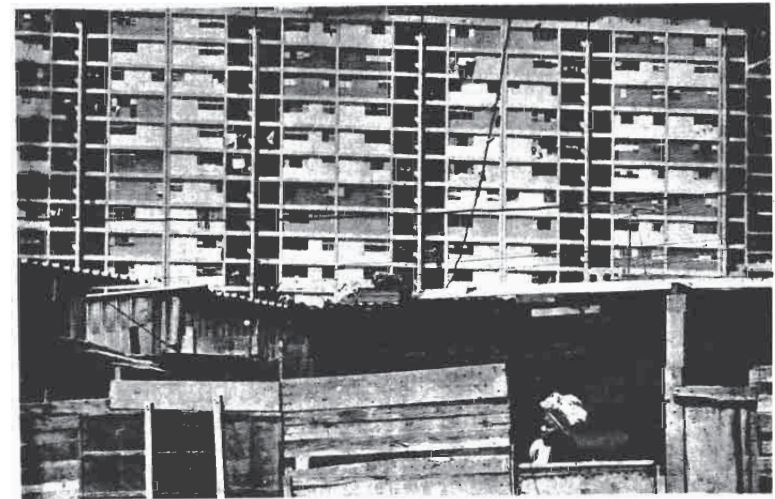
برابر یک تحقیق، در سال ۱۹۷۵، درآمد روزانه ۹۰۰ میلیون نفر در کشورهای جهان سوم کمتر از ۳۰ سنت امریکائی (۲۰ ریال) بوده است. این عده کاملاً در شرایط فقر بسر می بردند. از رقم فوق ۷۰۰ میلیون نفر در حوزه های روستائی و ۲۰۰ میلیون نفر در شهرهای جهان سوم زندگی می کردند. مهم اینجاست که روزه روز به تعداد فقیران شهری افزوده می شود تا آنجا که در دو دهه گذشته، نسبت افزایش جمعیت شهری در کشورهای جهان سوم، دو برابر افزایش کلی جمعیت گزارش شده است. بدینسان در ۱۷ سال آینده بیش از یک میلیارد نفر جمعیت شهری کشورهای جهان سوم افزوده می گردد که بیشتر آنها جزو فقیران شهری خواهند بود^{۵۳}.

برخی از محققین به هنگام طبقه بندی کشورها، به کشورهای جهان سوم، چهارم و پنجم اشاره می کنند و مشخصات هر یک از آنها را به شرح زیر بیان می دارند^{۵۴}.

- ۱- جهان سوم دارای ۶۲۰ میلیون نفر جمعیت است. این کشورها از منابع طبعی مهم و حیاتی با تجارت خارجی گسترده برخوردارند. میزان نسبتاً زیاد جمعیت شهری، بهره برداری و استخراج زیاد منابع معدنی و جدا کثرتاراج منابع معدنی از مشخصات آنهاست.
- نمونه این قبیل کشورها عبارتند از برخی از کشورهای عضو اوپک، برزیل، کره جنوبی، زامبیا،

53. T.G. McGee. «The Poverty Syndrome». Causal work and Poverty in Third world Cities. London. John Wiley. 1979. pp. 45-46.

۵۴- در این کتاب، همه کشورهای جهان سوم، چهارم و پنجم با عنوان جهان سوم ذکر شده است.



فقروثروت درکنار هم، شهرهای جهان سوم

مکزیک، تایوان.

۲ - جهان چهارم، با ۹۶۰ میلیون نفر جمعیت و دارای مواد خام با محدودیتی در امکانات زیربنایی جدید می‌باشند. تاراج منابع اما بهره‌برداری نه چندان زیاد از منابع، با جمعیت زیاد شهری اما برخی با جمعیت شهری کم از مشخصات این قبیل کشورهاست. مثل تایلند، مصر، اردن، دومینیک.

۳ - جهان پنجم، با منابع معدنی فوق‌العاده ناچیز و چشم اندازی محدود در توسعه مثل بنگلادش، چاد، سومالی، مالی، اتیوپی، رواندا، اطلاق عنوان کشورهای تحت سلطه به همه کشورهای جهان سوم به سبب رهائی برخی از کشورهای جهان سوم از وابستگی‌های سیاسی-اقتصادی در دو دهه گذشته، کمی نارسا می‌نماید.

گفتیم که شهرهای بزرگ جهان سوم، با شتاب فزاینده‌تر از شهرهای ممالک صنعتی توسعه می‌یابند. چنانکه در سال ۱۹۵۰، در کشورهای جهان سوم تنها یک شهر یعنی بوئنوس آیرس بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت داشت. این رقم در سال ۱۹۶۰ به ۸ شهر رسید در همان زمان کشورهای صنعتی دارای ۱۰ شهر با بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت بودند. به سال ۱۹۸۰، در کشورهای جهان سوم، ۲۲ شهر بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت داشت در حالی که این نسبت در کشورهای صنعتی و پیشرفته به ۱۶ شهر بالغ می‌گشت.

در جهت آشنائی با حقایق تلخی که تاکنون در تاریخ بشر دیده نشده است نسبت جمعیت حاشیه‌نشین و زاغه‌نشین شهرهای جهان سوم را نسبت به جمعیت شهری، در پاره‌ای از شهرها ذکر می‌کنیم:

شهر کلکته ۶۷٪، بوگوتا ۶۰٪، کینشازا ۶۰٪، ایادان ۷۵٪، بمبئی ۴۵٪، کاراکاس ۴۲٪، لیما ۴۰٪، مانیل ۳۵٪، ریودوژانیرو ۳۰٪، جاکارتا ۲۶٪، شول ۲۴٪ و در کراچی ۲۳٪ جمعیت شهری در زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند. چنین بنظر می‌رسد که به زودی نصف جمعیت شهری دنیا، ساکن زاغه‌ها خواهند بود^{۵۵}.

تأسف‌بار است گفته شود که در کشورهای جهان سوم محیط زیست انسان توانائی خود را از دست می‌دهد، محیط زیست آلوده می‌شود، خاکها بازده خود را از دست می‌دهند، جنگلها و فضاها سبز نابود می‌گردد و صحرای پیشرفت می‌کند. بدینسان در دو دهه آینده شهرهای جهان سوم به اردوگاه فقیران دنیا تغییر نقش می‌دهد. چشم اندازهای شهری و مورفولوژی آن دگرگون می‌شود و از هم اکنون این سئوالات مطرح می‌گردد: صدها میلیون

55. Essan El-Hinnawi «The world Environment». Mazingira. pp. 62-63.

شهرنشین در کدام محل شغلی بکار گرفته می‌شوند؟ چند صد میلیون نفر از شهرنشینان بیکار خواهند بود؟ زمانی که نصف جمعیت شهری ساکن زاغه‌ها باشند شهر چه منظره‌ای خواهد داشت؟ مسائل گوناگون شهری چه سایه سنگینی بر شهر خواهد افکند و بالاخره در شهرهای جهان سوم چند ده میلیون دستفروش خواهیم داشت؟

بزرگترین شهر، انگل یا توسعه دهنده:

در قاره آسیا، شاید در همه کشورهای جهان سوم، یک شهر بسیار بزرگ، یک پایتخت و یا یک بندر بزرگ آن چنان امکانات اجتماعی و اقتصادی کشورها را در خود جای می‌دهد که همه شهرهای کوچک و بزرگ را از توسعه و پیشرفت بازمی‌دارد. یعنی توسعه تنها یک شهر به قیمت ویرانی و عقب‌ماندگی همه کشور تمام می‌شود. در آسیا، بزرگترین شهر، از نظر جمعیت، سطح امکانات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی به آن چنان وسعتی می‌رسد که سایر شهرهای درجه اول کشورها در مقایسه با آن کوچک و کم اهمیت جلوه می‌کند. نخستین شهر در کشورهای آسیائی از مشخصات زیر بهره‌مند است:

- ۱ - سرمایه‌های یک کشور را می‌بلعد.
- ۲ - مسیرهای بزرگ مهاجرتی را به سوی خود می‌کشد.
- ۳ - نفوذ عمیق در الگوهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی کشور اعمال می‌کند.
- ۴ - میزان مصرف در مقایسه با سایر شهرها، بسیار بالاست.
- ۵ - هر نوع یادآوری و فرهنگ وارداتی از دروازه‌های آن وارد کشورها می‌شود.
- ۶ - در توسعه و پیشرفت سایر شهرهای بزرگ تأثیرات منفی دارد و چه بسا که آنها را در حالت توقف و رکود نگه میدارد.
- ۷ - فرودگاهش، هتل‌هایش، خیابان‌هایش و منازعه‌هایش نظیر معروفترین و ثروتمندترین شهرهای جهان پیشرفته بنظر می‌رسد. اغلب کشورهای آسیائی، در نخستین مرحله توسعه، همه تلاش خود را به اداره و توسعه یک شهر بکار می‌گیرند و یا از نظر اداری و سیاسی همه امکانات را در یک شهر بسیار بزرگ جمع می‌کنند تا از عهده اداره سازمانهای تولیدی و اداری برآیند. البته ممکن است که کشورهای پرجمعیت آسیا مثل چین و هند به جای یک شهر بزرگ دارای چند شهر پرجمعیت باشند اما باز برتری اقتصادی و فرهنگی یک شهر بر سایر شهرها سایه افکن می‌باشد.

بر این بری^{۵۶}، در پیدایش شهرهای بسیار بزرگ در کشورهای در حال توسعه به عوامل چندی اشاره می‌کند:

- ۱ — کشورهایی که دارای یک شهر بسیار بزرگ می‌باشند معمولاً جزو کشورهایی هستند که تا این اواخر، از جهات سیاسی و اقتصادی به کشورهای دیگر وابسته بوده‌اند.
- ۲ — ممکن است در ردیف کشورهای قرار بگیرند که در آنها امکان پیدایش و توسعه شهرهای متوسط (از نظر جمعیت و امکانات) وجود ندارد^{۵۷}.

پاره‌ای از شهرهای بزرگ آسیا نقش انگلی دارند و برخی نیز دارای نقش توسعه دهنده می‌باشند: شهری می‌تواند در ردیف شهرهای انگلی قرار بگیرد که بیشتر مصرف کننده باشد هر چند که ممکن است در مقیاس محدود به تولید نیز دست بزند. شهری می‌تواند نقش توسعه دهنده داشته باشد که برخورد آن با مسائل اقتصادی زمان، منطقی و به نفع جامعه شهری تمام شود. به دیگر سخن، نقش توسعه دهنده‌گی شهر با سازمانها و تشکیلات منظم اجتماعی و اقتصادی قادر است حومه‌ها، روستاها و سایر شهرهای یک کشور را نیز به توسعه وادارد.

گفتیم که بزرگترین شهر در کشورهای آسیائی، همه امکانات را در خود جای می‌دهد. دارای خیابانهای وسیع، پارکها، فاضل آب، برق کافی، آب سالم و مدارس و دانشگاه‌هاست اما این یک گوشه شهر است. در برابر این بخش پر رونق و زیبا در بخش مقابل آن، در خیابانها و کوچه‌ها به کودکان لاغر، استخوانی، پابرنه، با بدنی که مدت‌ها حمام ندیده، بی کس و آواره برخورد می‌کنیم که مسئولیت نگهداری خواهی برادر کوچکتر از خود را نیز دارد. این کودکان که والدین اغلبشان از مهاجرین روستائی می‌باشند توانائی سازگاری و پذیرش محیط جدید شهری را بیش از والدین خود دارند. از والدین خود فرمان نمی‌برند اما از جامعه شهری و قوانین آن می‌ترسند. در این بزرگترین شهرها، جوانان مهاجر در نظر اول خسته و درمانده بنظر می‌رسند که مدت‌ها به دنبال کار مداوم می‌گردند. بیکاری‌های فصلی بیشتر آزارشان می‌دهد. گاهی نهارشان را در همان گوشه خیابان می‌خورند. از رفتن به خانه خود گریزانند و در شهر به این سو و آن سو کشیده می‌شوند و چه بسا که به کارهای گناه‌آلوده دست می‌زنند. کم غذایی و سوء تغذیه این جوانان را همواره رنجور و خواب‌آلود نشان می‌دهد هر چند که جوانان مهاجر در بزرگترین و ثروتمندترین شهریک کشور آسیائی زندگی می‌کنند اما برای سالیان دراز نمی‌توانند خود را به شهر بچسبانند و همواره احساس بیگانگی می‌کنند.

56. Brian J.L. Berry.

57. Urbanization. in Newly Developing Countries (New Jersey, Prentice-Hall, 1969, p. 148.

عوامل اکولوژیکی و مهاجرت:

در مطالعه امر مهاجرت، معمولاً به چهار نوع مهاجرت برخورد می‌کنیم: مهاجرت از روستا به روستا، مهاجرت از روستا به شهر، مهاجرت از شهر به شهر، مهاجرت از شهر به روستا. در این میان، مهاجرت از روستا به شهر که از پدیده‌های خاص قرن ماست در سراسر دنیا، شهرنشینی و توسعه شهری را وسعت می‌بخشد و سبب بوجود آمدن شهرهای غول آسا و بیمارگونه در جهان سوم می‌گردد. در جریانهای مهاجرتی، سه عامل پیش از همه موثر می‌افتد: اشتغال، درآمد، رشد سریع جمعیت. بدینسان جریانهای مهاجرتی همواره از حوزه‌هایی که امکانات اشتغال و درآمد در آنها زیاد نیست و یا دارای رشد زیاد جمعیت می‌باشد به حوزه‌هایی که نیروی انسانی و آماده به کار طلب می‌کند صورت می‌گیرد.

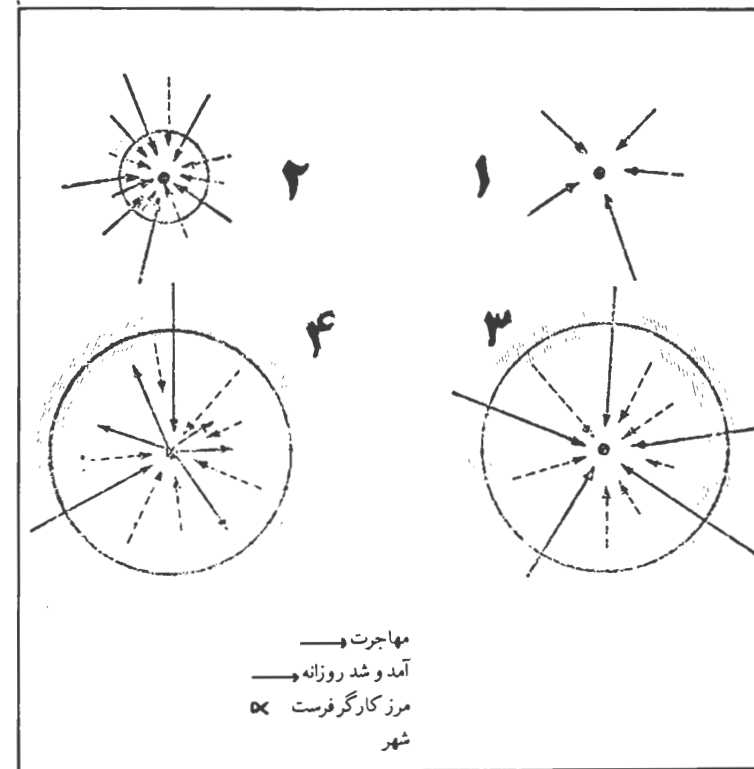
در همه کشورهای جهان سوم، مهاجرت همواره از نواحی کم توسعه به نواحی توسعه یافته داخلی که در آنها سرمایه گذاری‌های بیشتری صورت گرفته است عملی می‌شود. این وضع به کم رشدی نواحی مهاجر فرست سرعت می‌بخشد و شکاف چشمگیری میان نواحی توسعه یافته و کم توسعه در داخل کشورها بوجود می‌آورد. در اغلب نواحی داخلی کشورها، آنجا که جاذب مهاجرتهاست جزو نواحی پیشرفته اقتصادی محسوب می‌گردند. بدینسان می‌بینیم که جریانهای مهاجرتی، با تفاوت درآمد میان دو ناحیه، تفاوت در میزان توسعه یافتگی نواحی و مراحل توسعه در رابطه است^{۵۸}.

مهاجرت نیروی انسانی فعال به ویژه در گروه سنی ۲۰-۲۹ سال، عقب ماندگی حوزه‌های مهاجر فرست را تشدید می‌کند و آنها را از یک جریان طبیعی توسعه باز می‌دارد. روشن است که در صورت سرمایه گذاری در نواحی عقب مانده و وجود امکانات توسعه در این نواحی، مهاجرتها به این نواحی عقب مانده، تغییر جهت می‌دهد. با دگرگونی در شرایط اجتماعی-اقتصادی، شکاف موجود میان نواحی کم توسعه و توسعه یافته داخلی تعدیل می‌گردد و یکی از اهداف برنامه ریزی ناحیه‌ای عملی می‌شود.

در مهاجرتها روستائی، تحلیل عوامل اکولوژیکی-جغرافیائی، به شرح زیر مورد تاکید واقع می‌شود:

- ۱ — در صورت مساعد بودن عوامل اکولوژیکی و موضع جغرافیائی یک محل، میزان مهاجرت محدود خواهد بود.

58. Wen Lany Li. «Internal Migration and Regional Development in Taiwan». Internal Migration. London. SAGE. 1976. p. 83.



نمودار ۵. مهاجرت و چهار مرحله توسعه شهری
از: جمزویلر

۲- در شرایطی که هم عوامل اکولوژیکی و هم موضع جغرافیائی محل، مساعد و مطلوب نباشد شدت مهاجرت افزایش می یابد.

۳- در شرایطی که عوامل اکولوژیکی مطلوب، اما موضع جغرافیائی مساعد نباشد شدت مهاجرت بالا خواهد بود.

۴- در شرایطی که عوامل اکولوژیکی مساعد نباشد اما شرایط موضع جغرافیائی مطلوب باشد میزان مهاجرت محدود می گردد. البته در همه موارد به استثنائاتی نیز برخورد می کنیم.

۵- میان عوامل اکولوژیکی (مثل آب و خاک) با عوامل اقتصادی وابستگی نزدیکی وجود دارد که در امر مهاجرت از عوامل مهم شناخته می شود.

۶- عوامل جمعیتی در امر مهاجرت، کیفیت خاص خود را دارد. روستاهائی که به اضافه جمعیت گرفتارند جماعات بیشتری را به بیرون از روستا می فرستند.

۷- شهرهائی که فرصتهای جدید شغلی بوجود میاورند زمینه های مساعدی را برای پذیرش مهاجرین فراهم می کنند.

۸- عامل آموزش و پرورش، بخش ناچیزی از جمعیت روستائی را به شهرها می کشاند. کودکان و نوجوانان آن هم در شرایط خاص خانوادگی جهت تحصیل به شهرها مهاجرت می کنند.

۹- عوامل سیاسی نیز به هنگام ناآرامیها، پاره ای از روستاها را از جمعیت خالی می کند. در مهاجرت های روستائی که به شهرها صورت می گیرد شرایط زیر همواره تعیین کننده می باشد:

۱- هر چند که در مساله مهاجرت، فرد یا یک خانواده تصمیم به مهاجرت می گیرد اما در نهایت امر مهاجرت به صورت مهاجرت اکثر خانواده های یک روستا و یا یک گروه خویشاوند در می آید.

۲- تصمیم به مهاجرت های گروهی، آن چنان بر اساس عقل و منطق قرار می گیرد که قبلاً شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر مهاجر پذیر و روستای مهاجر فرست مورد ارزیابی واقع میشود و امکانات برابر و یا نابرابر مبدء و مقصد به روشنی بررسی می گردد.

۳- منطقه نفوذ شهرهائی که جمعیت روستائی بیشتر دارند جماعات زیادی را به شهرها می فرستد. در این میان، حوزه هائی که در مسیرهای حمل و نقل واقع شده اند مهاجرین زیادی را به سوی شهرها حرکت می دهند.

۴ — مهاجرین در محل مهاجرت از نظر سن، میزان آگاهی یا تحصیلات، پایگاه خانوادگی و میزان درآمد انتخاب می شوند یعنی همواره بهترین ها به شهر مهاجرت می کنند و چون افراد پرتوان چه از نظر جسمی و چه از جهات اقتصادی اقدام به مهاجرت می کنند معمولاً روستاها از طریق مهاجرت، همه نیروهای سازنده خود را از دست می دهند.

۵ — مهاجرین بعد از مهاجرت، وابستگی نزدیک خود را با اقوام، قبیله و روستای خویش حفظ می کنند و روابط متقابلی میان شبکه های خویشاوندی بین روستا و شهر برقرار می شود که این جریان، مهاجرت های بیشتری را به شهرها سبب می گردد.

۶ — گاهی اوقات، مهاجرت ها به صورت تدریجی انجام می گیرد و در این راه سلسله مراتب شهری موثر می افتد. اما زمانی نیز جاذبه یک مادر شهر یا پایتخت آن، چنان وسعت می یابد که اغلب مسیرهای مهاجرتی از چهارگوشه کشور به مادر شهر یا پایتخت ختم می شود. در پاره ای اوقات به مهاجرت های معکوس برخورد می کنیم که در جریان آن، شهر بخشی از جمعیت خود را به روستاها می فرستد. عوامل این قبیل مهاجرت های معکوس عبارتند از:

الف — عده ای از کارگران غیرماهر، بعد از ۲۰-۱۰ سال کار و اقامت در شهر، به روستای خویش برمی گردند تا بقیه عمر خود را در زمینهای خانوادگی به کار کشاورزی بپردازند.

ب — کارگران بازنشسته و از کارافتاده، علاقمند می شوند که بقیه عمر خود را در زادگاه خود بگذرانند.

ج — زنان و کودکان خانواده های کم درآمد، به سبب هزینه های سنگین زندگی در شهر به روستای خود که هنوز به شیوه زندگی در آن وابسته اند مراجعت می کنند.

د — عده ای از روستائیان که به امید کار بهتر و درآمد بیشتر به شهر مهاجرت کرده اند به سبب عدم توفیق در درآمد لازم، به روستای خود برمی گردند.

در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، مهاجرت از شهر به روستا غالباً به سبب گریز از آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگیهای اجتماعی، تمایل به زندگی در محیطهای آرام روستائی و کشاورزی صورت می گیرد. در حالی که در کشورهای جهان سوم، مهاجرت های معکوس نیز بیشتر دلایل اقتصادی دارد^{۵۹}.

59. K. C. Zachariah. «Bombay Migration Study». The City in Developing Countries. Prentice-Hall. New Jersey. 1969. p. 363.

مطالعات انجام شده در شهرهای هند نشان می دهد که عامل دفع در روستاها، بیش از عامل جذب در شهرها، مهاجرت ها را شدت می بخشد. گاهی اوقات نیز در شهرها عامل دفع عامل بازدارنده ای در برابر مهاجرت های روستائی می گردد. در پاره ای از شهرهای هند، میزان بیکاری میان شهروندان (نه مهاجرین) در حدود ۸/۲٪ و میان مهاجرین روستائی ۶/۴٪ می باشد. عوامل بالا بودن میزان بیکاری میان شهروندان را می توان چنین بیان کرد:

۱ — عده ای از مهاجرین روستائی تنها به امید کاریابی و انجام هرگونه کاری به شهر مهاجرت می کنند و در فکر کار مطلوب نمی باشند.

۲ — در صورت پیدا شدن هرگونه فرصتهای اشتغال در شهرها، مهاجرین روستائی اولین افرادی می باشند که به همه نوع کار، هرچند سنگین و ناخوشایند، تن درمی دهند.

۳ — اغلب مهاجرین، بعد از مدتی اقامت در شهر، در صورت عدم دست یابی به کار یا به شهر دیگر مهاجرت می کنند و یا به زادگاه خویش برمی گردند.

در شهرهای جهان سوم، امواج مهاجرین بیکار که صبحگاهان چهارراهها و خیابانهای اصلی شهرهای بزرگ را می پوشانند عامل مهم بازدارنده ای در برابر مهاجرت های روستائی می باشند^{۶۰}.

بدینسان، عامل دفع نه تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز عمل می کند.

مهاجرت های روستائی و پژوهشهای موردی:

پژوهشهای موردی در زمینه مهاجرت های روستائی، نشان میدهد که در آسیا، هر ناحیه جغرافیائی و هریک از کشورها، از خصیصه های مشترک اجتماعی و اقتصادی در مبداء و مقصد مهاجرت برخوردارند که به مهاجرت های روستائی حالت شتاب می بخشد. سطح رشد و توسعه اجتماعی — اقتصادی نقطه مقصد در حقیقت به عنوان میزان و توان جذب نیروی کار، نابرابری درآمد در شهر و روستا و کیفیت عرضه خدمات در میان شهر و روستا از عوامل مهم جریانهای مهاجرتی محسوب می شود. در آسیا در جهت آشنائی با امر مهاجرت به شهرها، نتیجه چند پژوهش موردی را در اینجا می آوریم که بیانگر سیاست برنامه ریزی و شرایط خاص ناحیه ای است:

هند:

به هنگام آخرین سرشماری در کشور هند، ۱۹۷۱، بیش از $\frac{1}{3}$ جمعیت هند در محل

60. Asish Bose. «The Urbanization Process in South and Southeast Asia». Urbanization and National Development. pp. 99-100.

اقامت خود مهاجر محسوب می شدند. در این کشور عوامل زیر نقش اساسی در جریانهای مهاجرتی داشته است:

- ۱- وجود و مداومت نابرابری و عدم تعادل در سکونتگاههای انسانی.
- ۲- کاهش تدریجی امکانات سکونتگاههای کوچک مقارن با توسعه شهرهای بزرگ و مادر شهرها در فاصله دو آمارگیری (۱۹۷۱-۱۹۶۱).
- ۳- جریانهای بزرگ مهاجرت از نواحی کم توسعه و محدود در شرایط زیربنائی (ناحیه محروم) به نواحی توسعه یافته و پرامید با شرایط مطلوب زیربنائی (ناحیه توسعه یافته).
- ۴- هجوم مهاجرتهاى معکوس از شهر به حوزه های روستائی میان سالهای ۷۱-۱۹۶۱.
- ۵- تأثیر میزان صنعتی شدن شهر و ناحیه، درجه شهرنشینی، سطح آموزش، تراکم سکونتگاهها، کیفیت مالکیت زمین هم در مبداء و هم در مقصد، سطح خدمات عرضه شده.
- ۶- انقلاب سبز با افزایش ظرفیت اشتغال و درآمد.
- ۷- دستیابی مهاجرین به انواع مهارتها، تحصیلات و درآمد بیشتر در مقایسه با زمینه های شغلی و سطح درآمد غیرمهاجرین.

اندونزی:

- ۱- نرخ بالای رشد جمعیت.
- ۲- فراهم شدن امکانات تمرکز و تراکم جمعیت در چند شهر بزرگ اندونزی.
- ۳- افزایش بیکاری در روستاها در نتیجه رشد بالای جمعیت به همراه انقلاب سبز، در اینجا زمینهای روستائی در اختیار گروه کوچک از جامعه قرار گرفت. و این عده روزه روز بر وسعت زمینهای خود افزودند. از طرفی بهره گیری از تکنولوژی جدید کشاورزی و افزایش قیمت زمین از عوامل مهم جریانهای روستائی در اندونزی بوده است.
- ۴- محدودیت سطح اشتغال در شهرهای کوچک.
- ۵- نارسائی و گاهی شکست در برنامه های مربوط به تهیه نخستین نیازها در سکونت گاههای انسانی.

فیلیپین:

- ۱- رشد زیاد اقتصاد شهری در مقایسه با اقتصاد روستائی، عدم تعادلی در سطح اشتغال و درآمد میان شهر و روستا بوجود آورد و مهاجرتهاى روستائی را سبب گشته است.

۲- جریانهای شدید مهاجرتی به نواحی بسیار توسعه یافته کشور و مهاجرت محدود به نواحی کم توسعه، این وضع از توزیع متعادل جمعیت در کشور جلوگیری کرد.

سیریلانکا:

برخلاف سایر کشورهای آسیائی، در کشور سیریلانکا به تعادل منطقی در توزیع جمعیت کشور میان شهر و روستا برخورد می کنیم و رشد معقول جمعیت در شهر و روستا به همراه مهاجرت محدود ناشی از تعقیب یک برنامه ریزی سالم می باشد که در زیر به سر خط آن اشاره می شود:

- ۱- صنعتی شدن متناسب و منطقی کشور.
 - ۲- انتخاب صحیح مراکز مهم صنعتی کشور نظیر صنایع فولاد و سیمان در مجاورت منابع مواد اولیه.
 - ۳- تغییر تدریجی از اشتغال در کشت وسیع به کشت و زراعت در مزارع به همراه مالکیت زمین و کار مستقل.
 - ۴- عواملی که به شهرنشینی و توسعه شهری امکان می دهند و یا آن را تضعیف می کنند عبارتند از:
 - ۵- عملکرد منطقی دولتها در تهیه و حمایت از نیازهای نخستین زیربنائی جامعه روستائی، تضمین قیمت محصولات کشاورزی و بیمه تولیدات کشاورزی.
 - ۶- اجرای سیاست رفاه اجتماعی نظیر کمکهای مالی، تحصیل رایگان، بهداشت و درمان رایگان در حوزه های روستائی^{۶۱}.
- البته پاره از عوامل محیطی نیز در قاره آسیا در مهاجرتها موثر می افتد از آن جمله است: ضعیف شدن خاک های کشاورزی، خشکسالی، سیل، هجوم ملخ.
- از بحث فشرده ای که در زمینه مهاجرت به شهرهای آسیائی بعمل آمد میتوان چنین نتیجه گرفت:

- ۱- همه مردم می خواهند به درآمدهای بیشتری دست یابند.
- ۲- مردم به جایی مهاجرت می کنند که مزد و حقوق بیشتری می دهند از اینرو ۹۰٪ مهاجرتها، مربوط به شرایط اقتصادی جامعه است.
- ۳- صنعتی شدن با شهرنشینی و توسعه شهری وابسته بهم عمل می کنند.

61. Bhaskara Rao. «Environmental managment and migration». Reading in Environmental management. United Nations. 1980. pp. 202-206.

منابع فصل پنجم

- Annals of Association of American Geographers. Volume 69. 1979.
- Breese, Gerald. The city in Developing countries. prentice Hall. 1969.
- Bromly, Ray. Chris Gerry. Casual work and Poverty in Third world cities. John willy, sons. 1979.
- Greenwd H. Ned and J. M. B. Edwards. Human Environments and Natural systems. Duxbury press. 1973.
- Institute of scientific co-operation. Applied Geography and Development. Tubingen. Volume 19. 1982.
- Jordan G. Terry. The European culture Area. Harper and Row. 1973.
- Mingione, Enzo. social conflict and The city-Basil Blackwell. 1981.
- Rugg S. Dean. spatial Foundations of urbanism. WM. C. Brown company publishers. 1972.
- Richmond H. Anthony and Daniel Kubat. internal migration. SAGE. 1976.
- stretton, Hugh. Urban Planning in Rich and poor countries. Oxford University press. 1978.
- Third world planning review. Vol Three No. one. 1981.
- The Geographical magazine. May 1978.

۴ — عواملی که به شهرنشینی و توسعه شهری امکان می‌دهند و یا آن را تضعیف میکنند

عبارتند از:

- الف — عوامل فیزیوگرافیکی؛ منابع طبیعی، آب و هوا.
- ب — عوامل اکولوژیکی؛ فضای زندگی، میزان جمعیت.
- ج — عوامل ژئوپلتیکی؛ وابستگی به بازارهای جهانی، انزواگزینی.
- د — عوامل اجتماعی — فرهنگی؛ همانندی قومی، ارزشهای فرهنگی.

United Nations Reading in Environmental management. 1980.
world Development. Vol 4. number 5, 1976.

Yeates H, maurice and Barry J. Garner. The North American city.
Harper, Row Publishers. 1971.

عوامل جغرافیائی و شهرهای اسلامی:

از مشخصات جغرافیائی شهرهای اسلامی، حالت درون مرزی بودن آنهاست. بدینسان که اغلب شهرهای اسلامی در داخل کشورها و در داخل خشکیهای نواحی جغرافیائی بوجود آمده و یا به اعتبار رسیده‌اند. البته این حالت سوای کیفیت توسعه شهرهای یونانی-رومی است که موقع جغرافیائی خود را از دریاها طلب می‌کردند.

آتن، کورنت^۱، کارتاژ، سیراکیوز^۲، اسکندریه، رم و قسطنطنیه از آن جمله است. حتی شهرهای مهم دو قرن اخیر کشورهای غربی مثل ونیز و ناپل، نیویورک، سن پترزبورگ (لنین‌گراد)، لیسبون، آمستردام، لندن، فیلادلفیا، کپنهاگ نیز توسعه شهری و اعتبار خود را از آبهای دنیا جسته‌اند. اما شهرهای اسلامی خاورمیانه، اغلب، موقع درون مرزی دارند نظیر ری، اصفهان، تهران، تبریز، مشهد، نیشابور، قاهره، قونیه، دمشق، حلب، بغداد، موصل. فراموش نکنیم پاره‌ای از شهرهای اسلامی مثل، استانبول که موقع بندری دارد به سبب شرایط خاص جغرافیائی و دفاعی، همواره نقش ناظر بر هجومهای خارجی داشته است و نمی‌توانسته از ارزش و اعتبار بیفتد و یا بنادری مثل طرابلس، صیدا و صور در یک دوره معین از شهرهای فعال ممالک اسلامی بشمار می‌آمدند^۳.

یکی از علل درون مرزی بودن شهرهای اسلامی به اوایل اسلام برمی‌گردد. بدینسان که اغلب شهرهایی که در دوره شکوفائی اسلام بوجود آمده‌اند در ابتدا به صورت اردوگاههای

1. Corinth.

2. Syracuse.

3. Charles Issawi «Economic Change and Urbanization in the Middle East». Middle Eastern Chies. University of California Press, 1966. p. 106.

مسلمانان بودند این اردوگاهها در حاشیه صحاری به تمرینات نظامی مسلمانان اختصاص داشت. بصره، کوفه و فسطاط از آن جمله است.

زمانی که مسلمانان به مصر، عراق و رم حمله می کردند زنان و کودکان خود را نیز با خود می بردند و وقتی که شهری را می گشودند در بیرون شهر چادر می زدند و در همان چادرها که در واقع اردوگاهشان بود با زن و فرزند اقامت می کردند مدتی که می گذشت خواه ناخواه مجبور می شدند خانه ها و بازارها و عمارات دیگری در آن بسازند و به تدریج شهرهای کوفه، بصره و فسطاط از آن اردوگاهها پدید آمدند.^۴

می دانیم که بیشتر کشورهای جهان اسلام در مناطق خشک و نیمه خشک قرار گرفته است. از این رو پاره ای از شهرهای اسلامی در نقش (بنادر صحرائی) ظاهر شده اند. این شهرها، در طول قرنهای همه کاروانیان را پناه می دادند و در مبادله و توزیع کالاهای تجاری به مثابه یک بندر دریائی معتبر عمل می کردند. دمشق، حلب، کرمان و یزد از آن جمله است. از طرفی، شهرهایی هم که در ایجاد آنها خلفا و حکمرانان موثر بوده اند حالت درون مرزی داشته اند بغداد، سامره، قاهره نمونه روشن آن است. بدینسان می بینیم که شهرهای اسلامی، همواره به حالت درون مرزی پناه برده و از دریاها دوری می جستند. پاره ای از شهرها نیز که نقش خود را از بارگاههای دینی بدست آورده اند حالت درون مرزی دارند.

به طور کلی، شهرهای اسلامی، در محیطهای گوناگون جغرافیائی، در دشتهای ساحلی، دامنه کوهستانها، در حاشیه صحاری، در واحه ها، استپها و در مناطق جنگلی بوجود آمده اند. روشن است که همه این عوامل جغرافیائی در شکل گیری، توسعه و مورفولوژی شهرهای اسلامی اثرات چشمگیری داشته است. در این میان منابع آب و خاک حاصلخیز بیش از سایر عوامل جغرافیائی در بنیان و ادامه حیات شهرها بسیار مؤثر افتاده اند. شهرهای اسلامی ناحیه مدیترانه علاوه از شرایط محیطی از فرهنگ شهری یونانی، رومی و بیزانس نیز تأثیر پذیرفته اند. در همه شهرهای اسلامی در مدرسه ها، رصدخانه ها، مساجد، قصرها، کاروانسراها، بازارها، شرایط جغرافیائی، به همراه سنتهای فرهنگی عمل کرده است. شاید کمتر نواحی جغرافیائی را در دنیا سراغ داشته باشیم که مثل شهرهای اسلامی خاورمیانه، تا این حد رنگ محیط طبیعی بخود بگیرد و از محیط زیست و ناحیه جغرافیائی خود متأثر گردد. در شهرهای اسلامی، معمار مسلمان کوشش کرده است که اثرات خشونت بار آب و

۴- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام. ترجمه و نگارش علی جواهر کلام. صفحه ۳۸۱.

5. V.F. Costello. Urbanization in the Middle East. Cambridge University Press. 1977. p. 5.

هوائی را با طرحهای معماری تعدیل کند. سقف پوشیده بازارها، حیاط بزرگ و پردرخت مساجد و خانه ها، آب نماها و حوضهای بزرگ خانه ها، کاروانسراها، مساجد و بازی نور و آب در این حوضها، دیوارهای گلی و بلند واحدهای مسکونی و ایوان خانه ها همه در جهت جلوگیری از شرایط نامساعد آب و هوائی و زیباسازی و سالم سازی محیط زیست شهری صورت گرفته است.

میان سالهای ۱۹۲۰-۱۸۰۰، که نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی بیشتر می شود شهرهای اسلامی خاورمیانه، ناگزیر با شبکه های مهم ارتباطی تجاری و مالی جهان پیوند می خورد و اروپائیان به عنوان مأمورین سیاسی، بازرگانان، کارشناس فنی، با سرمایه گذاری در منابع معدنی، کارخانه ای و یا مواد خام به شهرهای اسلامی وارد می شوند. روشن است که به موازات ورود اروپائیان، صادرات بیشتر مورد تأکید قرار می گیرد.

با ورود اروپائیان، اقتصاد درون مرزی شهرهای اسلامی که خاص شهرهای داخلی بود شکسته می شود و اقتصاد برون مرزی حاکمیت می یابد. از این رو لازم می آید که بنادر جدیدی ایجاد شود و بنادر کوچک موجود توسعه یابد. ایجاد، توسعه و شکوفائی بنادری چون پورت سعید، اسکندریه، بیروت، تریپولی، حیفا، بصره، بحرین، ازمیر، کازایلانکا، طنجه، رباط، آقادر و آبادان همه ناشی از تمایل شدید به یک اقتصاد برون مرزی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بوده است. البته در توسعه بنادر مسلمان نشین شمال آفریقا، مهاجرت صدها هزار فرانسوی، اسپانیائی و ایتالیائی بسیار مؤثر افتاده و ساخت بخشی از شهرهای مسلمان نشین این ناحیه را کاملاً در اختیار خود گرفته است و شهرهایی با دو چهره کاملاً متضاد بوجود آوردند که از مشخصات اکولوژیکی شهرهای استعمارزده خاورمیانه است.

توسعه شتاب زده بنادر کشورهای اسلامی با افزایش درجه شهرنشینی و توسعه شهری، همراه نبوده است. بدینسان که هر چند، چند بندر و شهر بزرگ به توسعه می رسید و افزایش جمعیت پیدا می کرد اما درجه شهرنشینی همچنان پائین بود. پائین بودن میزان شهرنشینی در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ناشی از دو عامل زیر بوده است:

۱- توسعه بنادر به قیمت عقب ماندگی و توقف سایر شهرها تمام شده است. بخشی از تجارت قاهره به اسکندریه و پورت سعید انتقال یافت. بیروت بخشی بزرگی از تجارت دمشق و حلب و بنادر کوچک مثل صیدا را به خود اختصاص داد.

۲- کاهش صنایع دستی و پیشه وری، سبب شد که از توسعه سریع شهرهای طلب، دمشق، بغداد، قاهره، تبریز، اصفهان، بوسرا، آماسیا، دیاربکر جلوگیری شود و این شهرها تنها

توانستند در برابر بنادر پررونق کشورهای اسلامی به رشد آرام خود ادامه دهند. در این توسعه آرام شهری، گاهی کاهش جمعیت برخی از شهرها، عوامل تجاری، گسترش شیوه زندگی غربی، توسعه کشاورزی در پاره‌ای از روستاها و شاید عوامل دیگر موثر بوده است. بی‌جهت نیست که مهاجرت از روستاها به شهرها، در کشورهای اسلامی خاورمیانه، تا جنگ اول جهانی فوق‌العاده ناچیز بوده است.^۶

از دهه ۱۹۲۰ به بعد یعنی در ۶۰ سال گذشته، رشد سریع جمعیت، کشف و بهره‌برداری از معادن نفت، اثرات ناشی از جنگ دوم جهانی، خروج دسته‌جمعی خارجی‌ان از پاره‌ای از شهرها، کمکهای خارجی، استقلال برخی از کشورها و امر صنعتی شدن، در افزایش میزان شهرنشینی و توسعه شهری از عوامل تعیین‌کننده به‌شمار می‌روند. این عوامل در برخی کشورها، جماعات انسانی را از داخل کشورها به سواحل و بنادر کشانیده و در بعضی کشورها، به شهرهای درون‌مرزی توسعه شتاب‌آلودی بخشیده است. امروزه که بر شتاب توسعه شهری و شهرنشینی در کشورهای اسلامی خاورمیانه افزوده شده است. می‌توان مشخصات زیر را در مورد شهرهای اسلامی بیان کرد:

۱ — جمعیت فوق‌العاده زیاد نخستین شهر کشورهای اسلامی، تا آنجا که گاهی ۳ تا ۸ برابر دومین شهر جمعیت دارد و ظهور جهان‌شهرهای جدیدی را امکان می‌دهد. در نخستین شهرهای ممالک اسلامی معمولاً ۳۰٪ تا ۷۰٪ شاغلین به صنعت گرد آمده‌اند. در همان حال این قبیل شهرها از مراکز مهم فرهنگی کشورهای اسلامی نیز بشمار می‌روند. قاهره، استانبول، تهران، بغداد، تونس از آن جمله است و این آغازی است در جهت تشکیل مگالاپلیس در کشورهای اسلامی، بدانسان که هم‌اکنون مقدمه آن با توسعه شهرهای اسکندریه و قاهره و به هم پیوستگی آنها به عنوان یک مگالاپلیس فراهم آمده است. کشورهای نفت‌خیز اسلامی، بالاترین درآمدهای حاصل از نفت را بیشتر در نخستین شهر خود صرف می‌کنند.

۲ — در داخل شهرها، هنوز هم هر محله‌ای به صورت یک گتو عمل می‌کند. از یک نوع استقلال و هویت خاصی برخوردار است. روابط قومی، قبیله‌ای، مذهبی و زبانی حاکم بر آنهاست.

۳ — مطالعات انجام شده در شهرهای اسلامی بیانگر این واقعیت است که بیشتر مهاجرتها روستائی عامل اقتصادی دارند. ۶۵٪ مهاجرین شهر بیروت، ۶۰٪ مهاجرین

6. Charles Issawi «Economic Change and Urbanization in the Middle East». Middle Eastern Cities. University of California Press. 1969. p. 110.

اسکندریه و بیشتر مهاجرین شهرهای استانبول، آنکارا و بغداد به جهت شرایط نارسای اقتصادی در روستاها، به شهرها مهاجرت کرده‌اند. اصولاً بیشتر مردمی که امروزه در شهرهای اسلامی زندگی می‌کنند منشاء روستائی دارند و بخشی نیز از شهرهای کوچک آمده‌اند.

۴ — همه درآمدها و یا کمکهای خارجی، در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی و یا به صورت هزینه‌های نظامی خرج می‌شود و در نهایت از این جریان، جمعیت شهرنشین بهره‌مند می‌گردد.

۵ — افزایش سالیانه جمعیت در کشورهای اسلامی در دهه ۱۹۲۰ در حدود ۱٪ بوده است که هم‌اکنون این میزان به ۳٪ افزایش یافته است.

اروپائیان و شهرهای اسلامی:

از قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰، استعمار اروپا یک دوگانگی به شهرهای اسلامی تحمیل کرد. این دوگانگی با افزودن شهر اروپائی به شهرهای قدیمی و اسلامی بوجود آمد: تونس، الجزایر، فاس^۷، رباط نمونه‌ای بر این گفته است. شهر اروپائی غالباً در بیرون از دیوارهای شهر قدیمی ساختمان می‌شد. از طریق این شهر اروپائی، شهروندان مسلمان با شیوه زندگی اروپائیان آشنا می‌گشتند. عده‌ای از اعراب با پذیرش شیوه زندگی اروپائیان نه تنها ساخت فیزیکی شهرها بلکه بافت فرهنگ شهری را نیز به دوگانگی کشانند.

بعد از ورود استعمار، در کوتاه‌مدت، اهمیت اجتماعی- اقتصادی شهر قدیم به سرعت کاهش می‌یافت و نقش دولتی و سیاسی شهر در بخش اروپائی نشین جا می‌گرفت. بخش دولتی به موازات ایجاد مرکز جدید تجاری در شهر اروپائی یعنی در بخش جدید شهر، بوجود می‌آمد. مرکز جدید تجاری با بازار قدیم شهر به رقابت نمی‌پرداخت، زیرا مرکز جدید، مشتریان ویژه خود را داشت. اما کانون جاذبه شهر جابجا می‌گشت و این کانون به مرکز جدید تجاری انتقال می‌یافت.

به محض توسعه بخش اروپائی نشین یا شهر اروپائی، خانواده‌های ثروتمند، شهر قدیم را ترک می‌گفتند تا در بخش اروپائی نشین به امکانات و تجهیزات تازه‌ای دست یابند. در اغلب شهرهای اسلامی، تقریباً ۴۰ سال بعد از تسلط استعمار، همه خانواده‌های ثروتمند جامعه شهری، حتی بخش بزرگی از طبقه دوم، شهر قدیم را ترک کردند. به جای این عده، مهاجرین روستائی و یا مهاجرین شهرهای کوچک وارد بخش قدیم شهر شدند. با شدت یابی

7. Ibid.

۱ - حشرات موذی و موش.

۲ - انواع سموم و میکربها.

۳ - آتش سوزی و عدم دسترسی به وسایل خاموش ساختن آتش.

۴ - اثرات یخ بندان، سرماهای شدید و بارندگیها.

۵ - لوله کشی ناقص محله و خانه.

۶ - خطرات ناشی از سیمهای برق محله و یا خانه.

۷ - خطرات ناشی از انباشت زباله ها در مجاورت خانه و یا داخل آن.

۸ - ساختمان نامطمئن خانه و نگرانی دایمی از آن.

عوامل انسانی:

۱ - زور و تعدی همسایگان، احیاناً تصرف دارایی آنها.

۲ - حمله افراد، خشونت های بی جا در محله مسکونی.

۳ - انواع دزدیها و ترس و نگرانی از بیکاران محله و جوانان همسایه.

۴ - خشونت از اعضای خانواده خود.

شناخت فاصله اجتماعی:

در شهرها، وقتی که حوزه های اجتماعی مشخص گردد موضوع فاصله اجتماعی میان این حوزه های اجتماعی مطرح می شود. فاصله اجتماعی به درجه ای از جدایی گزینی اکولوژی یکی افراد، خانواده ها و گروه های ساکن در شهر اطلاق می شود. میزان درک گروه های انسانی از منطقه سکونتی همدیگر در حوزه های اجتماعی، با عوامل چندی از قبیل عامل اقتصادی، عامل اجتماعی و عامل روانی بستگی دارد. اگر فاصله اجتماعی میان گروه های شهری بیشتر باشد در آن صورت برای اعضای یک گروه مشکل خواهد بود که بتوانند خودشان را با گروه دیگر تطبیق دهند. اما در صورت وجود فاصله اجتماعی کمتر، گروه ها با احساس نزدیکی و عملکردهای مشابه، به تحرک خانواده ها در حوزه های یکدیگر امکان می دهند.

در جهت شناخت و سنجش فاصله اجتماعی میان حوزه های اجتماعی، معیارهای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - به گروه دیگر اجازه خویشاوندی به وسیله عامل ازدواج داده شود.

۲ - به گروه دیگر امکان دوست گزینی وجود داشته باشد.

۳ - به گروه دیگر اجازه استفاده از محل گذران اوقات فراغت داده شود و ورود آنها

با علاقه و رغبت پذیرفته گردد.^۸

شاخصهای انتخابی و حوزه های اجتماعی:

در جهت شناخت حوزه های اجتماعی به ویژه به هنگام مطالعه اکولوژی تطبیقی از شهرها، شاخصهای گوناگونی بکار گرفته می شود که نمونه هایی از آن در زیر می آید:

منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی:

۱ - % کارفرمایان در نیروی کار. ۲ - نیروی کار شاغل.

۳ - % نیروی کار در تجارت. ۴ - % نیروی کار در امور مالی.

۵ - % نیروی کار در تولیدات کارخانه ای. ۶ - % کارگران در بخش ساختمان، دستفروشی.

۷ - % شاغلین در امور علمی، فنی و تخصصی. ۸ - % مدیران و کارمندان عالیرتبه.

۹ - % کارمندان اداری و دفتری. ۱۰ - % کارگران در مشاغل تولیدی و ارتباطات

۱۱ - حد متوسط درآمد خانواده ها. ۱۲ - % بیسوادای در زنان و مردان حوزه اجتماعی

۱۳ - میزان تحصیلات مردان. ۱۴ - میزان تحصیلات زنان.

۱۵ - % مردان و زنان بیکار. ۱۶ - حد متوسط افراد در هر اطاق.

مشخصات واحدهای مسکونی:

۱ - حد متوسط ارزش خانه. ۲ - % واحدهای مسکونی تک خانواری.

۳ - % مالکین خانه در حوزه اجتماعی. ۴ - میزان تراکم افراد در هر واحد مسکونی.

۵ - کیفیت فیزیکی واحدهای مسکونی. ۶ - تجهیزات داخلی واحدهای مسکونی.

مشخصات جمعیتی:

۱ - % تغییرات جمعیتی میان دوسرشماری. ۲ - میزان تراکم جمعیت در سطح حوزه اجتماعی

۳ - میزان باروری. ۴ - % جمعیت ۱۴ - ۰ سال.

۵ - % جمعیت ۲۴ - ۱۵ سال. ۶ - % جمعیت ۴۴ - ۲۵ سال.

۷ - % جمعیت ۶۴ - ۴۵ سال. ۸ - % جمعیت ۶۵ سال و به بالا.

۹ - % مردان در نیروی کار. ۱۰ - % زنان در نیروی کار.

۱۱ - % افراد پانزشته. ۱۲ - % زنان خانه دار.

۱۳ - % جمعیت مرد. ۱۴ - % جمعیت زن.

۱۵ - % مجردها. ۱۶ - % بیوه ها.

۱۶ - % میزان طلاق. ۱۷ - حد متوسط ابعاد خانواده ها.

منزلت اجتماعی و انتخاب محله مسکونی:

هر جامعه شهری به هر وسعتی که باشد مردم آن علاقمندند که در مجاورت گروهی زندگی کنند که منزلت اجتماعی برابر با آنها دارند یعنی مثل خودشان هستند. از این رو می بینیم که محلات شهری از یکدیگر بسیار متفاوتند. گروههای کم درآمد، در محلات عقب مانده زندگی می کنند و گروههای پردرآمد، محلات و حومه های سالم و زیبای شهرها را انتخاب کرده اند. طبقه متوسط شهری، جای مخصوص بخود دارد. پس جامعه شهری از حوزه های اجتماعی متفاوت و پیچیده ای تشکیل می شود. خانواده های شهری به هر طبقه ای تعلق داشته باشند به هنگام انتخاب محله مسکونی تحت تأثیر چهار عامل مهم قرار می گیرند:

۱- میزان درآمد:

در داخل شهرها، قیمت واحدهای مسکونی از محله ای به محله دیگر تفاوت پیدا می کند و این تفاوت قیمت گاهی به چند برابر می رسد. روشن است، طبقه کم درآمد در محلات سالم شهری که قیمت مسکن زیاد است قادر به خرید مسکن نخواهد بود و شهر این طبقه را مجبور می سازد تنها در محلات معین شهری که قیمت و اجاره مسکن پایین است زندگی کنند. محلات سالم و زیبای شهر ویژه طبقه پردرآمد خواهد بود.

۲- پایگاه اجتماعی:

این عامل گاهی وابسته به درآمد و زمانی پیوسته با سطح فرهنگی خانواده هاست. با وجود این، خانواده ها از پایگاه اجتماعی، مفاهیم گوناگونی می طلبند. ممکن است عده ای از خانواده ها با درآمد برابر، محلات مختلفی را جهت زندگی خود انتخاب کنند. اصولاً ارزشهای محله ای نزد خانواده ها متفاوت است. این به ویژه بیشتر در شهرهای جهان سوم صادق است.

۳- ساخت خانواده ها:

هر خانواده، دوره هایی در زندگی دارد. ابتدا از زن و مرد آغاز می شود بعد فرزندان بدنیا می آیند و خانواده به حداکثر ابعاد خود می رسد: فرزندان بزرگ شده و خود، خانواده ای تشکیل می دهند و خانه پدری را ترک می کنند. در این وقت ابعاد خانواده کوچک می شود و بالاخره با افزایش سنین پدر و مادر، یکی یا هر دو فوت می کنند. در هریک از این دوره های زندگی، انتخاب محل مسکن و وسعت آن، جابجایی در داخل شهرها را سبب می شود.

۴- علاقه به جابجایی:

در جامعه شهری، عده ای از خانواده ها، بدون در نظر گرفتن افزایش فاصله میان محل کار و محل زندگی به جابجایی تن در می دهند. تحرک خانواده های شهری با میزان درآمد، منزلت اجتماعی و دوره های زندگی در رابطه است. روشن است که در داخل شهرها، خانواده هایی از تحرک بیشتر برخوردارند که از درآمد و پایگاه اجتماعی پردوامی بهره مندند. خانواده های قدیمی و خانواده هایی که ابعاد محدودی دارند کمتر به جابجایی علاقه نشان می دهند. برعکس، خانواده های جوان و خانواده هایی که ابعاد وسیعی دارند بیشتر در حال تحرک و جابجایی اند. در این حالت نقش رانندگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی بسیار مهم می نماید.^۹

به هنگام مطالعه محلات مسکونی شهرهای امروزی، با توجه به جریانهای فکری و هنری، به بعضی از محلات شهری برخورد می کنیم که صاحبان مشاغل ویژه ای را در خود جای داده اند. در اغلب موارد هنرمندان، نویسندگان، موسیقی دانان، هنر پیشه گان و سایر شاخه های تخصصی و هنری در سنین بزرگسالی معمولاً بخشهای داخلی شهرها را جهت زندگی خود انتخاب می کنند و این انتخاب بیشتر به سبب ترافیک سنگین شهر، اتلاف وقت زیاد به هنگام رفت و آمد، خستگی ناشی از رفت و آمد و تأثیر آن در کاهش فعالیتهای فکری، از همه مهمتر به جهت وجود کانونهای فرهنگی و هنری در بخش داخلی شهرها، صورت می گیرد. این گروه از مردم، از شیوه زندگی شهری لذت می برند، کافه های شلوغ و پارکهای داخلی شهرها را دوست می دارند و به میراثهای فرهنگی جامعه که در داخل شهرها قرار دارد احترام می گذارند. زوجین بدون فرزند، زنان بیوه، زنان مطلقه نیز به بخشهای داخلی شهرها بیش از حومه ها علاقه دارند.

محرومین جامعه، شکست خوردگان و معتادان نیز به سبب عدم توجه جامعه شهری، از دست دادن فرصتهای زندگی و زمینه های شغلی و فقدان درآمد معمولاً به عقب مانده ترین و محرومترین محلات شهری پناه می برند.

جبر محیط شهری در انتخاب منطقه مسکونی:

همانگونه که دیدگاههای اکولوژی کلاسیک نشان داده است ساخت فضای زندگی، شهر را عامل رقابتهای گروهی و تحرک تشکیل می دهد. هر گروهی در شهر، به هنگام انتخاب منطقه مسکونی، معمولاً با این سؤال روبرو می شود: کجا باید زندگی کرد؟ در این

9. James o. Wheeler. The Urban Circulation Noose. Duxbury Press. Massachusetts. 1974. P. 36.

مرحله که انتخاب و تصمیم‌گیری مطرح است سه عامل بیش از همه مؤثر می‌افتد: قیمت واحدهای مسکونی و میزان اجاره بها، کیفیت مسکن و محله مسکونی. قیمت واحدهای مسکونی و یا میزان پرداختی به اجاره خانه با میزان درآمد فرد یا خانواده بستگی دارد. کیفیت و نوع مسکن با پایگاه خانوادگی، ابعاد خانواده، دوره‌های زندگی، سبک و شیوه زندگی در رابطه است. همه اینها در انتخاب محله و همسایگان دخالت دارد و در آخر، محل کار و روزه مرتبط می‌شود. در انتخاب محله مسکونی، افراد خانواده‌ها به آن حوزه اجتماعی مراجعه می‌کنند که ساکنینش به زندگی، به شیوه آنها می‌نگرند.^{۱۰}

تصمیم به انتخاب واحد مسکونی

مشخصات فردی	مشخصات واحد مسکونی
درآمد	قیمت
دوره‌های زندگی	نوع و کیفیت مسکن
سبک زندگی	پایگاه همسایگان، نوع مؤسسات
عزیمت به محل کار	محل انتخابی نسبت به محل کار

بدون شک عامل بسیار مهم در تصمیم‌گیری به هنگام انتخاب مسکن، میزان درآمد می‌باشد. یک خانواده با فرزندان زیاد خود به خانه مستقل با فضای کافی احتیاج دارد اما در صورت پایین بودن میزان درآمد، امکان خرید یا اجاره خانه مورد نیاز عملی نخواهد بود.

در شهرهای امروزی، تنها عده معدودی از خانواده‌ها قادرند در هر منطقه و محله شهری که بخواهند مسکن انتخاب کنند و این انتخاب تنها در مورد طبقه پردرآمد شهری صادق است و بقیه مردم شهر باید نسبت به پایگاه اجتماعی - اقتصادی خود در محلات معینی زندگی کنند. از این رو اکثریت مردم شهری در انتخاب مسکن و محله مسکونی از آزادی کاملی برخوردار نیستند. از طرفی بیشتر خانواده‌های شهری به یک گروه اجتماعی - اقتصادی، قومی، نژادی، مذهبی و بالاخره به شیوه زندگی خاص تعلق دارند و این وابستگی از میزان توانایی آنها نسبت به انتخاب محله و منطقه مورد تقاضا می‌کاهد. چنین می‌نماید که به هنگام انتخاب منطقه مسکونی، عامل اقتصادی نه تنها در زمینه قیمت زمین - خانه و میزان اجاره بها نقش اساسی دارد بلکه در موقع محل مسکونی نسبت به محل کار، خدمات عمومی و سایر مکانهای مورد نیاز

10. Brian J.L. Berry and D. Kasarda Contemporary Urban Ecology. Collier Macmillan Publishers. New York. 1977. P. 126.

نیز اثر می‌بخشد. مدت و هزینه رفت و برگشت نیز عاملی است که در انتخاب مسکن همواره مورد نظر است و وابستگی نزدیکی میان سهولت دسترسی و هزینه‌ها با محل مسکونی دیده می‌شود. با وجود این ممکن است وابستگی فوق به سبب تغییرات تکنیکهای حمل و نقل تعدیل گردد. ارزش نسبی سهولت دسترسی، با توانایی خانواده‌ها در جهت تهیه و دریافت کالاهای و خدمات سنجیده می‌شود. در اینجا نیز طبقه پردرآمد شهری به عامل کیفیت محله مسکونی بیش از عامل «سهولت دسترسی» اهمیت قائل می‌شود زیرا طبقه پردرآمد که بطور گسترده از امکانات حمل و نقل بهره‌مند است کاهش امکانات سهولت دسترسی را احساس نمی‌کند. طبقه پردرآمد به هر قیمتی که باشد می‌خواهد در محله یا منطقه‌ای زندگی کند که بدان علاقمند است. در حالی که طبقه کم درآمد شهری، توانایی حداقل انتخاب را دارد. بی‌جهت نیست که عده‌ای از محققین معیار شناخت مفاهیم مناطق زناغه‌ای را در حداقل توانایی خانواده‌ها در انتخاب مسکن و منطقه مسکونی جستجو می‌کنند و معتقدند که زناغه‌ها محصول جبر محیط زیست شهری اند تا تصمیم‌گیری آزادانه خانواده‌ها یا طرح و نقشه از قبل تعیین شده.^{۱۱}

در پاره‌ای موارد، طبقه کم درآمد مجبور است در مجاورت محل کار خود، مسکن انتخاب کند تا با فاصله‌گیری محل مسکونی با محل کار، هزینه رفت و برگشت روزانه رقم درشتی را در هزینه روزانه تشکیل ندهد. از این رو تصمیم به انتخاب محله از طبقه کم درآمد در شهرها سلب می‌شود. بی‌جهت نیست که در شهرها نسبت ناچیزی از خریداران مسکن را طبقه کم درآمد تشکیل می‌دهد و بیشتر جابجاییها و نقل مکانها به محلات جدید شهری به خانواده‌های پردرآمد و یا با درآمد متوسط تعلق دارد.

در شهرهای امروزی، مناطق مسکونی از جهت ساخت فیزیکی، هماهنگی با محیط، زمان توسعه، وضع جغرافیایی، شهرت و اعتبار عمومی، میزان امنیت، چشم انداز محیطی، قدرت سیاسی، مشخصات خانواده‌های ساکن و رفتار اجتماعی افراد با یکدیگر متفاوت می‌باشند گاهی اوقات به هنگام انتخاب منطقه مسکونی، خانواده‌ها تنها روی یک عامل تکیه می‌کنند و زمانی نیز شرایط بیشتری را در نظر می‌گیرند. تفاوت‌های موجود میان محلات شهری برای تربیت کودکان به ویژه تا سن ۱۰ سالگی مهم می‌نماید و اغلب کودکان مسائل اجتماعی محیط خود را از دوستان، همبازیها و همسایگان مجاور فرامی‌گیرند. محله مسکونی و زمین بازی، در عین حال محل یادگیری و یا انواع بدآموزیهاست. کودکان همه آنچه را که

11. Duncan Timms. The Urban Mosaic. Cambridge University Press. England. 1971. P. 119.

فرامی گیرند از اعضای خانه، افراد فامیل، دوستان دبستانی و کودکان محله خود می باشد. به سخن ساده تر، هر کودکی به شدت تحت تأثیر خرده فرهنگ منطقه مسکونی خود قرار می گیرد.

در انتخاب منطقه مسکونی، عامل شغل نیز مؤثر می باشد مثلاً کارمندان اداری و دفتری پیش از کارگران ما هر که درآمد بیشتری دارند اما از تحصیلات پایین تری برخوردارند به منطقه مسکونی خود اهمیت قائل می شوند و نسبت بیشتری از درآمد ماهانه خود را به اجاره یا خرید خانه اختصاص می دهند.

عوامل مؤثر در جابجایی و انتخاب واحد مسکونی:

- ۱ — سن رئیس خانواده.
 - ۲ — ابعاد خانواده.
 - ۳ — موضوع مالکیت خانه.
 - ۴ — میزان تحصیلات رئیس خانواده.
 - ۵ — منزلت اجتماعی خانواده در مقایسه با خانواده های ساکن در محله.
 - ۶ — احساس پیشرفت اجتماعی رئیس خانواده در سالهای آینده.
 - ۷ — میزان گرایش نسبت به مسکن فعلی.
 - ۸ — میزان علاقه نسبت به منطقه مسکونی.
- اغلب خانواده ها به این سبب مسکن قبلی خود را ترک می کنند که نیازهای خانواده و حساس رضایت اعضای خانواده در محله انتخابی بیشتر تأمین می شود و در عین حال از عدم رضایت و احساس کمبود در منطقه و خانه قبلی رها می گردند. در جابجایی خانواده ها به فضای جدید زندگی، موارد زیر همواره قابل بررسی می باشد:
- ۱ — اغلب خانواده ها به محلاتی کوچ می کنند که از جهات مختلف اجتماعی اقتصادی با خانواده های ساکن در آن محلات احساس برابری می کنند.
 - ۲ — روشهای زندگی، طرز نگرش به جامعه شهری و طرز تلقی از مفاهیم زندگی میان خانواده های شهری تفاوت های روشنی دارد.^۱
- به هنگام جابجایی خانواده ها، در مرحله انتخاب منطقه مسکونی و تصمیم گیری به خرید یا اجاره خانه در منطقه مورد نظر معمولاً عامل به شرح زیر مؤثر می افتد:
- ۱ — سهولت دسترسی به مکانها و مؤسسات مورد نیاز در رابطه با وسعت شهر.

- ۲ — شرایط فیزیکی منطقه انتخابی.
- ۳ — وسیله لازم در جهت تهیه نیازها و خدمات.
- ۴ — مسائل مالی، خرید مسکن به عنوان انتخاب و ذخیره بهترین محل برای ارزش و اعتبار پول.
- ۵ — محیط اجتماعی منطقه انتخابی.
- ۶ — میزان سازگاری با محیط اجتماعی منطقه.
- ۷ — مجاورت نسبت به امکانات و تجهیزات منطقه مثل درمانگاه، بیمارستان، مدرسه، پارک و...
- ۸ — مشخصات مکان و موقع آن.
- ۹ — کیفیت واحد مسکونی.

یادآور می شویم که ۹ عامل فوق از شرایط اساسی تصمیم گیری در انتخاب منطقه مسکونی بشمار می آید اما عوامل دیگری نظیر: مجاورت با دوستان و آشنایان، دوری گزینی از آلودگیهای شهری، محیط مساعد برای تربیت کودکان، چشم انداز زیبا، فضای سبز لازم، فاضل آب منطقه، فاصله نسبت به محل کار روزانه، پاکیزگی محیط منطقه و محله، امنیت محیط زندگی، مجاورت با محیط طبیعی دلپسند نیز در انتخاب منطقه و واحد مسکونی نقش اساسی دارند.^{۱۲}

در انتخاب منطقه مسکونی سه مرحله جدا از هم تشخیص داده می شود:

- ۱ — معیار گزینی: معیار گزینی اولین مرحله در انتخاب منطقه و مسکن تازه محسوب می شود. در این مرحله، خانواده ها با معیارهای کاملاً روشن خود نظیر تعداد اطاق مورد نیاز، میزان قیمت و مشخصات فیزیکی و اجتماعی منطقه به دنبال واحد مسکونی مورد تقاضا می گردند.
- ۲ — بررسی و تحقیق: در این مرحله، پایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی خانواده ها نقش اساسی ایفا می کند و با توجه به این پایگاهها در منطقه کاملاً معین بررسی و تحقیق می شود. در مرحله بررسی چند منبع اطلاعاتی بکار گرفته می شود که تماسهای شخصی با دوستان و آشنایان، مطالعه آگهیهای مربوط به خرید و فروش مسکن در روزنامه و مراجعه به بنگاههای معاملاتی از آن جمله است. شاید بیش از ۵۰٪ خرید واحدهای مسکونی از طریق تماسهای شخصی صورت می گیرد و خانواده های کم درآمد بیشتر به این وسیله متوسل می شوند.

در حالی که طبقه پردرآمد و طبقه متوسط شهری به آگهیهای روزنامه‌ها و مراجعه به بنگاههای معاملاتی بیشتر علاقمندند.

۳- انتخاب: در این مرحله با توجه به همه شرایط فوق، منطقه مسکونی و مسکن مورد نیاز انتخاب می‌شود.

افراد به هنگام انتخاب واحد مسکونی دقت در موارد زیر را لازم می‌شمرند:

- ۱- وضع عمومی واحد مسکونی.
- ۲- تجهیزات مسکن.
- ۳- کیفیت اداره مسکن به وسیله مالک قبلی.
- ۴- وضع دیوارها و سقفها.
- ۵- شرایط نورگیری اطاقها.
- ۶- وضع کف اطاقها.
- ۷- کیفیت تعبیه پنجره‌ها.
- ۸- شرایط بخشهای داخلی ساختمان.
- ۹- کیفیت بیرونی واحد مسکونی.
- ۱۰- نوع قطعات تشکیل دهنده مسکن.
- ۱۱- کیفیت ساخت مسکن.
- ۱۲- میزان آلودگی صوتی در قسمتهای مختلف مسکن.
- ۱۳- وضع کوچه‌ها و خیابانهای اطراف محله.
- ۱۴- وضع واحدهای مسکونی محله.
- ۱۵- سنجش امتیازات مثبت و منفی واحدهای مسکونی.

مفاهیم محله:

در ساده‌ترین تعریف، محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود. خانواده‌ها نسبت به محله مسکونی همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می‌بینند. بی‌جهت نیست که در محلات طبقه کم‌درآمد، کوچه‌ها و خیابانهای محله به همان اندازه مورد استفاده کودکان، جوانان و سالمندان قرار می‌گیرد که خانه مسکونی آنها. در این قبیل محلات بیشتر وقت مردم محله در کوچه‌ها و خیابانها می‌گذرد و برای آنها محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت‌بخش می‌نماید. کلاذ براون، با توجه به شرایط زندگی در هارلم نیویورک در داستان (پسرچه‌ای در سرزمین موعود)^{۱۳} چنین می‌نویسد: «من همواره هارلم را به مثابه خانه خودم می‌پندارم اما هرگز تصور نمی‌کنم که هارلم در خانه من است برای من خانه همان خیابانهاست» محله‌های قدیمی معمولاً ریشه در تاریخ کشورها دارند و در موارد بسیار تاریخ کشورها با تاریخ این محله‌های قدیمی پیوند می‌خورد.

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و

13. Claude Brown. *Manchild in the Promised Land*. 1965.

اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم بوجود می‌آید. برای تشکیل یک محله شهری شرایط چندی لازم می‌باشد:

- ۱- دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد.
- ۲- پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر.
- ۳- وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.^{۱۴}

در محلات، افرادی که بر پایه خانه مجاور هم زندگی می‌کنند همسایه گفته می‌شود. ارتباط همسایگان در محلات شهری، به هنگام نیاز و بحران بیشتر می‌شود و تعاون و همیاری آنها افزایش می‌یابد: مراسم تدفین، جمع‌آوری امانه، آتش‌سوزی، عدم امنیت از آن جمله است. میزان وابستگی و ارتباط همسایگان در روستاها بیش از شهرهاست و با توجه به کیفیت کار در روستاها همیاری همسایگان بیشتر شدت می‌یابد تا آنجا که نگهداری کودکان بی سرپرست و بی‌مادر را غالباً همسایگان به عهده می‌گیرند. در محلات قدیمی به ویژه در محلات طبقه کم درآمد ارتباط همسایگان نه مثل روستاها اما با تعاون و همیاری بیشتر همراه است. ارتباط همسایگان در محلات طبقه کم درآمد از طریق عبادتگاهها، باشگاههای ورزشی، قهوه‌خانه‌ها و کوچه‌ها صورت می‌گیرد. روابط همسایگی در محلات طبقه پردرآمد به شدت تضعیف می‌شود و به روابط همسایگی کمتر احساس نیاز می‌گردد.

محله یکی از تقسیمات کوچک شهر بشمار می‌آید. امکانات رفاهی و گذران اوقات فراغت در آن تنها برای رفع نیازهای ساکنین، تهیه و تدارک می‌شود. در دنیای غرب، مطالعه محله به عنوان یک واحد اجتماعی، ابتدا به وسیله رابرت پارک و رودریک مکنزی از پیشگامان اکولوژی شهری مکتب شیکاگو در سال ۱۹۲۶ آغاز می‌شود. این محققین شاید برای اولین بار در یک محدوده فیزیکی (محله) در شناخت گروههای اجتماعی، روی کیفیت زندگی گروهها، کیفیت رفتارها، انواع بزهکاریها، پراکندگی مبتلایان به بحرانهای روانی تأکید می‌کنند. بعدها، در طرح اصول برنامه ریزی شهری، ارتباط اکولوژیکی در محلات مورد توجه قرار می‌گیرد. معمولاً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق با رفتارهای اجتماعی است از این رو هر محله‌ای مشخصاتی جدا از سایر محلات شهرن دارد. از طرفی، هر یک از محلات دارای منطقه نفوذی است که در آن مغازه‌ها، داروخانه‌ها، مدارس، باشگاهها، شعبه بانک و شعبه پست، تجهیزات عمومی و عبادتگاهها قرار دارند که تنها مردم محله می‌توانند به آسانی در همه روزها از آنها بهره‌مند شوند. اگر بخواهند از امکانات بیشتر

14. Ralph Thomsion. *Urban Structure*. Random Houss. NewYork. 1969. P. 181.

شهری برخوردار شوند مثلاً به استادبومهای ورزشی، تأثرها و سینماها و کتابخانه های بزرگ بروند باید مرزهای محله را پشت سر بگذارند و از آن خارج شوند.

استفاده از مؤسسات محله مثل عبادتگاه، باشگاه، قهوه خانه، شیرآب عمومی، مدرسه و نظیر آن به مردم محله امکان می دهد که خود را در یک محدوده کاملاً مقید احساس کنند و تعلق بیشتری نسبت به محله مسکونی خود پیدا نمایند. بنابراین آنچه که گفته شد توان گفت محله هم یک واحد فیزیکی است و هم یک واحد اجتماعی بشمار می آید. در میزان احساس محله ای، عامل وسعت نقش اساسی دارد هر اندازه سهولت دسترسی به مؤسسات عمومی و تجهیزات محله ای با پیاده روی امکان پذیر باشد احساس تعلق به محله بیشتر تقویت می شود و هر اندازه که دسترسی به نیازهای روزانه و تجهیزات شهری با اتومبیل صورت گیرد و فاصله حرکت بیشتر باشد به همان اندازه احساس محله ای کاهش می یابد.^{۱۵}

شرایط فیزیکی و اجتماعی محله و منطقه مسکونی هر یک به نحوی در میزان رضایت از روابط همسایگی مؤثر می افتد. یک بررسی از محله ای که ترافیک سنگین حاکم بر آن بود نتایج زیر را نشان می دهد:

(هر یک از افراد توانسته بودند تنها چهار دوست در سراسر محله بیابند در حالی که در محلات آرام با ترافیک سبک، این تعداد به ۹ نفر افزایش یافته بود. زیرا ترافیک سنگین، سبب دوری گزینی خانواده ها، جوانان و کودکان از خیابانها و کوچه ها و پناه بردن به خانه ها می شود و این وضع روابط همسایگی و دوستی را تضعیف می کند).^{۱۶}

معمولاً بعد از ازدواج، تولد کودکان، بزرگ شدن کودکان به تدریج احساس وابستگی به محله افزایش می یابد. حتی در اغلب موارد، دوستی کودکان سبب آشنایی و دوستی خانواده ها و همسایگان می شود. با افزایش سن از شدت وابستگی به محله و روابط با همسایگان کاسته می گردد و در سنین پیری بسیار پایین می آید. از طرفی ترکیب سنی خانواده ها نیز در روابط همسایگی مؤثر می افتد مثلاً خانواده های جوان به روابط خانوادگی و دوستی علاقه بیشتری نشان می دهند تا خانواده های سالمند. به طور کلی کیفیت فیزیکی و اجتماعی محله در هر شرایطی که باشد گذشت زمان و مدت اقامت به افزایش روابط اجتماعی همسایگان کمک می کند.

محله و گروههای قومی:

محله به صورت یک واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص اجتماعی، الگوهای

15. J. Douglas Porteous. Environment and Behavior. Addison Wesley. London. 1977. PP. 72.

مشترک زندگی، استفاده برابر از امکانات و مؤسسات عمومی، به عنوان ابزار کار برنامه ریزان شهری شناخته می شود. به نظر عده ای، در برنامه ریزیهای جدید لازم است که روی پیوند طبقات شهری و گروههای قومی و مذهبی تأکید بسیار صورت گیرد تا این بیگانگی و اضطراب دایمی مردم شهرها کاهش یابد. این عده معتقدند که ترکیب طبقات مختلف در محله ها، سبب تقویت روابط اجتماعی - انسانی و کاهش محدودیتها میان مردم شهرهاست. حتی این طرز تلقی در مورد گروههای قومی و مذهبی نیز صادق است بدینسان که اقامت گروههای قومی و مذهبی گوناگون در یک محله فکر تبعیضات نژادی و مذهبی همچنین پیش داوری نسبت به این گروهها را تضعیف می کند. از طرفی محلات متشکل از گروههای قومی و مذهبی با طبقات مختلف نه تنها از نظر اجتماعی بلکه از جهت فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم می نماید. شاید فکر ترکیب اجتماعی که پاره ای از برنامه ریزان شهری بدان معتقدند از زندگی و تقوای روستایی متأثر شده باشد که غنی و فقیر در نهایت آرامش در مجاورت هم به زندگی پراحساسی ادامه می دهند. در برابر این طرز تفکر، عده ای نیز عقیده دارند که دست یابی به این قبیل محلات مطلوب آنهم در شهرهای امروزی بسیار مشکل می باشد. زیرا اگر هم در شهرهای امروزی غنی و فقیر و یا رنگین پوستان بتوانند در یک محله و در مجاور هم زندگی کنند این طبقه کم درآمد و گروههای نژادی همواره نظاره گر خوشبختی و رفاه خانواده های پردرآمد و سفیدپوست خواهند بود و از همان ابتدای زندگی به طور غیرمستقیم در زیر بار سنگین تحقیر و احساس عدم برابری، شکسته و فرسوده خواهند شد چیزی که دور از شأن والای انسانی است.

ضعف مفاهیم محله ای:

تا ۲۰ سال پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی برخوردار بودند. اما در دو دهه گذشته، محلات شهرهای بزرگ به صورت جزیره ای در دریای فرهنگ ملی جامعه ها و خرده فرهنگهای شهری درآمدند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی از اعتبار محله ای به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی و فردی کاسته است. ۲۰ سال پیش محلات جدید شهری از نسلی تشکیل می شد که یا به ندرت از حوزه های روستایی آمده بودند و یا از شهرهای کوچک و شهرهای متوسط به شهرهای پرجمعیت مهاجرت کرده بودند. این عده معمولاً در محلات معینی جای می گرفتند. توسعه شبکه های تلویزیونی، باسوادی، حمل و نقل شهری جابجایی در فضاهای شهری را سرعت بخشید و آن سابقه دهها سال اقامت خانواده ها در

محلات معین را متزلزل ساخت. از طرفی زمانی که اتومبیل وارد خانواده‌های شهری شد محلات نوساز و جدیدی به روی صاحبان اتومبیل گشوده گشت. معیارهای محله‌نشینی که قبلاً بر پایه مذهبی، قبیله‌ای، شغلی و قومی بود شکسته شد. اگر سابقاً تعمیرکنندگان ساعت و تفنگ در محله ویژه‌ای مسکن داشتند امروزه معیارهای شغلی به کلی از محل انتخاب مسکن حذف می‌شود و به جای آن پایگاه اقتصادی و میزان درآمد قرار می‌گیرد.

زمانی بود که همسایگان به سبب نیاز فوری با قرض چند تخم مرغ و یا چند فنجان شکر روابط گسترده‌ای با هم برقرار می‌کردند و اکنون نقش این همسایگان مهربان را سوپرمارکت‌های کوچک و بزرگ با انواع تولیدات و مواد غذایی در اغلب ساعات شبانه‌روز انجام می‌دهند. سابقاً که همسایگان با تماس نزدیک از اخبار مهم شهری و جهانی باخبر می‌شدند امروزه این مهم را رادیو تلویزیونها، روزنامه‌ها، رادیوهای خارجی به میان خانواده‌ها می‌برند. گسترش تماس با تلفن شهری با دوستان و افراد خانواده، مشکلات فاصله را از میان می‌برد و افراد و خانواده‌ها را به گوشه‌های مختلف شهری می‌کشاند. روشن است که همه اینها در کاهش ارزشهای محله‌ای بسیار مؤثر افتاده است.^{۱۷}

طرح محله‌های جدید:

طرح محله‌های جدید ریشه در فرهنگ برنامه‌ریزی شهری در کشورهای غربی دارد و این طرح‌ها از سال ۱۸۹۸ شروع می‌شود. سالی که ابنزر هاورد،^{۱۸} از آسیب‌پذیری انسان در محیط‌های پرتراکم شهری به تنگ می‌آید و طرح محله و باغشهرها را مطرح می‌سازد.^{۱۹} در طرح‌های جدید، ابتدا، مرزهای محله تعیین می‌شود و معمولاً خیابانهای اصلی با ترافیک سنگین مرزهای آن را تشکیل می‌دهد. در داخل این مرزها، خیابانهای فرعی کمتر مورد استفاده وسایل نقلیه موتوری قرار می‌گیرد. اولین تأکید در طرح محلات جدید، موضوع سلامتی ساکنین نسبت به محیط محله است و این طرز تفکر به وسیله شبکه‌ای از پیاده‌روها تأمین می‌شود به طوریکه کودکان به هنگام عزیمت به مدرسه و افراد خانواده‌ها در خریدهای روزانه بدون برخورد با اتومبیل و وسایل نقلیه موتوری به آسانی با پای پیاده به مدرسه و مغازه‌ها می‌رسند. دسترسی به این مراکز با پای پیاده از امتیازات محلات جدید محسوب می‌شود. از این رو استفاده از اتومبیل در داخل محلات به شدت محدود شده است. اتومبیلها تنها به

17. J. Douglas Porteous. Environment and Behavior. London. 1977.
18. Ebenezer Howard.

۱۹- برای اطلاع بیشتر از طرح باغشهرها به جلد دوم کتاب جغرافیای شهری تألیف نگارنده مراجعه شود.

مرزهای محله وارد و یا از آن خارج می‌شوند. فضای سبز لازم نیز در داخل محله تهیه شده است. این وضع باتوجه به کیفیت پیاده‌روی و برخورد روزانه همسایگان، تعلق خاطر به محله را تقویت می‌کند اما هیچوقت این احساس محله‌ای نمی‌تواند با محله‌های قدیمی برابری نماید. این قبیل طرح‌ها در جهان غرب که بی‌نظمی‌ها و آشفته‌گیهای شهری به حداکثر ممکن می‌رسد تا حدودی راضی‌کننده بنظر می‌آید. در جهانی که روز به روز عدم امنیت، تشویش و نگرانی، بی‌ریشه‌گی با محیط شهری و جابجایی مرتب خانواده‌ها تسلط دارد. طرح محلات جدید با مشخصات فوق، می‌تواند زمینه تماس روزانه و چهره به چهره را در سطح کوچک محله عملی سازد. از این رو این طرح‌ها سبب تقویت حس اعتماد همسایگان، احساس امنیت و تعلق به یک واحد کوچکتر را در جامعه بزرگ شهری فراهم می‌سازد چرا که مردم محله در ایستگاه اتوبوس، در پیاده‌روهای محله، در مغازه‌های محله با یکدیگر تماس مداوم دارند در نتیجه در اغلب حوادث و اتفاقات محله خود را سهم می‌دانند و حق مداخله می‌یابند. بطورکلی یک محله جدید با در نظر گرفتن شرایط اکولوژیکی شهرهای امروزی لازم است از مشخصات زیر تبعیت نماید:

الف - جمعیت محله باتوجه به وسعت آن از قبل تعیین شود. نه به آن اندازه زیاد باشد که تماسهای همسایگان را از میان بردارد و نه به آن درجه کوچک گرفته شود که نتوان نسبت به تهیه مؤسسات عمومی و تجهیزات محله‌ای اقدام کرد در زمان ما با توجه به بیگانگی مردم شهرها، حد مطلوب جمعیت برای محلات جدید ۵۰۰۰ نفر می‌دانند. عده‌ای از محققین نیز جمعیت محلات جدید را با در نظر گرفتن شرایط خاص محلی میان ۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر در نظر می‌گیرند.

ب - امکانات و تجهیزات لازم برای محلات جدید عبارتند از:

- ۱ - مهد کودک.
- ۲ - کودکستان.
- ۳ - دبستان، دوره راهنمایی و دبیرستان.
- ۴ - محل بازی کودکان، پارک.
- ۵ - عبادتگاه و کتابخانه.
- ۶ - مغازه‌ها و داروخانه.
- ۷ - دسترسی به خدمات درمانی.

ج - پایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی خانواده‌ها می‌تواند مرزهای مطمئن محله‌ای ایجاد کند و از شکسته شدن این واحد کوچک جلوگیری نماید.

خانه، محیطی برای اعضای خانواده‌ها فراهم می‌کند که بتوانند آزادانه همه نیازهای فردی و خانوادگی را در آن برطرف سازند: خلوت گزینی، بحث در مسائل خانوادگی، عشق‌ورزی، انتخاب مسیر زندگی در آینده، انتخاب نوع تخصص، تصمیم‌گیری در مورد شغل آینده فرزندان، استراحت کردن، خوابیدن، لباس پوشیدن، پذیرایی کردن و مطالعه از آن جمله است. از این رو ارزش و اعتبارخانه از نقشهای گوناگونی منشاء می‌گیرد که اغلب زندگی ساز است.^{۲۰} با وجود این، در محلات شهری، هر خانواده‌ای سعی دارد با تعبیه در بها و پنجره‌ها، چراغهای قدیمی، کیفیت نمای بیرونی خانه، خانه خود را با توجه به ارزشهای قابل قبول خود از دیگر خانه‌ها جدا سازد یعنی هویت ویژه‌ای ببخشد.

خانه جایی است که انسان را از همه حوادث جهان بیرون محافظت می‌کند. خانه هر انسان به هر نحوی که ساخته شود قصر او محسوب می‌شود. قدرت دفاعی انسان در مجاورت خانه خود افزایش می‌یابد. افراد زمانی به اهمیت خانه خود پی می‌برند که آن را ترک کرده باشند. شاید میان همه نقشهای خانه، امنیت و آرامش خاطر که در خانه به انسان دست می‌دهد از مهمترین نقش خانه باشد. میزان نگرانی، تجانس و توافق میان خلوت گزینی اعضای خانواده در داخل خانه و زندگی بیرونی در سبک و شکل خانه‌های مسلمانان، خانه‌های انگلیسی و خانه‌های مردم امریکای شمالی به خوبی منعکس است. واحدهای مسکونی مسلمانان با دیوارهای بلند، خانه‌های انگلیسی با نرده‌ها و دیوارهای کوتاه، خانه‌های مردم امریکای شمالی با وضعی که کمتر قابل دفاع است همه بیانگر میزان وابستگی میان معیارهای فرهنگی، ساخت فیزیکی و میزان امنیت و نگرانی صاحبان خانه‌ها و اعتباریابی حریم خانواده‌هاست. (برابر شکل)

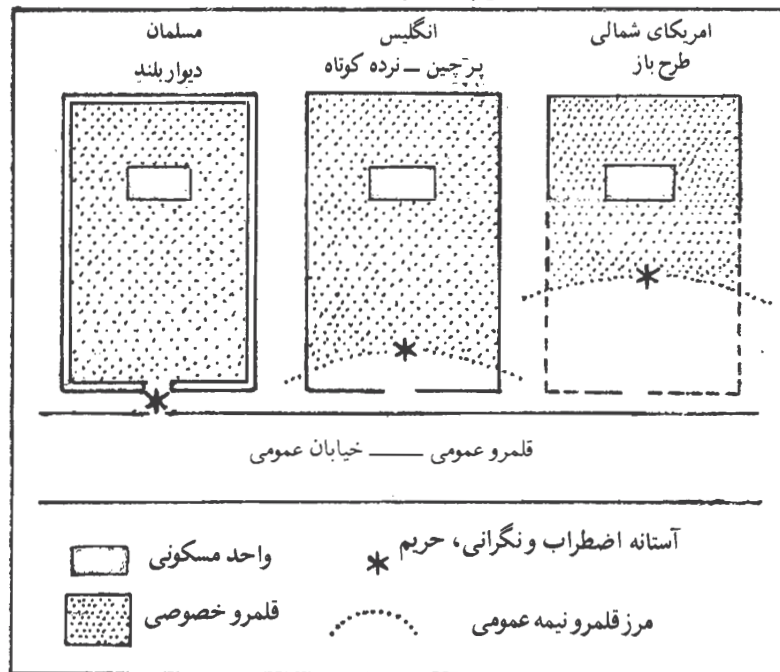
بطور کلی، افراد فنی و متخصص به رضایت و آرامش خاطر خویش بیش از شکل ظاهری خانه اهمیت می‌دهند و چه بسا که خانه‌های کوچک اما راحتی را برای خود انتخاب می‌کنند. طبقه پردرآمد و سطحی به نمای بیرونی و دکوراسیون داخلی خانه ارزش زیادی قائل است. گروهی نیز شخصیت و اعتبار خانوادگی را در خانه‌های بزرگ و آراسته جستجو می‌کنند.^{۲۱}

زمانی که خانواده‌ها در برابر انتخاب میان آپارتمان و خانه مستقل با حیاط کوچک قرار می‌گیرند خانه مستقل با حیاط کوچک را بر آپارتمان نشینی ترجیح می‌دهند. این طرز

20. Terence Lee. Psychology and the Environment. Methuen. London. 1976. P. 65.

21. J. Douglas Porteous. Environment and Behavior. Addison-Wesley. London. 1977. PP. 63-64.

شکل ۱ - آستانه نگرانی، اضطراب و حریم خانواده
از: دوگلاس پورچس



تفکرنه تنها در میان مردم خاورمیانه عمومیت دارد بلکه در همه کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز صادق است. در همه شهرهای دنیا، حتی اقلیتهای نژادی و قومی نیز خانه مستقل با حیاط کوچک را خانه مورد علاقه خود می دانند که سیاهان شهرهای آمریکایی نمونه روشنی بر این گفته است.

توسعه شهر و جابجایی طبقات شهری:

۱ - هر شهری در مرحله اول توسعه، جوان و محدود می نماید. بخش مرکزی شهر با تمرکز تجارت و صنعت، در ساخت اقتصادی شهر نفوذ زیادی دارد. در شهر، طبقه پردرآمد، محله ای را اشغال می کند که بتواند به آسانی به هسته اصلی شهر برسد. طبقه کم درآمد در سراسر شهر پراکنده است. این طبقه ناگزیر است به محلاتی پناه ببرد که امکانات شهری کمتری در دسترس می باشد زیرا بیشتر واحدهای مسکونی بخش مرکز شهر که به همه امکانات و امتیازات شهری حاکمیت دارد قبلاً به وسیله طبقه پردرآمد و یا طبقه متوسط اشغال شده است.

۲ - در دومین مرحله از توسعه شهری، امکانات حمل و نقل عمومی توسعه می یابد. طبقه پردرآمد باز هم نیازی به تغییر محل مسکونی خود نمی بیند. هنوز به مسکن خود که در آن سرمایه گذاری زیادی کرده است علاقمند است. از طرفی ستهای خانوادگی و محله ای را نیز دوست می دارد. طبقه دوم، با امکانات حمل و نقل عمومی، محله خود را دور از بخش مرکزی شهر انتخاب می کند.

۳ - در مرحله سوم، طبقه پردرآمد در جستجوی محله جدید، به زیباترین و سالمترین حومه های شهری پناه می برد و در داخل مرزهای قدیمی شهر تنها طبقه متوسط و طبقه کم درآمد باقی می مانند. از طبقه پردرآمد تنها خانواده های محدودی به سبب مجاورت محل کار و مسکن، کهنلست سن، علاقمندی به ستهای محله ای و زندگی در خانه پدری در بخش مرکزی شهر باقی می مانند. در این مرحله، عامل اتومبیل امکان می دهد. که طبقه پردرآمد هر حومه ای را که طالب است در اختیار خود بگیرد و محله مسکونی بسازد.

۴ - با ازدیاد اتومبیل، طبقه متوسط شهری نیز با بهره مندی از آن، محلات کمربندی و یا منطقه ای به دور حومه های طبقه پر درآمد تشکیل می دهد. حومه های جدید را به ویژه خانواده های جوان طبقه متوسط اشغال می نمایند. گاهی در جابجایی طبقه دوم به حومه های شهری، ابعاد خانواده بیش از پایگاه اجتماعی مؤثر می افتد.

۵ - در مرحله پنجم توسعه شهری، شهر به حد کافی وسعت می یابد و امکانات لازم فراهم می آید. خیابانهای عریض و جدید، شاهراههای عمده و وجود اتومبیل به طبقه پردرآمد امکان می دهد تا حومه سومی به صورت منطقه ای یا کمربندی به دور حومه دوم بوجود آورد که از بخش مرکزی شهر فاصله زیادی دارد. با وجود این، عده زیادی از نیروی کار ساکن در حومه سوم، در بخش مرکزی شهر بکار اشتغال دارد. در مرحله پنجم، عده زیادی از طبقه دوم در حومه اول زندگی می کنند در حالی که اکثریت طبقه پردرآمد، حومه سوم یا حومه آخری را انتخاب کرده اند. گاهی اوقات وجود خیابانهای منظم و حمل و نقل عمومی، به طبقه کم درآمد امکان می دهد که دور از بخش مرکزی شهر اما نه در قطاع طبقه پردرآمد بلکه درست در جهت مخالف آن زندگی کنند.^{۲۲}

دوره هایی که از آنها نام برده شد عیناً در همه شهرها به یکسان عمل نمی کند بلکه نسبت به تکنولوژی حمل و نقل، فرهنگ مردم و اقتصاد جامعه شهری تغییرات چندی در این دوره ها صورت می گیرد. در هر حال، بررسی این دوره ها می تواند الگویی جهت شناخت توسعه شهر در رابطه با جابجایی و تحرک طبقات شهری باشد.

جابجایی بازار کار:

در مرحله اول توسعه شهری، اغلب شغلها و حرفه ها در هسته اصلی شهر متمرکز می گردد. جایی که همه خیابانهای اصلی شهر به آن ختم می شود. هسته اصلی شهر به همه جای شهر که وسعت چندانی ندارد کاملاً مسلط است. مواد اولیه و کالاهای ساخته شده به هسته اصلی شهر می رسد و یا از آن به نقاط مختلف شهر و یا سایر شهرها ارسال می گردد. در این مرحله، بخش عمده فروشی، خرده فروشی و بخش خدمات به سبب حداکثر سهولت دسترسی در هسته اصلی شهر فعالیت دارند. با یک پیاده روی می توان هم از بخش خدمات استفاده کرد و هم از خرید مورد نیاز بهره جست. در هسته اصلی شهر، کالاهای کارخانه ای و دسترسی به بازار کار نیز به حداکثر ظرفیت خود می رسد.

به موازات توسعه مناطق مسکونی شهر، توسعه مشاغل صنعتی صورت می گیرد و حجم عمده فروشی و خرده فروشی بالا می رود بر تراکم کالاهای در هسته اصلی و یا در مجاورت آن افزوده می شود. مشاغل اداری، تعلیم و تربیت، حرفه های بیمارستانی در بخش مرکزی شهر به توانایی لازم می رسند. استفاده مطلق از زمینهای بخش مرکزی شهر به صورت بخشهای دولتی، خرده فروشی و خدماتی کاملاً مشخص می گردد. بخشهای صنعتی و عمده فروشی گاهی در

منابع فصل دوم

- Abrams, Charles. The Language of Cities. Equinox Books. 1972. p. 157.
- Berry J. L. Brian and John D. Kasarda. Contemporary Urban Ecology. Collier macmillan Publishers. New York. 1977. p. 126.
- Gist. P. Noel, Sylvia Fleis Fava. Urban Society. Thomas Y.C Crowell Company. 1974. p. 213.
- Johnston. J. R. Urban Residential Patterns. Bell. 1971. pp. 253, 320—324.
- Jones, Lancaster. F. Dimensions of Urban Social Structure. University of Toronto Press. 1969. p. 4.
- Lee, Terence. Psychology and The Environment. Methuen. 1976 p. 65.
- Porteous. J. Douglas. Environment and Behavior. Addison-Wesley 1977.
- Robson B.T. Urban Analysis. Cambridge University Press. 1969 p. 74. pp. 63-64, 72-80.
- Thomlinson, Ralph. Urban Structure, Random House. 1969. p. 181.
- Timms, Duncan. The Urban mosaic. Cambridge University Press 1971. p. 119.

شکل قطاعی از بخش مرکزی شهر توسعه می‌یابد و یا در طول یک کانال، یک رود و یا یک چشم‌انداز طبیعی پیش می‌رود تا بخش معینی را به خود اختصاص دهد. درورای این بخشها، منطقه مسکونی شهر قرار می‌گیرد. توسعه منطقه واحدهای مسکونی به سوی حومه‌ها به صورت نامحدود نخواهد بود بلکه به سبب فشارهای ناشی از ترافیک شهری، زمینهای میان حومه‌ها و بخش مرکزی شهر نیز به صورت مناطق بزرگ واحدهای مسکونی درخواهد آمد. فشار ناشی از ترافیک شهری و تلف شدن وقت زیاد به هنگام رفت و برگشت به شهر، پاره‌ای از فعالیتهای شهرن را به حومه‌های خوابگاهی انتقال می‌دهد:

۱ — پاره‌ای از خرده‌فروشی‌ها و فعالیتهای خدماتی که وابستگی کمتری به بازارهای سراسری شهر دارند به سبب تراکم شدید در بخش مرکزی شهر، به حومه‌ها می‌روند از آن جمله است: خواربارفروشی، داروخانه، تعمیرگاه، لوازم منزل و... که نیازهای خانواده‌های حومه‌نشین را برطرف می‌سازند.

۲ — به موازات سکونت خانواده‌ها در حومه‌های شهری، بعضی از دبستانها شعباتی در حومه‌ها تأسیس می‌کنند و یا دبستانهای جدید دایر می‌شود.

۳ — به سبب ترافیک سنگین بخش مرکزی شهر، کمبود زمین و بالا بودن قیمت زمین و ساختمان در بخش مرکزی شهر، همچنین به جهت فرسودگی و کهنه‌گی تجهیزات کارگاهها و کارخانه‌ها، صنایع قادر به توسعه و یا فعالیت خود در این بخش نخواهند بود. در نتیجه با انتقال به نقاط دیگر شهر و یا حومه‌ها، کاهش تراکمی در بازار کار بخش مرکزی شهر بوجود خواهد آمد.

۴ — با وجود کاهش تراکم در بازار کار بخش مرکزی شهر، پاره‌ای از مشاغل تخصصی و اداری، مدتهای مدید به فعالیت خود در این بخش ادامه می‌دهند. فعالیتهای اداری اغلب وزارتخانه‌ها و سازمانهای اداری در بخش مرکزی شهرهای جهان سوم نمونه روشنی بر این گفته است.^{۲۳}

23. James O. Wheeler. The Urban Circulation Noose Duxbury Press. Massachusetts. 1974. PP. 41-42.

Wheeler O. James. The Urban Circulation Noose. Duxbury Press. 1974. pp. 38-40, 41-42.

Wirth, Louis. The Ghetto. The University of Chicago Press. 1969.

Glazer, Nathan and Daniel Patrick Ynihan. Beyond The Melting Pot. The M.I.T. Press and Harvard University Press. 1963. p. 31.

Johnston. J.R. Urban Residential Patterns. Bell and Sons. London. 1971. p. 243.

Kain F. John. Essays on Urban Spatial Structure. Balliger Publishing Company. 1975. p. 176.

Rose H.M. «The Development of an Urban Subsystem. The Case of The Negro Ghetto» in Urban Social Segregation edited by Ceri Peach. Longman. 1975 pp. 173-175.

Rose M, Harold. The Black Ghetto. McGraw-Hill. 1971. pp. 6 43-44, 51.

Suttles D. Gerald. The Social Order of the Slum. The University of Chicago Press. 1968. p. 74.

Wheeler O. James. The Urban Circulation Noose. Duxbury Press. 1974. p. 60.

Wirth. Louis. The Ghetto. The University of Chicago Press 1969.

تعریف و مفهوم گتو^۱

گتویک واژه ایتالیایی است و اول بار در سال ۱۵۱۶، عنوان گتو در شهر ونیز بکار گرفته شد. از گتوها تعاریف و مفاهیم بسیاری ذکر شده است. آنچه در زیر می آید فشرده ای از این تعاریف می باشد:

گتو، به منطقه ۱۰ محله ای از شهر گفته می شود که در آن، اقلیتهای مذهبی، قومی و زبانی در نتیجه فشارهای اجتماعی - اقتصادی و قانونی به صورت جدا از سایر گروههای شهری زندگی می کنند. گتو، بیانگر زندگی و محدودیت یک اقلیت در میان یک اکثریت بزرگ شهری است. گتو، نتیجه جدایی گزینی اکولوژیکی است که از روی اجبار و در جهت دوری از تجاوزات و مزاحمتها در بخشی از شهر تشکیل می شود و جدایی مذهبی، نژادی و فقر را از سایر بخشهای شهری نشان می دهد.

شاید سابقه گتونشینی به دوره روم باستان و دوره ساسانیان برمی گردد که در آن دوره نیز گروههای نژادی و مذهبی به ویژه اسیران در محلات ویژه ای در شهرها جا می گرفتند تا با مردم شهر تماس کمتری داشته باشند.

در سال ۱۱۷۹ میلادی، شورای کلیسا، زندگی مسیحیان را میان یهودیان قدغن ساخت. شورای کلیسا معتقد بود که ایمان مسیحیان در نتیجه تماس با یهودیان تضعیف می شود. از حدود سالهای ۱۲۸۰ میلادی در کشورهای اسلامی نیز گتوهای مذهبی وجود داشته است. در سال ۱۵۵۵، کلیسا دستور داد که یهودیان باید در بخشهای جداگانه ای در

۱. Chetto.

شهرها زندگی کنند. بعد از این دستور، بلافاصله گئوی رم تشکیل شد و به فاصله کوتاهی، گئوهای یهودی نشین سراسر ایتالیا را پوشاند، یهودیان از همه نقاط شهری جمع آوری شده و در گئوی مخصوص به خود جا می گرفتند. در داخل گئوهای یهودی نشین که دیوارهای بلند آن را احاطه می کرد یهودیان برای خود کنیسه، مدرسه، دادگاه، پزشک، داروخانه، مغازه، تفریحات و مؤسسات خیریه بوجود آوردند. جدایی گزینی اکولوژیکی یهودیان سبب شد که این قوم، قرن‌ها نتواند با جامعه اروپایی بستگی داشته باشد. بعد از انقلاب فرانسه، محدودیت‌ها شکسته شد اما در اغلب کشورهای اروپای شرقی، این محدودیت‌ها تا اواخر قرن نوزدهم ادامه داشت. در جنگ دوم جهانی، گئوهای یهودی نشین بار دیگر به وسیله نازیها احیاء شد. بطوریکه در سال ۱۹۴۰، گئو شهر ورشو ۴۵۰۰۰ نفر جمعیت داشت. نازیها در همه کشورهای متصرفی به تشکیل مجدد گئوها کوشش می کردند.^۲

از آنچه که گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که گئوها سابقه طولانی دارند اما گئونشینی به سبک جدید، از محلات یهودی نشین شهرهای قرون وسطی تا گئوهای نژادی، گئوهای مذهبی و گئوهای فقر در زمان ما ادامه داشته است که در آنها پیروان مذاهب، نژادهای گوناگون و طبقه بسیار کم درآمد از روی اجبار به یک جدایی گزینی اکولوژیکی در داخل جامعه شهری تن در داده اند.

شناخت گئوها بر پایه آماری:

عده ای از محققین، گئوها را با معیارهای آماری می شناسند و آن را بخشی از شهر می دانند که به هنگام آمارگیری های جمعیتی، بیش از ۵۰٪ جمعیت ساکن در آن بخش به یک مذهب، به یک نژاد، به یک زبان و یا به یک پایگاه اجتماعی - اقتصادی جدا از خصیصه های مذهبی، نژادی، زبانی، اجتماعی - اقتصادی اکثریت مردم شهر تعلق داشته باشند. البته در هسته اصلی گئوها شاید تا ۷۵٪ جمعیت ساکن ویژگیهای خود را دارند و به تدریج که از هسته اصلی گئوها فاصله بگیریم نسبت فوق کاهش می یابد. در بخشی از گئو که نسبت جمعیتی ویژه آن به ۳۰٪ تنزل بیابد «منطقه در حال تحول گئو» خوانده می شود.^۳

هر گئو از محلاتی تشکیل می شود که اکثریت جمعیت ساکن در آن به یک مذهب واحد، به یک نژاد یا قوم واحد و یا به یک پایگاه اجتماعی - اقتصادی واحد تعلق داشته باشند. بنابراین گئوهای مذهبی، گئوهای نژادی و قومی و گئوهای فقر از جمله گئوهایی

2. Encyclopedia Britanica. 1973.

3. Harold M. Rose. The Black Ghetto. MacGraw-Hill/ NewYork. 1971. P. 6.

هستند که در نتیجه جدایی گزینی اکولوژیکی، نه اختیاری بلکه اجباری بوجود آمده و مراحل هجوم - جایگزینی، توالی و تسلسل اکولوژیکی را گذارنده اند. بی جهت نیست که عده ای از محققین از گئوهای شهری به نام «منطقه هجوم - جایگزینی»^۴ و منطقه توالی - تسلسل^۵ نام می برند.

گئوهای شهری، در اغلب موارد، به وسیله موانع فیزیکی یا انسانی از بقیه بخشهای شهری جدا می شود. ناهمواریها، رودها، ایستگاه راه آهن، مانداب، گورستان، فرودگاه قدیمی از آن جمله است.

گئوهای قومی و مذهبی به آموزشگاههایی می مانند که خصیصه های قومی و مذهبی در آنها آموزش داده شده و به نسلهای آینده انتقال داده می شود و بالاخره در گئوها از این خصیصه ها به شدت پاسداری می شود.

پاره ای از محققین، با توجه به محدودیت های نژادی، قومی، مذهبی و فقر گسترده، از گئوهای شهری به عنوان «مستمره» نام می برند.

سابقه تاریخی گئونشینی:

شاید گئوهای مذهبی، قدیمی ترین گئوها در تاریخ بشر باشد که با ویژگیهای دوره های مختلف تاریخی پیوند می خورد و از آن میان گئوهای یهودیان از سابقه طولانی برخوردار است. در شهرهای دوره قرون وسطی، یهودیان همواره مجبور بودند که در محلات معینی زندگی کنند. این گئوها به آنها امکان می داد که مراسم مذهبی خود را در داخل گئوها با آزادی کاملی انجام دهند و از تعرض مردم شهری در امان بمانند. در گئوها روابط و دوستی نزدیکی میان یهودیان برقرار بود. همسایگان با معاشرت های دایمی، از حال همدیگر باخبر می شدند. در شهرهای قرون وسطی، یهودیان بیشتر در مشاغل مهم نظیر پزشکی، بانکداری، تجارت و داروسازی تخصص داشتند و تفاوتشان با مردم شهرتها در اجرای مراسم مذهبی و نوع لباس بود که بدانها دلبستگی زیادی نشان می دادند.

به هنگام آغاز جنگهای صلیبی، فشار کلیسا در شهرهای اروپایی بر یهودیان افزایش یافت در نتیجه در داخل گئوها، علاقه و پیوند یهودیان نسبت به هم فزونی گرفت. از قرن سیزدهم به بعد، در لهستان برابر دستور شورای کلیسا، مقرر گردید که یهودیان نباید میان مسیحیان زندگی کنند بلکه می توانند بخش جداگانه ای در داخل شهرها داشته باشند و در

4. Zone of Invasion.

5. Zone of Succession.

سایر نقاط شهری نمی‌توانند بیش از یک ماه اقامت کنند. یادآور می‌شویم که در قرون وسطی، یهودیان عده‌ای از مسیحیان را به دین خود درآورده بودند و سختگیری شوراها ی کلیسایی مبتنی بر این جریان بود. کلیسا دستور داده بود تا یهودیان نوار زرد رنگی به لباس خود وصل کنند و زنان یهودی نیز، پارچه زرد رنگی بر سر ببنند تا از مسیحیان کاملاً تشخیص داده شوند.

گتوهای یهودی‌نشین، از کلیساهای مسیحی فاصله زیادی داشت و این نیز از دستورات شوراها ی کلیسا بود. در کشورهای خاورمیانه، در پاره‌ای از شهرها، وسعت خانه‌ها و اندازه درهای ورودی خانه‌های یهودیان قبلاً تعیین می‌شد. بعضی اوقات که به علل گوناگون، محدودیت جا و مکان سخت‌تر می‌شد خانه‌های یهودیان به جای عرض در ارتفاع توسعه می‌یافت.

گتوهای اجباری:

ابتدا در شهرهای ایتالیا، به دستور کلیسا، گتوهای یهودی‌نشین ایجاد شد و یهودیان^۴ مجبور ساخت که تنها در گتوها حق زندگی دارند. هر یک از این گتوها دارای یک یا چند در بود. اطراف گتوها را دیوارهای بلند می‌پوشاند. درهای گتوها شبها با قفلها و زنجیرها بسته می‌شد و با نزدیکی غروب آفتاب، یهودیان در هر نقطه شهر که بودند مجبور می‌شدند به سرعت خود را به گتوها برسانند زیرا در صورت تأخیر، مزاحمت‌هایی فراهم می‌شد. پاسی از شب گذشته، گتوها را خاموشی مطلق فرا می‌گرفت.

یهودیان در اعیاد مهم مسیحیان و گاهی در روزهای یکشنبه، اجازه خروج از گتوها و ظاهر شدن در خیابانهای شهر را نداشتند و چون وسعت گتوها محدود بود شلوغی و آشفتگی روزهای تعطیلی بی‌نظیر می‌نمود. با گذشت زمان که جمعیت گتوها افزایش می‌یافت و تراکم شدید جمعیت ظاهری شد کلبه‌های محقر یهودیان در گوشه و کنار گتوساخته می‌شد. با افزایش جمعیت، زمینهای اضافی در اختیار گتوها قرار نمی‌گرفت در نتیجه، کوچکترین تغییر در فضای داخلی گتوها ایجاد نمی‌شد. تنها در موارد استثنایی اجازه داده می‌شد که مرزهای گتوها جایجا شود. گتوهایی که از محدودیت جا و مکان رنج می‌بردند با افزایش جمعیت و گذشت زمان، بیشتر خانه‌های آن به زاغه‌ها مبدل می‌شد.^۶

در اغلب موارد، به جهات امنیتی، یهودیان سعی می‌کردند که کم‌عرض‌ترین و

6. Louis Wirth. The Ghetto. University of Chicago Press. 1969. P. 32.

باریک‌ترین کوچه‌ها و محلات را به خود اختصاص دهند از این رونام محلات را «خیابان تنگ و باریک» می‌نامیدند. جهت جلوگیری از فرار یهودیان، مردم پاره‌ای از شهرها، گوتشینان را مجبور می‌کردند که خانه‌هایشان تنها یک در داشته باشد و پنجره‌ها، محکم و غیرقابل نفوذ ساخته شود تا یهودیان نتوانند به هنگام شب از آنها خارج شوند. همواره، محلهای ورودی و خروجی اضافی که در گتوها بود به شدت بازرسی می‌شد.

یهودیان، قرن‌ها به صورت تبعیدی در داخل گتوها زندگی می‌کردند و اغلب پیروان دین عیسی از معاشرت و نزدیکی با آنها دوری می‌جستند. محدودیتهای مربوط به گتوها تا بدان پایه می‌رسید که امروزه ممکن است تنها در مورد مبتلایان به امراض وبا و طاعون بکار گرفته شود. یهودیان خانه‌های خود را از داخل طوری قفل می‌کردند مثل اینکه یک مریض وبایی در داخل آن زندگی می‌کند گتوهای اجباری از خیابانهای تنگ و باریک تشکیل می‌شد. در دو طرف کوچه‌ها و خیابانها، خانه‌ها بلندمرتبه و غم‌آلود بنا می‌گشت. نور خورشید به ندرت به داخل گتوها می‌تابید. در پاره‌ای از محلات شهری، خانه‌های فساد به یهودیان واگذار می‌شد و به تدریج با خانه‌های مجاور که در اختیار یهودیان قرار می‌گرفت گتوی کوچکی بوجود می‌آمد. در پاره‌ای موارد، افراد بد سابقه به گتوها پناه می‌بردند. به سبب عدم توجه به بهداشت در داخل گتو، این قبیل محلات کانون اصلی امراض بسیار می‌آمد و همواره محیط غم‌انگیز و افسرده‌ای تشکیل می‌داد. بعضی اوقات، امراض مسری و یا آتش‌سوزی، بخش مهمی از گتوها را نابود می‌ساخت اما بازهم در جریان عادی زندگی، تغییر چندانی حاصل نمی‌شد و کسی به فکر اصلاح شرایط زندگی در گتوها نمی‌افتاد.

امتیازات گتوها:

گتوهای مذهبی که در قرون وسطی در بیشتر شهرهای بزرگ تشکیل شده بود با وجود محدودیتها و مزاحمت‌های جامعه شهری، از امتیازات چندی بهره‌مند بود:

۱ — زندگی در داخل گتوها فعالیت و بارورتر می‌نمود. در اینجا شعرا و نویسندگان هر یک به نحوی از استعداد و احساس خود در خلق آثار هنری بهره می‌جستند. هر چند که عده‌ای از نویسندگان گوتشین، روح مرده گتوها را در آثار خود منعکس می‌کردند.

۲ — اقلیتهای مذهبی در داخل گتوها، از آزار و اذیت مردم شهری در امان بودند و با آزادی نسبتاً زیادی افکار و اندیشه خود را به همکیشان گوتشین بیان می‌کردند و به اجرای مراسم مذهبی می‌پرداختند.

۳ - گتوهای مذهبی، مردم گتونشین را متکی به خود تربیت می کردند و آنها را با ناملايمات زندگي آشنا می ساختند. این اقلیت‌های مذهبی می توانستند به شهرهای مختلف سفر کنند و در گتوهای شهری اقامت نمایند. از این طریق بود که با زندگی همکیشان خود در بسیاری از شهرهای دنیا آشنا می شدند. بی جهت نیست که پیروان اغلب مذاهب قرن‌هاست که خود را در سرنوشت همکیشان خود در سراسر دنیا شریک می دانند.

در شهرهای بزرگ، بیرون از گتوها، گاهی اوقات فرصت‌ها و امکانات پیشرفت اقلیت‌های مذهبی فراهم می گشت و گتونشینان با پشت سر گذاشتن دیوار گتوها می توانستند وارد جامعه شهری شده در پاره‌ای از حرفه‌ها و مشاغل به موفقیت‌های چشمگیری برسند. گاهی هم برای پیشرفت کار، دین اکثریت مردم شهر را می پذیرفتند. اما عده‌ای نیز با گذشت زمان، دین تازه را رها ساخته دوباره به گتوها مراجعت می کردند تا زندگی دوباره‌ای را میان همکیشان خود آغاز کنند.

در داخل گتوها، علائق خانوادگی در نهایت صمیمیت بود. در اینجا همبستگی کاملی میان اعضای خانواده‌ها دیده می شد و جامعه گتونشین از همبستگی خانواده‌ها نقش جامعه واحدی را بازی می کرد. در گتوها، همه خانواده‌ها به سرنوشت فرد فرد افراد گتونشین حساسیت نشان می دادند. زندگی و ادامه حیات در گتوها، به تلاش مداوم بستگی داشت و همه مسائل مربوط به گتوها و جامعه شهری، در داخل گتوها مورد تجزیه و تحلیل قرار می گرفت و چه بسا که روی موضوعات مختلف بحث‌های طولانی انجام می شد. گذشت زمان سبب می شد که زندگی در داخل گتوها قابل تحمل‌تر و گاهی دلپذیرتر گردد. بدینسان به تدریج دنیای کوچک گتوها برای اقلیت‌های مذهبی، کلاس درس زندگی، پایداری در برابر ناملايمات زندگي و بالاخره محل آموزش شهامت و شجاعت جهت ادامه حیات درمی آمد. محیط داخلی گتوها کثیف می نمود اما در عوض مهر و محبت فراوانی داشت چیزی که اقلیت‌های مذهبی سخت به آن نیاز داشتند.

گتوها، آزمایشگاه اکولوژی شهری:

گتوها برای اکولوژیست‌ها، جغرافی دانان و جامعه‌شناسان، به مثابه آزمایشگاه اکولوژی شهری بشمار می آید که گروهی از مردم با خصیصه‌های اجتماعی - اقتصادی در داخل یک جامعه بزرگ شهری به جداگزینهی اکولوژیکی تن در داده‌اند. به سبب جداگزینهی اکولوژیکی، معمولاً از گتونشینها به عنوان مردمی گوشه گیر و انزواطلب نام برده می شود.

انزواطلبی گتونشینها تنها جنبه فیزیکی ندارد که در داخل گتوها محصور شده باشند بلکه به سبب دارا بودن رنگ پوست، زبان، مذهب، آداب و رسوم، پایگاه اجتماعی - اقتصادی جدا از اکثریت مردم شهری، همواره روابط خود را با سایر مردم شهری به نازلترین سطح خود رسانده‌اند به دیگر سخن، علاوه بر فاصله فیزیکی به یک فاصله گزینی اجتماعی نیز پناه برده‌اند.

ممکن است گتوها از نظر شکل ظاهری و کیفیت فیزیکی، اختلافی با سایر محله‌های شهری نشان ندهند اما این ظاهر محله است در حالی که شکل زندگی و گاهی فرهنگ اجتماعی گتونشینان به ندرت با فرهنگ اجتماعی مردم شهر تشابهاتی را نشان می دهد. گتونشین خود را در میان توده‌های عظیم شهرنشینان تنها و بی یار و یاور می یابد. چنین می نماید که گتونشین‌های شهری، ادامه حیات خود را مدیون انتخاب زندگی انزواطلبانه، قبیله‌ای، گروهی و اقامت اجباری در بخش معینی از شهر می دانند. لازم است گفته شود که این مردم با دوری جستن از مردم شهری، گاهی در یک دوره چند صد ساله، به فلسفه، ادبیات، شعر و زندگی خود چسبیده و مشخصات فرهنگ خود را در سفرنامه‌ها، نوشته‌های تاریخی و نمایشنامه‌ها بخوبی منعکس ساخته‌اند.^۷

در جامعه شهری، اگر یک گتونشین بخواهد گتو را ترک کند و در سایر بخش‌های شهری و میان مردم شهر زندگی کند باید در فرهنگ و احساس و ادراک خود نسبت به جامعه شهری تغییراتی بدهد یعنی اندیشه، ادراک و پایگاه اجتماعی - اقتصادی نظیر اکثریت مردم شهری را دارا گردد. توان گفت که در اغلب گتوهای شهری، تنها مسأله مادی مطرح نیست بلکه مشکل عمده در احساسات و اندیشه‌های اجتماعی و مذهبی گتونشین‌ها می باشد که به گتوها مشخصاتی جدا از مشخصات سایر محلات شهری داده است. این ارزشها، زمینه با هم زیستن، همفکر بودن، اتحاد با همکیش و هم‌نژاد و احساسات مشترک گروهی است که بافت اجتماعی، مذهبی، اقتصادی گتوها را فراهم می آورد. از این رو، شکل زندگی و طرز تفکر در گتوها یکپارچه می نماید و گتونشینان استعداد فوق‌العاده‌ای در کارهای گروهی از خود نشان می دهند.

ساخت و توسعه فیزیکی گتوها:

۱ - توسعه گتو: به موازات افزایش جمعیت در گتوها، جامعه اولیه گتونمی تواند همه جمعیت اضافی را جذب کند و ناگزیر است با طی مراحل هجوم و توالی اکولوژیکی توسعه

7. Louis Wirth. The Ghetto. The University of Chicago Press. 1969. PP. 6-7.

یابد. از این روتراکم اولیه که با پایین‌ترین پایگاه اجتماعی - اقتصادی آغاز شده بود و در پاره‌ای موارد در بخش مرکزی شهر و یا در مجاورت آن قرار داشت توسعه خود را به صورت قطاعی ادامه می‌دهد. زیرا معمولاً حداقل مقاومت در برابر هجوم اکولوژیکی، اغلب در شکل قطاعی وجود دارد. جابجاییهای غیرمستقیم و حرکت گتوها به بخشهای مختلف غالباً به وسیله سایر قطاعهای شهری مسدود می‌شود.

۲ - ایستایی جمعیت گتو: مدتی بعد از توسعه اولیه گتو، جمعیت آن به سبب توقف مهاجرت از بیرون، ثابت می‌ماند و توسعه مکانی گتو غیرمحمول بنظر می‌رسد. در اینجا دو حالت اتفاق می‌افتد:

الف - گتو برای مدتی طولانی در همان مکان خود باقی می‌ماند.

ب - گتو حرکت خود را در شکل قطاعی ادامه می‌دهد این حرکت یا به سبب وضع اقتصادی مطلوب مردم گتو عملی می‌شود و یا به جهت فشار و دفع محلات مجاور گتو صورت می‌گیرد.^۸

۳ - توسعه منطقه‌ای: در یک جامعه بزرگ گتونشین که دارای جمعیت زیادی است از نظر اجتماعی - اقتصادی تفاوت‌های درون گروهی دیده می‌شود که ممکن است مکان‌یابی این گروهها در داخل گتوها به صورت منطقه‌ای یا مداری ظاهر شود. از طرفی در یک جامعه بزرگ گتونشین، گتوها دائماً از طریق مهاجرت از بیرون به توسعه خود ادامه می‌دهند. در داخل ساخت قطاعی گتوها، باتوجه به پایگاههای اجتماعی - اقتصادی و مدت اقامت خانواده‌ها، ساخت منطقه‌ای یا مداری بوجود می‌آید.

۴ - فرهنگ‌پذیری گتونشینان: نسل اول گتونشین در جهت استحکام بنیان گتو و تحمل شرایط زندگی در جامعه شهری، وابستگی و پیوند عمیقی با یکدیگر برقرار می‌سازند اما نسل بعدی، از نظر اجتماعی - اقتصادی با بقیه مردم شهر همانندی پیدا می‌کند و با فرهنگ‌پذیری، خود را به جامعه شهری نزدیک‌تر می‌سازد. در این حالت هر گروهی از گتونشینان می‌توانند باتوجه به پایگاههای اجتماعی - اقتصادی خود، گتو را ترک کرده و در محله دلخواه و موردپسند زندگی کنند.

پادآور می‌شویم که در توسعه فیزیکی گتوها هر شهری با فرهنگ خاص خود به ساختهای گوناگونی تن درمی‌دهد. در پاره‌ای از کشورها یک یا چند مرحله بالا عملی می‌شود و گاهی نیز همه مراحل اکولوژیکی فوق انجام می‌گیرد.

8. R.J. Johnston, Urban Residential Patterns, Bell and Sons Ltd/London, 1971, p. 243.

کیفیت واحدهای مسکونی در گتوها:

گتوها در بخش مرکزی شهرها، حاشیه شهر و یا در یک محله قدیمی و مخروبه بوجود می‌آیند گتوهایی که در داخل شهرها تشکیل می‌شوند معمولاً به شکل قطاعی توسعه می‌یابند و این توسعه، از یک مسیر و یا چند مسیر معین در مجاورت بخش تجارت شهر آغاز می‌شود و با گذشت زمان تا مرزهای شهر گسترش می‌یابد. در صورت ادامه دفع و جلوگیری از توسعه منطقه‌ای در داخل شهر، مرزهای شهری را پشت سر می‌نهد و حومه‌ها را در اختیار خود می‌گیرد. حادثه‌ای که هم‌اکنون در شهرهای غربی و شهرهای جهان سوم به روشنی دیده می‌شود. زمانی که گتوها تا مرز شهری توسعه یافتند گتونشینانی که از درآمد متوسطی برخوردارند سعی می‌کنند خانه‌ای در مجاورت مرزهای بیرونی شهر خریداری کنند. گاهی هم در منطقه‌ای که دولتها به ساختمان خانه‌های ارزان قیمت چند طبقه‌ای اقدام کرده‌اند با پذیرش گروههای نژادی - اقلیتهای مذهبی و قومی و یا مهاجرین روستایی به تدریج به گتو تبدیل می‌شوند.

گتوها به هر شکلی که ساخته شوند با گذشت زمان، واحدهای مسکونی غیراستاندارد در آنها عمومیت پیدا می‌کند. آمارهای چند دهه اخیر نشان می‌دهد که بیش از ۴۰٪ گروههای نژادی در شهرهای بزرگ امریکا در خانه‌های غیراستاندارد زندگی می‌کنند. این قبیل خانه‌های غیراستاندارد بر پایه کیفیت فیزیکی ساختمان و فقدان تجهیزات و امکانات بهداشتی طبقه‌بندی می‌شوند. روشن است که کمبود درآمد، بیشتر گتونشینان را از دسترسی به خانه‌های سالم شاید تا آخر عمر محروم می‌سازد.

در شهرهای ممالک غربی، واحدهای مسکونی ارزان قیمت که جهت سکونت خانواده‌های کم‌درآمد ساخته می‌شود علاوه بر خانواده‌های کم‌درآمد، در اختیار پیرزنان و پیرمردان فقیر نیز قرار می‌گیرد. پاره‌ای از آمارها می‌گوید بیش از ۴۲٪ همه خانواده‌های ساکن در این قبیل خانه‌ها، در ردیف خانواده‌هایی هستند که زندگی خانوادگی آنها از هم پاشیده شده و با کودکان خود در این قبیل محلات پناه جسته‌اند. مناطق خانه‌های ارزان قیمت در اغلب شهرهای غربی، بهترین پناهگاه برای افرادی است که سعی دارند دور از کنترل قانون بسر ببرند.

واحدهای مسکونی در گتوهای قدیمی شهرهای بزرگ به سبب عدم توجه به تعمیرات ضروری ساختمان به تدریج روبه ویرانی می‌روند و مالکین آنها توجه چندانی به آمایش خانواده‌های ساکن در خانه‌ها نشان نمی‌دهند. از این رو عده‌ای از خانواده‌ها مجبور می‌شوند

این قبیل خانه‌ها را تخلیه کرده و به نقاط دیگر شهر بروند. ادامه این جریان سبب می‌شود که بخش بزرگی از واحدهای مسکونی یک محله خالی بماند. واحدهای مسکونی خالی به تدریج به محل فساد و تبه کاری تبدیل می‌شوند. این جریان به عنوان عامل دفع، بقیه خانواده‌ها را جهت گریز از نگرانی و اضطراب در رابطه با میزان جرم و جنایت منطقه مسکونی، به محلات دیگر شهر می‌کشاند با خالی شدن گتو از ساکنین اولیه، منطقه مورد بحث به یک گتوی فقر و تبه کاری تغییر نقش می‌دهد.^۹

گتوها و حمل و نقل شهری:

گتوهای شهری همواره با مسائل حمل و نقل روبرو هستند. کمبود وسایل نقلیه شهری در بخشهای گتونشین، فعالیت روزانه مردم را با مشکلاتی روبرو می‌سازد و در پاره‌ای موارد آنها را مجبور می‌کند که از گتوها خارج نشوند. می‌دانیم که امکانات شهری در همه سطوح شهر پراکنده شده است و این تنها حمل و نقل منظم شهری است که استفاده از این امکانات را عملی می‌سازد و به زندگی شهری لذت و اعتبار می‌بخشد.

گتونشینان معمولاً جایی را برای تشکیل گتو انتخاب می‌کنند که وجود موانع طبیعی یا انسانی بتواند آنها را از سایر محلات شهری جدا سازد از این رو موانعی مثل رودها، مسیله‌ها، خیابانهای باریک و قدیمی، گورستانها و فضاهای باز و خالی، فرودگاههای از کار افتاده در تشدید مشکلات مربوط به حمل و نقل میان گتوها و مراکز کار در شهرها سخت مؤثر می‌افتد. مهم اینجاست که تنها شبکه‌های حمل و نقل شهری است که گتونشینان را با محل کار و منبع درآمد روزانه‌شان مربوط می‌سازد. هرگونه نقصی که در حمل و نقل شهری بوجود آید اثرات منفی در اقتصاد روزمره گتونشینان به همراه خواهد داشت. از طرفی چون جامعه شهری همواره تأکید بر محدودیت محلات گتونشین دارد ساکنین گتوها نمی‌توانند در مجاورت محل کارشان، مسکن برای خود انتخاب کنند. روشن است که با پراکندگی شغلها و حرفه‌های ویژه گتونشینان در سراسر شهر، توسعه مداوم شهر، همه ساله بر هزینه‌های رفت و آمد این مردم افزوده می‌شود و بیش از پیش اقتصاد آنها در فشار و سختی قرار می‌گیرد. زمانی موضوع، اهمیت بیشتری می‌یابد که کارهای روزمره و اتفاقی مثل کارهای ساختمانی به دور از گتوها و یا به حومه‌های شهری انتقال یابد در آن صورت، هزینه رفت و آمد این مردم رقم درشتی را در کل هزینه روزانه تشکیل خواهد داد.^{۱۰}

بدینسان با تغییرات روزانه، ماهانه و سالانه محل کار گتونشینان و حاشیه‌نشینان

9. Harold M. Rose. The Black Ghetto. pp. 43-44 McGraw-Hill. New York. 1971. pp. 43-44.

10. James O. Wheeler. The Urban Circulation Noose Duxbury Press. Massachusetts. 1974. p. 60.

شهری، هزینه‌های مربوط به رفت و آمد روزانه نیز افزایش می‌یابد. در این جابجایی محل کار، چه بسا که کارگران غیر ما هر شغل خود را نیز از دست می‌دهند.

به سبب کمبود درآمد گتونشینان، این مردم همواره با وسایل حمل و نقل عمومی به محل کار خود عزیمت می‌کنند. به هنگام تغییر محل شغلی آنها، ناگزیرند روزانه با تعویض چند خط اتوبوس رانی علاوه بر تحمل هزینه زیاد، با تلف شدن یکی دو ساعت از وقت روزانه، بر خستگی‌شان افزوده شود و جسم و روح این مردم محروم روز به روز پژمرده و غلیل گردد.

به موازات گسترش شهر و باز شدن حومه‌های سالم و زیبا به روی طبقه پردرآمد و طبقه متوسط شهری، محل کارهای اتفاقی گتونشینان فاصله بیشتری با محل زندگی‌شان می‌گیرد. چیزی که در دود ده گذشته اقتصاد گتونشینان را سخت در تنگنا قرار داده است در حالی که در این مدت، فاصله میان محل کار و محل زندگی سایر طبقات شهری تغییرات کمتری بخود دیده است. بدینسان ملاحظه می‌شود که توسعه شهری نیز به زیان گتونشینانی که به کارهای اتفاقی چسبیده‌اند تمام شده است.

فرصتهای اشتغال و گتوها:

نیروی انسانی، تنها منبع بزرگ گتوهای شهری محسوب می‌شود که در هیچ زمانی به سبب فراوانی آن، کاهش نمی‌پذیرد. با وجود فراوانی نیروی انسانی، در داخل گتوها، فرصتهای اشتغال محدود می‌باشد و به سبب همین محدود بودن اشتغال، چه بسا که گتونشین‌ها مجبور می‌شوند به نقاط دور از محله مسکونی خود بشتابند. از این رو در اغلب گتوهای دنیا، فاصله میان محل اقامت و محل اشتغال گتونشینان افزایش می‌یابد.

نیروی انسانی گتوها، اغلب از کارگران غیر ما هر تشکیل می‌شود هر چند که در بیشتر گتوهای امروزی، روز به روز بر تعداد کارگران نیمه ماهر افزوده می‌شود و حتی بخشی از آنها در ردیف یقه سفیدها قرار می‌گیرند. اما باز در کل نیروی کار، کارگران غیر ماهر رقم درشتی را نشان می‌دهند. در دود ده گذشته، برای زنان کارگر، بهترین محل شغلی، خدمتکاری در خانه‌ها بود که گاهی بین ۳۵٪ تا ۷۰٪ نیروی انسانی زنان در این راه بکار گرفته می‌شد. در سالهای اخیر، فروشندگی و منشی‌گری از جمله محل‌های شغلی است که زنان بیشتری طلب می‌کند. در عوض از نسبت اشتغال در خدمتکاری کاسته می‌شود. مشاغل عمده مردان گتونشین، بیشتر کارهای بدنی و عملی است مشاغل مربوط به امر توزیع کالا،

خدمات و رانندگی از آن جمله است. پایگاههای شغلی در ساخت داخلی گتوها چندان مؤثر نمی افتند از این رو چهره گتوها و واحدهای مسکونی آنها تقریباً همانند می نمایند.^{۱۱}

در گتوها، رقم بیکاری و کارهای نیمه وقت، بیش از سایر مناطق شهری است و معمولاً رقم بیکاری در گتوهای نژادی دو برابر سایر مناطق شهری می باشد. رقم درشت بیکاری با سطح نازل درآمد و مزد، گسترش فقر دایمی را سبب می شود. شدیدترین نسبت بیکاری، در گروه سنی ۱۹-۱۶ سال دیده می شود که گاهی در پاره ای از گتوها تا ۳۵٪ نیز بالا می رود. بی جهت نیست که اغلب ناآرامیها و طغیانهای گتونشینان بدست این گروه سنی صورت می گیرد.

عده ای از محققین به هنگام شناخت گتوهای فقر، بررسی عوامل زیر را لازم می دانند:

۱- زندگی در واحدهای مسکونی غیراستاندارد.

۲- درآمد پایین خانواده ها.

۳- میزان روزهای بیکاری.

۴- سطح پایین آموزش و تحصیلات.

۵- جذب نیروی کار در مشاغل غیرتخصصی.

۶- نابسامانیهای خانوادگی.

در بیشتر گتوها، به ویژه در گتوهای نژادی امریکا، نصف همه خانوادهایی که در مرز فقر قرار گرفته اند خانواده هایی هستند که به سبب از کارافتادگی مردان و یا ترک سرپرست خانواده، زنان سرپرستی خانواده ها را به عهده گرفته اند و درآمد زنان تنها منبع نایبی خانواده ها می باشد.

فقدان سرمایه گذاری در داخل گتوهای شهری، اقتصاد گتوها را در شرایط بحرانی قرار داده است. از طرفی گتونشینانی که در مادر شهرها بکار گرفته شده اند به محض انتقال شرکتها و صنایع از مادر شهرها به حومه ها، مجبور می شوند که هزینه بیشتری به رفت و برگشت روزانه خود بپردازند. در نتیجه روز به روز فشار زندگی بر خانواده های گتونشین بیشتر سنگینی می کند. در داخل گتوها فرصتهای شغلی معینی وجود دارد که می تواند تعداد محدودی را بپذیرد. خواربارفروشی، لباس شویی، نوافروشی، واکسی، سالن آرایش زنان، آرایشگاه مردان و نوشابه فروشی از آن جمله است.

i1. Harold M. Rose, The Black Ghetto, McGraw-Hill, New York 1971, P. 51.

در همه گتوهای نژادی دنیا، در مشاغل مشابه، میزان دریافتی سفیدپوستان بیش از رنگین پوستان است. در گتوها، اغلب جوانان قبل از دریافت دیپلم دبیرستان، ترک تحصیل می کنند تا به بازار کار بشتابند اما در بازار کار، جهت افراد غیرماهر، فرصتهای اشتغال وجود ندارد و این جوانان مجبورند مدتها با بیکاری بسازند.^{۱۲}

جدایی گزینی اکولوژیکی گتوهای شهری، در عدم دسترسی به محل کار به شرح زیر مؤثر می افتد:

۱- گتونشینان از مراکز کار که با فاصله زیادی از محل زندگیشان قرار گرفته باشد معمولاً بی اطلاع می مانند.

۲- هزینه عزیمت به نقاط مختلف شهر جهت پیدا کردن کار، در اقتصاد و هزینه روزمره گتونشینان حالت شکننده ای دارد. به ویژه که این عده اغلب بیکار بوده و هیچگونه منبع عایدی ندارند. از این رو غالباً بیکاران گتونشین از فرط ناامیدی از گتوهای خود خارج نمی شوند.

۳- کارفرمایان بیرون از گتوها که فاصله ای با گتوها داشته باشند محدودیتی نسبت به سپردن کار و یا استخدام گتونشینان قائل می شوند این وضع به ویژه در گتوهای نژادی بیشتر صادق است.^{۱۳}

خیابان نشینی در گتوها:

در گتوها بخشی از زندگی کودکان، جوانان و سالمندان در خیابانها می گذرد چرا که محدودیت جا و مکان، تراکم شدید در اطاقهای تنگ و تاریک، عدم وجود وسایل سرگرمی در خانه، گتونشینان را به خیابانها می کشاند. گتونشینان برای شنیدن شایعات، تماس چند دقیقه ای با دوستان، گذراندن ساعاتی با همسایگان، گفتگو درباره اتفاقات شب گذشته به خیابانها می آیند. در گتوها، اختصاص بخشی از ساعات زندگی به خیابان نشینی، یک وابستگی مهم و حیاتی در شبکه روابط اجتماعی بوجود می آورد. بسیاری از اتفاقات مهم زندگی مثل ازدواج، استخدام، قرض و حتی قتل و بزهکاری از حاشیه همین خیابانها آغاز می شود.

خیابان نشینی خانواده ها به ویژه در بعد از ظهرهای تابستان، بعد از تعطیل مدارس و پایان کار روزانه شروع می شود و خانواده ها جلوی خانه ها، روی تخته سنگها و یا روی

12. Nathan Glazer and Daniel Patrick Moynihan, Beyond the Melting pot The M.I.T. Press/ Massachusetts. 1963. P. 31.

13. John F. Kain, Essays on Urban Spatial Structure. Balliyer Publishing Company. 1975. P. 176.

صندلیهای کهنه جمع می شوند و گفتگوها گاهی ساعتها ادامه می یابد. کودکان در پیاده روها بازی می کنند جوانان مجرّد به گوشه های مختلف سرمی زنند و دختران جوان در جلو خانه شان به گفتگو می نشینند. در شبهای گرم تابستان، خانواده ها ساعات متعددی در برابر خانه شان می نشینند و بحثها با همسایگان مجاور روی درآمد خانواده، بیکاری فرزندان، مریضی افراد خانواده، رسوایی همسایگان، مرگ افراد آشنا و مسابقات ورزشی دور می زند. زمانی که سالمندان از ماجراهای گذشته گتو حرف می زنند همه سراپا گوش می شوند و با علاقه خاصی با قهرمانان این ماجراها آشنا می گردند. گتوها همواره تاریخ شفاهی داشته اند.^{۱۴}

در شبهای تابستان، عده ای از خانواده ها، تلویزیون خود را به جلو منزل می آورند و با همسایگان برنامه های تلویزیونی را تماشا می کنند حتی از میهمانان خود نیز در حاشیه پیاده رو و خیابان پذیرایی می نمایند بدینسان ملاحظه می شود که در گتوها خانه ها، تنها برای خوردن، خوابیدن و انجام مراسم مذهبی اختصاص یافته است و وقت گذرانی مردم بیشتر در بیرون از خانه و در خیابانها صورت می گیرد. هر چند که خیابانهای گتوها آشفته، پرسر و صدا و کثیف و ناامن می باشد اما خانواده ها به سبب محدودیت جا در خانه ها، خیابان را تنها محل وقت گذرانی خود بشمار می آورند. اطاق اضافی و یا دور از سر و صدای بیرون به ندرت در خانه ها یافت می شود و این وضع به ویژه برای مردان و جوانان که روزهای خسته کننده ای را در کار روزانه گذرانده اند کسل کننده می باشد.

در گتوها، هر پله کان، هر کوچه، هر خیابان و مقابل هر مغازه، مشتری دایمی و مخصوص به خود دارد. در گتوها، دعوت از خانواده ها، آشنایان، دوستان و یا برگزاری مراسم خاص به ندرت اتفاق می افتد و اغلب میهمانان بدون خبر و دعوت قبلی وارد خانه می شوند.

گتوهای فقر و طرز نگرش به زندگی:

چهره کاملاً روشن گتوهای شهری، گسترش زاغه نشینی در گتوهای فقر در شهرهای بزرگ جهان سوم است. زاغه های شهری، جایگاه آن دسته از گروههای انسانی است که جامعه شهری و سازمانهای حاکم بر آن هنوز نسبت به پذیرش آنها به عنوان شهروند بی اعتنا می باشد. در بخشهای زاغه ای، تسلط فرهنگ فقر چشمگیری می نماید. این زاغه ها جایگاه مردمی است که از نظر جامعه شهری غریبه و بیگانه اند. این احساس بیگانگی یا بر معیار کمبود درآمد و یا بر پایه حاکمیت تبعیضات نژادی و قومی استوار است. این مردم چه در

14. Gerald D. Suttles. The Social Order of The Slum. The University of Chicago Press. 1968. p. 74.

حاشیه شهرها باشند و چه در داخل محلات قدیمی شهر زندگی کنند منتظرند تا خود و فرزندان شان با آموزشهای حرفه ای و فنی بتوانند سازمانهای شهری را نسبت به پذیرش خود راضی سازند. چنین می نماید که باید نسلی قربانی شود و در حاشیه شهرها زندگی را تباه سازد تا نسل بعد بتواند خود را با جامعه شهری تطبیق دهد.

در سالهای اخیر، عده ای از محققین، منطقه حاشیه نشین و زاغه نشین شهرها را از جهت زمینه های روانی مردم آن به دودسته تقسیم می کنند:

۱ — دسته ای از زاغه نشینان امیدوارند که با گذشت سالها و دست یابی به مشاغل پردرآمد، گشایشی در وضع اقتصادی شان حاصل می آید.

۲ — دسته دیگر از زاغه نشینان شهری هرگونه امید به بهبودی شرایط زندگی را از دست داده و باتوجه به فضاوت سازمانهای شهری در مورد خود، هیچگونه پیشرفتی را از نظر اجتماعی — اقتصادی تصور نمی کنند چرا که سپری شدن سالیان دراز، سالمندی و یا عدم توجه سازمانهای شهری، هرگونه امیدی را از آنها سلب کرده است.

اگر همه عوامل و شرایط اجتماعی — اقتصادی و روانی حاشیه نشینان و زاغه نشینان شهرها را در نظر بگیریم می توانیم طبقه بندی دیگری به شرح زیر بدست دهیم:

۱ — زاغه هایی با مردم پرتحرک و امیدوار: میزان امیدوار بودن این عده بستگی به درجه جذب آنها در بازار کار دارد. رشد و توسعه اقتصادی جامعه و فراهم شدن امکانات شغلی، حداقل بهبودی در زندگی آنها بوجود می آورد.

۲ — زاغه های بی امید با طبقه پرتحرک: این عده به سبب بیکاریهای طولانی هرگونه امید به بهبود شرایط زندگی را از دست داده اند. حتی بعداً نیز با فراهم شدن امکانات شغلی و یا درآمد بیشتر، مسائل و مشکلات اساسی این گروه حل نمی شود. با وجود این آموزشهای شغلی و اشتغال اعضای خانواده مختصر گشایشی در کیفیت زندگی آنها بوجود می آورد.

۳ — زاغه های پرامید با مردمی فاقد تحرک: این گروه به بهبود شرایط زندگی و وضع اقتصادی خود امیدوارند. اما پاره ای از موانع از پیشرفت اقتصادی آنها جلوگیری می کند. اگر مانع، تنها مربوط به زبان باشد ممکن است آنها بعد از مدتی زبان اکثریت جامعه شهری را بیاموزند. در حالی که موانع قومی، نژادی و مذهبی به آسانی قابل حل نخواهد بود. در صورت برطرف شدن موانع، این گروه نظیر گروه اول عمل می کند و قادر خواهد بود خود را با کیفیت و توسعه اقتصادی محیط سازش دهد.

۴ — زاغه های بی امید با مردمی فاقد تحرک: این گروه، یکی از مشکل ترین و

پسچیده‌ترین چهره‌های زاغه‌نشینی را مطرح می‌سازد و در جوامع سرمایه‌داری به ویژه در شهرهای جهان سوم، حتی اگر موانع موجود کاملاً برطرف گردد و فرصت‌های شغلی فراهم آید باز هم مشکلات بیشماری وجود خواهد داشت. جهت درمان مسائل این قبیل زاغه‌نشینان، لازم است که اساس و منشاء همه ناراحتیهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آنها از ریشه خشکانده شود و به موازات توسعه اقتصادی جامعه، حل مسائل این گروه در اولویت قرار بگیرد. اغلب گتوهای نژادی امریکا و گتوهای فقر شهرهای جهان سوم در ردیف این قبیل زاغه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.^{۱۵}

گتوهای نژادی:

بزرگترین گتوهای نژادی در شهرهای امریکایی تشکیل شده است از این رو بهتر دیدیم که نمونه کاملاً روشن گتوهای نژادی را از امریکا انتخاب کنیم.

در امریکا، فرهنگ سیاهان در مزارع جنوب بارور شد و از این مرکز به همه گتوهای سیاهان انتقال یافت. این انتقال فرهنگی بیشتر در سه دهه گذشته صورت گرفته است. در سه دهه گذشته، در مزارع و شهرهای کوچک جنوب، عامل دفع قوی‌تر از عامل جذب عمل کرده است و اغلب مهاجرتهای سیاهان از شرایط اقتصادی متأثر بوده است. در این زمینه می‌توان به کاهش در مشاغل بخش کشاورزی به سبب دگرگونی تکنولوژی از بهره‌برداری زمینهای کشاورزی و مکانیسم بازار نیز اشاره کرد.

در طول دهه ۱۹۶۰، جمعیت سیاهان ایالات متحده، ۲۰٪ افزایش یافت، این نسبت در مورد سفیدپوستان ۱۲٪ گزارش شده است. با آهنگ افزایش فعلی، جمعیت سیاهان در ۳۵ سال آینده به دو برابر خواهد رسید. در سال ۱۹۱۰، تنها ۱۸ شهر امریکایی دارای ۲۵۰۰۰ سیاه‌پوست یا بیشتر بود. این نسبت در سال ۱۹۷۰ به ۷۰ شهر بالغ می‌شد. در همان حال که جمعیت سیاهان افزایش می‌یابد تولید اطفال نامشروع نیز رقم درشتی را تشکیل می‌دهد. سرعت افزایش تولد اطفال نامشروع جامعه سیاهان امریکا را با بحران تازه‌ای روبرو ساخته است. در یکی دو دهه پیش، میزان مرگ و میر کودکان سیاه‌پوست، ۹۰٪ بیش از مرگ و میر کودکان سفیدپوست بود. هر چند که این نسبت امروزه کاهش یافته اما باز هم مرگ و میر این گتونشینان امریکایی نسبت بالایی را نشان می‌دهد. هم‌اکنون کودکان سیاه‌پوست تا ۶۵ سالگی امید به زندگی دارند. بهبودی نسبی درمان و امکان دسترسی به مراکز بهداشتی و

15. Maurice H. Geates and Barr J. Garner. The North American City. Harper/Row. New York. 1971. P. 306.

کاهش مشاغل پرخطر میان سیاهان در افزایش سالهای امید به زندگی نقش اساسی داشته است.

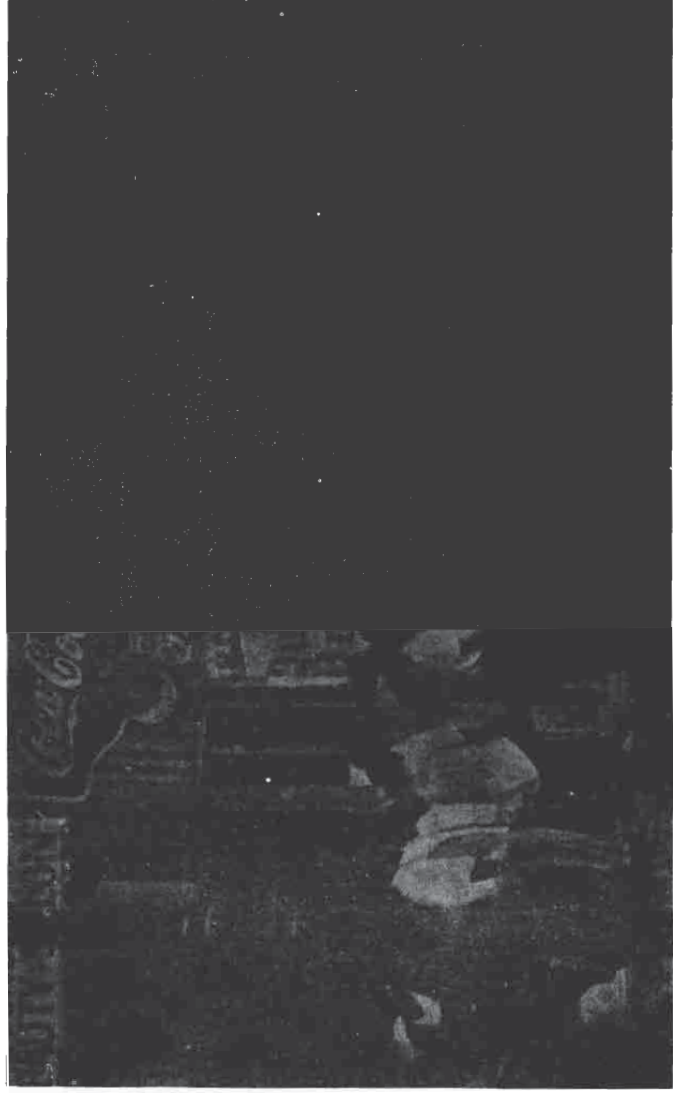
عوامل اصلی مرگ و میر مردان سیاه‌پوست در گتوهای نژادی امریکا، مرگ و میر زودرس، آنفلوآنزا، ذات‌الریه و امراض قلبی می‌باشد. قتل نیز در کشتار مردان در ردیف دهم اهمیت قرار گرفته است که بیشتر ناشی از سرخوردگی و ناراحتیهای روانی از زندگی در جامعه شهری امریکا است. جایی که به تبعیض نژادی در همه ابعاد زندگی تن در داده است. فراموش نکنیم که مرگ زودرس، آنفلوآنزا، ذات‌الریه و حتی قتل هم‌نوع اغلب ناشی از فشارهای اقتصادی - روانی است.^{۱۶}

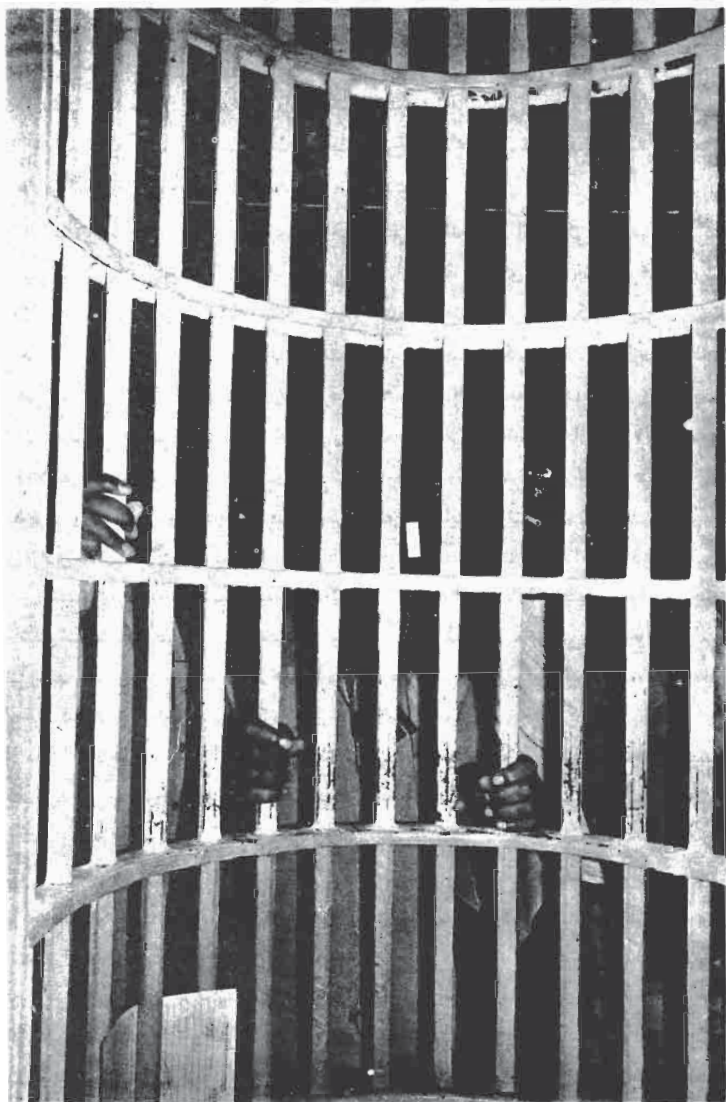
در مقایسه با مناطق دیگر شهری، خدمات درمانی ناچیزی در دسترس گتونشینان شهرهای امریکایی قرار داده شده است به تدریج که بخش مرکزی شهرهای امریکایی به اشغال سیاهان و رنگین‌پوستان درمی‌آید پزشکان این بخش نیز مطب خود را تعطیل و به سایر بخشهای شهری منتقل می‌شوند. در نتیجه روز به روز از تعداد پزشکانی که قبلاً در دسترس گتونشینان بود کاسته می‌شود. از طرفی فقدان پزشکان سیاه‌پوست نیز بر مشکلات کار می‌افزاید و به جای پزشکان انتقالی، پزشکان جدیدی وارد بخش مرکزی شهرها نمی‌شوند. روشن است که وضع درمانی سیاهان در گتوهای نژادی مشکلی است که شاید نتوان به این زودیاها به حل آن امیدوار بود. وقتی مطب پزشکان به نقاط دور از گتوها انتقال می‌یابد سیاهان برخلاف ۲۰ سال گذشته، ناچار می‌شوند مسافت زیادی را در داخل شهرهای امریکایی پیمایند تا به مطب پزشکان برسند و این خود بر هزینه درمان می‌افزاید. در سالهای اخیر، در گتوها و یا در محاورت آنها، درمانگاهها و بیمارستانهایی ایجاد شده است اما به سبب هزینه نسبتاً زیاد و عدم وجود پزشکان سیاه‌پوست، چندان مراقبتی از بیماران مراجعه کننده بعمل نمی‌آید. درمانگاهها و بیمارستانهایی هم که به طور رایگان در اختیار گتونشینان قرار گرفته است به سبب واقع شدن در بخش پرجمعیت شهر و پذیرش هزاران بیمار، از کارایی آنها کاسته می‌شود و مراقبتهای پزشکی به حداقل کاهش می‌یابد.

گتوهای نژادی، از سوی پلیس و دستگاههای انتظامی کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرند. در گتوهای نژادی افرادی که بیکارند و درآمدی ندارند از آنهایی که به درآمد متوسطی دست یافته‌اند می‌دزدند. تراکم شدید جمعیت، حاکمیت بیکاری، عدم توجه پلیس، اثر هم‌پاشیدگی بنیانهای خانوادگی، میزان جرم و جنایت را به شدت در گتوهای نژادی

16. Harold M. Rose. The Black Ghetto. McGraw-Hill New York. 1971. pp. 123-124.

بیشتر ساعات شبانه روی سیاهان امریکا در خیابانها می گذرد.





تبعيض ترادی و زندگی سیاهان آمریکا

امریکا بالا برده است. اغلب جنایتها در خیابانهای گتوها اتفاق می افتد و فریاد سیاهان آغشته به خون برای نظم و قانون به جایی نمی رسد. ترس محله ای از محله دیگر، ترس دسته ای از جوانان عاصی یا معتاد از دسته دیگر، در داخل گتوهای آمریکایی جهنم واقعی تهیه کرده است. تا آنجا که دزدی به سبب بیکاری کاملاً موجه شناخته می شود و دستبرد به مغازه ها و خانه ها در گتوها یک جریان عادی محسوب می گردد.

حال به بزرگترین گتوی نژادی دنیا می رویم و گوشه هایی از زندگی سیاهان این گتو را به صورت فشرده بازگو می کنیم که الگویی است از همه گتوهای نژادی در شهرهای بزرگ آمریکا. در هارلم ۵۰٪ واحدهای مسکونی غیراستاندار هستند. میزان بیکاری بین ۲۵٪ تا ۳۰٪ می باشد. تقریباً نصف مردان جوان قادر به پیدا کردن کار نیستند زیرا بازار کار، تخصص می طلبد و آنها یا فاقد مهارت حرفه ای هستند و یا معتادند. میان سالهای ۱۹۷۰-۱۹۵۰، هارلم بزرگ ۱/۴ جمعیت خود را از دست داد و میزان جمعیت از ۷۷۲۰۰۰ نفر به ۵۶۴۰۰۰ نفر کاهش یافت. هارلم در قلب شهر نیویورک واقع شده است شهری که بیش از همه شهرهای دنیا ثروت و قدرت اقتصادی دارد. در کنار این ثروت عظیم، وحشتناک ترین گتوی نژادی دنیا یا بزرگترین گتوی فقر شهرهای آمریکایی به حیات خود ادامه می دهد.

شبهای جمعه و شنبه، بیمارستان هارلم شبیه اردوگاه زخمیهایی خط اول جبهه می باشد. نیاها با بطری، چاقو، شیشه و اسلحه گرم همدیگر را به سختی مجروح می کنند. در این شبه بیمارستان هارلم پر از زخمیها و مجروحین است. در گتوی نیویورک، مواد مخدر بیداد می کند همچنانکه روسپی گری بسیار عادی است. در هارلم بخش کوچکی از طبقه دوم وجود دارد که تاحدودی افراد موفق هارلم بشمار می آیند. عده ای از این طبقه به محض رسیدن به یک زندگی متوسط، هارلم را ترک می کنند و در سایر نقاط شهری مسکن انتخاب می کنند. گاهی هم به افراد متخصص و موقتی برخورد می کنیم که حاضر به ترک هارلم نیستند و در برابر سؤال چرا در هارلم زندگی می کنید چنین پاسخ می دهند: هارلم را با تمام قلبم دوست می دارم و به آن عشق می ورزم. به امید صبح تازه و روزهای روشن و بهتر از گذشته در اینجا ماندگار شده ام.

در شهرهای آمریکا، به گتوهای نژادی دیگری برمی خوریم که گتوهای پورتوریکوئها، گتوهای ژاپنی ها، گتوهای چینی ها، گتوهای مکزیکی ها از آن جمله است. ۱۷. شهرهای بزرگ آمریکا، تا دیروز گتوهای رنگین پوستان به ویژه سیاهان در بخش

مرکزی شهر تشکیل می شد و امروزه گتوهای حومه ها نیز که آغاز تشکیل آن از دهه ۱۹۶۰ می باشد بر فهرست گتوهای نژادی آمریکا اضافه شده است.

جدایی گزینی اکولوژیکی در شهرهای نفت خیز خاورمیانه:

در شهرهای خاورمیانه، ساخت اکولوژیکی شهرها را عواملی نظیر مذهب، سیاست، حرفه و شغل، نفت، انواع مهارتها، میزان درآمد، ملیت، مهاجرتها و منشاء قومی می سازد. در همه شهرهای خاورمیانه، شبکه راههای بازرگانی و دریانوردی و صید در (حوزه خلیج فارس) به سکونتگاههای انسانی نقش شهری داده و پیدایش و توسعه پاره ای از شهرهای خاورمیانه را براساس وابستگی به ارتباطات تجاری فاصله های دور قرار داده است. سکونتگاههای ساحلی مثل بندرعباس، بصره، جاسک، دومی، کویت اقلیتهای قومی بسیاری را پذیرا بوده اند که به صورت مهاجر از قبیله ها، روستاهای کشور خود و یا کشورهای دیگر، از حوزه خلیج فارس یا شرق آفریقا وارد این قبیل شهرها شده اند. همه مهاجرتها به امید کارایی و یا در زمینه داد و ستد بوده است.

در جدایی گزینی اکولوژیکی در شهرهای خاورمیانه، کویت را به عنوان کانون اصلی جذب همه ملیت ها، نژادها و زبانها انتخاب کرده و به عنوان نمونه مورد بحث قرار می دهیم:

میان سالهای ۱۹۰۰-۱۸۷۰، جمعیت شهر کویت در نتیجه امر مهاجرت به دو برابر رسید. دیوارهای گلی سابق پشت سر گذاشته شد و شهر به صحرای اطراف خود، آنجا که شیخ کویت، قطعات زمین را بدون دریافت وجهی در اختیار مردم قرار می داد گسترش یافت. طبقات پایین و متوسط جامعه تقریباً از راه دریانوردی، صید مروارید، ماهی گیری و دادوستد امرار معاش می کردند. تجارت شبکه راههای دور دریایی در ترکیب قومی جمعیت کویت و تابعیت ملیتهای مختلف نقش اساسی داشته است. گروههای خویشاوند معمولاً در بخشهای ویژه اقامت می کردند. در آن سالها کویت تنها ۳۵۰۰۰ نفر جمعیت داشت و در حدود ۱۰۰۰ ایرانی در این کشور زندگی می کردند و آزادانه میان کویت و بخشهای جنوبی ایران در رفت و آمد بودند. در این میان بازرگانان ایرانی گروه ویژه ای را تشکیل می دادند و عده ای از ایرانیان نیز به سبب انتخاب شغل خدمتکاری در سراسر کویت پراکنده بودند. در این زمان ۲۰۰-۱۰۰ یهودی نیز در کویت اقامت داشتند و کنیسه ای بر پا کرده بودند اما به سبب تهیه مشروبات الکلی چندان خوشنام نبودند. بعضی از یهودیان جواهر فروش، لباس فروش و یکی

دو نفر از آنها در ردیف بازرگانان ثروتمند بشمار می آمدند. جمعیت سیاهان ۴۰۰۰ نفر تخمین زده می شد و عده ای از آنها غلام زر خرید بودند.^{۱۸}

بدینسان ملاحظه می شود که گروههای گوناگون قومی همراه با مشاغل اختصاصی مشخصات کویت قبل از استخراج نفت را تشکیل می دهد. در طول جنگ جهانی به سبب محاصره دریایی و مشکلات داخلی، اکثریت مردم کویت در مرز فقر و نیمه گرسنگی قرار داشتند. اما صادرات نفت که از سال ۱۹۴۶ آغاز شد روزهای سعادت آمیزی را به همراه داشت در نتیجه اقتصاد کویت و ساخت اجتماعی آن به کلی دگرگون گشت.

کویت جدید در طول ساحل گسترش یافته و شهر کویت پایتخت آن، ۵۸٪ کل جمعیت کشور را در خود جای داده است. بیشتر جمعیت اضافی سالهای اخیر در بیرون از شهر قدیم به ویژه در حومه های جنوب شرقی مسکن انتخاب کرده اند که پاره ای از این حومه ها از شهر قدیم تا ۱۰ کیلومتر فاصله دارد. قبلاً گفته شد که جمعیت کویت هیچوقت متجانس و از یک قوم نبوده اند. این ترکیب بعد از آغاز بهره برداری از نفت به سبب مهاجرت از نقاط گوناگون، تشدید گشت. قوانین کشور کویت از سال ۱۹۴۸، میان مهاجرین و مردم کویت تبعیضاتی قائل شد. دولت کویت در زمینه استخدام، به ویژه در بخشهای اداری به کویتی ها امتیازات زیادی بخشیده است. این تبعیض در زمینه آموزش و پرورش، امکانات رفاهی و درمانی نیز دیده می شود.

امتیاز و تبعیض میان کویتی ها و غیر کویتی ها، منشاء اصلی تقسیم جمعیت شهر به گروههای کاملاً مشخص بوده است. از طرفی تبعیض نه تنها میان کویتی ها و مهاجرین خارجی دیده می شود بلکه میان مهاجرین خارجی نیز تبعیضاتی وجود دارد. سرشماری سال ۱۹۷۰، بیانگر افزایش سریع جمعیت مهاجرین به شهر کویت می باشد. از طرفی به سبب تهیه امکانات بهداشتی، مرگ و میر کودکان که قبل از جریان نفت فوق العاده بالا بود اکنون تقریباً به سطح کشورهای اروپایی رسیده است. از این رو کویت به سبب افزایش طبیعی جمعیت، یکی از جوانترین کشورهای دنیا را تشکیل می دهد. از طرفی افزایش جمعیت میان مهاجرین نیز رقم بالایی را نشان می دهد.

در شهر کویت، کویتی ها و غیر کویتی ها به صورت کاملاً روشنی به جدایی گزینی تن در داده اند. در سال ۱۹۷۰، در حدود ۳۸٪ جمعیت پایتخت از کویتی ها بود اما در یازده

18. A. G. Hill. "Segregation in Kuwait". in Social Patterns in Cities. pp. 124-125. Institute of British Geographers. 1973. pp. 124-125.

حومه شهر، کویتی ها حداقل ۳/۴ جمعیت را تشکیل می دادند. تسریع در جدایی گزینی اکولوژیکی مربوط به سیاست دولت کویت بود که از سال ۱۹۵۲، در شهر قدیمی کویت نوسازی را آغاز کرد و کویتی ها را با پرداخت غرامت به زندگی در حومه ها تشویق نمود. این جریان تعداد کویتی ها را در شهر قدیمی به سرعت تقلیل داد. کویتی ها در آن سوی مرزهای شهر قدیمی به احداث واحدهای مسکونی و ویلاهای گران قیمت اقدام کردند. سازمانهای دولتی نیز با اختصاص وامهای کلان به کویتی ها که قادر به ساختمان مسکن نبودند آنها را به ساختن واحدهای مسکونی سالم و زیبا در حومه ها تشویق می کرد. قطعات زمین در بیرون از مرزهای شهر با قیمت جزئی در اختیار کویتی ها قرار داده شد و از طرف دولت نیز ۱۳۰۰۰ واحد مسکونی برای طبقه کم درآمد ساختمان گردید.^{۱۹}

در شهر کویت، مهاجرین و غیر کویتی ها، از نظر تخصص و تحصیلات عالی بر کویتی ها برتری دارند و در صنایع نفت و سایر بخشهای تکنیکی استخدام شده اند بالطبع، شهرکها و حوزه های روستایی کویت برای متخصصین خارجی جاذبه کمتری دارد. از این رو شهرکها و حوزه های روستایی کلاً از کویتی ها تشکیل می شود. و تنها پایتخت و حوزه های صنعتی است که اکثریت مهاجرین را پذیرا گشته و ساخت اکولوژیکی شهر را تعیین کرده است.

برابر تصمیمات دولت، هر مؤسسه، سازمان و کارفرما ابتدا باید مشاغل موجود را به کویتی ها عرضه کند و شرکت های نفتی نیز هر چند یک بار، عده ای را جهت گذراندن دوره های تخصصی نفت، برای جانشین ساختن کویتی ها به جای اتباع خارجی به کشورهای مختلف اعزام می دارد. در بخش خدمات اداری نیز همه مشاغل مدیریت و اجرایی اختصاص به کویتی ها دارد. تبعیض میان کویتی ها و غیر کویتی ها در سطوح مختلف اشتغال، سبب حاکمیت کویتی ها در سازمانهای دولتی — اداری و دوری جستن آنها از مشاغل دستی و نیمه تخصصی بوده است. این شکاف به وسیله مهاجرین پر شده است. حتی تعداد محدودی از کویتی ها در بخش کشاورزی و ماهی گیری و یا صنعت نفت جذب شده اند. در نتیجه، مهاجرین نه تنها مشاغل کم اهمیت شهر را بعهده گرفته اند بلکه مشاغل پراهمیت و کاملاً فنی و تخصصی نیز به آنها اختصاص یافته است. پایگاه تحصیلاتی و سطح آموزش رابطه نزدیکی با نوع اشتغال دارد. از این رو کویتی ها که از تحصیلات متوسطی برخوردارند در مشاغل

19. A. G. Hill. "Segregation in Kuwait". Social Patterns in Cities. Institute of British Geographers. March. 1973. P. 131.

منابع فصل سوم

- Ahmad Pasa. Sefaretname-i Iran, Istanbul Mellet küküphanesi Nr. 819
- Aktepe Munir: Osmanli-Iran Münasebetleri (1720-1724) Istanbul, 1970; Nadir, Islam Ansiklopedise, Istanbul. 1964, C.9 Durri Ahmet Efendinin Iran Sefareti (Belgelerle Turk Tarihi Dergisi) Istanbul, 1967/68, Sayi. 1-6.
- Cavid Bayson, Murad. TV, Islam Ansiklopedisi Istanbul, 1971, C.8.
- Danismend, Ismail Hami: Izahli Osmanli Tarihi Kronolojise, Istanbul, C.4,5.
- Durri Ahmet Efendi: Sefaretnome-i Iran, Istanbul Universitesi. Merkez Kukuphanesi, Türkce Yazmalar Kismi, Nr. 3228-
- Enver Ziya Karal: Ahmad III, Islam Ansiklopedisi Istanbul, 1965, C. 1, Istanbul 1974.
- Mufasssal Osmanli Tarihi (bir heyete calismalar) Istanbul, 1971, C.A
- Oztuna, T. Yilmaz: Türkiye Tarihi, Istanbul 1967, C.11.
- Saray Mehmet: Turk-Afgan Münasebetleri, Istanbul, 1984.
- Semidani-zade, Findiklili Suleyman efendi Tarihi, Mürit-Tevarih, Istanbul, 1976, C.1
- Tayyib, Gokbilgin, Ibrahim, I, Islom Ansiklopedisi, 1968, C.4
- Unat, faik Resit, Osmanli Sefirleri ve sefaretnameleri, Ankara 1968;
- Hier Tarihleri miladi Cevirme Kilavuzu Ankara 1974.
- Uxuncarsili Ismaili Hakki, Osmanli Tarihi, Ankar 1978, C.4.
- Glazer, Nathan and Daniel Patrick Ynihan. Beyond The Melting Pot. The M.I.T.Press and Harvard University prees. 1963. P.31.

اداری به ویژه در رده‌های بالا و حساس اداری بکارگمارده شده‌اند. در حالی که در مشاغل مشابه — غیرکویت‌ها دارای تحصیلات عالی و تخصصی می‌باشند.

در کویت، حداقل، مهاجرین چهار کشور خارجی مشاغل ویژه‌ای را انتخاب کرده‌اند: ایرانی‌ها، عمانی‌ها به صورت کارگران ساختمانی، کارگر عادی و یا صنعتگر مشغول فعالیت‌اند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از لبنانی‌ها، سوری‌ها در صنعتگری و خرید و فروش جذب شده‌اند. مهاجرین سایر کشورهای عربی در منشی‌گری و کارهای دفتری و خدماتی پذیرفته شده‌اند. انگلیسی‌ها، امریکائی‌ها و مصری‌ها در مشاغل فنی و کاملاً تخصصی فعالیت دارند. بدینسان می‌بینیم که جامعه شهر کویت نظیر شهر بلفاست در ایرلند، درجه‌بندی و دو قطبی شده است. باتوجه به نوع و کیفیت شغل همچنین منشاء قومی مردم، ساخت اکولوژیکی شهر کویت را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

- ۱ — کویتی‌ها در حومه‌های نوساز و کاملاً زیبا و سالم زندگی می‌کنند.
 - ۲ — مهاجرین متخصص و فنی با آموزش عالی در بخش مرکزی شهر اقامت دارند.
 - ۳ — مهاجرین غیرفنی و غیر ماهر یا بدون تحصیلات در حوزه‌هایی که در آنجا فعالیت‌های شدید ساختمانی در جریان است و یا در ساحل شرقی، آنجا که کارگران مشاغل دستی زندگی می‌کنند مسکن انتخاب کرده‌اند.^{۲۰}
- ملاحظه می‌شود که شهر کویت به قطعات و واحدهای جمعیتی جدا از هم تقسیم شده است که هر یک ویژگی‌های دموگرافیکی، اقتصادی و نوع اشتغال خود را دارند و کالاهای و لباسهای گران قیمت خیابان فهد به کویتی‌ها اختصاص دارد.
- از همه آنچه که گفته شد چنین برمی‌آید: در اغلب شهرهای غربی، جدایی‌گزینی اکولوژیکی براساس پایگاه اقتصادی صورت می‌گیرد و این مطالعه از شهر کویت نشان می‌دهد که در شهر کویت، علاوه از پایگاه اقتصادی، پایگاههای قبیله‌ای، منشاء قومی و ملیت نیز در جدایی‌گزینی اکولوژیکی سهم عمده‌ای داشته است و به دلایل متعدد منشاء قومی و ملیت در همه شهرهای خاورمیانه، بر سایر شاخصهای اکولوژیکی برتری یافته است.

20. A.G. Hill «Segregation in Kuwait». Social Patterns in Cities. Institute of British Geographers. March 1973. pp. 136-137.

فصل چهارم

اکولوژی تطبیقی و آسیب شناسی شهری

Johnston. J.R. Urban Residential Pattern Bell and Sons. London. 1971. p.243.

Kain F.John. Essays on Urban Spatial Structure. Belliger publishing Company. 1975. p.176.

Ros H.M. The Development of an Urban Subsystem. The Case of The Negro Ghetto» in Urban Social Segregation edited by Ceri peach. Longman. 1975 pp. 173-175.

Rose M.Harold. The Black Ghetto. McGraw-Hill. 1971. pp.6 43-44, 51.

Suttles D.Gerald. The Social Order of the Slum. the University of Chicago Press. 1868. p.74.

Wheeler O.James. The Urban Circulation Noose, Duxbury press. 1974. p. 60.

Wirth. Louis.The Ghetto. The University of chicago press 1969

Yeates H.Maurice and Barry J.Garner. The North American City, Harpar-Row. 1971. p.306.

دکتر احمد مجتهدی، شهرها، موسسه انتشارات مشعل، اصفهان ۱۳۴۹

اکولوژی تطبیقی

در سال ۱۹۶۵، عنوان اکولوژی تطبیقی به وسیله اف. ال. سویتزرا^۱ به مثابه یک مدل برای آگاهی از ساخت اکولوژیکی بکار گرفته شد. هدف از روش تطبیقی، آگاهی از تفاوت‌های اکولوژیکی محلات شهری بود. مفاهیم اکولوژی تطبیقی به سرعت از طرف اغلب محققین و مؤسسات تحقیقات شهری پذیرفته شد. مراد از اکولوژی تطبیقی، بکارگیری اصول و شاخصهایی است که در شناخت زندگی مردم در محلات مختلف شهری می‌تواند محققین را یاری دهد.^۲

کیفیت مطالعه در اکولوژی تطبیقی، تأکید روی تجزیه و تحلیل تکنیکهای دموگرافیکی، اجتماعی - اقتصادی و اطلاعات مربوط به واحدهای مسکونی در یک محله در یک قطعه در یک منطقه شهری و مناطق داخلی شهرهاست. از طرفی اکولوژی تطبیقی دگرگونیهای عوامل و شرایط گوناگون محله‌ای و پایگاههای اجتماعی اقتصادی خانواده‌ها را در یک دوره زمانی مثلاً ۱۰ ساله مورد مطالعه قرار می‌دهد. تأکید روی این اطلاعات بر این امر استوار است که شاخصهای مربوط می‌تواند مشخصات مناطق مسکونی را به عنوان (حوزه‌های اجتماعی) شهرها تعیین کند. شاخصهای مربوط به منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی خانواده‌ها با طبقه‌بندی نیروی کار به نسبت تخصصی و فنی، مدیریت، شاغلین کارهای دستی و بدنی، سطح تحصیلات، میزان درآمد و بالاخره با ارزش خانه‌های مسکونی مشخص می‌گردد. خانواده‌ها با دارا بودن مشاغل تخصصی، تحصیلات بیشتر، درآمد زیادتر

1. F.L. Sweetzer.

2. D.T. Herbert and R.J. Johnston, Social area in Cities, Vol. 1, John Wiley./New York, 1976, p. 202.

زندگی در خانه‌های گران‌قیمت و محلات کاملاً سالم شهری را ترجیح می‌دهند. کارگران کارهای دستی و بدنی، صاحبان تحصیلات پائین‌تر و درآمد کمتر از روی ناچاری به خانه‌های ارزان قیمت محلات پناه می‌برند.

از طرفی عوامل دیگری نیز در اکولوژی تطبیقی اساس کار قرار می‌گیرد که تفاوت‌های موجود میان خانواده‌ها را در محلات و مناطق مختلف شهری معلوم می‌دارد. این تفاوت‌یابی در شاخصهای مربوط به نسبت باروری، تعداد مجردين، نسبت زنان در نیروی کار، میزان بیوه‌زنان، نسبت مالکین خانه، جوانی جمعیت، نسبت متأهلین در سنین جوانی به عنوان (پایگاه خانوادگی) بررسی می‌گردد. از نظر سکونت در مناطق مختلف شهری، بخشهای قدیمی شهرها جمعیت سالخورده‌ای دارند و بخشهای نوساز بیشتر به گروه سنی جوان و میانسال تعلق دارد. خانواده‌های جوان و مالک خانه معمولاً از بخش مرکزی شهرها فاصله بیشتری می‌گیرند.

وقتی از اکولوژی تطبیقی سخن به میان می‌آید جغرافی دانان و جامعه‌شناسان پیش از همه متوجه شهر کلکته می‌شوند که از نظر محققین به عنوان آزمایشگاه اکولوژی اجتماعی شهرها شناخته شده است و تاکنون دهها محقق برجسته از اغلب ممالک دنیا در این شهر به تحقیق و بررسی پرداخته و به نتایجی در اکولوژی تطبیقی دست یافته‌اند. در اینجا منطقی خواهد بود که به پاره‌ای از این تحقیقات اشاره شود تا بتوان از اکولوژی تطبیقی و حوزه‌های اجتماعی شهرها به ویژه در جهان سوم الگوهایی بدست داد.

مطالعات کومار بوز^۳، شاید تاکنون یکی از دقیق‌ترین تحقیقات اکولوژی تطبیقی از شهر کلکته باشد که تفاوت‌های قومی و فرهنگی را در ساخت اکولوژیکی شهر به خوبی نشان می‌دهد. این محقق تحقیقات خود را با نقشه‌های گوناگون شهری زینت داده است.

کومار بوز می‌گوید: شهر کلکته به عنوان یک صحنه مهم زندگی با دو جریان عمده روبروست. یکی حاکمیت نهادها و سازمانهای هند قدیم یعنی اجتماع کاست و میراثهای گوناگون قومی و دیگری فشارها و ارزشهای متأثر از روند شهرنشینی که بیانگر انقلاب صنعتی در هند است.

جامعه هند به طور سنتی براساس سیستم کاست^۴ پایه‌گذاری شده است: برهمنها شغل معلمی و روحانیت را انتخاب کرده‌اند. کشتی‌ریه‌ها، مبارز، جنگجو و حاکم‌اند.

3. Kumar Bose.

4. Caste.

5. Kshatriya.

در نظام کاستی، انتقال از یک طبقه اجتماعی به طبقه اجتماعی دیگر تقریباً محال است

و سیه‌ها^۶، مالکین زمین، بازرگان و وام‌دهنده هستند. سودراها^۷، زارع، کارگر و صنعتگرند. این طبقه‌بندی در یک سیستم پیچیده کاستی بیش از ۱۲۰۰۰ اجتماع کاست را شامل می‌شود که هر یک شغل و حرفه مخصوص به خود و ازدواج درون کاستی دارند و در بخش‌های معین شهری با تجارت و خرده‌فرهنگ ویژه خود زندگی می‌کنند. درجه‌بندی شغلی در داخل سیستم کاستی با سلسله مراتب ویژه عموماً منطبق با اجرای مراسم مذهبی و سکونت در بخشهای معین شهری عمیقاً در نگهداری و حراست از هویت خود در سیستم کاستی می‌کوشند. چنین کیفیتی برای اکولوژی اجتماعی شهر، محتوای پرارزشی فراهم ساخته است.^۸

کار با ارزش کومار بوز در اینجا است که توانسته است اثرات اکولوژیکی سیستم پیچیده کاست را در شهر کلکته پیاده کند. شهر کلکته به عنوان یک واحد شهری بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت دارد اما حوزه متروپلیتن آن دارای ۷ میلیون جمعیت است. در قرن ۱۸، کلکته بدست انگلیس‌ها ساخته شد. امروزه کلکته مهمترین مرکز صنعتی هند و بندر عمده آن است. این شهر به عنوان یک مادر شهر ملی به ویژه برای بخش شرقی کشور هند ایفای نقش می‌کند. در سال ۱۹۴۷، یک چهارم جمعیت کلکته به عنوان پناهنده از پاکستان شرقی وارد شهر شدند. هم‌اکنون ۷۵٪ مردم شهر در خانه‌های استیجاری و یا زاغه‌ای زندگی می‌کنند. بیش از نصف خانواده‌های پرجمعیت تنها یک اتاق در اختیار دارند. در برابر سه مرد دوزن دیده می‌شود و تعداد تک خانوارهای شهر که بخشی از درآمد خود را به خانواده‌هایشان در روستاها می‌فرستند نسبتاً زیاد است. در بخش زاغه‌نشین شهر برای هر ۲۵ نفر یک شیر آب دیده می‌شود و از کانالهای فاضل آب اثری نیست. بیماری و با یک بیماری بومی محسوب می‌شود. بطور خلاصه، زندگی در شهر کلکته کوتاه و بیرحم می‌نماید.

کومار بوز می‌گوید: هر چند که شهر کلکته را انگلیسیها ساخته‌اند اما شهر هنوز هم جایگاه اصلی اجتماعات سنتی بسیاری است که نهادهای سنتی هند را پاسداری می‌کند. طبقه بالای بنگالی زبانان (برهمن‌ها - کایاستاها)^۹ بیشتر شغل کتابت و حکاکی را انتخاب کرده، ویدیه‌ها^{۱۰} حرفه پزشکی دارند این گروه در بخش قدیمی و در قلب شهر زندگی می‌کنند. در چند سال گذشته، این عده به بخش جنوبی شهر آنجا که قبلاً اروپاییان مسکن

6. Vaisya.

7. Sudra.

8. Brian J.L. Berry. John D. Kasarda. Contemporary Urban Ecology. pp. 111-113.

9. Kayasta.

10. Vaidya.

داشتند کوچ کرده‌اند. طبقه بازرگانان متوسط، صرافان، بانکداران، ادویه‌فروشان، کارگران فلزکار، بافندگان، بخشهای تجاری یعنی شمال و شرق کلکته را بخود اختصاص داده‌اند. کاستهای طبقه پایین (طبقه منفصل) از راه ماهیگیری، بافندگی نی، کار در بخشهای کشاورزی امرار معاش می‌کنند و بیشتر در حاشیه شمال شرقی شهر جای گرفته‌اند. پاره‌ای از غیربنگالی‌ها در صنعت و هند و زبانان در باربری در بخشهای تجاری شهر کار می‌کنند. راجستانیها به طور سنتی هسته تجاری شهر را اشغال کرده‌اند. بخش اروپایی نشین شهر با کاخهای مجلل و باغچه‌های پر وسعت و زیبا، امروزه به وسیله راجستانیها، پنجابیها و سایر گروه‌های غیربنگالی اشغال شده است. نسل انگلیسی - هندی که زمانی تحت حمایت شدید اروپائیان در راه آهن‌ها، اسکله‌ها و مؤسسات تجاری استخدام شده بودند امروزه شهر را ترک و یا از هند مهاجرت کرده‌اند.

مسلمانان شهر هرچند که بر پایه سیستم کاست پاره پاره نشده‌اند اما به طور روشنی به گروههای مختلف تقسیم گشته‌اند. مسلمانان طبقه متوسط اغلب در محله‌های نزدیک بخش تجارت شهر زندگی می‌کنند و مسلمانان کم درآمد با جذب در صنایع صابون‌پزی و چرم‌سازی در بخشهای زاغه‌ای شهر مسکن گزیده‌اند.^{۱۱}

جدایی گزینی اکولوژیکی که در شهر کلکته می‌بینیم به خوبی در ساخت اکولوژیکی شهر و زندگی روزانه مردم شهر منعکس است. مطالعه بازارهای داخلی کلکته بیانگر تأثیرات سیستم کاستی و فرهنگ گروهی در سیمای اکولوژی شهری است. نوع کالایی که در بازارهای داخلی شهر فروخته می‌شود به میزان زیادی به ترکیب اجتماع محله‌ای وابسته است. در بورابازار^{۱۲} مغازه‌ها و دکه‌های میوه‌فروشی زیادی می‌بینیم. در مچوآبازار، از مغازه‌های گوشت‌فروشی و ماهی‌فروشی خبری نیست چرا که محله و منطقه از گیاهخواران غیربنگالی بوجود آمده است. در عوض، در مناطق مسیحی نشین شهر به مغازه‌های بیشمار گوشت خوک‌فروشی برخورد می‌کنیم. در محلاتی که ساکنین آنها از ترکیب مسلمانان، مسیحیان و هندوهای بنگالی تشکیل شده است مغازه‌ها و دکه‌های میوه‌فروشی در یک سمت و گوشت‌فروشی، ماهی‌فروشی و گوشت خوک‌فروشی در سمت دیگر قرار گرفته است. کومارپوز از بررسیهای خود در زمینه اکولوژی تطبیقی در شهر کلکته به نتایج زیر می‌رسد:

نقشه شهر کلکته از بافت متفاوت گروهی بوجود آمده است. گروههای قومی به

11. Brian Y.L. Berry. Yohn D. Kasarda. Contemporary Urban Ecology/Macmillan. 1977. pp. 116-118.

12. Burrabazar Mechua Bazar.

شدت به سوی گردهمایی کشیده شده و در محله و منطقه ویژه‌ای جای گرفته‌اند. این گروهها نه تنها به وسیله عامل زبان و فرهنگ از هم جدا گشته‌اند بلکه در شیوه زندگی تفاوتها چشمگیری میان آنها دیده می‌شود هرچند که پاره‌ای مشخصات مشترک نیز میان آنها مشاهده می‌گردد. اما این وضع کوچکترین ابهامی در مرزبانی کاملاً مشخص محله‌ای و منطقه‌ای و گرایش به مشاغل معین را بوجود نمی‌آورد.

کلکته امروز قادر نیست مثل بسیاری از شهرهای غربی، مرکز ذوب همه گروههای قومی باشد که معمولاً بعد از یکی دو نسل، مشخصات قومی گروهها یا به کلی از میان می‌رود و یا به شدت تضعیف می‌شود. اقتصاد شهر، یک اقتصاد فقر و کمیابی است در این اقتصاد فرصتهای شغلی به حد کافی وجود ندارد تا هر یک از افراد بتواند به شغل هم‌زبانان، هم‌مذهبان و یا هم‌ولایتی‌های خود دست یابند در نتیجه، تکیه بر هویت قومی و فرهنگی، تفاوتهای موجود میان گروههای قومی و مذهبی را تقویت می‌کند.

محققین هندی به هنگام مطالعه اکولوژی تطبیقی از شهرها روی عوامل زیر تأکید می‌کنند:

- الف - رده‌بندی اجتماعی: ۱- میزان سواد میان مردم منطقه یا محله ۲- میزان سواد میان زنان منطقه، محله ۳- میزان وابستگی مردم در طبقه‌بندی کاستی.
- ب - شهرنشینی: ۱- میزان کارگران در صنایع کارخانه‌ای ۲- میزان جمعیت شاغل در فعالیتهای تجاری ۳- میزان جمعیت شاغل در بخش خدمات.
- ج - بافت فیزیکی محله.

اکولوژی تطبیقی و آسیب‌شناسی شهری:^{۱۳}

در مطالعه اکولوژی تطبیقی از داخل شهرها که بیشتر روی پایگاههای اجتماعی - اقتصادی، جمعیتی، مشخصات قومی، نژادی، مذهبی و زبانی مناطق و محلات شهری تأکید می‌شود همواره آسیب‌شناسی اجتماعی فراموش می‌گردد. زیرا تاکنون اطلاعات مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی در سرشماریها، بررسیها و تحقیقات شهری گنجانده نمی‌شد و تنها در سالهای اخیر است که با توجه به اهمیت یابی آسیب‌شناسی اجتماعی در مطالعات اکولوژیکی بررسی در موارد زیر به اکولوژی تطبیقی افزوده شده است:

الکلیسم، قتل، ناهنجاریهای روانی، بی‌ثباتی پایگاه ازدواج، مرگ و میر،

13. Pathology.

پاتولوژی در طب به معنی آسیب‌شناسی آمده است.

بزهکاریهای جوانان، شیذوفرنیا، جرم و جنایت، گناه و فساد، تخریب، کینه‌ورزی با علم و فرهنگ، انحرافات اجتماعی، حمله و دستبرد.

افزایش بحران در شهرهای غربی و شهرهای جهان سوم، اکولوژیستها را در تحقیق روی چند موضوع مصمم‌تر ساخته است که عبارتند از: فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر، ناآرامیهای اجتماعی. در مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که عامل فقر بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل اجتماعی در شهرها مؤثر می‌افتد. از این رو در زمینه شناخت مناطق فقرآلود شهری، معیارهایی نظیر میزان درآمد خانواده، میزان مردان غیرماهر در نیروی کار، میزان تحصیلات، میزان واحدهای مسکونی مخروبه و غیربهداشتی بکار گرفته می‌شود.^{۱۴}

در مطالعه پاتولوژی امراض شهری، امراض به سه گروه تقسیم می‌شود:

الف - ۷ مرض جسمی: امراض قلبی، سل، دیابت، امراض آمیزشی، سیروز کبدی، اسهال خونی، سالمونلا^{۱۵} (مثل حصبه و شبه‌حصبه، تبهای روده‌ای)

ب - ۹ مرض اجتماعی: قتل، خودکشی، اعتیاد، الکلیسم، دزدی، تجاوز، حمله وحشیانه، بزهکاری جوانان، مرگ و میر کودکان.

ج - امراض روانی.

در بررسیهای اکولوژیکی امراض شهری، ابتدا میزان مبتلایان به هر یک از امراض سه‌گانه در محلات و مناطق مختلف شهری تعیین می‌شود. سپس پراکندگی امراض شهری روی نقشه‌ها پیاده می‌گردد و با ترکیب سه نوع نقشه تهیه شده از سه گروه امراض فوق، خصیصه‌های اکولوژیکی امراض شهری یا پاتولوژی شهر تعیین می‌گردد. یادآور می‌شویم زمانی نقشه‌های پاتولوژی (آسیب‌شناسی) از اعتبار علمی بیشتری برخوردار خواهند بود که این نقشه‌ها با نقشه‌های آلودگی هوای شهر، نقشه میزان آلودگی صوتی در نقاط مختلف شهر، نقشه میزان تراکم جمعیت، نقشه پایگاه اقتصادی (میزان درآمد)، نقشه پراکندگی فقر در شهر، نقشه میزان تراکم افراد در اطاق و واحد مسکونی در نقاط مختلف شهر، نقشه میزان بیکاری و بیسودی در شهر و بالاخره نقشه واحدهای مسکونی غیراستاندارد و ناسالم شهری مقایسه شده و به روابط مسلم و قابل اعتمادی میان آنها پی ببریم. بدینسان آگاهی از وابستگی میان شرایط فیزیکی محیط شهر (خانه، محله، شهر) و عوامل اجتماعی - اقتصادی با امراض شهری و پاتولوژی اجتماعی از شرایط اصلی مطالعات مربوط به اکولوژی تطبیقی است.

14. David M. Smith. The Geography of Social Well-Being. Macraw-Hill. London/1973. p. 44.

15. Salmonellosis.

در پاره‌ای از تحقیقات پاتولوژیکی از شهرها عوامل گوناگونی مثل میزان خنده کودکان در محلات مختلف، رفتار پلیس، وجود میزان زباله در محلات، وضع درختان محله و منطقه، تعداد شیشه‌های شکسته شده در پنجره‌های بیرونی واحدهای مسکونی، وجود یا عدم وجود پارک و زمین بازی برای کودکان ونوجوانان نیز در نظر گرفته می‌شود.

روشن است که در صورت تهیه همه اطلاعات و نقشه‌های یاد شد به آسانی می‌توان از جهت میزان رفاه اجتماعی و رابطه آن با آسیب‌شناسی شهری و بالاخره به شکاف عمیق میان محلات و مناطق داخلی شهرها پی برد که خود بخش مهمی از اکولوژی اجتماعی شهرها را تشکیل می‌دهد.^{۱۶}

آسیب‌شناسی شهری:^{۱۷}

آسیب‌شناسی شهری از پیدایش، کیفیت پراکندگی جرائم، امراض و ناآرامیهای شهری بحث و گفتگو دارد. عنوان آسیب‌شناسی شهری هنوز ناشناخته است و در گذشته کمتر درباره آن صحبت شده است. تنها در سالهای اخیر است که عنوان پاتولوژی شهری (آسیب‌شناسی شهری) به سرعت مورد توجه جامعه شهری دنیا قرار گرفته است. در این بخش از مطالعات شهری، از اضافه جمعیت، امراض شهری، انواع آلودگیها در رابطه با امراض، رابطه فقر شهری با میزان مرگ و میر، بزهکاریها، امراض روانی و ناآرامیهای شهری سخن بمیان می‌آید.^{۱۸}

شهر و کیفیت تغذیه:

از نظر کیفیت تغذیه، میان شهر و روستا، تفاوت‌های بسیاری دیده می‌شود. چرا که میان روستا و جامعه شهری از جهت درآمد خانوادگی، نوع شغل، میزان بیکاری، آموزشهای شغلی و حرفه‌ای، تحصیلات و بالاخره فعالیتهای بدنی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که در شهرها به موازات شرکت زنان در تأمین درآمدهای خانوادگی، میزان هزینه مواد غذایی خانواده‌ها افزایش می‌یابد و کیفیت تغذیه اعضای خانواده‌ها دگرگون می‌شود.

از اوایل قرن بیستم، به علل گوناگون، کیفیت تغذیه و رژیم غذایی مردم برخی از شهرها به شرح زیر تغییر یافته است:

16. David M. Smith. the Geography of Social Well-Being. p. 48.

17. Urban Pathology.

18. Charles abrams. the Language of Cities. Equinox Books. NewYork. 1871. p. 330.

۱ - میزان انرژی دریافتی از مواد گوشتی تقریباً ثابت مانده است.

۲ - میزان انرژی دریافتی از چربیهای حیوانی و گیاهی، مواد لبنی، شکر و مواد قندی افزایش یافته است.

۳ - میزان مصرف حبوبات به میزان چشمگیری کاهش یافته است. حتی از میزان مصرف سیب زمینی نیز کمی کاسته شده است.

روشن است که در اغلب شهرهای دنیا، به موازات افزایش درآمد، سهم انرژی دریافتی از چربیهای حیوانی به سرعت بالا رفته است. پروتئین مصرفی تقریباً ثابت مانده و در شهرها انرژی دریافتی از پروتئین حیوانی افزایش یافته است.

میزان شکر مصرفی، وابستگی نزدیکی با میزان شهرنشینی دارد و با افزایش درجه شهرنشینی بر میزان مصرف شکر نیز افزوده شده است.

با وجود کاهش ساعات کار، میزان وقت صرف شده در خرید مواد غذایی، تهیه غذا و صرف غذا نسبت به سابق کاهش یافته و این وضع در انواع غذاهای مصرفی تأثیر گذاشته است. کار در شهرهای بزرگ، اغلب زمان بیشتری در رفت و برگشت تلف می کند و نه کارگران و کارمندان را غذاهایی ساده و یک نوشیدنی تشکیل می دهد. به سبب وسعت گیری شهرها و مشکلات ترافیک، صبحانه به تندی صرف می شود و گاهی نیز حذف می گردد. این وضع در مورد کودکان دبستانی که به صبحانه کاملی نیاز دارند بیشتر صادق است. اغلب اوقات، غذای کامل تنها محدود به شام می باشد.

شهر و رشد جسمی:

در سالهای اخیر، بررسی روی اثرات شهرنشینی در رشد جسمی افراد، سلامتی کودکان و بزرگسالان مورد توجه محققین قرار گرفته است. به ویژه که در چند سال گذشته موضوع رشد سریع کودکان شهرنشین نسبت به ۵۰-۲۰ سال گذشته بیشتر مورد نظر محققین بوده است. برابر مطالعات انجام شده، در یکی از استانهای اطیش میان سالهای ۶۱-۱۹۵۳ معلوم شده است که حد متوسط سن در نخستین دوره عادت ماهانه دختران، از ۱۳/۸ سال به ۱۳/۱ سال و در حوزه های صنعتی از ۱۴/۱ سال به ۱۳/۴ سال کاهش یافته است. در حالی که این کاهش در مزارع کوهستانی از ۱۴/۵ سال به ۱۴/۳ سال تقلیل یافته است.^{۱۹}

شهرنشینی از دیدگاه اروپایی آن، همراه با افزایش معیارهای اقتصادی و در نتیجه

بهبود کیفیت تغذیه و پرورش سالم کودکان می باشد. در همان حال در کشورهای در حال توسعه، خالی شدن روستاها، بالا گرفتن وابستگی و انتقال فقر روستاها به شهرهاست. برخی از محققین، شهرنشینی را با افزایش گناه، خطا و روستانشینی را توأم با پرهیزکاری و پاکدامنی می دانند و معتقدند که اختلاف در شیوه زندگی میان شهر و روستا به ویژه میان بزرگسالان به هر حال در هیجانات جنسی مؤثر می افتد. بعضی از محققین نیز به دراز بودن شبهای زمستانی و گذراندن ساعات متمادی جلورده تلویزیون و نقش آن در رشد مرحله بلوغ اشاره می کنند. از طرفی در شهرها به هنگام فصل زمستان و مسدود شدن راهها، تغییرات زیادی در کیفیت تغذیه کودکان و نوجوانان بوجود نمی آید. در حالی که در این فصل، جوامع روستایی، حداقل در پاره ای موارد به کمبودهای غذایی گرفتار می آیند. در حقیقت، در شهرهای امروزی، اثرات فصول در کیفیت تغذیه از میان می رود علاوه بر این کودکان شهری به سهولت به انواع ورزشها، تفریحات، خدمات درمانی و مراکز بهداشتی دسترسی دارند و این سهولت دسترسی در سلامتی جسمی و رشد بدنی آنها عامل مهمی بشمار می رود. شاید روشن ترین نمونه اشاره به تحقیقی باشد که در لهستان بعمل آمده است. در سال ۱۹۴۹، در کشور لهستان شهرک صنعتی به نام نواهورتا^{۲۰} در حومه کراکوا^{۲۱} ساختمان گردید. میان سالهای ۱۹۶۵-۱۹۵۰، جمعیت آن ۷ برابر گشت. این افزایش از طریق مهاجرت از حوزه های روستایی صورت گرفت. در سال ۱۹۶۵، پژوهشی در زمینه رشد جسمی کودکان نواهورتا بعمل آمد. کودکانی که حداقل ۱۰ سال در این شهر زندگی می کردند و یا در آن متولد شده بودند مورد آزمایش قرار گرفتند. والدین این کودکان، اغلب از مهاجرین حوزه های روستایی و یا شهرکهای اطراف بودند اما اکثریت کودکان در نواهورتا بدنیا آمده و در آنجا بزرگ شده بودند.

کودکان نواهورتا به طور متوسط ۴/۳ سانتیمتر بلندتر و ۱/۵ کیلوگرم سنگین تر از کودکان (۱۴-۴ سال) حوزه های روستایی بودند. پسر بچه هایی که از شهرکهای اطراف به نواهورتا آمده بودند کمی بلندتر از کودکانی بودند که از حوزه های روستایی به شهر مهاجرت کرده بودند و این نسبت یک سانتیمتر در اوایل رشد و ۳ سانتیمتر در سن ۱۴ سالگی بود. از طرفی به طور کاملاً روشنی پسر بچه های شهرکهای اطراف زودتر به سن بلوغ می رسیدند. البته در این وضع بهتر شدن شرایط تغذیه مادران در سالهای رشد کودکان در شهرک نواهورتا نقش اساسی داشته است.^{۲۲}

20. Nowa Huta.

21. Gracow.

22. Y.M. Tanner «Urbanization and growth» man in urban Environment- pp. 147. 148.

19. J.M. Tanner and Phyllis B. Eveleth. Urbanization and growth». Man in Urban environment. Oxford University Press. 1976. p. 144.

از آنچه گذشت نتیجه منی گیریم که کودکان شهرک نوا هوتا سریعتر از کودکان حوزه‌های روستایی به سن بلوغ می‌رسند و درآوردن دندان میان آنها سریعتر صورت می‌گیرد. دختران نوا هوتا نیز زودتر از دختران حوزه‌های روستایی به نخستین دوره عادت ماهانه می‌رسند.

قد و وزن افراد شهری و روستایی:

مطالعات انجام شده در کشورهای رومانی، یونان و فنلاند نشان می‌دهد که در همه موارد، قد و وزن کودکان شهری بیشتر از کودکان روستایی است. در هلستینکی، پسر بچه‌های ۸ ساله در حدود ۲/۴ سانتیمتر بلندتر و ۱/۶ کیلوگرم سنگین‌تر از کودکان روستایی فنلاند می‌باشند. در یونان این اختلاف در شهر و روستا به ۵/۶ سانتیمتر و ۲/۵ کیلوگرم افزایش می‌یابد. اختلاف در قد و وزن در سنین بلوغ بیشتر می‌شود. در دهه ۱۹۶۰ برابر یک مطالعه در لهستان، یونان، رومانی و نروژ، مردان شهری بلندتر از مردان روستایی بودند. پاره‌ای از کشورهای اروپایی در این زمینه اختلاف چندانی نشان نمی‌دهند. در هلند هیچگونه اختلافی از نظر قد متوسط میان کودکان شهری و روستایی پیدا نشده است. برعکس در روستاها، جوانان به ویژه دختران در سنین بلوغ، سنگین‌تر از جوانان شهری می‌باشند که بیانگر پایگاه اجتماعی — اقتصادی مطلوب آنهاست. در امریکا با در نظر گرفتن میزان درآمد یکسان خانواده‌ها تفاوتی از نظر قد و وزن میان کودکان (۱۲ — ۶ سال) در ۲۴ شهر مرکزی امریکا و حوزه‌های روستایی اطراف دیده نمی‌شود. تفاوت در قد و وزن کودکان تنها زمانی پیدا می‌شود که خانواده‌های روستایی کم درآمد را با کودکان خانواده‌های طبقه متوسط و پردرآمد شهری مقایسه کنیم. از این رو تفاوت در قد و وزن میان کودکان شهری و روستایی که در اغلب نقاط دیده می‌شود بیشتر ناشی از تفاوت سطح اجتماعی — اقتصادی در شهر و روستاست.

تفاوت در قد و وزن می‌تواند حاصل انتخاب شیوه زندگی در دو مکان مختلف باشد. پیاده رفتن به مدرسه آن هم به مسافت چند کیلومتر در روز و یاری کودکان روستایی به والدین در کارهای مربوط به کشاورزی می‌تواند بر نیروی بدنی کودکان روستایی بیفزاید.

در شهرها نیز قد و وزن کودکان بیشتر در رابطه با پایگاه اجتماعی — اقتصادی خانواده‌ها می‌باشد. برابر تحقیقات انجام شده در شهر بیرمنگام، کودکان طبقه کم درآمد کوتاه‌قدتر از کودکان طبقات دیگر می‌باشند.^{۲۳}

23. J.M. Tanner and Phyllis B. Eveleth «Urbanization and growth». man in Urban Environment. Oxford University Press. 1976. p. 152.

هر چند که در کشورهای جهان سوم، توسعه شهری پدیده تازه‌ای می‌باشد اما شدت توسعه شهری بسیار چشمگیر می‌نماید. در شهرهای بزرگ جهان سوم به هنگام ساختمان‌های جدید و زیبا، بلافاصله مناطق حاشیه‌نشین و زاغه‌نشین در مجاورت همان ساختمانها و یا در گوشه و کنار شهر بوجود می‌آید. سؤال این است که آیا زندگی در مناطق حاشیه‌نشین عرهای جهان سوم از زندگی در روستاهای فقرآلود و کم حاصل بهتر است یا بدتر؟ جایی که مسکن اصلی زاغه‌نشینان و حاشیه‌نشینان می‌باشد. در پاره‌ای از شهرهای ممالک افریقایی، آسیایی و امریکای لاتین، قد و وزن کودکان حاشیه‌نشین تفاوت چندانی با کودکان روستایی ندارد. با وجود این شهروندان کمی بلندتر از روستائیان می‌باشند. اما در زاغه‌های شهر بمبئی که کودکان در دو سال اول عمرشان بیش از کودکان روستایی غذا می‌خورند بلندی قد و سنگینی و نشان کاملاً محسوس است، مطالعات در هند نشان می‌دهد که در اغلب شهرها، کودکان شهری کمی بلندتر از کودکان روستایی اند و به همان نسبت نیز وزن بیشتری دارند.

شهر و مواد جدید غذایی:

شهرها طبیعت و کیفیت غذاها را تغییر داده‌اند. غذاهای شهری بسیار نرمتر، مطبوعتر و شیرین‌تر شده‌اند. چربی و شکر بیشتری در غذاها مصرف می‌شود. زمانی اساس تغذیه مردم را حبوبات و غلات و کمی گوشت تشکیل می‌داد و در کشورهای ثروتمند، میوه‌های تازه و سبزی‌های نیز اضافه می‌شد. اکنون غذاها بیشتر شامل پودر آرد، شکر، غذاهای سرخ کرده، انواع شیرینی‌ها، کنسروها و غذاهای یخ زده می‌باشد. برای بیشتر مردم شهری، رژیم غذایی و کیفیت تغذیه در حد مطلوب نیست.^{۲۴}

فراوانی در کشورهای ثروتمند، امکانات زیادی در صرف غذا در رستورانها و غذاخوریها بوجود آورده است. میزان وقت مصرفی در کار به هنگام رفت و برگشت و انواع وقت‌گذرانیها، زمان کمتری به پخت و پز و صرف غذا باقی گذاشته است. اگر زن خانه نیز بیرون از خانه کار بکند زمان لازم برای تهیه غذا و صرف آن فوق العاده محدود می‌شود. در نتیجه خانواده‌ها به تهیه غذا از بیرون و غذاهای کنسرو شده وابسته خواهند بود.

معمولاً به غذاهای بیرونی مواد قندی، ماده امولسیون، انواع پودرهای مصنوعی، انواع ویتامین‌ها اضافه می‌کنند تا مطبوعتر و خوش رنگتر نشان داده شود. همه اینها بیانگر این واقعیت است که شهر در مواد غذایی دخالت کرده و کیفیت طبیعی غذاها را تغییر داده است. از این رو در پاره‌ای موارد سلامتی انسان شهرنشین با خطراتی روبرو شده است.

24. J.V.G. Durnin. «Nutrition». man in Urban Environment. Oxford University Press. 1976. p. 132.

شهر و تغذیه کودکان:

زندگی شهری به صورت فزاینده‌ای در تغذیه کودکان کمتر از ۷ سال مؤثر می‌افتد. تغذیه اصلی کودکان از شیر مادر است، اما در شهرهای بزرگ ممالک توسعه یافته و در حال توسعه، تغذیه اطفال از شیر مادر نامعقول شمرده می‌شود. البته استفاده از شیر مادر با میزان درآمد، طبقه اجتماعی و شیوه زندگی در رابطه است. در پاره‌ای از شهرهای کشورهای ثروتمند، مادران در پایان اولین ماه، استفاده از شیر مادر را قطع می‌کنند به این جهت استفاده از شیر پاستوریزه، کودکان را با خطر آماس معدی و روده‌ای مواجه می‌سازد.

غذاهایی که جهت تغذیه کودکان در کارخانه تهیه می‌شود غالباً گرانتر است و فراهم ساختن این مواد برای کودکان هزینه بیشتری لازم دارد. از این رو خانواده‌های کم‌درآمد قادر نیستند این قبیل مواد غذایی را در رژیم غذایی کودکان خود وارد سازند.

هم‌اکنون تعداد مادرانی که در نیروی کار شهری جذب شده‌اند بسیار زیاد است. هرچند که کار زنان در مشاغل گوناگون، سبب بالا رفتن درآمد خانواده‌ها و در نتیجه رنگین‌تر شدن سفره‌ها می‌شود اما صرف وقت زنان در مشاغل مختلف سبب می‌شود که کودکان حداقل خود یک وعده غذا تهیه کنند. غالباً کودکان دوست دارند که برای غذای روزانه خود از انواع شیرینی‌ها، بیسکویت‌ها استفاده کنند و کوکا کولا بنوشند یعنی توجهی به کیفیت غذای کامل ندارند. این نوع تغذیه در کوتاه‌مدت و درازمدت، زمینه مساعدی برای چاقی، پوسیدگی دندان و گاهی امراض قلبی و نارسائیهای قلبی فراهم می‌سازد.

در سالهای اخیر که در شهرهای بزرگ جدایی میان زنان و شوهران بیشتر شده است و کودکان مجبور شده‌اند که زیر نظر یکی از والدین زندگی کنند با سوء تغذیه روبرو گشته‌اند. بدینسان کار پدر یا مادر سبب می‌شود که کودکان یکی دو وعده غذا را خود تهیه کنند و به ترتیبی که گفته شد غالباً اهمیتی به غذای مورد نیاز سنین کودکی داده نمی‌شود و روز به روز وضع جسمی آنها ضعیف‌تر و رنجورتر می‌گردد.

روشن است که در شهرهای جهان سوم، بیکاران شهری نیز به جهت قطع درآمد روزانه، کمبودهای غذایی در طول ماه‌ها و سالها و سوء تغذیه، به امراض گوناگون مبتلا می‌گردند. وضع جسمی طبقات کم‌درآمد و حاشیه‌نشینان شهری نمونه خوبی بر این گفته است که رهایی از آن به این زودیها امکان‌پذیر نخواهد بود.

شهر و سالمندان:

سالمندی همراه با بازنشستگی، پائین آمدن درآمد، قطع درآمد، از کارافتادگی و دریافت حقوق ثابت بازنشستگی است. معمولاً سالمندان از نظر شرایط جسمی در فعالیتهای بیرون از خانه محدود می‌شوند در نتیجه نقش کمتری در جامعه و اقتصاد شهری به عهده می‌گیرند.

زندگی سالمندان از جهات اجتماعی — اقتصادی در شهرهای مختلف جهان به شکلهای کاملاً متفاوتی دیده می‌شود. در کشورهای توسعه یافته، در اغلب موارد، مهاجرت سالمندان به شهرهای آفتاب‌خیز، شهرهای ساحلی و نقاط خوش آب و هوا صورت می‌گیرد و در پاره‌ای از آنها، سازمانهای (خدمت به سالمندان) عهده‌دار پرستاری، درمان، خرید، تهیه غذا، شستشو و تمیز کردن اتاقهای سالمندان می‌باشند. در ژاپن سالمندان علاقمندند در مجاورت فرزندان خود زندگی کنند و دوست دارند که در همه ساعات روز و شب صدای فرزندان و نوه‌های خود را از آپارتمان مجاور بشنوند و دست حمایت فرزندان را در همه ساعات شبانه‌روز احساس کنند.

در شهرهای ممالک در حال توسعه، در دوران بازنشستگی نه تنها انتخاب محل زندگی غیرممکن است بلکه وضع نابسامان مسکن، پایین آمدن میزان حقوق دریافتی و سوء تغذیه به سرعت دوران بازنشستگی را کوتاه می‌کند و چه بسا که یکی دو سال بعد از دریافت ابلاغ بازنشستگی، مرگ فرامی‌رسد.

در شهرهای ممالک در حال توسعه، سالمندی خرده‌فروشان، دستفروشان و صاحبان مشاغل اتفاقی همراه با روزهای مصیبت بار زندگی و درماندگی است چرا که هیچ سازمان و تشکیلاتی خود را در برابر این انسانهای نیازمند مسئول نمی‌داند. در این قبیل کشورها، تعداد معدودی از صاحبان مشاغل اتفاقی و دستفروشان به هنگام سالمندی دارای مسکن شخصی می‌باشند و بیشتر سالمندان در اتاقهای اجاری، تاریک و مرطوب و در محلات فاقد خدمات شهری به انتظار مرگ می‌نشینند.

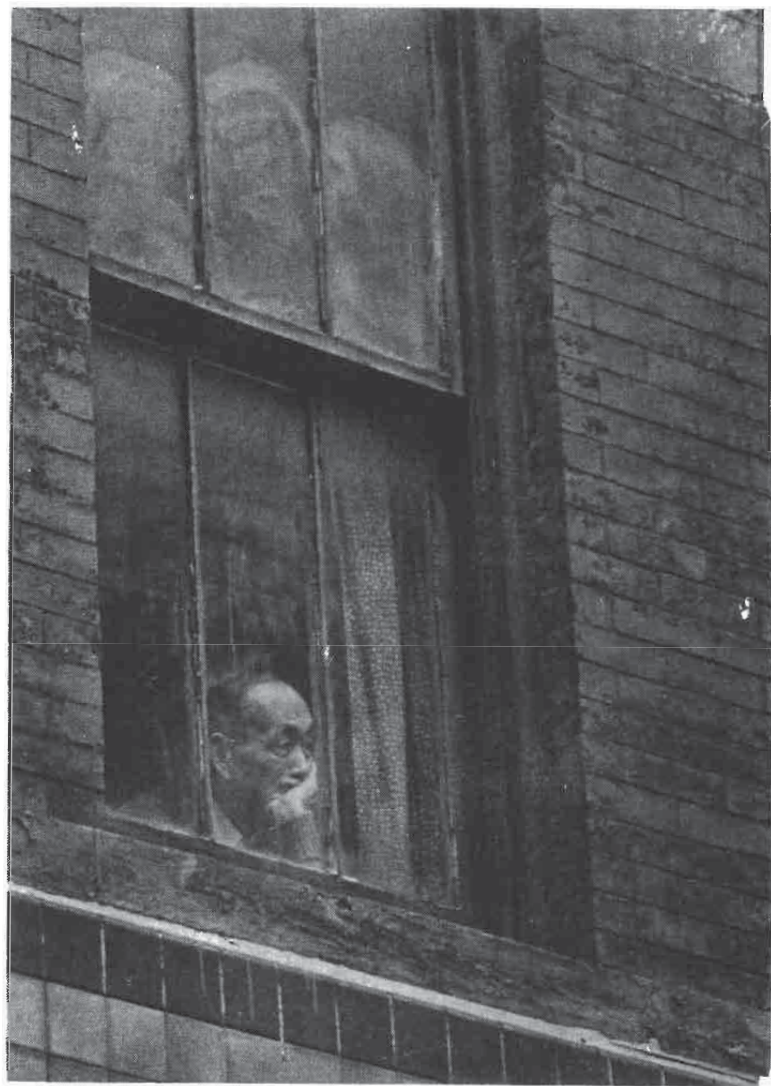
در شهرهای امروزی، تحرک و حرکت سالمندان تابع عوامل چندی است: ۲۵

۱ — سالمندان کم‌درآمد، بیش از سالمندان پردرآمد تحرک و حرکت دارند.

۲ — تحرک و حرکت سالمندان تحصیل کرده* کمتر از سالمندان فاقد تحصیلات

کافی می‌باشد.

25. Stephen M. Golant. The residential Location and Spatial Behavior of the elderly. University of Chicago Press. 1972. pp. 73-74.



شهر و سالمندان

۳ — تحرک و حرکت سالمندان مالک خانه از سالمندان اجاره‌نشین بیشتر است.

۴ — سالمندانی که دارای ابعاد خانواده گسترده‌ای هستند از سالمندانی که ابعاد خانواده محدودی دارند تحرک و حرکت بیشتری دارند.

۵ — سالمندان متأهل کمتر از سالمندان مجرد و جدا شده از همسر تحرک و حرکت دارند.

۶ — با افزایش عمر از میزان تحرک و حرکت کاسته می‌شود.

در اختصاص هزینه لازم و سرمایه‌گذاری در راه بهبود کیفیت زندگی سالمندان در شهرها نباید تنها به سودآوری این سرمایه‌گذاری اندیشیده شود. بلکه حمایت از سالمندان کم‌درآمد تنها تضمین اجرای عدالت اجتماعی در مورد این گروه سنی است چیزی که تاکنون بدست فراموشی سپرده شده و سازمانهای شهری نسبت به آن بی‌اعتنا بوده‌اند.

نظریات اکولوژیکی جرائم شهری:

میزان جرائم شهری با درجه توسعه شهری در رابطه است. به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرائم نیز بالا می‌رود. بررسی میزان جرائم از فصول مهم اکولوژی اجتماعی است. در اکولوژی شهری به هنگام مطالعه انواع جرائم دو نظریه بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱ — نظریه تأکید بر مکان و یژه و یا بخش مرکزی شهر که در آنها میزان جرائم بیش از سایر مناطق شهری است و به موازات دور شدن از بخش مرکزی شهر از رقم جرائم کاسته می‌شود، در پاره‌ای موارد قابل انتقاد است چرا که هم‌اکنون میزان جرائم در حومه‌های برخی از کشورها، برابر میزان جرائم شهری گزارش می‌شود.

۲ — نظریه محیط مساعد که در جستجوی یافتن ارتباط میان محیط زندگی مساعد جهت ارتکاب به انواع جرائم است. در این نظریه همه شرایط محیطی در رابطه با انواع جرائم مورد بررسی قرار می‌گیرد و تأکید بر مناطق ویژه شهری مثل بخش مرکزی شهرها چندان مورد توجه نیست.

در سالهای اخیر سه نظریه اکولوژیکی بیش از همه طرفدار داشته است:

۱ — پیدا کردن رابطه میان انواع جرائم و هفت عامل اجتماعی: این عوامل عبارتند از: تحصیلات، اجاره‌خانه، میزان تراکم جمعیت، اقلیتهای قومی در شهرها، غیراستاندارد بودن عوامل محیط زندگی، میزان متولدین خارجی، مالکیت خانه.

۲ — تجزیه و تحلیل اکولوژیکی از «محیط فقر» که امروزه طرفداران بیشتری دارد در این نظریه، مطالعات آماری به عنوان شاخصهای مناطق ناسالم شهری بکار گرفته می‌شود که خانه‌های ناسالم، بیکاری و فقر در رابطه با میزان و رشد جرائم مطالعه می‌گردد. روشن است که در پاره‌ای موارد، ارتباط میان میزان جرائم و خانه‌های ناسالم تاحدودی گمراه کننده است و بهتر است به رابطه میان «محیط ناسالم اجتماعی» و میزان جرائم شهری معتقد شویم. معلوم است که در محیط ناسالم اجتماعی، میزان بیکاری و تراکم شدید جمعیت نیز بسیار بالا خواهد بود.

۳ — نظریه طبقه‌بندی واحدهای مسکونی: این نظریه می‌گوید میزان جرائم میان اجاره‌نشینان بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است که بیانگر تفاوت‌های اجتماعی — اقتصادی میان طبقات مختلف در جامعه شهری است.^{۲۶}

مجموعه نظریات بالا، اساس اکولوژی فضای زندگی را تشکیل می‌دهد.

پاره‌ای از محققین نیز به هنگام مطالعه پراکندگی جغرافیایی جرائم در داخل شهرها، مشخصات محلات و مناطق داخلی شهرها را مورد بررسی قرار می‌دهند که از آن جمله است: مشخصات فیزیکی محله، کیفیت دستیابی به واحدهای مسکونی و ساختمانها، عبور مجرمین از خیابانها و مسیرهای معین شهری، درجه انعطاف افراد در برابر مجرمین و درجه عکس العمل ساکنین محلات نسبت به جرم، عملکرد قانون و سازمانهای انتظامی.

اکولوژی اجتماعی خشونت‌های شهری:

در مطالعه اکولوژی اجتماعی خشونت‌های شهری مشخصات مناطق داخلی شهرها به ویژه میزان درآمد، از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها، وضع ناسالم محیط محله و خانه، سطح تحصیلات، مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، میزان بیکاری، نسبت مردان مجرد، نسبت مادران کارگر و سرپرست خانواده، تراکم شدید افراد در اطاق، تراکم گروههای قومی، نژادی و مذهبی، میزان مالکیت خانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته در اغلب موارد همه عوامل گفته شده در رابطه با هم عمل می‌کنند. در اکولوژی اجتماعی خشونت‌های شهری، ناآرامیهای شهری، گروهی، حمله گروهی به گروه دیگر و یا منطقه‌ای از شهر به منطقه دیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرد که برخوردهای خشونت‌بار میان گروههای سیاسی و مذهبی در اغلب شهرهای دنیا نمونه روشن آن است.

26. David T. Herbert. «Urban Crime: A Geographical Perspective» Social Problems and the City. Oxford University Press 1979. pp. 120-121.

اغلب اکولوژیستها، به هنگام مطالعه خشونت‌های شهری، همه جرایم را در شش گروه بررسی می‌کنند:

- ۱ — خشونت‌های مربوط به برخورد با پلیس.
 - ۲ — نزاع‌های داخلی میان اعضای خانواده، همسایگان، مالک و مستأجر.
 - ۳ — نزاع و حمله در خیابانها.
 - ۴ — نزاع و برخورد در اماکن عمومی.
 - ۵ — تجاوزات جنسی.
 - ۶ — برخوردهای سیاسی و مذهبی — سایر موارد.
- اکولوژی اجتماعی خشونت‌های شهری باتوجه به مشخصات مجرمین و محکومین موارد زیر را مطرح می‌سازد:
- ۱ — گروه جوان: در گروه سنی ۲۱ — ۱۷ سال بالاترین میزان جرایم دیده می‌شود. در سالهای اخیر گروه سنی ۱۷ — ۱۴ سال در کشورهای غربی به اعمال خشونت بار زیادی مرتکب شده‌اند و همه ساله نیز به مجرمین این گروه سنی افزوده می‌شود. تا آنجا که میزان جرایم گروه سنی ۱۷ — ۱۴ سال نزدیک به جرایم گروه ۲۱ — ۱۷ سال می‌باشد.
 - ۲ — جنس: بیش از ۹۰٪ مجرمین و مرتکبین به اعمال خشونت بار به ویژه نزاع با اعضای خانواده و همسایگاه از جنس مرد می‌باشد.
 - ۳ — طبقه: اغلب محکومین خشونت‌های شهری از کارگران غیرماهر و یا نیمه‌ماهر می‌باشند بیشترین اعتراضات و خشونتها معمولاً از طرف کارگران بیکار و یا کارگرانی که کار نامنظم و زندگی آشفته‌ای دارند صورت می‌گیرد. در اکولوژی اجتماعی خشونت‌های شهری عوامل و شرایط زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:^{۲۷}
 - ۱ — وجود امکانات: این نظریه به شرایط محیط‌های کوچک مثل کافه‌ها، خیابانهای خلوت، متروها، ایستگاههای راه‌آهن تأکید دارد. در این قبیل مکانها به سبب وجود فرصتها و زمینه‌های مساعد، میزان حمله، دستبرد، کیف‌زنی، دزدی و نزاع بسیار بالاست. در شهرها به سبب وجود مکانهای مختلف جرایم گوناگونی اتفاق می‌افتد.
 - ۲ — شیوه زندگی در محلات: عده‌ای از مردم در محلاتی اقامت گزیده‌اند که در آنها زمینه‌های محیطی، امکانات مساعدی جهت ارتکاب به انواع جرایم فراهم می‌آورد.
 - ۳ — خشونت خرده فرهنگها: این نظریه می‌گوید: در پاره‌ای از محلات و مناطق

27. R. Murray and F.W. Beal. «The Social Ecology of Urban Violence». Social Problems and Thy City. Oxford University Press. 1979. pp. 144-145.

داخلی شهرها، گروه‌های خرده فرهنگ گرد هم می‌آیند و در جهت اعتراض به فرهنگ اکثریت و ارزشهای آن، به پاره‌ای از جرایم مرتکب می‌شوند. جوانان با تشکیل گروههایی از حقوق قانونی، از حوزه زندگی و ارزشهای فرهنگ خود در برابر جامعه شهری دفاع می‌کنند.

۴ — بیگانگی اجتماعی: ساکنین محلات معین شهر به ویژه اگر متعلق به گتوهای فقر یا گتوهای قومی، نژادی و مذهبی باشند خود را نسبت به جامعه شهری بیگانه احساس می‌کنند. این احساس بیگانگی و فشارهای ناشی از محدودیتهای جامعه شهری، در آنها حس دشمنی، عداوت و حقارت بوجود می‌آورد و در برابر جامعه شهری به خشونت می‌ایستند.

۵ — فشار روانی — استرس: نیاز به درآمد، تحصیل، تخصصهای اجتماعی، مسکن سالم، رفقا و آشنایان و عدم دستیابی به این نیازها، فشارهای روانی واسترس را سبب می‌شود. این عده همواره حل مسائل زندگی خود را از طریق برخوردهای شدید می‌طلبند.

۶ — ناامیدی و محرومیت نسبی: این نظریه سالیان درازی است که اساس ارتکاب به انواع جرایم را تشکیل می‌دهد. از طرفی محدودیت نسبی به ویژه در مقام مقایسه، افراد را با انواع نیازها و کمبودها بیشتر آشنا می‌سازد و شکاف میان خود و سایر افراد را عمیق‌تر جلوه می‌دهد.

۷ — سازمان شکنی:^{۲۸} پیشگامان مکتب اکولوژی شهرشیکاگو که همه مسائل اجتماعی از آن جمله میزان جرائم را در رابطه با تفاوتها و خصیصه‌های مکانی جستجو می‌کردند به این نظریه معتقدند. انواع جرائم، بزهکاری، طلاق، استعمال مواد مخدر، الکلیسم، نزاع، همه در نتیجه پاره شدن تعهدات رایج میان مردمی است که جامعه سعی در استحکام و تثبیت آنها دارد. سازمان شکنی گروهی از مردم مربوط به نامتجانس بودن بیش از اندازه محلات و مناطق داخلی شهرهاست. آنجا که جمعیت دائماً در حال تغییر است. این مناطق قادر نیستند ساخت اجتماعی و جمعیتی باثباتی تشکیل دهند.^{۲۹}

یادآور می‌شویم که اغلب نظریه‌ها و عوامل بالا در مورد ارتکاب به انواع جرایم، منشاء اجتماعی — اقتصادی دارد. مثلاً وقتی گفته می‌شود خانواده‌هایی که در خانه‌های ناسالم و غیراستاندارد زندگی می‌کنند بیشتر گرفتار استرس می‌شوند باید بلافاصله اضافه کرد این جریان مربوط به سیستم نارسایی بازار مسکن است و در نظریه محرومیت نسبی و ناامیدی، روشن است که در صورت بافت اجتماعی سالم در جامعه، امید به حل مسائل

28. Disorganization. معادل فارسی این کلمه از زمینه جامعه‌شناسی اقبال است — آرمان پور گرفته شده است.

29. R. Murray and F.W. Boal. «The Social Ecology of Urban Violence». Social Problems and the City Oxford University Press. 1976. p. 146.

زندگی و از بین بردن محرومیتها به آسانی امکان پذیر خواهد بود.

در اغلب شهرهای امروزی جهان، آسیب پذیری از دشمنیها و خصومتهاى گروهی بیش از دشمنیهای فردی قربانی می طلبد. این قبیل برخوردها از مسائل اجتماعی و سیاسی بیش از عوامل فردی متأثر می شود. افراد می کشند و یا کشته می شوند بدون اینکه همدیگر را بشناسند چرا که به گروه معینی وابسته اند عده ای به سیاستمداران، بازرگانان، نیروی نظامی حمله می برند و عده دیگر قربانیان خود را از میان روشنفکران، نویسندگان و اعضای اتحادیه ها انتخاب می کنند. این جریان نه تنها در شهرهای جهان سوم بلکه در شهرهای غربی نیز عمومیت دارد و شاید تنها معدودی از شهرها باشند که در جهان امروز از این قبیل خشونتها برکنار هستند. در شهر بلفاست، برخورد میان پروتستانها و کاتولیکها سالیان درازی است که ادامه دارد. تأسف بار است گفته شود که خشونتها میان افرادی اتفاق می افتد که نسل به نسل یکدیگر را می شناسند. در این شهر بیشترین قتلها در آستانه در ورودی و به هنگام گشودن آن به ثبت رسیده است. برخوردهای خشونت بار میان کاتولیکها و پروتستانها در شهر بلفاست یک سابقه ۱۰۰ ساله دارد. در این قبیل شهرها، شدیدترین برخوردها در مرزهای مسکونی میان دو منطقه جدا شده شهری اتفاق می افتد.

شهر و ناآرامیها:

ناآرامیهای شهری از محلات ویژه ای آغاز می شود و غالباً به وسیله کارگران روزمزد و مهاجرین فاقد تخصص گسترش می یابد. در اغلب شهرهای دنیا، علل ناآرامیها را می توان در عوامل زیر جستجو کرد:

۱ — رکود اقتصادی: تعطیلی و یا جابجایی پاره ای از کارخانه ها و شرکتها از داخل شهرها به شهرکها و حومه های دوردست، کاهش شغلی در شهرها بوجود می آورد. از طرفی سرمایه گذاریهای جدید در صنایع و شرکتها در مجاورت محلهای کاهش شغلی صورت نمی گیرد.

۲ — شرایط نامطلوب اجتماعی: تراکم شدید بیکاران از مشخصات محلات عقب مانده شهری است. این قبیل محلات زمینه های مساعدی جهت ظهور بحرانها و نارضایتی ها فراهم می آورد.

۳ — اقلیتهای قومی: شرایط نامطلوب زندگی، بیکاری و فقر همواره حاکم بر اقلیتهای قومی در شهرهاست. این عده سخت ترین مشاغل و بدترین واحدهای مسکونی را دارا می باشند.

اغلب اینها به وسیله دولتها و در جهت نیاز به کارگر ارزان قیمت وارد شهرها می شوند. اگر در سطح کشور، میزان بیکاری به ۱۶٪ افزایش یابد میان جوانان اقلیتهای قومی در شهرها، رقم بیکاری به ۴۰٪ تا ۶۰٪ می رسد. در جامعه شهری، فقیران همواره خود را بیگانه می شمارند و زمانی که اقلیتهای قومی در فقر بسر برند این بیگانگی دو برابر می شود: ۳۰

الف — بیکاری و کم کاری شرایط اقتصادی و خانوادگی آنها را نابود می کند.

ب : مسکن ناسالم و ناکافی بهداشت و سلامتی خانواده ها را بخطر می اندازد.

ج — مأمورین، ارزشهای انسانی آنها را مورد حمله قرار می دهند.

ناآرامیهای شهری در رابطه با نوع و کیفیت مسکن از عوامل چندی به شرح زیر متأثر می شود:

ناآرامیهای منطقه حاشیه نشین: این حرکتها غالباً به وسیله کارگران روزمزد به ویژه کارگران ساختمانی صورت می گیرد. در اینجا مردم امیدوارند که با اعتراضات خود به حداقل خدمات شهری و بهداشتی دست یابند و یا از تخریب خانه های محقرشان که با زحمت فراوان بنا کرده اند جلوگیری کنند. غالباً بورس بازی زمین، خانواده های کم درآمد را در محلات نامطلوب شهری جای می دهد بعداً بورس بازی زمین دوباره به فکر انتقال آنها به بخشهای دیگر شهری می افتد. مسئولین، تخریب خانه های حاشیه نشینان را یک عمل انسانی تصور می کنند اما حاشیه نشینان به گفته آنها نمی توانند اعتماد داشته باشند. ناآرامیهای مناطق حاشیه نشین در بسیاری موارد جنبه سیاسی ندارد. بلکه هدف تنها مقاومت در برابر نابودی خانه هایشان می باشد. در اغلب موارد، ناآرامیها و اعتراضات حاشیه نشینان در نگهداری وضع موجود، منجر به همبستگی شدید میان خانواده های حاشیه نشین، تشکیل انجمنها و شوراهای محلی، آشنایی با قوانین شهری، مبارزه قانونی و بالاخره جلب افکار عمومی نسبت به شرایط سخت زندگی است که گاهی به بهبود نسبی شرایط زندگی می انجامد.

در پاره ای موارد این ناآرامیها از بخش مرکزی شهرها آغاز می شود و آن زمان است که امر احداث خیابانهای جدید سبب تخریب خانه های قدیمی می شود. در این قبیل اعتراضات، مغازه داران، کارگران تولیدات دستی و صاحبان مشاغل اتفاقی با خانواده های ساکن در بخش مرکزی شهر همراه می شوند. توجه داشته باشیم که وقتی ناآرامی از محله ای شروع می شود محلات و گروههای مختلف که خواسته های گوناگون دارند با مردم محله همراه می شوند و ناآرامی سراسر شهر را می پوشاند. نمونه روشن آن را از سال ۱۹۷۵ در شهر مادرید اسپانیا

30. David A. Lanegran and Risa Palm. An invitation to Geography. MacGraw-Hill. New York. 1973. p. 124.

می بینیم. محققینی که در مورد ناآرامیهای شهر مادرید تحقیق کرده اند اظهارنظر می کنند که:

۱ — شرکت و حمایت صاحبان حرفه ها و مشاغل تخصصی در ناآرامیها ابعاد کشوری و حتی جهانی به مسأله می بخشد. قدرت، عملکرد و نتیجه بخشی آن را افزایش می دهد.

۲ — میان خواسته های مردم و زندگی اجتماعی در محلات همواره رابطه ای موجود است.

۳ — تلاش برای آزادیهای اجتماعی با جهت گیری خاصی همراه است و نمی تواند بدون جهت گیری معین توفیق یابد.^{۳۱}

کمبود خدمات شهری نیز مقدمه ای جهت شروع ناآرامیهای شهری است. این کمبودها را می توان به این شرح خلاصه کرد: کیفیت ناسالم مسکن، بالا بودن اجاره خانه، بالا بودن قیمت زمین و مسکن، کمبود مسکن در سطح شهر، بالا رفتن قیمت ها و کمبود خواربار، کمبود مدرسه و بالا رفتن هزینه تحصیلی، کمبود وسایل حمل و نقل عمومی، کمبود خدمات بهداشتی و درمانگاهی، آلوده بودن محلّه و مریض شدن تدریجی اعضای خانواده ها، کمبود امکانات اجتماعی و وقت گذرانی در بخشی از شهر و اطلاع جوانان این قبیل محلات از برگزاری فستیوالها، مسابقات ورزشی، وجود پارکها، کتابخانه ها و امکانات وقت گذرانی در بخشهای دیگر شهری.

آنچه در بالا گفته شد علل ناآرامیهای شهری در رابطه با کمبود خدمات شهری در شهرهاست که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بروز بحرانهای شهری را در اغلب نقاط دنیا موجب گشته است.

با توجه به ناآرامیهای موجود در بسیاری از شهرها، عنوان (شهرهای ما را نجات دهید) ورد زبان اغلب شهروندان دنیا گشته است. از این رو در جهت برطرف ساختن این بحرانها و یا تعدیل آنها طرحهای بسیاری تهیه و به مرحله عمل درآمده است. این طرحها با عناوینی نظیر «اولویت محلات از نظر آموزش و پرورش» «اولویت برنامه های اجتماعی»، «طرحهای پیشرفت جامعه»، «بررسی مدیریت محلات شهری» و «سیاست محیط زیست شهری» مورد توجه قرار گرفته است.

اکولوژی شهری و امراض:

با وجود پیشرفتهایی که در ۲۰۰ سال گذشته از نظر آموزشهای پزشکی، مراقبتهای بهداشتی و بالا رفتن معیارهای زندگی حاصل شده است انسان شهری هنوز هم در برابر

31. Praxis Urbaine «Urban Social movements and Struggle For democracy», international Journal of Urban and Regional Research, Number 1, 1978-pp. 136-140.

بسیاری از امراض جسمی و روحی آسیب پذیر می باشد. در کشورهای پیشرفته، اغلب امراض بومی که قبل از انقلاب صنعتی و یا اوایل آن، انسان را مورد حمله قرار می داد ریشه کن شده است. اما جای آن را امراض دیگری نظیر امراض قلبی، امراض روحی و سرطان گرفته است که دارای بیشترین میزان مرگ و میرها می باشد. تا آنجا که گزارش وزارت خدمات انگلستان چنین می گوید: «امراض روحی و بحرانهای روانی یک مسأله مهم اجتماعی و شاید مسأله مهم سلامتی در زمان ماست».^{۳۲}

اغلب جغرافی دانانی که در پراکندگی اکولوژیکی امراض در داخل شهرها مطالعه کرده اند به قبول مفهوم اصلی جغرافیا (روابط انسان و محیط او) جغرافیای انسانی را به عنوان اکولوژی انسانی می پذیرند. در چنین شرایطی همه عوامل محیطی که به نحوی باسلامتی و تندرستی انسان پیوند می خورد در قلمرو اکولوژی امراض قرار می گیرد. دکتر ژاک می^{۳۳} با به خدمت گرفتن همه اصول جغرافیا، روش مطالعاتی خود را براساس موضوعات زیر قرار می دهد:

۱ — گروههای مختلف جامعه به کدام امراض مبتلا می شوند؟

۲ — این گروهها در کجا به این امراض مبتلا می شوند؟

۳ — این گروهها چرا به این امراض مبتلا می شوند؟^{۳۴}

در پنج قرن قبل از میلاد، پاتولوژی جغرافیایی شاید برای اولین بار در تاریخ به وسیله بقراط طبیب معروف مطرح می شود. این پدر طب روی کیفیت هوا، کیفیت آب و شرایط مکان زندگی تأکید می کند. از این رو لازم است به هنگام مطالعه پراکندگی اکولوژیکی امراض در داخل شهرها، همه عوامل سازنده محیط زیست شهری را که در پیدایش و انتشار امراض مؤثرند مورد بررسی قرار داد از آن جمله است: آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگی آب، کیفیت تغذیه، کیفیت فیزیکی محل سکونت، نوع تغذیه، میزان تراکم جمعیت، عامل ثروت، عامل فقر، محیط کار، طبقات اجتماعی، نوع شغل، نژاد، میزان توسعه شهری و بالاخره کیفیت توزیع خدمات درمانی. منطقی است که در مطالعه اکولوژیکی امراض یا پاتولوژی جغرافیائی، کارشناسان شاخه های مختلف علوم مثل پزشکان، جغرافی دانان، جامعه شناسان، حیوان شناسان، گیاه شناسان و کارشناسان آمار همکاری نزدیکی داشته باشند.

32. John A. Gigg. «Human Health Problems in Urban areas». Social Problems and the City. Oxford University Press. 1979. p. 85.

33. Jacques m may.

34. L. Dudley Stamp. The Geography of Life and Death. p. 20.

از اوایل قرن نوزدهم، ارتباط میان عوامل و شرایط آب و هوایی با امراض و سلامتی مورد توجه محققین شاخه های مختلف علوم بوده است. اما تحقیقات علمی گسترده میان تغییرات آب و هوا و امراض مختلف و میزان مرگ و میر در داخل شهرها سابقه طولانی ندارد. در آب و هوای شهرهای بزرگ که انسان عامل اصلی تغییرات عوامل آب و هوایی شناخته می شود. میزان مرگ و میر و درجه انتشار امراض در داخل شهرها در رابطه با عوامل آب و هوایی مورد بررسی قرار می گیرد و این گفته به ویژه در مورد اثرات درجه حرارت در ارتباط با میزان مرگ و میر به همراه بالا رفتن بیش از حد درجه حرارت گزارش شده است. در برخی از شهرها نیز حداکثر میزان مرگ و میر کاملاً منطبق با مرکز گرما در هسته اصلی شهر می باشد. در اینجا میزان مرگ و میر در میان طبقه کم درآمد و فقیر، سالمندان و معلولین بسیار زیاد است در همان حال در حومه های خنک درجه مرگ و میر به سرعت پایین می آید.

در داخل شهرها، تأثیرات آلودگی هوا به طور گسترده در مردم شهر اثر می بخشد. بدینسان که جنبه های زیان آور یک شهر بزرگ در این است که در یک لحظه، دهها هزار نفر یکجا از آلودگی هوا زیان می بینند. اصولاً اثرات زیان بخش هوا به دو صورت دیده می شود:

۱ - به صورت مستقیم از راه تنفس که انواع مسمومیت، سرطان شش و حمله های قلبی را بدنبال دارد.

۲ - چتر هوای شهرهای بزرگ که از دود، خاکستر و مواد آلوده کننده تشکیل یافته است مانع نفوذ اشعه خورشید به بدن انسان می شود. در نتیجه مراحل متابولیکی بدن را مختل کرده و کمبود ویتامین D را سبب می گردد. در اثر آلودگی هوا، هموگلوبین خون در ۵۸٪ دانش آموزان شهرها کمتر از ۸۰٪ است در حالی که این کمبود تنها در ۲۰٪ دانش آموزان مدارس روستایی دیده می شود.

انسان در شهرهای بزرگ امروزی، روزانه ۲۶۰۰۰ بار هوای آلوده تنفس می کند بدون اینکه کمترین شکایتی داشته باشد چرا که از عاقبت کاری خبر است.

گاهی اوقات، پاره ای از امراض تنها به بخش معینی از شهر اختصاص می یابد که در آن آلودگی هوا بیشتر است. مرض حساسیت به صورت حساسیت در مخاط داخلی دستگاه تنفسی، درد اعصاب، هیجان، آماس بینی، برونشیت و تنگی نفس، دردهای عضلانی ظاهر می شود. در نقاطی از شهر که تراکم وسایل نقلیه زیاد است و یا کارخانه ها هوا را آلوده

می کنند میزان مبتلایان به سرطان شش بیش از سایر نقاط شهری می باشد.^{۳۵}

وجود سرب زیاد در هوای آلوده به ویژه برای کودکان یک نا شش سال خطرانی در پی دارد. چرا که میزان جذب زیاد سرب در خون کودکان به مغز آسیب می رساند و ضایعات مغزی بدنبال دارد. مناطقی از شهر که در آن ترافیک سنگین است و یا در مجاورت شبکه های اصلی ترافیک قرار گرفته است سلامتی کودکان به نسبت زیادی آسیب پذیر می باشد.

یکی از مهمترین آلودگیهای شهری در زمان ما، آلودگی صوتی است. آلودگی صوتی در شهرهای امروزی از اتومبیلها، تاکسیها، کامیونها، موتورسیکلتها، کارخانه ها، ماشینهای حقاری، دیسکوتیکها، صدای رادیوها و قطارهای شهری تولید می شود. آلودگی صوتی اگر از ۷۰ دسی بل زیاد باشد به تدریج ناراحتیهایی در انسان بوجود می آورد. آلودگی صوتی در ناراحتیهای قلبی، نارسایی دستگاه گردش خون، سفت شدن شراین، پیری زودرس، سردرد، ضعف شنوایی، ناشنوایی و امراض روانی تأثیر داشته و یا حالت تشدید کننده ای دارد. محققین آلودگی صوتی معتقدند که هرگونه صدای مداوم با بیش از ۸۰ دسی بل می تواند تغییراتی در قوه شنوایی افراد بوجود آورد. در صورتی که میزان صدا از ۱۰۵ دسی بل تجاوز کند و همه روزه تکرار شود تغییرات چشمگیری در قوه شنوایی ایجاد می کند.^{۳۶} به طور کلی در شهرهای امروزی، میزان انواع آلودگیها در مناطق کم درآمد شهری بیش از سایر نقاط شهری است.

عوامل اجتماعی و امراض شهری:

اغلب محققینی که در زمینه اکولوژی امراض کار کرده اند معتقدند که بیشتر امراض، مرگ و میر و بحرانهای روحی به صورت نابرابر در سطوح شهری و مناطق داخلی شهرها پراکنده است. بدینسان که عمومیت یابی پاره ای از امراض اختصاص به محلات ویژه ای دارد. در زمینه پراکندگی امراض شهری، اختلاف در میزان رفاه اجتماعی میان طبقات مختلف جامعه و میان محلات شهری بیش از سایر نظریات مورد توجه قرار گرفته است. از این رو جغرافی دانان، نقشه های سلامتی جسمی و روحی ساکنین محلات شهری را در رابطه با شاخصهای اجتماعی مقایسه و بهم منطبق می سازند.

۳۵ - محیط زیست شهری. تألیف نگارنده. صفحه ۲۰.

۳۶ - برای اطلاع بیشتر از آلودگی صوتی به فصل دوم کتاب محیط زیست شهری صفحات ۷۶ - ۳۸. تألیف نگارنده مراجعه شود.

پراکندگی امراض جسمی و روحی وابستگی نزدیکی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها و شیوه زندگی مردم دارد. سابقاً در اکولوژی تطبیقی، بخشهای سرشماری شده داخل شهرها به عنوان واحدهای مطالعاتی انتخاب می‌گشت. در سالهای اخیر اکولوژیستها و اپیدمیولوژیستها، حوزه‌های اجتماعی و یا واحدهای کوچکتر، مثل بلوکهای خیابانی و یا بخشهای کوچک دیگر را به عنوان واحدهای مطالعاتی خود انتخاب می‌کنند. به نظر اکولوژیستهای شهری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، عامل اصلی و تعیین کننده در ناخوشی و بحرانهای روحی است و میزان ناخوشی و مرگ و میر ارتباط نزدیکی با طبقات اجتماعی دارد. بی‌جهت نیست که در تحقیقات مربوط به اکولوژی تطبیقی، عده زیادی از محققین، مقایسه حوزه‌های فقیرنشین و سایر مناطق داخلی شهرها را از جهت سلامتی و ناخوشی اساس کار خود قرار می‌دهند. روشن است که در مناطق فقیرنشین شهرها میزان مرگ و میر کودکان، میزان ناخوشی، درجه مرگ و میر مادران، امراض آمیزی، امراض زنانه، مرض سل و سرطان بیش از اندازه است. برابر تحقیقی که در برخی از شهرها بعمل آمده معلوم شده است که امراض نه گانه زیر و فقدان سلامتی کامل منطبق با مناطق فقیرنشین شهری است: اسهال، کرم کدو، سرخک، مسمومیت، سل، مرگ و میر کودکان، سیفلیس و سوزاک، تولد اطفال نامشروع، تولد پیش‌رس.^{۳۷}

در مورد امراض روانی و ناراحتیهای روحی نیز وضع چنین است بدینسان که همه مطالعات اکولوژیکی از پراکندگی امراض روانی و ناراحتیهای روحی نشان می‌دهد که تعداد زیادی از مریضهای بستری در بیمارستانهای روانی از محلات فقیرنشین شهرها می‌باشند. البته برای مرض دیوانگی پایگاه اجتماعی - اقتصادی چندان مهم بنظر نمی‌رسد. در مطالعات اکولوژیکی از پراکندگی امراض شهری، تأکید روی شیوه زندگی بیشتر است که بخشی از آن مربوط به گروه سنی و دوره‌های مختلف زندگی است. قسمتی از مرگ و میرها و ناخوشی‌ها در مناطق داخلی شهرها رابطه مستقیم با ساخت جمعیتی دارد. روشن است در مناطقی که گروه سنی سالمند بیشتر می‌باشد میزان مرگ و میر و ناخوشی نیز بالا می‌رود. به همان نسبت در مناطق فقیرنشین شهرها، میزان مرگ و میر کودکان، از طرفی میزان مرگ و میر میان افراد مجرد، خانواده‌های داغدار، اعضای خانواده‌های از هم پاشیده شده یا با بنیانهای سست خانوادگی و افرادی که دارای زخمهای روحی می‌باشند بیشتر است. معمولاً این قبیل افراد در داخل شهرها زندگی می‌کنند و در حومه‌ها که نسبت زنان مردان مجرد

37. John A. Giggis, "Human Health Problems in Urban areas" Social Problems and the City, Oxford University Press, 1979, pp. 96-97.

کمتر است و افراد از پایگاه خانوادگی پردوامی برخوردارند میزان مرگ و میر نیز پائین می‌آید. تحقیقات مربوط به پراکندگی جغرافیائی شیذوفرنی نشان می‌دهد که اغلب مریضهای مبتلا به شیذوفرنی در بخش مرکزی شهرها، آنجا که مناطقی فقیرنشین و گروهی از فروشندهگان دره گرد زندگی می‌کنند دیده می‌شود. در حالی که نومه‌های شهری کمترین میزان مبتلایان به شیذوفرنی را نشان می‌دهند. در پاره‌ای موارد نیز این مرض در بخش خانه‌های ارزان قیمت و یا واحدهای غیراستاندارد شهری بیشتر است که باز رابطه میان کمبود درآمد و مرض شیذوفرنی را معلوم می‌دارد. بدینسان می‌بینیم که امراض روانی بیشتر با محیط اجتماعی در رابطه است تا با محیط فیزیکی. در مطالعات اکولوژیکی مربوط به پراکندگی شیذوفرنی موارد زیر در رابطه با مرض بررسی می‌شود:

- ۱ - کل مریضهای مبتلا به شیذوفرنی.
 - ۲ - درصد مردان مبتلاء.
 - ۳ - درصد زنان مبتلاء.
 - ۴ - درصد مردان مبتلا در سنین ۴۴ - ۱۵ سال، درصد زنان مبتلا در سنین ۴۴ - ۱۵ سال، درصد زنان و مردان مبتلا در گروه سنی ۶۵ سال و به بالا.
 - ۵ - درصد زنان و مردان متأهل.
 - ۶ - درصد مریضها با توجه به مهاجرین به شهر و مناطق داخلی شهر و یا بخش حاشیه‌نشین.
 - ۷ - درصد زنان و مردان مبتلا در طبقه کم درآمد، با درآمد متوسط و پردرآمد.
 - ۸ - درصد مریضهای بیکار.
 - ۹ - درصد مریضهای اجاره‌نشین.
 - ۱۰ - شیذوفرنی در رابطه با تراکم افراد در اطاق و یا واحد مسکونی.^{۳۸}
- در مطالعه شیذوفرنی، هر چند که عده‌ای، عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی را دخالت می‌دهند. اما چنین بنظر می‌رسد که عوامل و شرایط اجتماعی در ابتلاء به این مرض فوق‌العاده مهم می‌باشد. از این رو محیط اجتماعی سالم و شایسته خانواده‌ها، می‌تواند از انتشار امراض روانی و شیذوفرنی به میزان زیادی جلوگیری کند. بعضی از محققین نوسازی محلات مخروبه و واحدهای مسکونی ناسالم را همراه با کاهش تراکم افراد در اطاقها از جمله از عوامل بشگیری در انتشار امراض روانی می‌دانند.

38. D. T. Herbert, "Social Deviance in the City" in Social areas in Cities John Wiley, New York, 1976, p. 96.

عده‌ای از اکولوژیست‌ها نیز میزان مرگ و میر، نارسائیا و امراض روانی را در رابطه با نوع ازد، مذهب، ملیت مورد مطالعه قرار داده و به تفاوت‌هایی معتقد شده‌اند. میان اقلیتهای قومی، نژادی و مذهبی در شهرها در مقایسه با اکثریت جامعه شهری، میزان ناخوشی و مرگ و میر بیشتری مشاهده می‌شود. تا آنجا که مثلاً در بخش داخلی شهر شیکاگو، حد متوسط عمر سیاهان ۱۰ سال کمتر از سفیدها و در کل مرگ و میرها، میزان مرگ و میر سیاهان ۲۵٪ بیشتر از سفیدهاست که نتیجه شرایط نامطلوب اجتماعی - اقتصادی است. از طرفی میان خانواده‌های سیاه‌پوست که در محلات سفیدها زندگی می‌کنند میزان شیروفرنی ۳۲٪ بالاتر از سیاهانی است که در گتوهای سیاهان اقامت دارند.^{۳۹}

یادآور می‌شویم که علاوه بر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شرایط محیطی که در میزان مرگ و میر مؤثر می‌افتد کیفیت توزیع جغرافیایی خدمات درمانی نیز در داخل شهرها مهم بنظر می‌رسد. از این رو به هنگام مطالعات اکولوژیکی از پراکندگی امراض شهری، منطقی است روی سه موضوع زیر بررسیهای لازم صورت گیرد:

- ۱ - کیفیت توزیع پزشک، درمانگاه و بیمارستان در مناطق مختلف شهری.
- ۲ - کیفیت استفاده افراد مریض از خدمات درمانی.
- ۳ - زمان صرف شده جهت رسیدن به مراکز درمانی و میزان تجهیزات و امکانات هر مرکز درمانی.

فراموش نکنیم که در شهرهای بزرگ امروزی، مطب اغلب پزشکان متخصص و نیمه‌متخصص در مناطق پردرآمد و ثروتمند شهری و یا حومه‌های زیبای شهرهاست. مثل این است که محلات ثروتمند نشین گاهی تا دو برابر محلات فقیرنشین پزشک دارند. از طرفی در شهرهای پرجمعیت امروزی به ویژه در شهرهای جهان سوم، حتی بیمارستانهای دولتی نیز در مناطق ثروتمند نشین از امکانات و تجهیزات کاملی بهره‌مندند.

میزان استفاده از خدمات درمانی شهرها با عواملی نظیر میزان درآمد، فاصله مریض تا مرکز خدمات درمانی و مطب پزشکان، میزان تحصیلات، سن و طبقه اجتماعی در ارتباط است. روشن است افرادی که از درآمد پائین تری برخوردارند به ویژه اگر سالمند باشند خیلی کمتر از طبقه پردرآمد و سالمند این طبقه به پزشک مراجعه می‌کنند. طبقات کم درآمد به سبب عدم قدرت مالی در مراجعه به پزشکان متخصص، ترس از بیکاری و از دست دادن کار و مزد روزانه، دور بودن محلات از بیمارستانهای مهم شهر، تنها موقع احساس خطر و درد شدید به

39. John A. Gigg. «Human Health Problems in urban areas» in Social Problems and the City. Oxford. University Press. 1979. pp. 98-99.

پزشکان متخصص و یا به بیمارستانها مراجعه می‌کنند و به جهت دیرپا بودن مرض به معالجه طولانی احتیاج پیدا می‌کنند.

شهر و امراض قلبی:

در شهرهای بزرگ، همه ساله بر تعداد مبتلایان به امراض قلبی و تخته‌های بخش قلب بیمارستانها افزوده می‌شود و این وضع نتیجه فراوانی، صنعتی شدن و از عوارض شهرنشینی است. افزایش میزان چربی در تغذیه، بالا رفتن مصرف سیگار، عدم فعالیت‌های بدنی شاید از عوامل اصلی ابتلاء به امراض قلبی است. همه این عوامل شاید به جز عامل چربی آن هم در پاره‌ای از شهرها، بر زندگی روزمره مردم شهرهای بزرگ حاکمیت دارد. از طرفی شیوه زندگی در شهرها با سبک زندگی در روستاها تفاوت‌های زیادی نشان می‌دهد. در حقیقت این شیوه زندگی شهری است که بر تعداد مبتلایان به امراض قلبی می‌افزاید. در همه شهرهای بزرگ و پرجمعیت، رژیم غذایی و میزان مصرف سیگار تقریباً یکسان است. علاوه بر این زندگی در شهرهای بزرگ، فرصتی برای فعالیت‌های بدنی و ورزش باقی نمی‌گذارد.

گروهی از مردم شهرهای بزرگ که در زندگی روزانه به طور مداوم تحت تأثیر هیجان، تلاش بیش از حد، نیاز شدید به وقت و رقابت قرار می‌گیرند دو برابر بیشتر از سایر مردم به امراض قلبی گرفتار می‌شوند. چرا که در گروه اول، عامل استرس - فشار روانی، عامل اصلی در ابتلاء به امراض قلبی شناخته شده است.^{۴۰}

شهر و خودکشی:

سلامتی هر جامعه شهری را می‌توان از رفتار اعضای آن شناخت. زمانی که بر میزان جرایم، خودکشی و ناآرامی افزوده می‌شود. روشن است که جامعه به سوی ناسالمی و بیماری پیش می‌رود. از طرفی اگر در یک جامعه شهری بر تعداد مراجعه کنندگان به کتابخانه‌ها، موزه‌ها و تئاترها اضافه شود جامعه سالم و با فرهنگی خواهیم داشت. البته عده‌ای از محققین، روی این معیارها تأکید می‌کنند.

خودکشی، نشانه ناسالمی و بیماری جامعه شهری است. و در اغلب موارد میزان خودکشی در جامعه شهری خیلی بیش از جامعه روستایی است. در پاره‌ای از شهرها، حداکثر خودکشیها در گروه سنی ۲۹ - ۲۰ سال دیده می‌شود. زنان و دختران به هنگام قصد خودکشی بیش از مردان و پسران از مواد سمی استفاده می‌کنند. در گروه زنان، اغلب انتحار کنندگان را

40. G.A. Rose. «Epidemiological evidence For effects of Urban environment». in man in Urban environment. Oxford University Press. 1976. p. 274.

زنانی تشکیل می‌دهند که میان آنها و شوهرانشان متارکه صورت گرفته است و یا از همان ابتدای زندگی والدین آنها از هم جدا گشته‌اند. بدینسان از هم‌پاشیدگی بنیانهای خانوادگی، زنان را بیش از مردان در معرض خودکشی قرار می‌دهد. به ویژه که اگر موضوع ترک کودکان پیش‌آید زنان بیشتر شکننده می‌شوند.^{۴۱}

عوامل مهم خودکشی عبارتند از: وضع نامطلوب اقتصادی، افسردگی روانی، تضعیف روابط عاطفی و پیوندهای خانوادگی، اعتیاد، بی‌علاقه‌گی به مذهب، نقص عضو، احساس تنهایی در جامعه شهری، عدم رابطه عاطفی با دیگران، از دست دادن موقعیت اجتماعی. خودکشی نیز در اغلب موارد با معیارهای اکولوژیکی با شرایط اجتماعی و کیفیت محیط زندگی در ارتباط است. در پاره‌ای از شهرها، خودکشی میان افراد طبقه کم‌درآمد بیشتر است و در برخی موارد خودکشی میان طبقه پردرآمد رقم درشتی را نشان می‌دهد. چنین می‌نماید که تأثیرات پایگاه نازل اجتماعی - اقتصادی در همه شهرها، فرهنگها و جوامع به یکسان عمل نمی‌کند و در مورد ارتباط با خودکشی تا حدودی مبهم می‌باشد. اما اگر خودکشی را در انطباق با ساخت داخلی شهرها مطالعه کنیم در اغلب موارد به نتایج زیر خواهیم رسید:

- ۱ - میزان خودکشی در محلات فقیرنشین بیشتر است.
- ۲ - خودکشی در محلاتی که در آنها میزان بیکاری بیشتر است زیاد دیده می‌شود.
- ۳ - در محلاتی که افراد مجرد، تنها و گوشه‌گیر بیشتر است میزان خودکشی نیز زیاد است.
- ۴ - جدایی‌گزینی اجتماعی سالمندان از عوامل خودکشی محسوب می‌شود.
- ۵ - میزان خودکشی در محلاتی که خانه‌ها و اطاقهای اجاری بیشتر است افزایش می‌یابد.

۶ - زندگی خانواده‌ها در میان خانواده‌هایی که فرهنگ و شرایط اجتماعی همسانی ندارند زمینه‌های مساعدی جهت ناراحتیهای روانی و بالاخره خودکشی فراهم می‌سازد.

۷ - در مناطقی از شهرها که در آنها میزان طلاق، بزهکاری جوانان، اعتیاد و امراض روانی بیشتر باشد میزان خودکشی نیز زیاد خواهد بود.

شهر و اتومبیل:

شهرها و اقتصاد شهری به شکلهای گوناگون تحت تأثیر عامل اتومبیل قرار می‌گیرند. و توانایی این وسیله نقلیه به حدی است که توانسته است زندگی شهری و مورفولوژی شهر را به

41. Ivor H. Mills and Mary A.M. Eden. «Social disturbances affecting young people in modern Society». in man in Urban environment. p. 223.

کلی دگرگون سازد بدانسان که در زیر می‌آید:

ارزشها: تحرک جغرافیائی، وسعت‌گیری آزادی فردی، اعتبار صاحبان اتومبیل در پاره‌ای از جوامع، خلوت‌گزینی و برکنار بودن از تماسهای بیشتر با مردم، انتخاب محیط دلخواه طبیعی، انتقال بخشی از وظایف زندگی به اتومبیل و جایگاه جدانشدنی آن در زندگی روزمره، شناخت هویت طبقاتی از نوع اتومبیل.

محیط زیست انسان: آلودگی صوتی، آلودگی هوا، کثیف شدن محیط زندگی، تشکیل گورستان، اتومبیل در برخی از شهرها.

اجتماعی: تغییر در نقشه ساختمان، اثرات تماس محدود کودکان با جامعه، روش عزیمت به محل کار، بهره‌گیری از اوقات فراغت، انتخاب الگوی خاص خانوادگی، افزایش کارگران ماهر و نیمه‌ماهر صنعتی در کارخانه‌ها و تعمیرگاهها، افزایش سطح اشتغال در مشاغل وابسته، جانشینی اتومبیل در برابر وسایل حمل و نقل عمومی، آمادگی کارخانجات بزرگ اتومبیل جهت تولید اسلحه‌های جنگی به هنگام ضرورت نظیر جنگ دوم جهانی، اثر شدید اتومبیل در انواع جنایت، افزایش سریع صنعت تروریسم، دست‌یابی فوری به بیمارستانها، درمانگاهها و داروخانه‌ها در مواقع ضروری، تراکم ترافیک شهری، مرگ و میر ناشی از تصادفات اتومبیل و افزایش مداوم آن، افزایش بیماریهای دستگاه تنفسی، امراض قلبی و سرطان.

مؤسسات و صنایع: فعالیت اتحادیه‌های کارگران اتومبیل‌سازی و صنایع وابسته به آن، پیشرفت تکنولوژی، اعتباریابی مشتریان در پرداخت قیمت اتومبیل به اقساط، عدم توازن استانداردهای زندگی، پیشگامی در صنایع مختلف و صنایع جنگی و گسترش بیمه‌های اجتماعی، افزایش شرکتها و کمپانیها، مدل‌قرارگیری صنعت اتومبیل به عنوان یک واحد تولیدی به وسیله کارخانه‌ها و گسترش آن در سایر بخشهای اقتصادی، اختصاص زمینهای بیشتر به شاهراهها، خیابانها و کاهش زمینهای مربوط به خانه‌سازی، احداث پارک و گذران اوقات فراغت، آلودگی شدید هوا.

جمعیتی: انتقال بخشی از جمعیت شهری به حومه‌ها، جابجایی مکان جغرافیائی تولیدات کارخانه‌ای، انتقال کارگران کشاورزی به حوزه‌های شهری، انتقال صنعت و تجارت به حومه‌ها، افزایش تحرک جغرافیائی.

اقتصادی: بوجود آمدن محلهای شغلی بیشمار در صنایع وابسته به صنعت اتومبیل در پاره‌ای از کشورها مثل امریکا یک شغل از هر شش شغل، ادامه حیات پاره‌ای از صنایع در

نتیجه صنعت اتومبیل سازی، افزایش تعمیرگاهها و فروشگاههای فروش لوازم اتومبیل، افزایش اقامتگاههای توریستی، شکوفائی مالی حومه ها، کاهش ذخایر سوختی، تلاش در کشف منابع جدید نفت، شناخت روشهای تازه تصفیه، افزایش هزینه احداث راههای جدید، کاهش فعالیت راه آهن، اهمیت یابی طبقه ممتاز تکنوکرات.^{۴۲}

آمد و شد روزانه مردم به شهرها:

افزایش روزافزون مسافرتهاى روزانه به شهرها که در نتیجه تمرکز همه فعالیتهاى اجتماعى - اقتصادى در شهرها صورت مى گیرد در برنامه ریزیهائى ناحیه ای از تأکید خاصى برخوردار است و در همان حال از چهره های خاص اکولوژى شهرهای امروزی محسوب مى گردد. آنچه در زیر مى آید سود و زیان حاصل از این مسافرتهاست. عملکردهای منفی و زیانبخش مسافرتهاى روزانه به شرح زیر مى باشد:

۱ - مسافرين روزانه با صرف وقت زیاد در وسایل حمل و نقل، به شدت خسته مى شوند و از کارآیی آنها کاسته مى گردد. مطالعات انجام شده روشن مى سازد که مسافرين روزانه شهرها بیش از ساکنین خود شهرها به امراض مختلف و حوادث گوناگون گرفتار مى شوند.

۲ - افزایش سریع میزان مسافرين روزانه به شهرها، سیستم حمل و نقل عمومى را دچار مشکلاتى مى سازد و هزینه زیادى را در تأمین شبکه های اتوبوس رانى، قطارهای مسافربرى روزانه، احداث و تعمیر جاده ها و بالاخره ایجاد شبکه های جدید حمل و نقل لازم مى دارد.

۳ - زمان صرف شده در مسافرتهاى روزانه سبب مى شود که مسافرين، فرصتهای محدودى جهت شرکت در فعالیتهای اجتماعى و گذران اوقات فراغت در اختیار داشته باشند و غالباً مسائلى در نظام خانوادگى آنها نیز پیش مى آید.

۴ - چون اغلب مسافرين روزانه به شهرها را گروه سنى جوان تشکیل مى دهند از این رو مبداء و محل حرکت مسافرين يعنى شهرهای اقماری، حومه ها و حوزه های روستائى، همه فعالیتهاى اجتماعى - اقتصادى خود را در اختیار سالمندان محل قرار مى دهد.

۵ - به موازات افزایش مسافرين روزانه به شهرها، مسیرهای مسافرتى به شهرها روز به روز شلوغتر مى شود و حفاظت بیشترى مى طلبد.

42. Francis Sandbach. Environment, ideology and policy. Basil Blackwells. Oxford. 1980. pp. 146-148.

در برابر این عملکردهای منفی، مسافرتهاى روزانه دارای امتیازاتى به شرح زیر مى باشد:

۱ - مسافرين روزانه به شهرها، احتیاجات نیروى کار شهری را برطرف مى سازد و سبب مى شود که تعادلى در نیروى کار شهری از نظر جنس، مهارت و کیفیت کار بوجود آید.
۲ - مسافرتهاى روزانه به تحرک اجتماعى مردم ناحیه امکانات. وسیعى مى بخشد.
۳ - مسافرتهاى روزانه به شهر سبب مى شود که حق انتخاب نوع شغل و حرفه از ساکنین بخشهای کوچک سلب نگردد.

۴ - مسافرين روزانه، منطقه نفوذ شهری را وسعت مى بخشند و ارزشهای شهری را به محل زندگی خود مى برند. این شرایط به کاهش تفاوت میان شهر بزرگ و بخشهای کم جمعیت منجر مى گردد.

۵ - مسافرتهاى روزانه امکان مى دهد که نوع جدیدى از سکونتگاههای انسانی با ترکیبى از خصیصه های شهری و روستائى بوجود آید.

۶ - مسافرتهاى روزانه سبب مى شود که در شهرهای بزرگ، سرمایه گذاری بیشترى در انداختن خانه سازی صورت نگیرد و مشکلات شهری زیادى بوجود نیاید.

۷ - مسافرتهاى روزانه سبب مى شود که سرمایه گذاری در صنایع در محلهاى انتخابى آنجا که شرایط مساعدى وجود دارد صورت بگیرد.^{۴۳}

مسافرتهاى روزانه علل گوناگونى دارد اما آنچه در زیر مى آید اهم آنهاست:

۱ - افزایش شدید سطح اشتغال در بخشهای غیرکشاورزى در دوده گذشته.

۲ - تمرکز و گسترش محلّهای خالى اشتغال در شهرها.

۳ - توسعه صنایع قدیمى، تأسیس صنایع جدید در شهرها و جذب سطوح مختلف مهارتها در هریک از آنها.

۴ - جاذبه مشاغل شهری برای روستائیان جوان.

۵ - نیاز به خانه سازی گسترده در شهرهای امروزی و احتیاج به کارگران ساختمانى.

۶ - وجود امکانات مسافرت روزانه به شهرها با اتوبوس و مینى بوس.

۷ - توسعه خدمات حمل و نقل به وسیله مؤسسات و کارخانه ها جهت حمل روزانه افراد به محل کارگاهها در شهرها.

43. Roland J. Fuchs and George J. Demko- «Cummting in the Ussr». Soviet Geography. June 1978. pp. 368-369.

۸- توسعه سریع استفاده از دوچرخه، موتورسیکلت و اتوبیل.
به هنگام مطالعه در زمینه مسافرت‌های روزانه به شهرها، گردآوری اطلاعات زیر لازم می‌باشد:

- ۱- محل تولد. ۲- سن. ۳- جنس.
- ۴- پایگاه ازدواج. ۵- میزان تحصیلات و مهارت.
- ۶- مدت خدمت در شغل فعلی. ۷- نوع شغل.
- ۸- وسیله مورد استفاده. ۹- نام محل زندگی.
- ۱۰- مدت زمان تلف شده در روز:
- کمتر از: ۲۰ دقیقه، بین ۲۱-۴۰ دقیقه، ۴۱-۶۰ دقیقه، ۶۱-۹۰ دقیقه، ۹۱-۱۲۰ دقیقه.
- ۱۱- فاصله محل زندگی و محل کار: تا ۱۰ کیلومتر، ۱۱-۲۰ کیلومتر، ۲۱-۳۰ کیلومتر، ۳۱-۵۰ کیلومتر، بیش از ۵۰ کیلومتر.

شهر و تلویزیون:

تلویزیون یکی از وسایل مهم رسانه‌های گروهی است که با میلیون‌ها بیننده به مقابله ایدئولوژی‌های جهانی می‌رود، آموزش می‌دهد، به بحث‌های فرهنگی، سیاسی، مذهبی، فلسفی، اقتصادی بعد جهانی می‌بخشد، تولیدات کارخانه‌ای را به سرعت بفروش می‌رساند، مد لباس مردم شهر و یا گروه‌های سنی را عوض می‌کند، گاهی یک بینش خاص سیاسی را به همه قاره‌ها می‌رساند و مردم همه شهرهای دنیا را در آن شرکت می‌دهد، به هنگام انتخابات بر آراء مردم تأثیر می‌گذارد، مردم را از خیابان‌های شهرهای شلوغ به خانه‌های خود می‌کشاند، فرهنگ و هنر ویژه‌ای را به مردم دیکته می‌کند، گاهی مثل یک دوست نصیحت می‌کند و زمانی به تبلیغات سیاسی می‌پردازد، وقایع را در همان لحظات وقوع در برابر دید جهانیان قرار می‌دهد و گاهی نظیر المپیک سال ۱۹۷۶، در ساعات معین ۱/۵ میلیارد نفر را به پای تلویزیون می‌کشاند، برای سیاستمداران یک اسلحه مهم ایدئولوژیکی محسوب می‌شود و در همان حال به نظر بسیاری از مردم، تلویزیون به مثابه یک واقعیت، آئینه زندگی بشمار می‌آید.

در سال ۱۹۸۰، مردم جهان ۵۰۰ میلیون دستگاه گیرنده تلویزیون در اختیار داشتند که بیشتر آنها در ممالک خانواده‌های شهری بود. اما در اواسط دهه ۱۹۶۰، کشورهای در حال توسعه تنها ۱۰ میلیون دستگاه تلویزیون در اختیار داشتند که امروزه این رقم بسیار بالا رفته

است. در کشورهای سرمایه‌داری توسعه یافته، گاهی تا ۹۷٪ مردم مالک یک یا چند دستگاه تلویزیون می‌باشند. پنج کشور سرمایه‌داری توسعه یافته، ژاپن، آلمان غربی، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده بیش از ۲۰۰ میلیون تلویزیون در اختیار دارند. در این کشورها بیش از هر کشور دیگر جهان، تلویزیون بر افکار عمومی مردم شهرها تسلط دارد و قالب‌های فکری آنها را شکل می‌دهد. تلویزیون نسبت به سایر وسایل رسانه‌های گروهی دارای امتیازات چندی است:^{۴۴}

- ۱- تلویزیون، اخبار داغ و هیجان‌انگیز جهان ما را به سرعت نور در اختیار تماشاگران قرار می‌دهد.

- ۲- تلویزیون بدون رابط، با مردم تماس می‌گیرد. روزنامه‌ها و مجلات به وسیله پست به دست مردم می‌رسد، فیلم‌های سینمایی احتیاج به سالن سینما دارند، یک نمایشنامه به سالن تأثیر نیازمند است در حالی که برنامه‌های تلویزیونی مستقیماً به داخل خانه‌ها راه می‌یابد.

- ۳- تلویزیون، پاره‌ای از برنامه‌های خود را در همان لحظه وقوع در اختیار مردم قرار می‌دهد و بر هیجان تماشاگران می‌افزاید.

- ۴- تلویزیون، دیدن و شنیدن همه رویدادها را با هم و تأمل در دسترس بینندگان قرار می‌دهد.

در ۳۰ سال اخیر، تلویزیون در رقابت با مطبوعات پیروز شده است، این دستگاه در مبارزه با سینما نیز موفق بوده است. ۳۰ سال پیش شهره‌یوود بزرگترین مرکز تولید فیلم سینمایی در جهان بود و سالانه ۳۰۰ فیلم تولید می‌کرد. هم‌اکنون این میزان به ۱۵۰ فیلم در سال محدود شده است و مشتریان سینما نیز به نصف تقلیل یافته و هزاران سینما در شهرها تعطیل شده است. تلویزیون تعداد شاغلان حرفه سینما را نیز کاهش داده و هنر پیشگان و کارگردانان آن را به تلویزیون کشانیده است.

در پاره‌ای از کشورها، شهرهای بزرگ دارای ایستگاه‌های متعدد تلویزیونی است و بعضی از شهرها بیش از ۱۰ ایستگاه تلویزیونی دارند که برنامه‌های یکی دو ایستگاه ۲۴ ساعته می‌باشد. در ایالات متحده، با بیش از ۱۰۰ ایستگاه تلویزیونی و ۱۳۰ میلیون دستگاه تلویزیون، مردم کاملاً در اختیار حاکمیت تلویزیون قرار گرفته‌اند. در این کشور سه ایستگاه تلویزیون تجارتي^{۴۵} با رقابت در اخذ آگهی‌های تجاری بیشتر، نفوذ عمیق و چشمگیر در بینش‌های سیاسی، اجتماعی و نوع کالاهای انتخابی دارا می‌باشند. این سه شبکه تجاری

44. N.S. Biryukov. The television in the west and its doctrines pp. 49.

45. ABC, CBS, NBC.

گاهی در جدی‌ترین بحث‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی و یا در پرهیجان‌ترین صحنه‌های فیلم، برنامه را به‌خاطر پخش آگهی‌های تجارتي قطع می‌کنند.

پاره‌ای از کشورها، در جهت تحکیم فرهنگ شهری خود و پایداری وابستگی‌های اقتصادی به صدور برنامه‌های ویژه تلویزیونی به‌ویژه به کشورهای در حال توسعه می‌پردازند. در این راه، فیلم‌های صادراتی گاهی مجاناً به کشورهای در حال توسعه فرستاده می‌شود. بی‌جهت نیست که برخی از جامعه‌شناسان، بعد از بمب هیدروژنی، تلویزیون را وحشتناک‌ترین وسیله در جهان می‌دانند. پاره‌ای از شبکه‌های تلویزیونی، تولیدات خود را به ۸۰-۹۰ کشور جهان صادر می‌کنند.^{۴۶} غالباً کشورهای صادرکننده برنامه‌های تلویزیونی، به جای صدور برنامه‌های آموزنده و علمی، فیلم‌های وسترن و جاسوسی به همراه آگهی‌های تبلیغاتی مربوط به قرص‌های سردرد، انواع کولاها، سیگارها، صابون‌ها، قرص‌های ضد یبوست، شامپوی تقویت‌کننده موی سر در اختیار کشورهای جهان سوم قرار می‌دهند. در همان حال، آگهی‌های مربوط به این قبیل کالاها و وارداتی، سراسر روزنامه‌ها، مجلات و پرده‌های سینماهای شهری را نیز می‌پوشانند.

معیارهای یک جامعه سالم شهری:

بررسی‌های اکولوژیکی از مسائل شهری، در حقیقت شناخت روابط علت و معلولی از مسائل عینی در جامعه شهری است و در این راه به دو طریق عمل می‌شود:

۱- بررسی یک مسئله شهری نظیر بزهکاری، بیکاری و...

۲- بررسی چند بعدی و همه‌جانبه از مسائل شهری که به صورت زنجیر وار بهم پیوسته‌اند. از این روش تحلیل اجتماعی از مسائل شهری در واقع کلیت اکولوژی اجتماعی شهرها را نشان می‌دهد.

معیارهای انتخابی در راه شناخت یک جامعه سالم شهری عبارتند از:^{۴۷}

۱- تغذیه کامل مردم شهر.

۲- کاردایمی و عدم وجود بیکاری فصلی.

۳- مسکن و تجهیزات آن.

۴- دسترسی به بهداشت و درمان در همه محلات شهری و امکان آن برای همه مردم

شهر.

46. N.S. Biryukov. The television in the west and its doctrine. pp. 171, 172, 175.

47. David T. Herbert and David M. Smith. Social Problems and the City. Oxford University Press. 1976. pp. 20-21.

۵- امکان تحصیل و کسب مهارت‌ها و تخصص‌ها.

۶- شرایط کار و روانه.

۷- تأمین اجتماعی.

۸- لباس کافی در فصول مختلف سال.

۹- وضع راحت حمل و نقل شهری.

۱۰- گسترش عدالت اجتماعی.

۱۱- میزان پس انداز و کیفیت مصرف.

۱۲- امکانات گذران اوقات فراغت.

۱۳- پایین بودن میزان جرم و جنایت.

عده‌ای توجه به فرهنگ غیرمادی جامعه را نیز به معیارهای بالا می‌افزایند.

دکتر جواد نوربخش، دکتر عزالدین معنوی «خودکشی در بیماران روانی» مجله روان پزشکی شماره ۶ سال ششم ۱۳۵۳.
دکتر مجید مساواتی. جرم شناسی. کتابفروشی چهر، تبریز ۱۳۵۷.

منابع فصل چهارم

- Abrams, Charles. The Language of cities. Equinox Book. 1971.
 Berry J.L. Brain. Contemporary Urban Ecology. Macmillan publishing co. 1977.
 Biryukov. N.S. The, television in the west and its Doctrines. 1977.
 Fuchs J. Ronald and George J. Demko. «Cummting in the USSR» Soviet Geography. June/1978.
 Golant M. Stephen. The Residential Location and spatial Behavior of Elderly. University of chicao press. 1972.
 Harrison Q.A.G. and J.B. Gibson. Man in Urban Environments. Oxford University press. 1976.
 Herbert T. David and David M. Smith. Social problems and the city Oxford University press. 1979.
 Herbert T.D. and J. Johnston. Social area in Cities. John wiley. 1976.
 Lanegran A. David and Risa palm. An invitation to Geography. McGraw-Hill. 1973.
 Sandbach, Francis. Environment, ideology and policy. Basil Blackwells 1980.
 Smith M. David. The Geography of Social-well-Being. McGraw-Hill. 1973.

فصل پنجم

شرایط اقتصادی، برنامه ریزی و اکولوژی شهری

شهرها کانون همه ایدئولوژیها:

از هر گوشه که به شهرها بنگریم آنها را در پیدایش، شکل گیری، حراست، گسترش، دگرگونی و سقوط ایدئولوژیها، کانون اصلی می یابیم. چرا که شهرهای امروزی، بیشتر به عنوان مراکز بزرگ اقتصادی - اجتماعی ایفای نقش می کنند. بی جهت نیست که اعتبار و اهمیت اغلب ما در شهرهای ناحیه ای را در توانایی بخش مرکز تجارت شهر جستجو می کنند هر چند که در بخش تجارت همه آثار تاریخی، کتابخانه های معتبر، موزه های هنری و خصیصه های فرهنگی فعالیت گسترده ای دارند.

با وجود نقش تجاری ما در شهرهای بزرگ، امروزه همه شهرهای بزرگ ناحیه ای، برای طایب علوم مختلف کانون اصلی یادگیریها و تخصصها بشمار می آید. جایی که محل برخورد فرهنگ وارداتی با فرهنگهای بومی و سنتی نیز محسوب می گردد. پاره ای از ما در شهرها به فرهنگ معنوی و غیرمادی جامعه وسعت می بخشند. اما برخی از شهرها نیز تنها روی تولید، مکانیسم بازار، رشد اقتصادی و توسعه قدرت اقتصادی می اندیشند. این قبیل شهرها به ویژه در جهان سوم، با فرهنگ معنوی جامعه در ستیزند و دگرگونی اخلاقی و رفتاری جامعه را سبب می گردند.

در دو قرن اخیر، پاره ای از ما در شهرها مرکزیتی جهت انتشار ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، دموکراسی، سوسیالیسم و آپارتاید^۱ یافته اند. در این قبیل شهرها، ایدئولوژیهای مختلف شکل می گیرند و در قالبهای ویژه ای به سایر قاره ها و شهرها می رسند.

امپراطوریهای بزرگ فرهنگی که منشاء مادر شهری و جهان شهری دارند از طریق کتاب، مجله، روزنامه، فیلمهای تلویزیونی، فیلمهای سینمایی، پذیرش دانشجویان خارجی، بنیادهای فرهنگی و علمی و در اختیار گرفتن ساعات گذران اوقات فراغت به سایر کشورها و قاره ها نفوذ می یابند. ما در شهرهای قاره ها و کشورها با دریافت این ایدئولوژیها به مبارزه برمی خیزند، مقاومت می کنند، مدتها به فرهنگ خود وفادار می مانند و این مقاومتها یا پذیرشها، جریانهای بزرگ تاریخ معاصر دنیا را بوجود می آورند.

بطور کلی یک ایدئولوژی از مذهب، تاریخ، اقتصاد، سیاست، فلسفه، سنتهای قومی و فرهنگی ریشه یابی می کند.

شهر و استعمار:

زمانی که دروازه های چین به روی بازرگانی اروپا و امریکای شمالی گشوده

۱. Apartheid.

جدایی گزینی نژاد سفید از سایر نژادها و رنگها.

گشت. یک انگلیسی طی مقاله‌ای در روزنامه نیویورک دیلی تریبون به تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۸۵۸ چنین نوشت: «چرا ما می‌گوییم که تجارت برده در مقایسه با تجارت تریاک، رحمت‌آمیز و بخشایگر بوده است؟ ما جسم آفریقاییها را نابود نکردیم آنها را همان‌طور زنده نگهداشتیم تا به سرعت به ما سود برسانند. ما طبیعت آنها را پست و خوار نشمریم، فکر و روح آنها را فاسد نکردیم، اما فروشنده‌گان تریاک در چین، بعد از فاسد کردن انسانها، تفاله‌های انسانی را پست و بی‌مقدار شمردند، پایگاههای اخلاقی و معنوی این گنهکاران ناشاد را به نابودی کشاندند. در هر ساعتی، قربانیان نازهای را به معبد ملوک^۲ می‌آوردند معبدی که هرگز سیری نمی‌پذیرفت، جایی که قاتل انگلیسی و انتحارکننده چینی در پیشکش کردن قربانی به معبد او، با یکدیگر رقابت می‌کردند.» چند روز بعد در همان روزنامه مقاله‌ای بچاپ رسید که از اقدامات شدید دولت انگلیس و کمپانی هند شرقی در کشت تریاک در بنگال هند خبر می‌داد. دولت انگلیس با جبر و زور در به انحصار درآوردن کشت تریاک و فروش آن به قاچاقچیان می‌کوشید. در حالی که مقامات دولت چین، تلاشهای مخالفت‌آمیزی را در جهت توقف این تجارت نکبت‌بار آغاز کرده بودند.^۳

شبه قاره هند در قرن ۱۸ به تصرف انگلیس درآمد. استعمار نه تنها کشاورزی بلکه نیروی انسانی و همه منابع حیاتی هند را به زشت‌ترین وجهی مورد بهره‌برداری قرار داد و به موازات آن به یک صنعت‌زدانی گسترده نیز دست زد. در دورنج مردم هند آن چنان شدید و ناروا بود که بهره‌کشان استعماری را ناگزیر ساخت تا مطابق یک برنامه تعیین شده، صنعت نساجی هند را نابود سازند.

در اواسط قرن ۱۹، شهر داکا که به عنوان منچستر هند شهرت داشت در نتیجه استعمارزدگی به سرعت جمعیت خود را از دست داد و جمعیت آن از ۱۵۰/۰۰۰ نفر به ۳۰/۰۰۰ نفر کاهش یافت. داکا از یک شهر پررونق به یک شهر کوچک، فقرآلود و بیمار سقوط کرد. خانواده‌هایی که قبل از تسلط انگلیسی‌ها در رفاه کامل بسر می‌بردند. ناگزیر شدند که در جهت گذران زندگی روزمره به روستاهای دور و نزدیک پناهنده شوند.

شهرهای استعمارزده آسیا، هر نقشی که در دوره استعمار می‌پذیرفتند تنها در جهت نیاز استعمار به آن نقش شهری بود. نقش تجاری، نقش نظامی و اداری شهرها در مسیر

2. MOLOCH.

نام بت کنعانی که مردم بچه‌های خود را برایش قربانی می‌کردند. (فرهنگ انگلیسی به فارسی آریاناپور کاشانی).

برابر با ۴۰۴۷ مترمربع

3. Barbara Stuckey «Rural Subsistence, migration, and Urbanization» Antipode, Vol 9, No 2, 1977, pp. 3-4.

سودرسانی هر چه بیشتر به دولتهای استعماری و بنا بر شرایط زمان، نوع تولید و موقع جغرافیائی شهرها تعیین می‌شد. از این رو در تغییر نقش شهرهای استعمارزده، شهروندان اصلی به هیچ امتیاز مادی و فرهنگی قابل قبولی دست نمی‌یافتند بلکه شهرها با نقش‌پذیری جدید، در بسیار اوقات، شهروندان را از منبع درآمد و آسایش خاطر گذشته نیز محروم می‌ساختند. اما امروزه شهرهای استعمارزده سابق، در نقش بادر شهرهای ناحیه‌ای و پایتختهای کشوری، با جمعیت و مسائل بشماری روبرو می‌باشند که یادگار توسعه شهری و شهرنشینی کاذب در دوره استعماری است.

کشورهای استعماری در دوره گسترش استعمار، غالباً به بنادر توجه داشتند زیرا بنادر، محل تلاقی راههای دریائی با راههای زمینی و راه آهن بود. استعمار، بنادر را جهت صدور مواد اولیه و یا تخلیه کالاهای ساخت غرب تجهیز می‌کرد. از این رو بنادر و شهرهای استعمارزده، در آنها مرکز اداری و تجاری بشمار می‌آمدند. این قبیل شهرها به ندرت و آن هم در مرحله آخر به فعالیتهای فرهنگی می‌پرداختند. از جمله شهرهای استعمارزده که ساخت اکولوژیکی آنها تا کنون مورد بررسی محققین قرار گرفته است در قاره آسیا شهرهای شانگهای، بانکوک، رانگون، سایگون، کلکته، کراچی و در امریکای لاتین ریودژانیرو و بوئنوس آیرس می‌باشد. زمانی که استعمار کشورهای آسیائی را بگشود و در آنها نفوذ پیدا کرد اولین نگاهش به نقاطی دوخته شد که به سهولت قابل دسترس بود. بنادر از آن جمله بود. بنادر در نقش دروازه دنیای غرب، به ارجح و اعتبار خاصی دست یافت.

ساخت داخلی همه شهرهای استعمارزده، معمولاً از همان آغاز استعمار، به دوگانگی کشیده می‌شود. بخش جدید شهر به وسیله استعمارگران و به صورت اروپائی و لوکس ساخته می‌شود. این بخش از یک طرح منظم شهری، خیابانهای عریض و پردرخت، باشگاههای شبانه، میدانهای مجهز ورزشی و تفریحی از سایر بخشهای شهری جدا می‌گردد. در داخل بخش استعمارگران، خانه‌ها معمولاً یک طبقه، زیبا و پرگل با تأسیسات مجهز می‌باشد. در این بخش، باشگاههای اختصاصی، کلیساها، بیمارستانها، مدارس، همه معماری و زیبایی ویژه‌ای دارند. تراکم جمعیت در محلات پائین است. به‌طور کلی مورفولوژی و ساخت شهرهای استعمارزده را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:^۴

در قاره آسیا، بیشتر شهرهای ساحلی چین در مدت تسلط خارجیان، به بنادر معاهداتی و تجاری تغییر نقش دادند. همه امکانات بندری از قبیل انبارها، بانکها و ادارات در اختیار

4. Dean S. Rugg, Spatial Foundations of Urbanism. W.M.C. Brown Company Publishers. Iowa. 1972. pp. 276-277.

نقش تجاری بنادر قرار گرفتند در شهرهای استعمارزده هند، برخورد انگلیسی ها با جامعه شهری بسیار سخت صورت گرفته است و شرایط طاقت فرسایی بر جامعه شهری تحمیل کرده اند. بخش انگلیسی شهرهای هند، نه تنها شامل بخش تجاری، بندری و حوزه های راه آهن بود بلکه بخشهای اداری و نظامی را نیز شامل می گشت. میان بخش انگلیسی نشین و شهر اصلی، یک منطقه بی طرف، فضای آزاد، راه آهن یا یک پارک بوجود می آمد تا مرزهای محکمی بخش انگلیسی نشین را از سایر بخشهای شهری جدا سازد. نمونه روشن این وضع در شهرهای کراچی، دهلی، کلکته و آبادان دیده می شدند.

در شهرهای استعمارزده، معمولاً سه گروه اجتماعی قابل تشخیص است:

۱- گروه ممتاز و استعمارگر.

۲- گروه آموزش دیده داسلی.

۳- طبقه غیرماهر شهری.

کیفیت زندگی و پایگاههای اجتماعی - اقتصادی این گروهها ساخت اکولوژیکی شهرهای استعمارزده را تعیین می کنند و این قبیل شهرها را به صورت قطعات نامتجانس درمی آورند. زیرا طبقه ممتاز یا استعمارگر از نظر زبان، آموزش، ثروت و شکل زندگی تفاوتهای شدیدی را با مردم محلی نشان می دهند. بدینسان تضاد شهری در قطعات اکولوژیکی و حوزه های اجتماعی با ماهیت و هدفهای گروه ممتاز و استعمارگر کاملاً پیوند می خورد. چنانکه خواسته های گروه مسلط انگلیسی بر جامعه شهری در همه نقاط دنیا، به سبب هدفهای تجاری و تأمین حداکثر سود، بر بخش راه آهن شهرها، ادارات، بخش نظامی و نوع استفاده تجاری از زمینهای شهری منعکس گشته است.

در قرون گذشته نیز که اسپانیاییها وارد امریکای لاتین شدند مدل شهرهای استعماری خاصی را از ناحیه مدیترانه به امریکای لاتین بردند بدانسان که در زیر اشاره می شود:

۱- در بنیای شهرها طرحهای منظم شطرنجی بکار گرفته شد.

۲- شهر دارای یک میدان عمومی بود و در این میدان، ساختمانهای مهم شهری نظیر کلسا، ساختمان شهرداری و خانه های طبقه با نفوذ شهر قرار داشت.

۳- وسعت، زیبایی و تجهیزات خانه ها همچنین پایگاه اجتماعی خانواده ها به موزات فاصله گرفتن از مرکز شهر کاهش می یافت.

۴- خانه ها - آری حیاط بود نظیر آنچه که در حوزه مدیترانه دیده می شود. اطاقها در

یک ردیف ترار داشتند و در اغلب خانه ها یک یا دو ایوان دیده می شد.^۵ در کشورهای مستعمره پایتختها را مأمورین و صاحب نظران دولتهای استعماری انتخاب می کنند که نمونه های روشن آن را می توان در قاره آفریقا مشاهده کرد. این پایتختها قبل از همه، حاصل ضرورت کنترل از یک مرکز و نقش اداری همان مرکز است. این پایتختها از مشخصات زیر تبعیت می کنند:

۱- پایتختهای استعمارزده، عموماً تاریخ درازی ندارند و بسیار جوان می نمایند. بیشتر آنها یادگار نیمه دوم قرن ۱۹ می باشند. هر چند که پاره ای از آنها تاریخشان با تاریخ استعمار پیوند می خورد و به قرن ۱۶ و ۱۷ برمی گردد.

۲- بی ثباتی در ایفای نقش پایتخت از مشخصات این قبیل شهرهاست. بدینسان که برخی از پایتختهای استعمارزده، در همان ابتدای ورود مأمورین استعماری و به صورت شتاب زده انتخاب می شود. اما بعد از مدتی به دلایل طبیعی، سیاسی، احداث خط آهن، تغییر مسیرهای ارتباطی، گسترش امراض نظیر طاعون و مالاریا، از ایفای نقش پایتخت ناتوان و عاجز می ماند در نتیجه پایتخت جدید در یک ناحیه مطلوب انتخاب می شود.

۳- گاهی در یک کشور یا حوزه جغرافیائی، در مدت یکی دو دهه به حکم بهره دهی بیشتر و اعمال سیاستهای خاص استعماری به جای یک پایتخت چند شهر به عنوان پایتخت، انتخاب می شود. چنانکه لیبی در دوره استعمار دارای دو پایتخت بود و در کشور مغرب پنج پایتخت وجود داشت. در این کشور رباط پایتخت سیاسی بود، کازابلانکا پایتخت اقتصادی بشمار می آمد، مراکش به عنوان پایتخت تاریخی اعتبار داشت، فز پایتخت مذهبی بود و طنجه پایتخت تابستانی محسوب می شد. گاهی هم استعمار پایتخت یک کشور را از واحدهای سیاسی دیگر به عاریه می گیرد و در مرز مورد نظر پایتخت عاریتی انتخاب می کند.

غالباً در آفریقا پایتختهای انتخابی، بعد از استعمار و به استقلال رسیدن کشورها، دارای مشخصات زیر می باشند:

معمولاً مشخصات ناحیه ای دارند تا کشوری و ملی. از این رو بیشتر مردم پایتخت، کارمندان و مسئولین سازمانهای دولتی آن، از همان ناحیه می باشند. و به حفظ منافع ناحیه ای که خود در آن تولد یافته اند بیش از منافع کشوری و یا نواحی مختلف می اندیشند. روشن است که در چنین شرایطی آن وابستگی لازم در کشور به ویژه باتوجه به قبیله گرایی میان نواحی

5. Jurgen Bahr and Gunter Mertins. "A Model of the Social and Spatial differentiation of latin American Metropolitan cities" Applied Geography and Development, p. 22.

6. Fez.

مختلف بوجود نمی‌آید. ناآرامیهای ایالتی و ناحیه‌ای در ۳۰ سال گذشته در کشورهای استعمارزده ناشی از این ناوابستگیها بوده است.^۷

بعد از جنگ دوم جهانی، کشورهای استعمارزده، به تدریج به استقلال رسیدند و شهرهای بزرگ از نقش استعمارزدگی و بهره‌رسانی به سوی اخذ تکنولوژی غربی و صنعتی شدن گام برداشتند. در این دوره سه عامل بیش از همه در شهرهای جهان سوم اثر می‌بخشد و چهره شهر را شکل تازه‌ای می‌دهد:

۱- بعد از استقلال کشورهای مستعمره و قطع تسلط ظاهری استعمار، شهرهای جهان سوم با اخذ تکنولوژی و فرهنگ غربی، به ایجاد خیابانهای جدید، ساختمان بلوکهای آپارتمانی، تأسیس ادارات و کارخانه‌ها، ایجاد سینماها و هتلها اقدام می‌کنند. واردات اتومبیل و یا مونتاژ آن، به سرعت شکل‌بندی خیابانها را بهم می‌زند و حومه‌های جدیدی به روی طبقه شهری گشوده می‌شود. شهر کانون عمده سرمایه‌گذاریهای داخلی و خارجی می‌گردد و بیشتر درآمد حاصل از فروش منابع معدنی و مواد اولیه در شهرها بکار می‌افتد. با سرمایه‌گذاری فراوان در شهرهای جهان سوم، طبقه متوسط از تکنسین‌ها، کارکنان اداری و کارگران ماهر تشکیل می‌شود و در جامعه شهری نیرو می‌گیرند.

۲- بعد از استقلال کشورهای استعمارزده، مرکز تصمیم‌گیری از اروپائیان به تحصیل کرده‌ها و نخبه‌گان محلی منتقل می‌شود. در این انتقال، آموزش و تحصیل از محدودیتهای سابق رها می‌گردد و همه افراد جامعه شهری می‌توانند از امتیازات آموزش و تحصیل بهره‌مند شوند. مدارس فنی و حرفه‌ای و آموزشهای صنعتی در اختیار نوجوانان شهری قرار می‌گیرد. مشاغل جدیدی بوجود می‌آید در همان حال هماهنگی و اعتبار بخش قدیم شهرها شکسته می‌شود و بخشهای تجاری و صنعتی جدید در شهرها بوجود می‌آید و جانشین بازار و بخش صنایع دستی می‌گردد.

۳- به سبب بکارگیری همه سرمایه‌ها و درآمدها در شهرهای استعمارزده سابق به همراه اخذ تکنولوژی جدید، فعالیتهای اقتصادی و ساختمانی در شهرهای بزرگ متمرکز می‌گردد بدینسان با شدت یابی نابرابری میان شهر و روستا، مهاجرتهای روستایی آغاز می‌شود و بدون استثناء در همه شهرهای بزرگ استعمارزده و همه شهرهای جهان سوم مناطق زاغه‌نشین و حاشیه‌نشین تشکیل می‌شود.^۸

7. G. Hamdan «Capitals of the New Africa» the city in newly developing countries, Prentice-Hall, New Jersey, 1969, pp. 149-150.

8. Dean S. Rugg, Spatial Foundations of Urbanism, WM.C. Brown Company Publishers, Iowa, 1972, p. 281.

از شهرهای استعمارزده به عنوان شهر غارتگر، شهر انگلی، شهر محاصره شده به وسیله بیگانه نام می‌برند.

شهر در جامعه فئودالی:

پاره‌ای از محققین، به هنگام شناخت شهرهای جامعه فئودالی با شهرهای جامعه صنعتی روی موارد زیر تأکید می‌کنند:

۱- کیفیت بهره‌گیری از تکنولوژی که شامل استفاده از انرژی، ابزار و آلات و اطلاعات تخصصی محدود می‌باشد. در یک جامعه فئودالی، تخصص در بخشهای تولیدی و خدماتی ناچیز است.

۲- در جامعه فئودالی، نسبت جمعیت شهرنشین به کل جمعیت کشور در پائین‌ترین سطح خود قرار دارد و زندگی اکثریت مردم از راه کشاورزی تأمین می‌شود.

۳- شهرهای ماقبل صنعتی در داخل جامعه فئودالی به رشد و توسعه می‌رسند.

۴- در شهرهای جامعه فئودالی، یک اقلیت ممتاز مالک زمینهای روستائی است. این طبقه به جای سرمایه‌گذاری در صنعت و تجارت، غالباً سرمایه خود را در زمین بکار می‌اندازد.

۵- طبقه بازرگان به سبب فقدان بازار وسیع و سرمایه کافی، به ندرت به استقلال و نیروی لازم دست می‌یابد. فعالیت شرکتها و سازمانهای تجاری نیز محدود می‌باشد.

۶- در جامعه فئودالی، نیاز کمتری به تراکم کارگران در یک مکان معین احساس می‌شود.

۷- صاحبان مشاغل دستی به تخصص در تولید توده‌وار نمی‌رسند و همه مراحل یک تولید از آغاز تا پایان به وسیله خود آنها انجام می‌گیرد. بازار فروش صنایع دستی نیز چندان وسیع نیست. اما تولیدات گوناگون ارزان‌قیمت که با درآمد اکثریت مردم شهر سازگار است در سطح گسترده‌ای در بازارها و مغازه‌ها یافت می‌شود. در همان حال کالاهای لوکس و گران‌قیمت که جهت اقلیت ممتاز تهیه می‌شود بسیار محدود می‌باشد. در شهرهای جامعه فئودالی تنها طبقه ممتاز و پردرآمد امکان می‌یابد که کالاهای وارداتی غرب را بخرند و مصرف کنند.

۸- در شهرهای جامعه فئودالی، تولید هیچ کالائی در سطح استاندارد نیست.

معاملات پایاپای محدود است و قیمتها نیز دائماً در نوسان می‌باشد.

در یک جامعه فئودالی، یک اقلیت ممتاز ثروتمند در برابر یک اکثریت کم درآمد قرار می گیرد. نسبت اقلیت ممتاز از ۱۰٪ - ۵٪ نظام اجتماعی تجاوز نمی کند. اما همه امور مهم و تصمیمات تعیین کننده بمهده آنهاست. این طبقه ممتاز غالباً تحصیل کرده و آموزش دیده است از این رو همه مشاغل مهم دولتی و نظامی را در اختیار می گیرد. اقلیت ممتاز جامعه فئودالی، با یکدیگر روابط محکمی برقرار می کنند. وابستگیهای خانوادگی و ازدواجهای مصلحتی گسترش می یابد. در میان آنها، عدم علاقه به مشاغل دستی چشمگیر است و گاهی آن را دور از شان خانوادگی خود می دانند. فقدان آداب و رسوم مشخص، طرز لباس پوشیدن، نوع صحبت کردن، این اقلیت را از توده عظیم مردم شهری جدا می سازد. در قشر پائین جامعه، کارمندان کم مرتبه، درجات پائین ارتشی و کارگران غیرماهر و زارعین نیز جای می گیرند.^۹

در یک جامعه فئودالی، افراد از همان ابتدای تولد، طبقه خود را می یابد. تحرک طبقاتی به ندرت دیده می شود و عبور از مرز طبقه ممتاز غیرممکن بنظر می رسد. طبقه متوسط شهری، نیرو نمی گیرد حتی میزان قدرت یابی و ثروت اندوزی بازرگانان متوسط نیز در یک حد معین متوقف می شود. سازمان های سیاسی در شهرها، به وسیله اقلیت ممتاز اداره و رهبری می شوند. همه حاکمان، وزراء، سفرا و مشاورین دولتی از این طبقه انتخاب می گردد. همه روزنامه ها و مطبوعات را اقلیت ممتاز در اختیار خود می گیرد و به ندرت در مطبوعات از عملکرد اقلیت ممتاز انتقاد می شود. در یک جامعه فئودالی، اکثریت با روستائیان است و مالکین روستاها غالباً در شهرها اقامت دارند.

در جامعه فئودالی معمولاً نقشهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در یک شهر متمرکز می گردد و شهر مورد نظر از جهات گوناگون بر سایر شهرها پیشی می گیرد. روشن است که در شهر انتخابی نه تنها همه قدرت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اقلیت ممتاز جمع می شود بلکه این شهر، از توسعه اجتماعی و اقتصادی سایر شهرها نیز جلوگیری می کند. در چنین حالتی، اقلیت ممتاز همه ساختمانهای اداری، دولتی، صنایع و فعالیتهای مهم فرهنگی را در شهر بزرگ یا پایتخت در اختیار خود می گیرد. همان وضعی پیش می آید که استعمار در کشورهای مستعمره انجام می دهد. استعمار نیز می خواهد جهت کنترل همه نیروهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک کشور تنها متوجه یک نقطه به نام پایتخت یا شهر بزرگ کشور مستعمره گردد. زیرا کنترل یک شهر و حاکمیت بر آن نسبت به کنترل سراسر کشور و یا شهرهای متعدد آسانتر می باشد. در این قبیل کشورها به جز پایتخت، نام شهر دوم و سیم به ندرت بگوش می رسد و در

9. Dean S- Rugg. Spatial Foundations of Urbanism. Brown Company. Iowa. 1972. p. 267.

پاره ای موارد حتی نمی توان شهر دومی انتخاب کرد. در جامعه فئودالی، اقلیت ممتاز حاکم، از ظهور مراکز ناحیه ای که دور از دسترس و کنترل آنها باشد به سبب ترس از مخالفت های اجتماعی جلوگیری می کنند.

در یک جامعه فئودالی، شهر اثرات بسیاری بر حوزه های روستائی دارد اما حوزه های روستائی در شهرها اثرنچیزی اعمال می کنند. شبکه های حمل و نقل در حوزه های روستائی فقیرانه و کمیاب است در همان حال، شاهراه های مهم از پایتخت یا شهر بزرگ به مراکز اداری استانها کشیده می شود اما از احداث شاهراهها میان استانها و مراکز ناحیه ای جلوگیری می گردد چرا که به محدودیت تماس میان مردم استانها معتقدند و همه در همه جای یک جامعه فئودالی باید متوجه پایتخت باشد که تمام امور را کنترل می کند.

در جامعه فئودالی، شهرهای کوچک و کم جمعیتی دیده می شود که در سطح محدود به گروه های کشاورزی و حوزه های روستائی خدمت می رسانند و غالباً در نقش بازارهای روز عمل می کنند و محلی برای عرضه مواد غذایی و صنایع دستی می باشند. پاره ای از این شهرهای کم جمعیت به صورت انباری می مانند که جهت پایتخت یا شهرهای بزرگ مواد غذایی و اولیه ذخیره می کنند. جمعیت شهرهای کوچک جامعه فئودالی در طول هفته نوسان دارد. در روزهایی که بازار هفتگی تشکیل می شود افزایش جمعیت از حوزه های روستائی کاملاً محسوس است. در این روزها قهوه خانه ها، مسافرخانه ها و شاید تنها خیابان باریک شهر، از جمعیت روستائی پُر می شود. فروش کارهای روستائی و خرید نیازهای خانواده های روستائی در روزهای تشکیل بازار هفتگی عملی می گردد. شهرهای کوچک که نقش بازار برای حوزه های روستائی محسوب می شوند به عنوان مرکز اداری نیز بشمار می آیند. در اینجا، دبیرستان، اداره پست، دادگاه، اداره ژاندارمری و درمانگاه تأسیس می شود.^{۱۰} ساخت داخلی شهرهای جامعه فئودالی از عوامل زیر تبعیت می کند:

۱ - نقشه شهر طوری تهیه شده است که در حصار قرار دادن، حفاظت و خلوت گزینی، اساس فکری تهیه نقشه شهر را تشکیل می دهد. سابقاً بخش قدیمی شهرهای فئودالی به وسیله دیوارهایی احاطه می شد و با دروازه هایی با دنیای بیرون رابطه پیدا می کرد در داخل بخش قدیمی، همه آنچه را که جهت زندگی و اطمینان از آینده لازم می نمود گردآوری می شد. نمونه روشن شهرهای ماقبل صنعتی شهر هرات می باشد که در کنار دیوارهای شهر قدیم، ارک، انبار غله و مسجد قرار گرفته است.

10. Dean S. Rugg. Spatial Foundations of Urbanism. WM. C. Brown Company Publishers. Iowa. 1972. p. 270.

در بخش واحدهای مسکونی این اطمینان‌یابی از حوادث آینده، به صورت خیابانها و کوچه‌های تنگ و باریک، پر پیچ و خم و غالباً بن بست نمودار می‌شود. واحدهای مسکونی به شکل سلولی با پنجره‌های کوچک و مشبک غیرقابل نفوذ می‌نماید.

۲- در شهرهای جامعه فئودالی، سعی شده است که چند خیابان اصلی، همه وسایل نقلیه و مردم شهر را به مرکز شهر بکشانند. بازارهای بخش مرکزی باتوجه به شرایط آب و هوایی همه امکانات اجتماعی و اقتصادی شهر را تدارک می‌بیند.

۳- در محلات شهرهای جامعه فئودالی، کتابخانه، زمینهای بازی، اداره آتش‌نشانی، شعبه اداره پست و نظایر آن دیده نمی‌شود اما در همه محلات شهری، کلاتری و برزن عمومیت دارد.

۴- بخشهای داخلی شهرهای فئودالی و ماقبل صنعتی، عموماً یک واحد اجتماعی کاملاً مشخص و مستقلی بشمار می‌روند که ساکنین آن به وسیله عوامل مذهبی، حرفه‌ای، خانوادگی، نژادی بهم وابسته‌اند. هر بخشی از شهر واحدهای مسکونی، عبادتگاهها، بازارچه و حتی گاهی خرده فرهنگ مخصوص به خود دارد. بخشهای مسیحی نشین، یهودی نشین، ارمنی نشین شهرها از آن جمله است. این وحدت‌یابی قومی و مذهبی که در عین حال یک نوع جدائی‌گزینی در شهرهاست سبب می‌شود که در داخل بخشهای یاد شده، مؤسسات ویژه‌ای جهت آموزش و پرورش، گذران اوقات فراغت، رفاه اجتماعی و مذهبی بوجود آید.

انقلاب الجزایر و نظام سکونتگاهی:

در ابتدای سال ۱۸۳۰، به هنگام آغاز استعمار فرانسه، جمعیت الجزایر ۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شد که ۵٪ آنها در شهرها زندگی می‌کردند. در سال ۱۸۷۶، جمعیت کشور به ۲/۵ میلیون نفر کاهش یافت و جمعیت شهری به ۱۵٪ رسید.

میان سالهای ۱۹۵۴ - ۱۸۸۶، جمعیت الجزایر مرتباً افزایش یافت اما میان سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۱، به سبب جنگ اول جهانی و بحران سخت کشاورزی (۲۲ - ۱۹۲۰) کاهشی در جمعیت کشور ظاهر شد. میان سالهای ۴۶ - ۱۹۳۶ نیز به جهت جنگ دوم جهانی و نارسائیهای کشاورزی (۴۶ - ۱۹۴۵) بار دیگر کاهشی در جمعیت الجزایر بوجود آمد.

میان سالهای ۶۶ - ۱۹۵۴، حداقل ۹۰٪ گروههای اروپائی (۹۸۴۰۰۰ نفر غیرمسلمان برابر آمار ۱۹۵۴) الجزایر را ترک کردند. الجزایر بعد از ۸ سال جنگ و خونریزی از

زیر نفوذ استعمار فرانسه بیرون آمد و به استقلال رسید. در سالهای استقلال ۱۵۰۰۰ الجزایری که به صورت پناهنده در کشورهای تونس و مغرب زندگی می‌کردند به کشور خود بازگشتند.

از سال ۱۹۵۴، حد متوسط افزایش سالانه جمعیت الجزایر ۳/۲٪ گزارش شده است که این نسبت با مختصر نوسانی تا به امروز ادامه دارد. برابر آمار سال ۱۹۷۷، در الجزایر ۱۷/۴ میلیون نفر زندگی می‌کنند. این جمعیت در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۳۰ میلیون نفر می‌رسد. ۴۱٪ جمعیت الجزایر یا ۷/۰۹۵۰۰۰ نفر در شهرها زندگی می‌کنند.^{۱۱}

نظام شهری الجزایر قبل از استقلال، از نظامهای گوناگون مثل رومی، بیزانس، عرب-بربر و ترک متأثر بود. از سال ۱۸۳۰ که استعمار خشن فرانسه وارد الجزایر شد نظام سکونتگاهی و سلسله مراتب شهری دگرگون گشت و از نظر جمعیت، وسعت، نقش و سازمان گسترش یافت. نظیر سایر جاهای استعماری مثل افریقای فرانسه، نظام سکونتگاهی استعماری همواره مبتنی و براساس وابستگی شهر به روستاها بود که روستاها برای شهرها مواد غذایی تهیه می‌کردند و حومه‌های شهری نیز به اقامت ثروتمندان اختصاص داشت. در حقیقت، سکونتگاههای شهری به عنوان واسطه میان حوزه‌های روستائی اطراف و بازارهای سرمایه‌داری عمل می‌کردند. از این رو همه شهرهای بزرگ ساحلی مثل اوران، الجزایر، بن (عنابه امروزی)^{۱۲} مرکز عمده صادرات برای متروپل اروپا محسوب می‌شدند. طبقه سوداگر فرانسه نیز کنترل زمینهای کشاورزی را در اختیار داشتند.

باتوجه به مراکز تقریباً محدود شهری در الجزایر قبل از استعمار، فرانسویان اولویتی خاص به ایجاد سکونتگاههای جدید شهری قایل شدند و حتی روستاهای استعمارزده و پاره‌ای از ایستگاهها و مراکز نظامی به صورت شهرهای کوچک درآمدند. با توسعه شبکه‌های ارتباطی، ایجاد نظام سکونتگاهی با وابستگی اقتصادی به هم به همراه سیاست تمرکز زمینه مساعدی یافت.

11. Philip Brebner. «Algeria: The transformation of a settlement system» Third world planning Review. Vol 3. No 2. 1981. p. 43.

12. Annaba.

جدول شماره ۱ - سلسله مراتب سکونتگاهی استعماری

درجه - نوع	نام محل
یک مرکز ملی - پایتخت	الجزیره
۳ مادر شهر ناحیه ای	اوران، عنابه، کنستانتین
۹ شهر با جمعیت متوسط	الاصنام ^{۱۳} و ...
۱۴ مرکز بخش	باتنا ^{۱۴} و ...
۲۰ مرکز محلی	رلیزان ^{۱۵}
تعدادی نیمه شهر و نیمه روستا و روستا	

نظام سکونتگاهی الجزایر به ویژه در حوزه های روستائی، از استراتژی ضد چریکی با جابجائی و تراکم جمعیت روستائی در نقاط معین تبعیت می کرد. این نظام سکونتگاهی با جنگهای سالهای ۶۱ - ۱۹۵۴ فرانسه با مردم الجزایر در جهت عقب راندن چریکهای جبهه نجات ملی از نقاط حساس به حوزه های روستائی مطابقت داشت. در این زمان باره ای از بخشهای کشور به عنوان مناطق ممنوعه اعلام شد و فرانسویان جمعیت مناطق ممنوعه را به زور از خانه و کاشانه خود می راندند و سکونتگاههای آنان را ویران می کردند. میان سالهای ۶۱ - ۱۹۵۴، تقریباً ۸۰۰۰ روستا و قریه به وسیله فرانسویان به آتش کشیده شد و یا به کلی ویران گردید. در تشکیل مراکز جدید روستائی در حدود ۳/۵۲۵۰۰۰ نفر روستائی جابجا گشتند. این مراکز جدید روستائی و جابجائی روستائیان جامعه سنتی روستاها را درهم ریخت و جماعات روستائی ریشه و اصل روستائی خود را از دست دادند و به خصیصه های شهری چسبیدند.^{۱۶}

بعد از رهائی از استعمار، در کشور الجزایر، ایدئولوژی توسعه و گذر از مرحله سرمایه داری استعماری به استقلال، نظام سکونتگاهی کشور را تحت تأثیر قرار داد که مبنای آن بر دو موضوع تأکید داشت:

- ۱ - دگرگونی در نقش سکونتگاهها و توسعه شهری به مثابه رشد قطب توسعه.
- ۲ - سازمان یابی مجدد سلسله مراتب سکونتگاهی، تغییرات در تقسیمات کشوری و

13. El Asnam.

14. Batna.

15. Relizane.

16. Philip Brebner «Algeria: The transformation of a settlement system», Third world planning Review. Vol 3, No 201, 1981. PP. 44-45.

اجرای سیاست جدید روستائی.

در همان چند ماه اول استقلال، به موازات ترک اروپائیان، حرکت توده های انبوه مسلمانان که در خارج از کشور بسر می بردند به سوی الجزایر آغاز گردید. مسلمانان بعد از ورود به الجزایر بلافاصله در محلات اروپائی نشین که خالی شده بود مسکن گزیدند. در مدت چند ماه شهرهای الجزایر با ورود گروه های قومی تغییر چهره دادند. در تابستان و پائیز سال ۱۹۶۲ هزاران کارگر جانشین اروپائیان شدند که مزارع و کارخانجات را ترک کرده بودند. دریافت اجاره زمینهای کشاورزی به وسیله مالکان به نفع جامعه روستائی حل شد و طبقه ممتاز و متوسط شهری این درآمد را از دست دادند و شهرها نیز از سرازیر شدن همه فعالیت های اقتصادی روستاها به شهرها محروم شدند. زمینهای روستائی جهت فروش در اختیار زارعین قرار گرفت و درآمد حاصل از این روش، در صنایع کوچک شهری سرمایه گذاری شد. در دهه ۱۹۷۰، شهرهای الجزایر قطع وابستگی به اقتصاد روستائی را آغاز کردند و به مراکز فعالیت های توسعه یابنده ای تبدیل شدند که می توانستند از طریق منطقه نفوذ خود به توسعه اقتصادی ادامه دهند.

دست یابی به نقش صنعتی شهرها از طریق اولویت یابی صنایع به مثابه اساس توسعه اقتصادی الجزایر مطرح گردید. قبل از استقلال، به همراه طرح های انقلاب هایی نیز در جهت توسعه کشور در نظر گرفته شده بود. بعد از پیروزی انقلاب الجزایر، ابتدا قرار بر این بود که این کشور با صدور مواد اولیه و خام کشاورزی به خارج، ارز لازم را برای تأسیس صنایع فراهم آورد. اما بعد از بقدرت رسیدن بومدین در سال ۱۹۶۵، تمایل شدیدی به توسعه صنایع سرمایه بر احساس می گردد. حاکمیت این طرز تفکر توسعه اقتصادی، شهرها را به صورت قطب توسعه به نقشهای جدید می رساند. از طرفی ادامه توسعه شهرهای ساحلی که یادگار دوره استعمار فرانسه بود متوقف می گردد و توسعه اقتصادی به طرف شهرهای کوچک و شهرهای متوسط و صنایع محلی جهت گیری می شود تا اساس استوار صنعتی برای همه مراکز شهری فراهم آید.

دست یابی شهرها به نقش خدماتی نیز که شامل شکوفائی بازرگانی و اداری بود بعد از صنایع مورد تأکید قرار می گیرد. این تأکید در اولین برنامه چهار ساله (۷۳ - ۱۹۷۰) در مورد توسعه حمل و نقل، خطوط تلفنی، تلگرافی، خانه سازی به همراه امور زیر بنائی شهری مطرح می شود. در سال ۱۹۷۲، برنامه ریزی فیزیکی در جهت توسعه اقتصادی بکار گرفته می شود و اساس برنامه ریزی شهری پایه گذاری می گردد. در اینجا نیازهای اساسی و زیربنائی، طرح توسعه شهری، مسائل مربوط به اشتغال، خانه سازی، شکل قانونی استفاده از

زمین و ساختمان، تأمین منابع درآمد برای شهرها مورد توجه واقع می شود.

در سیاست برنامه ریزی الجزایر، تقسیم بندی تازه ای براساس عدم تمرکز اداری، پراهمیت تشخیص داده شد. از این رو به جای تقسیمات محدود گذشته، در سال ۱۹۷۴، کشور در جهت عدم تمرکز به ۳۱ ایالت - ولایت و ۱۵۸ مرکز اداری بخش، تقسیم می شود. برابر قانون، بر قدرت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تأمین منابع درآمد ایالتها افزوده می شود و برآورد بیشتر نیازهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی بعهده ایالات واگذار می گردد. کمیته ای مأمور می شود که چهارچوب جغرافیائی و اقتصادی ایالات و بخشها را تعیین کند. بدینسان با تعیین ۳۱ مرکز اداری ناحیه ای و ۱۵۸ مرکز اداری بخش، الگوی تازه ای از سلسله مراتب شهری در الجزایر بوجود می آید.^{۱۷}

از زمان پیروزی انقلاب الجزایر تا سال ۱۹۷۱، سیاست روشنی در مورد سکونتگاههای روستائی وجود نداشت. در این سال منشور اصلاحات ارضی تدوین می شود و برابر آن ساخت دوباره نظام سکونتگاههای روستائی با اولویت قرار دادن ۱۰۰۰ روستا آغاز می گردد. مبنای سیاست سکونتگاههای روستائی عبارت بود از:

- ۱ - ایجاد مراکز مکمل در حوزه هائی که از نظر عرضه خدمات در سطح پائینی قرار گرفته بودند تا کمبودهای دوره استعماری به تدریج تقلیل یابد.
- ۲ - کاهش جاذبه های اشتغال و سکونت در شهرها مورد تأکید واقع می شود.
- ۳ - تثبیت اساس شرکتهای تعاونی در حوزه های روستائی از موارد پراهمیت سیاست روستائی بشمار می آید.
- ۴ - دگرگونی ساخت سکونتگاههای روستائی با انجام طرحهای آبیاری و به زیر کشت درآوردن زمینهای روستائی عملی می شود.
- ۵ - وسعت یابی معیار نظام سکونتگاههای روستائی با ایجاد مراکز مجهز روستائی در حوزه های کم جمعیت استپی و یکجانشین کردن جمعیت نیمه کوچ نشین صورت می گیرد.

با این سیاست روستائی که نظام سکونتگاههای روستائی را شکل گیری مجددی می بخشید روستاهای الجزایر در داخل سه گروه قرار داده شدند:

- ۱ - روستاهائی با جمعیتی میان ۱۴۵۰ - ۷۰۰ نفر.
- ۲ - روستاهائی با جمعیتی میان ۲۴۵۰ - ۱۷۵۰ نفر.
- ۳ - روستائی با جمعیتی میان ۴۹۰۰ - ۲۸۰۰ نفر.

هر یک از این سه گروه روستاها دارای امکانات خدماتی از قبیل مدرسه، مرکز خرید، خدمات اداری گوناگون، میدان ورزشی و... بودند. با وجود این، امکان اجرای سیاست روستائی با موانعی روبرو شد که کمبود منابع درآمد و مواد و مصالح ساختمانی از آن جمله بود. از این رو در سال ۱۹۷۶ از ۲۲۲ روستائی که قرار بود در اجرای سیاست روستائی تجهیز و تکمیل شوند تنها ۶۰ روستا آماده بود و ۴۲ روستا نیز در دست ساختمان بوده است.

در الجزایر، میان سالهای ۷۷ - ۱۹۴۸، تعداد شهرهای بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفری از ۲ شهر به ۸ شهر و تعداد شهرهای ۱۰۰/۰۰۰ - ۲۰۰۰۰ نفری از ۱۶ شهر به ۸۸ شهر افزایش یافت. بدون شک سیاست نظام سلسله مراتب سکونتگاهی در الجزایر از یک تعادل بخشی خاصی تبعیت کرده است. منابع و امکانات در فضای جغرافیائی کشور با بهره گیری از عدالت اجتماعی توزیع گشت که بیشتر مربوط به کاهش تراکم اقتصادی و اداری در چند شهر عمده بود. از طرفی برنامه ریزی ملی اقتصادی براساس صنایع سرمایه بر به شکل خاصی در شبکه های سکونتگاهی از طریق تسریع منطقه شهری تأثیر بخشید. در همان حال در سرمایه گذاری بخش عمومی در شاخه های گوناگون اجتماعی و اقتصادی نیز سرعت و منطق لازم بکار گرفته شد. یعنی توسعه شهری و سرمایه گذاری بخش عمومی به موازات هم، نظام سکونتگاهی الجزایر را دوام بخشیدند.

در ارزیابی سرمایه گذاری بخش دولتی، در بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعتی، سرمایه گذاری نسبتاً محدودی صورت گرفت. بطوریکه میزان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی میان سالهای ۷۵ - ۱۹۶۹، تنها به ۱۰٪ رسید. از این رو رشد اشتغال در بخش های غیرکشاورزی ۷/۴٪ و در بخش کشاورزی ۱/۱٪ گزارش شده است. اشتغال در بخش ساختمان و کارهای عمومی فوق العاده بود. تا آنجا که تا ۵۵٪ تقاضا برای نیروی کار غیرماهر را شامل گشت. از سال ۱۹۷۰ به سبب سرمایه گذاری محدود در بخش کشاورزی، مهاجرت به شهرها با شتاب بیشتری صورت گرفت.

17. Philip Brebner «Algeria: The transformation of a Settlement system» Third world planning review, 1981, Vol 3, No 2, p. 48.

جدول شماره ۲ توسعه شهری میان سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۵۴

میزان جمعیت شهری	درصد رشد
پایتخت	۳/۴
۳۰۰/۰۰۰ - ۱۰۰/۰۰۰ نفری	۲/۳
۱۰۰/۰۰۰ - ۵۰/۰۰۰	۲/۱
۵۰/۰۰۰ - ۲۰/۰۰۰	۲/۵
۲۰/۰۰۰ - ۱۰/۰۰۰	۳/۵
۱۰/۰۰۰ - ۵/۰۰۰	۳/۶

میان سالهای ۷۷ - ۱۹۶۶، نسبت جمعیت در حوزه‌های شهری از ۳۱٪ به ۴۱٪ کل جمعیت رسید که افزایش جمعیت شهری را تا ۵/۱٪ و افزایش طبیعی جمعیت را ۳/۲٪ نشان می‌داد. مهاجرت‌های سالانه روستائی در حدود ۱/۹٪ و یا ۱۳۵۰۰ نفر بوده است. بدینسان می‌بینیم که حداکثر سرمایه‌گذاری در شهرها، اولویت‌یابی صنایع در سطح گسترده، سرمایه‌گذاری در خانه‌سازی، ساختمان و در بخش خدمات تا حدودی بخش کشاورزی را بفراموشی سپرده است.

با وجود سرمایه‌گذاری در شهرها، باز هم کمبود مسکن کاملاً بحشم می‌خورد و در سال ۱۹۷۷، هر واحد مسکونی شهری در اختیار ۷ نفر بوده است. میزان خانه‌سازی نیز که در برنامه چهارساله ۱۹۷۷ - ۱۹۷۴، تعیین شده بود به $\frac{۱}{۴}$ میزان برنامه‌ریزی شده‌نرسید که بیشتر ناشی از کمبود مواد و مصالح ساختمانی و عدم اجرای صحیح برنامه‌ریزی شهری بوده است. علاوه بر این در تمام کشور الجزایر عملاً ۲۶۰ مهندس ساختمان کار می‌کردند که کمتر از $\frac{۱}{۴}$ مهندسین مورد نیاز بود زیرا برای اجرای برنامه‌های ساختمانی در حدود ۱۲۰۰ مهندس ساختمان مورد احتیاج بود.^{۱۸}

از آنچه که گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت: علیرغم برنامه‌های چشم‌گیر ملی، اگر هم مهاجرت‌های دهه ۱۹۶۰، برای بنیان‌گذاری صنایع و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی ضرور می‌نمود هم اکنون سکونتگاه‌های روستائی را با بحران و ویرانی روبرو ساخته است که کنار گذاردن بخش کشاورزی به نفع صنایع سرمایه بر عامل اصلی چنین وضعی بوده است تا آنجا که ادامه آن، جامعه مهاجرین الجزایری را در فرانسه، به سال ۱۹۷۳ به ۸۸۴۳۲۰ نفر رسانده

18. Philip Brebner. «Algeria: The transformation of a settlement system». Third world Planning Review. 1981. Vol 3. No 2. pp. 50-51.

است. سیاست سکونتگاه‌های روستائی تنها می‌توانست به عنوان یک پله ساده در برنامه‌ریزی محسوب می‌شود و هنوز راه درازی در پیش است که نظام روستائی در سلسله مراتب سکونتگاهی الجزایر به عنوان مراکز فعال اجتماعی - اقتصادی درآیند. هرچند در ابتدا، هدف از همه برنامه‌ریزیها، توزیع عادلانه منابع و درآمد در سکونتگاه‌های انسانی و پراکندگی متعادل جمعیت مورد نظر بوده است اما بی‌اعتنائی نسبت به نظام روستائی و مسائل مربوط به کشاورزی، توفیق در این اهداف را با ناکامی روبرو ساخته و تشدید جریانات مهاجرتی را سبب گشته است.

با همه نارسائیها که در برنامه‌ریزی نظام سکونتگاهی در الجزایر دیده می‌شود این کشور در ۲۰ سال گذشته، بارها کردن نظام گذشته، انتخاب نظام جدید به همراه سنتها و ریشه‌های فرهنگی عرب، اجرای سیاست عدم تمرکز، نظام سکونتگاهی استعماری را به یک نظام پویا و امیدوار کننده تغییر نقش داده است. از نظرگاه اکولوژیکی تنها نقاط ضعف سیاست سکونتگاهی الجزایر، عدم ارتباط میان برنامه‌ریزی اقتصادی و برنامه‌ریزی فیزیکی بوده است که اعتباریابی فوق‌العاده زیاد صنعتی و اداری شهرها این عدم هماهنگی را سبب گشته است.

انقلاب چین و شهرها:

در سال ۱۹۴۹، در حدود ۱۰٪ مردم چین یعنی ۵۸ میلیون نفر در شهرها زندگی می‌کردند. این جمعیت در سال ۱۹۵۷ از مرز ۱۰۰ میلیون نفر گذشت و ۱۵/۴٪ جمعیت چین را تشکیل داد. برابر آمارهای اخیر، در سال ۱۹۸۱، ۱۸۰ میلیون نفر از مردم چین در شهرها زندگی می‌کنند که تقریباً ۱۹٪ کل جمعیت چین می‌باشد نسبتی که در مقیاس جهانی در مرتبه پائین‌تری قرار می‌گیرد. بدینسان کشور چین هنوز یک جامعه روستائی محسوب می‌شود.^{۱۹}

برابر سرشماری ۱۹۸۲، در چین، ۲۰۶/۶ میلیون نفر در شهرها زندگی می‌کنند. رژیم چین در ابتدا، از طریق انقلاب دهقانی بقدرت رسید و تجربیات و نظریات این جریان در مورد شهرها، بعدها به وسیله کوبائتها و کامبوجها بکار گرفته شد. در مورد ساخت اکولوژیکی شهرهای چین و برنامه‌ریزی شهری اطلاعات محدودی در دسترس است. با وجود این می‌توان با تأکید روی سه موضوع زیر تاحدودی سیاست شهری چین را بازشناخت و آن را با استراتژی توسعه پیوند داد:

19. Hugh Stretton. Urban Planning in rich and poor countries. Oxford University Press. 1978. p. 131.

۱- ساختمان سازمانهای اداری و حکومتی شهر.

۲- اصول اجتماعی - اقتصادی حاکم به عنوان راهنما در مطالعه توسعه شهری.

۳- اثرات رژیم چین در ساخت سلسله مراتب شهری.

کشور چین به ۲۱ استان - ایالت تقسیم می شود. هر یک از این ایالات به بخشهایی تقسیم می گردد که بین ۷۵۰/۰۰۰ - ۵۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارند. در سلسله مراتب شهری، بعد از بخشها، کمونها قرار می گیرند و بعد از آن تپ یا تشکیلات تولیدی دیده می شود. سه شهر عمده چین، از نظر اهمیت در ردیف ایالات قرار دارد و مستقیماً در برابر دولت چین مسئول است. سایر شهرهای بزرگ و بخشها در برابر سازمانهای ایالتی پاسخگو می باشند. شهرهای بسیار کوچک در داخل کمونها جای گرفته اند.

یک شهر بزرگ ممکن است از چهار سطح اداری برخوردار باشد: شهر، بخش، محله، منطقه واحدهای مسکونی شهر. در حوزه اداری یک محله ۸۰/۰۰۰ - ۷۰/۰۰۰ نفر زندگی می کنند. کوچکترین واحد، کمیته محلی یا کمیته خیابان می باشد که دارای چند هزار نفر جمعیت است. پیوند تقسیمات داخلی کشور براساس طرز تفکر زیر استوار است:

۱- تعیین خط و سیاست عمومی مربوط به دولت مرکزی است.

۲- میان ایالت، شهر و محله ارتباط داخلی و منطقی برقرار است.

۳- مشورت و تماس از سطوح پائین به بالا و بالا به پائین همواره پابرجاست.

هرچند که تصمیمات به صورت دستوری است اما شرکت سطوح مختلف اداری در امر برنامه ریزی و خودگردانی و ابتکارات محلی دائماً تقویت می شود و همه سطوح دولتی بررسی، دریافت و حرکتهای خود را توأم با هم در جهت مطلوب ساختن زندگی مردم انجام می دهند. بدینسان بحث و گفتگوی دایمی میان سطوح پائین و بالای دولتی همواره در جریان است.

در برنامه ریزی شهری در چین، آموزشهای برنامه ریزی بیشتر بر محور مهندس فنی و معماری تکیه دارد و سیاست توسعه شهری براساس سرمایه گذاری ها و تولیدی تنظیم می گردد. از این رو کار اقتصاددانان از اعتبار بالایی برخوردار است و در ردیف اول اهمیت قرار می گیرد. زمانی که برنامه ریزان اقتصادی تصمیم به ایجاد کارخانه ای می گیرند محل کارخانه نیز در حوزه شهر تعیین می شود. سرمایه گذاری تنها کارخانه را در برنمی گیرد بلکه بخشی از آن نیز به همراه ساختمان کارخانه، به سرمایه گذاری در ساختمان واحدهای مسکونی و ایجاد محلات جدید برای خانواده های کارگری و کارکنان کارخانه ها اختصاص

می یابد. از نظر محلی، برنامه ریزی اقتصادی، شکل توسعه شهری را تعیین می کند.

برنامه ریزان انگلیسی که در سال ۱۹۷۴ از شهرهای چین دیدن کرده اند با بررسی در امر برنامه ریزی و توسعه شهری چنین گزارش می دهند: «یک کمیته محله ای در شهر شانگهای که در فکر تخریب یک حوزه زاغه نشین و ایجاد بلوکهای ساختمانی برای زاغه نشینان بود ابتدا طرح را به کمیته حزبی محل تسلیم کرد و سپس تأیید مسئولین اداره شهر تقاضا شد و بعد از همه اصلاحات با کمیته محلی مشورت گردید. بعد از پایان تصویب طرح، از اداره صنایع شهری خواسته شد که منابع لازم را تهیه کند. از اداره - نه سازی شهر نیز تأیید گرفته شد و در آخر اداره برنامه ریزی شهری با در نظر گرفتن استاندارد ۵۰۰ تراکم، ترافیک، تولید، اشتغال، آموشد و سایر ارتباطات داخلی، اجازه اجرای طرح را صادر کرد. ساختمان بلوکهای آپارتمانی زیر نظر مستقیم کارشناسان به سرعت آغاز گردید».

کاهش تراکم و نوسازی در بخش داخلی شهرهای قدیمی نیز با برنامه ریزی صحیح صورت می گیرد. مثلاً در بخش قدیمی شهر شانگهای در جهت کاهش تراکم از ۶۰۰ نفر به ۴۰۰ نفر در هر اکر ۲۰ همه کارخانجات و واحدهای تولیدی به حومه مادر شهر و یا شهرکهای دیگر انتقال یافتند.

در مرحله دوم، اجباراً همه کارگران و خانواده های آنان به محل جدید منتقل شدند. این جریان امتیازاتی از قبیل پاکسازی محیط زندگی شهری و نوسازی بخش قدیمی در پی داشت. هرچند که در ابتدا، دوری خانواده های انتقال یافته از دوستان و خویشان خود به آنها حالت افسرده ای بخشید. اما بخشهای خالی شده در محلات قدیمی با اجرای طرحهای لازم به فضاهای عمومی و مدارس اختصاص داده شد و تاحدودی شادابی به بخشهای قدیمی شهر بازگشت.

از نظر سلسله مراتب شهری و حجم شهرهای مختلف بهتر خواهد بود که تعداد شهرهای چین با پاره ای از کشورهای پرجمعیت جهان مقایسه شود بدانسان که در جدول نشان داده می شود: ۲۱

جدول شماره ۳ تعداد شهرهای ۱۰۰/۰۰۰ نفری و بیشتر در چین و

کشورهای پرجمعیت

کشور	تعداد شهرها	سال
امریکا	۲۴۶	۱۹۷۰
شوروی	۲۳۳	۱۹۷۲
هند	۱۶۱	۱۹۷۱
ژاپن	۱۶۰	۱۹۷۱
چین	۱۳۰	۱۹۷۲

جمعیت شهری چین در یک دوره ۳۰ ساله بیش از دو برابر گشت. وابستگی شدید شهر و حوزه‌های روستائی به وسیله تولیدات کشاورزی که حاصل رسوخ تکنولوژی از مراکز شهری به حوزه‌های روستائی است صورت پذیرفته است. در واقع شهر جهت خدمت به روستاها و بخش کشاورزی تجهیز شده و صنعتی گشته است.

در چین، ۷۸ شهرداری زیر نظر ایالات یا نواحی خود گردان با حوزه سرپرستی وجود دارد. علاوه بر این، در حدود ۱۰۰ شهرداری نیز در سطوح پائین قرار دارند. مجموع سه رده شهرداری در سال ۱۹۷۵، شامل ۱۸۱ واحد شهری بوده است که استخوان بندی نظام شهری چین را تشکیل می دهد. در همان حال به عنوان «قطبهای توسعه» کشور چین بشمار می آیند. همه این شهرداریها، از مراکز مهم صنایع برای نواحی خود محسوب می گردند. وجود حوزه‌های روستائی در قلمرو شهرداریها، سبب رساندن تولیدات کشاورزی با فاصله کوتاه به مراکز مصرف و باعث بوجود آمدن صنایع سبک و اساسی مورد نیاز در داخل حوزه شهرداریها بوده است. در اغلب این شهرها، تراکتور دستی، وسایل ماشینی ساده، موتورهای الکتریکی و ماشینهای مربوط به مزارع تولید می گردد. در ۱۰۰ شهر چین که در مقایسه با ۸۱ شهر دیگر، در سطح پائین اداری قرار دارد تولیدات، بیشتر روی کالاهای مصرفی روستاها تکیه دارد و فعالیتهای صنعتی روی (پنج صنعت) متمرکز شده است که عبارتند از صنایع مربوط به انرژی، سیمان، ماشینهای ساده کشاورزی، کود شیمیائی و آهن. بی جهت نیست که میان سالهای ۷۲-۱۹۵۳، گروه شهرهای ۱۰۰/۰۰۰-۵۰/۰۰۰ نفری با بیشترین رشد خود از ۷۱ شهر به ۱۰۵ شهر افزایش یافت و شهرهای ۵۰۰/۰۰۰-۱۰۰/۰۰۰ نفری از ۷۱ شهر به ۹۱ شهر بالغ گشت^{۲۲}. بخش صنایع سبک در شهرهای کم جمعیت و یا شهرهایی با جمعیت متوسط

22. Sen-Dou chang. «The changing system of chinese cities» Annals, p. 414.

متمرکز و گسترش فوق العاده یافته و سرمایه گذاری بیشتری در این زمینه صورت گرفته است. در اغلب شهرهای ۱۰۰/۰۰۰ نفری که بعد از سال ۱۹۵۸، به سبب توسعه محدوده آنها، بر تعداد این قبیل شهرها اضافه شده است میان ۳۰٪-۲۴٪ جمعیت محدوده شهرداریها در فعالیتهای کشاورزی جذب شده اند. از طرفی از خصیصه های مهم توسعه شهری چین، افزایش سریع جمعیت پایتختهای ایالتی در سراسر کشور می باشد چنانکه میان سالهای ۷۰-۱۹۵۳، ده پایتخت از ۲۴ پایتخت ایالتی و خود گردان، جمعیت خود را در یک دوره ۱۷ ساله به دو برابر افزایش دادند. در همان مدت، جمعیت پنج پایتخت سه برابر گشت، در سال ۱۹۷۵، چین دارای سه شهرداری مستقل و خود گردان بود (پکن، شانگهای، تین تسین) این سه شهرداری در حوزه قضائی دولت مرکزی در پکن قرار داشت و در سلسله مراتب شهری نظیر ایالات چین می نمود. این سه شهرداری مستقل به عنوان مرکز بزرگترین سرمایه گذاری، کانون تکنولوژی جدید، منابع مالی، نیروی کار ماهر و درآمد اضافی جهت سرمایه گذاری در سایر بخشهای چین بشمار می آیند.

شهرداریهای بزرگ سایر استانهای چین، حوزه‌های روستائی را در داخل قلمرو خود گرفته اند و شاید این جریان، به حداقل رساندن اختلاف میان شهر و روستا، کاهش فاصله میان صنعت و کشاورزی، تقلیل توسعه و عدم توسعه میان بخشهای داخلی چین کمک کرده باشد.

جدول شماره ۴، توسعه شهری چین میان سالهای ۷۲-۱۹۵۳

تعداد شهرها		میزان جمعیت
۱۹۷۲	۱۹۵۳	
۲	۱	بیش از ۵/۰۰۰/۰۰۰ نفر
۱	۱	۵/۰۰۰/۰۰۰-۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر
۴	۲	۳/۰۰۰/۰۰۰-۲/۰۰۰/۰۰۰
۱۴	۵	۲/۰۰۰/۰۰۰-۱/۰۰۰/۰۰۰
۲۲	۱۶	۱/۰۰۰/۰۰۰-۵۰۰/۰۰۰
۹۱	۷۷	۵۰۰/۰۰۰-۱۰۰/۰۰۰
۱۰۵	۷۱	۱۰۰/۰۰۰-۵۰/۰۰۰
۹۴۰	—	۵۰/۰۰۰-۱۰/۰۰۰

بسیاری از خط ایدئولوژیکی و تجربیات رهبران چین در زمینه سیاست ضدشهرگرایی، پراکندگی شهر، عدم تمرکز و خودکفائی ایالتی و محلی توأم بکار گرفته شده است. رهبران و برنامه‌ریزان چین پس از انقلاب، دو نوع شهر در جامعه چین تشخیص می‌دادند که هر دو از شهرهای انگلی بشمار می‌آمدند:

۱- شهرهای قدیمی و باستانی چین در بخشهای داخلی کشور که در آنها فنودالها و زمین‌داران اقامت داشتند این قبیل شهرها، تولیدات اضافی روستاها و بخشهای اطراف را مصرف می‌کردند.

۲- شهرهای تجاری ساحلی، یادگار استعمار طولانی غرب که درآمدشان در راههای هرزگی و خوش‌گذرانی خرج می‌شد. در این قبیل شهرها حتی انسان نیز مثل کالا خرید و فروش می‌گشت. چنانکه در شهر بزرگ شانگهای به سال ۱۹۳۷، در حدود ۴۰/۰۰۰ روسپی به بازرگانان فروخته شده بود.

هدف دکنترین رهبران چین این بود که هم شهرهای فنودالی و هم شهرهای استعمارزده چینی را که در ردیف شهرهای انگلی و مصرف‌کننده بودند به شهرهای تولیدی تغییر نقش دهند. از طرفی زندگی مردم در جامعه شهری نیز با نابرابریهای همراه بود. از این رو حکومت چین روی سه موضوع تأکید بسیار می‌کرد: ۲۳

۱- از میان بردن نابرابری در صنعت و کشاورزی.

۲- از میان بردن نابرابری میان زندگی شهری و روستائی.

۳- نابرابری در کار دستی و کار فکری.

در سال ۱۹۵۲، اولین برنامه پنجساله چین تهیه شد و در آن باز هم روی صنایع سنگین تأکید شده بود. البته این وضع، نه تنها نابرابریهای موجود را در سه بخش ذکر شده کاهش نمی‌داد بلکه به وسعت نابرابریها نیز می‌افزود. از این رو از سال ۱۹۵۵ به بعد، ضمن توسعه صنایع سنگین، به صورت منطقی صنایع سبک نیز به توسعه و فعالیت لازم دست می‌یابد که اغلب در واحدهای کوچک و براساس شرایط محلی و بیشتر در شهرهای کوچک و یا در کمونهای روستائی متمرکز می‌گردد.

در سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۷-۱۹۶۱-۱۹۶۶-۷۳-۱۹۷۱ و ۱۹۷۶ تغییرات عمده در جهت‌گیریهای توسعه ملی صورت می‌گیرد و این امر بیشتر نتیجه دسته‌بندیهای گروه چپ و گروه راست در داخل حزب بود. گروه انقلابی خواهان دگرگونی اجتماعی بود و بعد به

23. Hug Stretton, Urban planning in rich and poor countries, Oxford University Press, 1978, p. 135.

توسعه مادی می‌اندیشید. این گروه از پیدایش طبقه جدید حکومتی در شهرها در ردیف مأمورین عالی‌رتبه سابق به شدت در هراس بود. از این رو توسعه شهری را در حداقل ممکن قبول داشت و آن را تنها در برطرف کردن نیازهای روستائی جایز می‌شمارد. به سخن ساده، نقش شهر را در خدمت روستاها و کشاورزی چین پذیرا بود. گروه انقلابی خواهان ادامه انقلاب از سطوح بالا و پائین بود. بدینسان که کادرهای بالا، متخصصین، دانشجویان و سایرین لازم بود به وسیله حکومت قهری، جهت کار به کمونها منتقل شوند. در همان حال، توده مردم نیز از سطوح پائین کوشش خود را در جهت توسعه صنایع محلی و جلوگیری از ظهور بوروکراسی محلی بکار گیرند.

پاره‌ای از تصمیمات، شتاب‌زده بود و تأثیرات منفی، پیریشانی و کمبود تولید بدنبال داشت. از سال ۱۹۵۵، تحت شعار «راه یفتس با دو پا» توسعه صنایع سنگین را به همراه کوشش در توسعه صنایع سبک-کوچک و غالباً محلی بکار گرفت و تکنولوژی جدید با تکنولوژی سنتی چین سازش داده شد.

نظریه «جهش بزرگ به جلو» هرچند که بانارسائیهای بسیاری همراه بود اما تجربیاتی نیز از نظر ظرفیت، وسعت واحدهای تولیدی و سطح مسئولیت در همه شاخه‌های تولیدی در پی داشت. برنامه‌ریزان ناحیه‌ای، تلاش خود را در جهت جلوگیری از توسعه شهرهای بزرگ آغاز کردند. از این تاریخ به بعد، در کشور فقیر چین، با وجود نواقص آماری، توسعه شامل واحدهای کوچک تولیدی بود. اغلب واحدهای تولیدی به شهرهای کوچک و حوزه‌های روستائی انتقال یافت و در اختیار سازمانهای دولتی سطح پائین قرار گرفت. ابتکارات و خلاقیت محلی، وابستگی میان نیازهای محلی و منابع موجود، در این واحدهای تولیدی مورد تأکید بود. در نتیجه سطح اشتغال بیشتری بوجود آمد و انتخاب مشاغل گوناگون برای اعضای خانواده‌ها امکان‌پذیر گردید.

در اواخر دهه ۱۹۷۰، نسبت جمعیت شهری چین به ۲۰٪ رسید. در این دهه رشد بسیاری از شهرهای بزرگ متوقف شد. و شانگهای بخشی از جمعیت خود را از دست داد. در دهه ۱۹۷۰، اغلب کمونهای روستائی، یا بیشتر از نیروی کار خود را در صنایع جای دادند. گفته می‌شود از این طریق بیش از نصف سیمان و کود شیمیائی چین تأمین گردیده است. ۲۴

24. Hug Stretton, Urban planning in rich and poor countries, Oxford University Press, 1978, p. 138.

در شهرهای چین، اغلب واحدهای مسکونی، به صورت بلوکهای آپارتمانی ساخته شده است. منطقه واحدهای مسکونی اغلب سنگفرش و یا آسفالت شده و خیابانهای آن با درختان یا پارکهای کوچک محله‌ای پوشیده گشته است. طبقات ساختمانها به ۲ تا ۵ طبقه محدود شده است. با وجود محدودیت فضا، رضایت از وضع موجود میان خانواده‌ها دیده می‌شود. در دهه ۱۹۷۰، استانداردهای مربوط به فضای واحدهای مسکونی به طور سرانه به بیش از ۶ مترمربع افزایش یافت. هرچند که آپارتمانها جهت زندگی یک خانواده ساخته شده است اما در اغلب آنها فعلاً دو خانواده اقامت دارند. این قبیل خانواده‌ها آشپزخانه و توالت مشترک دارند و از حمام عمومی و تلفن عمومی استفاده می‌کنند. یخچال میان خانواده‌ها به ندرت دیده می‌شود و خانواده‌ها اغلب مایحتاج و مواد غذایی خود را به طور روزانه تهیه می‌کنند و در پخت و پز بنا به شرایط ناحیه‌ای از گاز، نفت و زغال استفاده می‌شود. جایی که گرما مورد نیاز باشد دستگاه حرارت مرکزی تعبیه شده است. وسایل خوراکی‌پزی، اثاثیه منزل، لباس و سایر وسایل شخصی بسیار ساده است. اغلب خانواده‌ها یک رادیو و یک دوچرخه در اختیار دارند. در صورت اشتغال بیشتر اعضای خانواده ممکن است از وسایل مذکور بیش از یکی در اختیار خانواده‌ها قرار بگیرد.

در شهرهای چین، اجاره خانه معمولاً میان ۶٪ تا ۱۰٪ درآمد تعیین شده است. در روستاها اغلب خانواده‌ها مالک مسکن خود می‌باشند اما در شهرها از هر پنج یا ده خانوار یکی مالک خانه خود است. خانه‌های جدید روستائی چین پروسعت‌تر از خانه‌های شهری است و معمولاً دارای یک فضای آزاد کوچک، چند اتاق برای انبار کردن محصول و یکی دو حیوان مفید می‌باشد.

در شهرهای چین، هریک از بلوکهای آپارتمانی، دارای فضای بازی مخصوص کودکان با میزهای پینگ‌پونگ و سایر وسایل تفریحی و ورزشی است. در هر بخش از منطقه واحدهای مسکونی، یک مرکز بهداشتی-درمانی و مخصوصاً تنظیم خانواده تأسیس شده است. در این بخشها یک مرکز ورزشی، کودکان، مدرسه ابتدائی، سالنهای غذاخوری، مغازه‌های فروش مواد غذایی دیده می‌شود. در داخل هر محله شهری برخی از مؤسسات اقتصادی فعالیت می‌کنند که علاوه بر رفع نیازهای ساکنین محله و بخش، قادرند تولیدات خود را که از انواع بافتنی، اسباب‌بازی کودکان، کفش، لباس، محصولات چرمی، دکمه، وسایل الکتریکی تشکیل می‌شود به سایر نقاط نیز بفرستند.

هر فرد اسم از زن و مرد که طالب کار باشد می‌تواند در همان محله مسکونی خود

شغلی بدست آورد. کمیته‌های محلی که در محلات تشکیل شده است علاوه بر وظایف رسمی و عرضه خدمات لازم، نیازمندیهای والدین، سالمندان و افراد مریض را نیز برطرف می‌کنند. گاهی نیز مسائل مربوط به ایمنی، امنیتی و حتی وظایف پلیس را عهده‌دار می‌شوند.

در دهه ۱۹۷۰، در شهرهای بزرگ، مسائلی از قبیل فاضل آب شهر، خطوط اتوبوس‌رانی و مترو مورد توجه قرار می‌گیرد. اما بیش از بهبود کار به خودکفائی بیشتر تکیه می‌شود. کمربندهای سبز درخت کاری می‌گردد، در اغلب شهرها، سبزیهای مورد نیاز مردم شهر در داخل شهر تهیه می‌شود. مقدار زیادی از غلات و سایر مواد غذایی نیز در شهرها بعمل می‌آید. با همه این فعالیتها، توسعه شهری به آرامی جریان می‌یابد. در دهه ۱۹۷۰، پاره‌ای از طرحهای جسرانه به سبب عدم توجه به ابعاد و مشکلات آن یا به علل سیاسی و طبیعی با شکست روبرو می‌شود. در این دهه طرح عمران بخش زاغه‌های قدیمی شهرها به اجرا درمی‌آید و با ساختمان بلوکهای ده طبقه و بیشتر، تراکم جمعیت در واحد سطح بالا می‌رود و بخشی از زمینها با تخریب زاغه‌ها آزاد می‌گردد و جهت مصرف در اختیار سایر سازمانهای شهری قرار می‌گیرد. با این حال، هنوز هم در برخی از شهرها بخش زاغه‌نشین با کوچه‌ها و خیابانهای بدون آسفالت و یا آب لوله کشی وجود دارد.

در سال ۱۹۷۰، یک زن و شوهر همانند بیشترین زوجهای شهری (کارگران) با شش روز کار در هفته، مجموعاً ۱۲۵ تومان در ماه درآمد داشتند و بیشترین سهم درآمد به هزینه غذایی زن و شوهر و کودکان اختصاص داشت. برخی از خانواده‌ها نیز مقداری از درآمد خود را به والدین خود در روستاها می‌فرستند که نیاز به پول دارند. حقوق دوران بازنشستگی $\frac{3}{4}$ حقوق زمان کار است. گاهی بخش ناچیزی از درآمدها پس انداز می‌شود و از این طریق لوازم جدید منزل خریداری می‌گردد. مواد غذایی با کوبن تعیین می‌شود و در ماه ۳۰ پاکت سیگار به مصرف کنندگان داده می‌شود. فروشگاههایی که در حوزه‌های منطقه مسکونی دایر شده‌اند کالاهای محدود جهت فروش عرضه می‌کنند اما در بخش مرکزی شهرها انواع و اقسام کالاهای مورد نیاز بفروش می‌رسد و مرکز شهرها هنوز هم آن اعتبار گذشته خود را دارا می‌باشد. در اغلب شهرهای چین، شهروندان قدیمی به خانه‌های جدید و نوساز انتقال یافته‌اند. اکثریت آنها به خدمات عمومی دسترسی داشته و به آینده کار خود و تأمین اجتماعی اطمینان دارند.^{۲۵}

25. Hugh Stretton. Urban planning in rich and poor countries. Oxford University Press. 1978. pp. 139-140.

چین، استراتژی توسعه خود را با یک اقتصاد دوگانه (تکنولوژی میانی و تکنولوژی جدید) در صنایع سنگین و بخش کشاورزی آغاز کرده است. این سیاست اقتصادی که به نام (راه رفتن با دو پا) معروف می باشد پیدایش دو سیستم شهری را در سراسر کشور چین سبب گشته است. این سیاست اقتصادی امتیازاتی به شرح زیر بدنبال داشته است:

سیستم دوگانه شهری، کشاورزی را با صنعت و تکنولوژی جدید را با تکنولوژی سنتی چین پیوند داده است. از این رو توسعه شهری چین نسبت به جمعیت آن به آرامی صورت می گیرد. توسعه شهرهای بسیار بزرگ محدود شده و شهرهای کمتر از ۵۰/۰۰۰ نفری به سرعت توسعه می یابند. حمایت از توسعه صنایع جدید با نگهداری و حراست از تکنولوژی سنتی که با سادگی و عدم پیچیدگی و استفاده حداکثر از کارگر همراه است از نظر سطح اشتغال در واحدهای تولیدی بسیار مؤثر بوده است. از طرفی توسعه بخش کشاورزی با هدفهای توسعه صنایع محلی در شهرهای کوچک، سبب رهایی بخش کشاورزی از تنگناها در مراحل مختلف توسعه بوده است. حدس می زنند که چین برای مدت طولانی یک کشور کشاورزی باقی خواهد ماند. به طور کلی آنچه که در زمینه استراتژی توسعه در رابطه با سیاست توسعه شهری در چین تأکید شده است به این شرح می باشد:

- ۱- شهرهای اداری سابق، در شبکه سلسله مراتب شهری، در نقش مراکز تولیدات صنعتی محلی به خدمت کشاورزی درآمده اند.
- ۲- بخش کشاورزی به عنوان اساس و زیربنای توسعه شناخته شده است.
- ۳- در جهت توسعه، مدل عدم تمرکز میان سایر مدل‌های برنامه ریزی انتخاب شده است.

۴- حوزه‌های روستائی با استفاده از تکنولوژی جدید، تکنولوژی سنتی و همه منابع تولیدی به ویژه نیروی کار دهقانی به راه توسعه افتاده اند.

۵- صنعتی کردن حوزه‌های روستائی و فعالیت سیاسی روستائیان بیش از مسأله مهاجرت و شهرنشینی مورد توجه بوده است.

۶- به جای تراکم و تخصص صنعتی که اختصاص به شهرها و نواحی معینی داشت سعی شده است که صنایع در سراسر کشور توسعه یابد. از این رو، شهرهای کوچک و شهرهای متوسط چین به همراه حوزه‌های روستائی اطراف آنها به راه توسعه افتاده اند و شهرهای بزرگ باستانی چین در سواحل که توسعه آنها یادگار دوره استعمار بود کمتر مورد توجه بوده است.

بدینسان محور توسعه صنعتی چین از نوار ساحلی با جمعیت انبوه که عملاً همه ظرفیت

تولیدی چین را در اختیار داشت به سراسر کشور گسترش یافته است.

۷- در این مدت شهرهای بزرگ چین نظیر شانگهای به آرامی توسعه یافته اند. شانگهای، امروزه ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد که $\frac{1}{3}$ جمعیت فعال آن در بخش کشاورزی جذب شده است.^{۲۶}

۸- از انقلاب فرهنگی به بعد، چین به نقش شهرهای کوچک و شهرهای متوسط تأکید بسیار کرد و با بکارگیری تکنولوژی میانی، در عمران و توسعه حوزه‌های روستائی گامهای اساسی برداشت.

آپارتاید^{۲۷} و شهر:

بیش از ۳۰۰ سال است که جامعه آفریقای جنوبی، به وسیله اقلیتی از تبار اروپائیان اداره می شود. این اقلیت اروپائی، از نظر سیاسی و اقتصادی، جامعه آفریقای جنوبی را کاملاً در اختیار خود گرفته و توده‌های آفریقائی را در سرزمین خویش در حاشیه اقتصاد و سیاست جای داده است. اقلیت اروپائی، جامعه را از نظر رنگ پوست یا نژاد به یک جامعه نابرابر و بیرحم تقسیم کرده است. این مرزبندی، از تقسیم بندیهائی که معمولاً بر اساس پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می گیرد خشن تر عمل می کند. در اینجا طرز تفکر سال ۱۸۵۶ که می گفت هیچگونه برابری میان سفیدپوستان و سیاهان نه در کلیسا و نه در کشور وجود ندارد حاکمیت مطلق دارد. اغلب شهرهای آفریقای جنوبی در تصرف سفیدپوستان است و تنها تعداد معدودی از آفریقائیه‌ها که مدت طولانی در شهر کار کرده باشند و رضایت کامل سفیدپوستان را جلب کنند می توانند در شهر آن هم در بخشهای معین و از قبل تعیین شده در کنار سایر آفریقائیه‌ها زندگی کنند.

آپارتاید برای جلوگیری از مهاجرت آفریقائیه‌ها به شدت عمل می کند. گاهی به سبب نیاز به نیروی کار، تنها به مردان اجازه مهاجرت به شهر داده می شود. مردان از زنان و فرزندان خود مدتها بدور می مانند و در اغلب اوقات زندگی خانوادگی آنها از هم پاشیده می شود. در شهرهای آفریقای جنوبی، بیشتر آفریقائیه‌ها در مرز فقیر بسر می برند. خانه‌هایشان از افراد زیادی پر شده است. گرما و نور به وسیله زغال سنگ یا نفت تامین می شود که در فصل زمستان تولید (دودمه)^{۲۸} می کند و محیط زندگی آفریقائیه‌ها به شدت آلوده می شود.

26. Enzo Mingione. Social Conflict and the city Basil Blackwell, Oxford, 1981. pp. 172-173.

27. Apartheid.

28. Smog.

محلات افریقائی نشین به وسیله مرزهای قابل اطمینان از محلات سفیدپوستان جدا می شود و جدائی مرزهای محله ای آنچنان عمل می کند که در مرزهای میان دو کشور صورت می گیرد. گاهی محلات افریقائیها در جهت ساختمان محلات سفیدپوستان تخریب می گردد و افریقائیها تا پیدا کردن محل جدید در رنج و سرگردانی بسر می برند.

درژوهانسبورگ واحدهای مسکونی سفیدپوستان میان باغها و فضاها سبز زیبا با استخرهای شنا و تجهیزات لازم ایجاد شده است.

آپارتاید سیاست جلوگیری از مهاجرت افریقائیها به شهرها را دنبال می کند و چنین روشی سبب می شود که روزانه بیش از ۵۰۰،۰۰۰ افریقائی، در آلوده و روزانه، دو تا سه ساعت وقت تلف کنند تا بتوانند به محل کار و یا منزل خود برسند.^{۲۹}

ساخت اکولوژیکی شهرهای اروپائی:

غالباً بخش مرکزی همه شهرهای بزرگ اروپا، یادگاری از دوره قرون وسطی و یا دوره رنسانس می باشند که امروزه ترکیبی از سنتهای شهری دوره های تاریخی را با شهرسازی جدید نمایان می سازند. خیابانها و بولوارها، دیوارهای قدیمی شهرها را دور میزنند. دروازه های قدیمی شهرها نیز در این بخش قرار دارد. آثار محدودی از دیوارهای قدیمی شهرهای اروپائی، هنوز قابل مشاهده است.

در داخل بخش مرکزی شهرها که یادگار قرون وسطی است معمولاً تعدادی از ساختمانهای معروف دیده می شود. کلیساهای قرون وسطی که از مرتفع ترین ساختمانهای شهری بشمار می آمدند هنوز هم به بخش مرکزی شهرهای اروپا عظمت و شکوه می بخشند. هزینه ساختمان کلیساهای فوق العاده سنگین بوده است و جهت نگهداری و تعمیر آنها در طول قرنهای، هزینه های هنگفتی خرج شده است. گذشت زمان نیز، بر هزینه نگهداری و تعمیر کلیساهای قرون وسطی می افزاید. امروزه کلیساهای معروف قرون وسطی در بخش مرکزی شهرهای اروپائی از مهمترین جاذبه های توریستی بشمار می روند. کلیسای نتردام در پاریس، سن مارکو^{۳۰} در ونیز، سن استفان^{۳۱} در وین از آن جمله است.

در بخش مرکزی شهرهای اروپائی، معمولاً قصر بزرگ امپراطوران قرار دارد. لوور^{۳۲} در پاریس که اکنون به صورت موزه مشهور درآمده، هوفبورگ^{۳۳} در وین، کاخ کرملین مسکو

29. T.D. Fair. «The Contained City». The Geographical magazine, May 1978, pp. 523-524.

30. San Marco.

31. St. Stephan.

32. Loure.

33. Hofburg.

نمونه های روشن آن است. البته خانواده های امپراطوران، در دوره رنسانس کاخهای زیادی نیز در حومه شهرها بزرگ بنا کرده اند چنانکه کاخ ورسای مکمل قصر لوور در پاریس بود و خاندان هابسبورگ در اتریش کاخ شونبرون^{۳۴} را در بیرون از مرزهای شهر وین ساختمان کرده اند.

بخش مرکزی شهرهای اروپائی، از دوره های تاریخی، به عنوان بخش بازار، فعالیت گسترده ای داشت که در جلو کلیساهای شلوغترین بازارها تشکیل می شد. هم اکنون نیز در بسیاری از شهرهای اروپائی بازار روز مثل ۵۰۰ سال قبل در همان محلی تشکیل میشود که امروزه شرکتهای بزرگ و بازرگانان ثروتمند فعالیت می کنند جایی که امروزه زارعین اروپائی تولیدات خود را می فروشند. معمولاً در مجاورت بازار، عمارت شهرداری قرار دارد که زمانی مقر حکومتی و مرکز خودگردانی ایالتی بود. در بخش مرکزی پاره ای از شهرها، مثل شهرهای بلژیک، هنوز هم اطاقهای اصناف نظیر دوره قرون وسطی، بخشی از اقتصاد شهری را بخود اختصاص داده اند.^{۳۵}

از دوره قرون وسطی، بخش مرکزی شهرهای اروپائی، همواره چند نقش شهری را با هم و توأم بعهده گرفته اند امروزه نیز چنین است: بخش مرکزی شهر، کانون اصلی خرده فروشی است. محل اقامت طبقات گوناگون است و مرکز مهم کارگاههای صنایع دستی بشمار می رود. بی جهت نیست که در سراسر شهرهای اروپائی، شناخت کامل منطقه واحدهای مسکونی، صنعتی و تجارتی تا حدودی مشکل می باشد زیرا این نقشهای شهری به میزان زیادی درهم ادغام شده اند. از دوره های تاریخی، بخش مرکزی شهرهای اروپائی همواره دارای نقشهای مسکونی، تجاری و صنعتی بوده است.

در اطراف بخش مرکزی شهرهای اروپائی، حومه های قبل از توسعه صنعتی شهر قرار دارد که در زمان ما، اغلب این حومه های قدیمی دارای ایستگاه راه آهن می باشند. ایستگاههای راه آهن به سبب وجود مکانهای مقدس و مهم در بخش مرکزی شهرها، از ورود به این بخش خودداری کرده اند. بعد از انقلاب صنعتی، منطقه واحدهای مسکونی کارگران و برخی کارخانه ها، میان سالهای ۱۹۰۰-۱۸۰۰، در بخش حومه های قدیم ایجاد گردید. بعدها پارکهای بزرگ، کمربند فضای سبز، واحدهای مسکونی گران قیمت در بیرون از شهرهای قدیمی ساختمان شد.

34. Schonbrun.

35. Terry. G. Jordan. The European Culture Area. Harper/Row. 1973. New York, p. 327. European Culture Area.



چهره عمومی شهرهای اروپای غربی

در بررسی ساخت اکولوژیکی شهرهای اروپائی مثل اغلب شهرهای دنیا، ترکیب جمعیت شهر و فرهنگ مردم، نحوه زندگی و اقتصاد شهری در همه جای شهر، یکدست و همسان نباشد. هر محله‌ای مشخصات اجتماعی خود را دارد. میان عوامل اکولوژیکی، مذهب در جدائی‌گزینی اکولوژیکی و تعیین مرزهای پردوام محله‌ای موثر افتاده است. بسیاری از شهرهای اروپای قرون وسطی، دارای گتوهای یهودیان بود و پاره‌ای از خیابانها، هنوز هم به خیابان یهودیان معروف می‌باشد. در شهر بلغاست، عامل مذهب محلات کاتولیک نشین و پروتستان نشین را به شدت از هم جدا کرده است.

عامل دوم در جدائی‌گزینی اکولوژیکی، عامل زبان می‌باشد. در سوئیس، آلمان غربی، فرانسه، چکسلواکی و سایر کشورها عامل زبان به جدائی‌گزینی خانواده‌های شهری زمینه مساعدی بخشیده است. در برابر عامل مذهب و زبان، عامل نژادی و قومی به ندرت جدائی‌گزینی اکولوژیکی را موجب گشته است. تنها در شهرهای انگلیسی، بخشی از مردم کشورهای مشترک المنافع به ویژه از هند و پاکستان، به یک جدائی‌گزینی ضعیف تن در داده‌اند.

امروزه، اساسی‌ترین عامل در جدائی‌گزینی اکولوژیکی در شهرهای اروپائی، عامل پایگاه طبقاتی خانواده‌هاست که با معیارهای شغلی و میزان درآمد تعیین می‌شود. تا آنجا که پایگاه شغلی خانواده‌ها به خیابانها نیز اطلاق می‌شود: خیابان کارگران چرمسازی، خیابان رنگرزان و خیابان سراجان از آن جمله است. چنین نامهایی، بیانگر محل کار صنعتگران اروپائی است اما در همان حال نشانگر محل زندگی آنها نیز می‌باشد. در دوره قرون وسطی، در پاره‌ای از شهرها مثل لوبک^{۳۶}، بازرگانان در طرف غرب خیابان و صنعتگران در سمت شرق خیابان زندگی می‌کردند. امروزه نیز، در شهرهای اروپائی مثل لیور پول (انگلستان) مدیران، کارفرمایان کوچک، مغازه‌داران، صاحبان مشاغل تخصصی با فاصله بسیار زیادی از بخش مرکزی شهر زندگی می‌کنند و کارگران نیمه‌ماهر و غیرماهر در بخش مرکزی شهر لیور پول اقامت دارند. قبل از عمومیت‌یابی حمل و نقل عمومی در شهرها، بخش مرکزی شهرها در اختیار خانواده‌های ثروتمند شهری بود و بعد از ورود اتوبیل به شهر، طبقه اول و دوم جامعه شهری، اقامت در حومه‌ها را بر زندگی در مرکز شهر ترجیح می‌دادند اما عده‌ای از خانواده‌های طبقه اول و دوم، هنوز هم در مرکز شهر زندگی می‌کنند^{۳۷}.

به طور کلی مشخصات اکولوژیکی شهرهای اروپائی را که از عوامل تاریخی،

36. Lubeck.

37. Terry G. Jordan. The European Culture Area, Harper, Row, New York, 1973, P. 329.

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منشاء می‌گیرد می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ — عامل تاریخی: شهرهای اروپائی آثاری از دوره رومیها، دوره ترون وسطی دوره رنسانس و دوره جدید در چهره و بافت شهری منعکس می‌سازند.

۲ — عامل اقتصادی: در کشورهای اروپائی زمین محدود است و در اغلب شهرهای اروپائی زمین کمیاب می‌نماید. از این رو به سبب آپارتمان‌نشینی تراکم متوسط جمعیت بسیار زیاد است. زمینهای اطراف شهرها به شدت در تولیدات کشاورزی بکار گرفته می‌شود تا کشورهای اروپائی را از نظر وابستگی به واردات غذایی نجات دهد. در اغلب کشورهای اروپائی حد متوسط تراکم جمعیت، حداقل سه یا چهار برابر امریکا و در هلند ۱۶ برابر امریکاست. در همان حال، کشورهای اروپائی با علاقمندی، حوزه‌های جنگلی اطراف شهرها را حفاظت می‌کنند و آن را به گذران اوقات فراغت مردم شهری و روستائی اختصاص می‌دهند. نتیجه چنین سیاستی سبب شده است که در حوزه‌های شهری یک نوع فشردگی و تراکم بوجود آید و مرزهای شهر و روستا به سختی محافظت شود کاری که برنامه‌ریزان شهری صمیمانه بدان اعتقاد دارند. محدودیت زمین، تراکم زیاد جمعیت و کنترل مرزهای شهر و روستا، موجب گرانی قیمت زمین در اغلب شهرهای اروپائی شده است. یادآور می‌شویم که در بسیاری از نقاط اروپا، زارعین حتی در برابر پرداخت سه چهار برابر قیمت زمین، حاضر به فروش زمین آباء و اجدادی خود نیستند و وابستگی صادقاته‌ای به زمین خود دارند.

۳ — عامل سیاسی: در کشورهای اروپائی، سیاست دولتها، در جهت حراست از منافع شهروندان، در چهره و بافت شهرها موثر افتاده است. دولتها از طریق برنامه‌ریزی صحیح در سطوح محلی، شهری و ناحیه‌ای، بیشترین کنترل را در نحوه استفاده از زمینهای شهری اعمال می‌کنند و غالباً برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای در رابطه با هم پیاده می‌شود.

در شهرهای بزرگ اروپا، وجود پارکها و جنگلها در داخل یا اطراف شهرها به زیبایی و مطبوعیت زندگی شهری می‌افزاید. اغلب این پارکها، از دوره رنسانس و یا از دوره‌هایی است که فرمانروایان پرقدرت، جهت خود پایک و یا شکارگاه اختصاصی ایجاد می‌کردند. امروزه این قبیل پارکها و فضاهای زیبا به ملتهای اروپائی تعلق گرفته است.

سیاست دولتهای اروپائی بر این اساس قرار دارد که در شهرها به حمل و نقل عمومی اهمیت بیشتری داده شود. روی این اصل، آمد و شد اغلب ساکنین شهرها به اتوبوسها، ترامواها و متروهای شهری وابسته است. شبکه‌های حمل و نقل عمومی همه زوایای شهرها را می‌پوشاند. هدف این است که به هر قیمتی شده وسایل حمل و نقل عمومی در دسترس همه

ساکنین شهری قرار بگیرند حتی اگر در بیشتر ساعات خالی و یا با نصف ظرفیت حرکت کنند.

۴ — عامل فرهنگی: بسیاری از شهرهای اروپائی، شاید تنها کانون بزرگ فرهنگی ملت‌های اروپائی محسوب می‌شوند. این شهرها از نظر دانشگاهی، آموزشی، هنری، انواع تخصص‌ها امتیازات گسترده‌ای عرضه می‌دارند. این حالت فرهنگی، به شدت حالت ماندگار و دوست‌داشتنی به شهرهای اروپائی می‌بخشد^{۳۸}. بی‌جهت نیست که با گذشت قرن‌ها و ورود تکنولوژی جدید، شهرهای اروپائی هنوز هم آن شادابی و زیبایی خود را حفظ کرده‌اند.

اقتصاد امریکا و اکولوژی اجتماعی شهرها:

شهرهای امریکائی، قبل از استقلال، نقش چندان معتبری نداشتند. تنها پاره‌ای از آنها مادر شهر تجاری بودند. روشن است که در دوره رونق تجارت، بنادر امریکا، به عنوان کانون اصلی خطوط تجاری اعتبار یافت، مغازه‌ها و فروشگاه‌های بزرگ در بنادر استعمارزده بوجود آمد، هنرمندان و صنعتگران، جهت پاسخگویی به نیازهای مادی و فرهنگی بازرگانان و اولیای امور، زندگی در این بنادر را ترجیح دادند. اما کار صنعتگران محلی هنوز محدود بود. زیرا در آن زمان، شهرهای استعمارزده امریکائی، نقشهای محدود و کم‌اهمیتی داشتند. شهرها به سرعت توسعه نمی‌یافتند و جمعیت زیادی نیز نمی‌پذیرفتند. در دوره استعمار، سهم جمعیت شهرنشین تنها ۹٪ کل جمعیت بود (۱۶۹۰) و صد سال بعد این نسبت به ۵۱٪ کاهش یافت. اما به سبب حاکمیت تجارت در اقتصاد، شهرهای بندری به توسعه رسیدند و افزایش جمعیت پیدا کردند. بنادر به عنوان مرکز جذب و توزیع مجدد جمعیت در اطراف شهرها و سراسر منطقه به نقشهای تازه‌ای دست یافتند.

زمانی که بنادر امریکا به نقش تجاری دست می‌یابند و به عنوان مادر شهر تجاری همه فعالیت‌های بانکی، حسابرسی، پذیرائی، مبادله کالا، رونق صنایع کارخانه‌ای و توزیع کالا را در خود متمرکز می‌سازند به تدریج به بافت تازه‌ای می‌رسند. استعمار انگلیس در جهت کنترل مراکز تجاری، تنها در توسعه پاره‌ای از بنادر می‌کوشید و از توسعه سایر شهرها به سبب مشکلات کنترل جلوگیری می‌کرد. بنادر عمده‌ای که به عنوان مرکز اصلی حمل و نقل زیر کنترل دولت انگلیس به اهمیت رسیدند عبارت بودند از: نیویورک، بوسطن، فیلادلفیا و بالتیمور، نتیجه عملکرد سیاست استعماری انگلیس سبب می‌شود که در سال ۱۷۹۰، در حدود ۷۰٪ جمعیت شهرنشین امریکا در چهار بندر فوق اقامت کنند و مجموع جمعیت سایر شهرها در همان سال از ۵۰/۰۰۰ نفر تجاوز نکند.

38. Dean S. Rugg. Spatial Foundations of Urbanism Brown Company. Iowa. 1972. pp. 236-238.

بعد از استقلال امریکا، بازرگانان امریکائی، جانشین بازرگانان انگلیسی شدند و نقش تجاری بنادر را به اعتبار بیشتری رساندند. جمعیت شهری از ۲۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۷۹۰ به ۶/۰۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۸۶۰ افزایش یافت. بازرگانان امریکائی، در همان ۱۰ سال اول انقلاب با هم بر رقابت برخاستند و هر کسی جهت پیشرفت و حاکمیت خود، تفنگ خود را بکار انداخت. بازرگانان چهاربندر نیویورک، بوسطن، فیلادلفیا و بالتیمور در تلاش بودند که بازرگانی خارجی را زیر کنترل خود درآورند. در این راه بازرگانان نیویورکی با در دست گرفتن ۶۲٪ تجارت خارجی، این بندر را به عنوان اولین و بزرگترین مادر شهر تجاری امریکا نقش می‌دهند. در این دوره، نقش تجاری شهر به سایر نقشهای شهری حاکمیت داشت در نتیجه ساخت داخلی شهر کمتر تغییر می‌یافت زیرا بازرگانان مستقیماً در تولید شرکت نمی‌کردند.^{۳۹} اصولاً در شهرهای قبل از سرمایه‌داری بزرگ، حتی تجارت به سوی یک شیوه فراغت خاطر و آسودگی خیال کشیده می‌شود و پول تنها آرزوی افراد نمی‌باشد. زندگی روزمره به مانند مداری در اطراف مراکز بخش کالا به گونه‌ای، هرچه پیش آید، خوش آید، ادامه می‌یابد. در دوره نقش تجاری شهرها، در بنادر امریکا، سه گروه از مردم کاملاً تشخیص داده می‌شدند:

۱ — بازرگانان به همراه حقوق‌دانان و مستخدمین خود.

۲ — صنعتگران، کارگران روزمزد، کارگران ماهر.

۳ — کارگران بخش حمل و نقل، دریانوردان، صاحبان گاریها و چهارچرخه‌ها.

معلوم است که در دوره تجارت، شهرها به طور طبیعی در اطراف انبار کالاها، اسکله‌ها و دوروبر مراکز سیاسی — اقتصادی شهر توسعه می‌یافتند. در این دوره، اغلب مؤسسات و سازمانهای شهری کوچک می‌نمودند، افراد در همان محلی که زندگی می‌کردند بکار گرفته می‌شدند. زمینه‌های مختلف شغلی در بخش مرکزی شهرها دیده می‌شد از این رو، در بخش مرکزی شهر همه گونه از مردم دیده می‌شدند و زندگی عده‌ای از مردم به درآمدهای اتفاقی و روزمره بستگی داشت. گدایان، بیچارگان، کارگران فقیر و صاحبان مشاغل اتفاقی، غالباً در بیرون از شهرها زندگی می‌کردند و واحدهای مسکونی زاغه‌ای در اختیار داشتند. صاحبان مشاغل اتفاقی در جهت پیدا کردن یک شغل دائمی به شهرهای مختلف مهاجرت می‌کردند در آغاز قرن نوزدهم، هر شهر بندری، به دو بخش تقسیم می‌شود:

39. Maurice H. Yeates and Barry J. Garner. The North American City. Harper-Row. New York. 1971. pp. 34-50.

الف — یک بخش بهم پیوسته در اطراف اسکله‌ها و باراندازها که در داخل آن بخش مرکزی شهر بود و گروه‌های شغلی وابسته به هم کار و زندگی داشتند. در همان حال در این قسمت، همواره عده‌ای نا آشنا، بیگانه و در حال انتظار دیده می‌شدند.

ب — بخشی در اطراف بخش مرکزی بنادر، به صورت نواری که در آن فقیران شهری با درآمد یکسان زندگی می‌کردند و از آنچه که در مرکز شهر می‌گذشت بی‌اطلاع بودند و تماس کمتری با بخش مرکزی شهر داشتند.

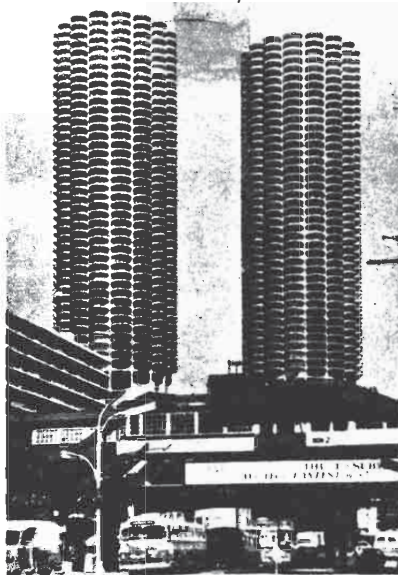
از اواسط قرن نوزدهم صنعت وارد شهرهای آمریکائی می‌شود و در اولین شهرهای صنعتی آمریکا در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰، صنایع نساجی به عنوان صنعت معتبر شناخته می‌شود. این شهرها اغلب در طول رودخانه‌های نیوانگلند و در ردیف شهرهای کوچک بشمار می‌آمدند. کارخانه‌ها با نیروی آب کار می‌کردند و با معیارهای امروزی بسیار کوچک می‌نمودند. میان سالهای ۱۸۷۰ — ۱۸۵۰ زغال سنگ به عنوان منبع انرژی جانشین نیروی آب می‌شود و شبکه‌های مهم راه آهن در همه نقاط عمده بهم وصل می‌گردند. کارخانه‌ها از وابستگی به رودخانه‌ها رها می‌شوند و در محلی قرار می‌گیرند که سود بیشتری بدست دهند. اقتصاددانان برابر سنتهای علمی آن زمان، جهت تمرکز کارخانه‌ها در شهرهای بزرگ، همراهی چهار عامل را لازم می‌شمردند:

- ۱ — لازم است که کارخانه‌ها در مجاورت منابع بزرگ کارگری تأسیس شوند.
 - ۲ — سهولت دسترسی کارخانه‌ها به منابع اصلی مواد خام مثل زغال سنگ، به وسیله خطوط آهن و یا راه‌های آبی امکان‌پذیر گردد.
 - ۳ — کارخانه‌ها، باید در مجاورت منابع تهیه کننده لوازم صنعتی دایر شوند.
 - ۴ — کارخانه‌ها باید در مجاورت بازارهای مصرف کننده تولیدات قرار گرفته باشند.
- برابر این اندیشه، کارخانه‌ها در مجاورت کارخانه‌های دیگر به سود کافی و توسعه لازم دست می‌یابند. در دهه ۱۸۶۰ و ۱۸۷۰، خطوط آهن به آن چنان وسعتی می‌رسد که حتی اغلب شهرهای درجه دوم آمریکا نیز قادر می‌شوند به سرعت به منابع اصلی زغال سنگ و مواد خام اولیه دسترسی داشته باشند.^{۴۰}

از این تاریخ به بعد، بازارهای مصرف، در تأسیس کارخانه‌ها و شکل‌گیری صنایع، نقش فرعی می‌یابد در نتیجه صنایع در یکی دو شهر بزرگ و دور از بازارهای مصرف متمرکز

40. Maurice H. Yeats and Barry J. Garner. The North American City. Harper/Row. New York. 1971. pp. 36-37.

گرانترین آپارتمانها در شهر شیکاگو



نمونه‌ای از بخش واحدهای مسکونی، در کانادا



می‌گردد. شهرهای نیویورک، شیکاگو، کلوند و فیلادلفیا به سرعت به توسعه می‌رسند و اعتبار شدید صنعتی می‌یابند. در این زمان ساخت اکولوژیکی شهرهای امریکائی، چشم‌اندازی به شرح زیر نمایان می‌ساختند:

- ۱- بخش مرکزی شهر، کارخانه‌ها، حوزه ویژه‌ای را جهت فعالیت خود انتخاب می‌کردند که دسترسی به خطوط آهن و عبورگاههای آبی را آسان می‌نمود.
 - ۲- جدائی گزینی بخش کارگری، بدینسان که خانه‌های کارگری، بخش معینی را در مجاورت کارخانجات بخود اختصاص می‌دادند. کارگران اغلب با پای پیاده به کارخانه‌ها می‌رفتند. تراکم کارگران در محل مسکونی فوق‌العاده زیاد بود.
 - ۳- طبقه متوسط و ممتاز جامعه، به سبب شلوغی و آلودگی بخش مرکزی شهر، مجاورت با اسکله‌ها و بوهای زنده کارخانه‌ها، از بخش مرکزی شهر دوری می‌جستند.
 - ۴- منطقه ویژه خرید در قلب شهرها تشکیل می‌شود. طبقه دوم و ممتاز شهری نیز غالباً جهت خرید به این بازارها مراجعه می‌کردند.
- شهرهای صنعتی امریکا که ویژگیهای آن در بالا گذشت مدت نیم قرن دوام آوردند. بعد از این مرحله، نوع جدیدی از شهرها پا به عرصه وجود می‌گذارد و توسعه شهری امریکا را در اختیار خود می‌گیرد:

- ۱- آسمانخراشهای بلندمرتبه به صورت یک شهر کوچک، با نقشهای جدید و نیروی اقتصادی و انحصاری فوق‌العاده زیاد در بخش مرکزی شهرهای امریکا ظاهر می‌گردد. کارخانه‌ها از این بخش انتقال می‌یابند و شهرهای بزرگ از نظر سیاسی قطعه قطعه می‌شود.
- ۲- در دهه ۱۹۲۰، بخش مرکزی شهرها، بسیاری از فعالیتهای تجاری را به ناچار در مجاورت هم قرار می‌دهد. از ظرفی فضای اداری نیز در بخش مرکزی، میان سالهای ۳۰-۱۹۲۰، در ده شهر بزرگ امریکا، ۳۰۰۰ درصد افزایش می‌یابد. آسمانخراشها به سرعت ساختمان می‌شوند و تا سال ۱۹۲۹، در پنج شهر بزرگ امریکا، تقریباً ۲۹۵ ساختمان ۲۱ طبقه و بیشتر بنا می‌گردد.

- ۳- هریک از حومه‌های شهری به طبقه ویژه‌ای اختصاص می‌یابد و هر گروهی زندگی در مجاورت هم گروه خود را ترجیح می‌دهد. کمربند صنعتی در حومه‌ها نیز از یادگارهای نیمه اول قرن بیستم در شهرهای امریکائی است.
- ۴- در این دوره، کارخانه‌ها، در سراسر مادر شهرهای بزرگ پراکنده می‌شود. منطقه کارگرنشین در همه جا دیده می‌شود. مثل این است که همه چیز در همه جا پراکنده شده

است. بدیگر سخن، مادر شهرهای بزرگ، کاملاً قطعه قطعه می شود و اتومبیل و کامیون این قطعه ها را به هم پیوند می دهد.

گاهی هریک از این قطعات شهری با نقش ویژه خود، انحصار تولید و توزیع کالاها را در شهر، ناحیه، کشور قاره و قاره ها به خود اختصاص می دهد و از این آسمانخراشها، شرکتهای بزرگ بر بازارهای جهانی حکومت می کنند. در حقیقت، شهرهای بزرگ امریکا در نقش شهر شرکتها که مکانیسم بازاریابی جهان را در اختیار خود گرفته اند وارد مرحله جدیدی از توسعه شهری می گردند.

شهرنامرئی:

شهرهای امریکائی هم به طریق عمودی توسعه می یابند و هم به شکل افقی وسعت می گیرند. این وضع نتیجه همیاری تکنولوژی جدید با سرمایه داری جدید است. بدینسان که تکنولوژی جدید، آزادی در انتخاب محل زندگی، محل کارخانه ها و محل فروشگاهها را امکان پذیر ساخته و توسعه افقی شهر را سبب گشته است. گسترش بهره گیری از انواع انرژی، انتقال نفت و گاز از طریق خط لوله، امکانات ارتباطی از راه تلفن، رادیو، تلویزیون، افزایش جابجائی با هواپیما و شاهراهها، بنای ساختمانها با بهره مندی از مواد سبک، همه از توسعه تکنولوژی جدید منشاء می گیرد که یکی از عوامل مهم در توسعه شهری بشمار می آید مکمل این تکنولوژی، تغییرات ساخت سرمایه داری یا سرمایه داری جدید است. در این مرحله، رشد، گسترش و تولید فزاینده مورد نظر است و لازم می آید که همکاری میان موسسات و سازمانهای مختلف تجاری و اجتماعی به یک نوع وابستگی تبدیل گردد. مراحل آموزش، تولید، تحقیق، تبلیغات و بازاریابی وابسته به مبادله نقشه کار و همکاری نزدیک همه اندیشه های اقتصادی می شود. پس توسعه عمودی شهر برای جا دادن همه عوامل سرمایه داری جدید و کارکنان، به صورت آسمانخراشهای بلندمرتبه در بخش مرکزی شهر ظاهر می شود. در این بخش، در داخل این آسمانخراشها باید همه خدمات تخصصی که وابسته به هم عمل می کنند محل فعالیت بیاوند. بانکداران، دلالان سهام شرکتها، وکلای شرکتها، مشاورین برجسته شرکتها، محققین دانشگاهی، کارمندان دولتی، مدیران انتشارات، تولید کنندگان تلویزیونی، سازمانهای پخش آگهی و عکاسان از آن جمله است. برخی از محققین از این جریان به هم پیوسته به عنوان (شهرنامرئی) نام می برند^{۴۱}.

هم اکنون از بخش مرکزی شهرهای امریکائی که قلب اقتصادی امریکا محسوب

41. Dean S. Rugg, Spatial Foundations of urbanism, p. 67.

می شود. با عناوینی مثل، بخش مرکزی، ناحیه مرکزی، مرکز شهر، حوزه مرکزی، بخش مرکز تجارت نام می برند. در اینجا استفاده از زمین به حداکثر ممکن می رسد، قیمت زمین فوق العاده گران و قابل مقایسه با سایر مناطق شهری نیست، کانون اصلی عبور و سائل موتوری شهری است، همه نوع خرده فروشی در مقیاس وسیع یافت می شود، ساختمانهای اداری زیاد، تاترها، هتلها و خدمات بیشمار بازرگانی ویژه بخش مرکز تجارت شهرهاست^{۴۲}.

در حقیقت، اینجا قلب تصمیم گیرنده، نه برای تجارت شهر بلکه جهت همه جامعه امریکا و گاهی سایر قاره هاست.

نوع استفاده از زمین در شهرهای امریکا

واحد مسکونی آزاد	۴۵٪
فضای آزاد، فضاهای گذران اوقات فراغت	۱۸٪
خیابانها و ضمايم آنها	۲۴٪
صنعت و راه آهن	۱۰٪
تجارت	۳٪

جمعیت و جامعه فراوانی:

تقریباً ۳/۴ جمعیت امریکا در شهرها زندگی می کنند و درجه شهرنشینی امریکا بیش از هر کشور دیگری دنیامی باشد. شهرهای امریکائی به صورت جانور عظیم الجثه ای می مانند که زمینهای اطراف شهرها را می بلعند و به سوی شاهراهها و شهرهای مجاور پیش می روند. هم اکنون بیش از ۱۶۰ میلیون امریکائی مستقیماً تحت تاثیر محیط زیست شهری و مسائل مربوط به آن قرار گرفته اند. جمعیت شهری امریکا، در زمینی کمی بیش از ۱٪ سرزمین امریکا گرد آمده اند. برابر سرشماری ۱۹۷۰، ۳۴ حوزه متروپلیتین (مادر شهر) بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند. بدینسان شهرهای میلیونی ایالات متحده، نصف جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده اند یعنی ۸۰ میلیون نفر در شهرهای یک میلیونی و بیشتر زندگی می کنند.

امریکا یک جامعه فراوانی است، فراوانی در مصرف مواد غذایی، فراوانی در درآمد

42. Maurice H. Yeates and Barry J. Garner, The North American City, Harper/Row, New York, 1971. pp. 319-320.

خانواده‌ها، فراوانی در استفاده از اتومبیل شخصی، فراوانی در انواع تخصص‌ها، فراوانی در تفریح و گذران اوقات فراغت. در همان حال فراوانی در آلودگی محیط زیست شهری، فراوانی در امراض ناشی از فراوانی، فراوانی در انواع جرم و جنایت، در حقیقت شهرهای امریکائی حاصل یک جامعه فراوانی در مصرف است.

در این جامعه فراوانی، مردم امریکا دائماً در حال جابجائی و عوض کردن مسکن، محلّه، شهر و ایالت خود می‌باشند. چنین بنظر می‌رسد که مردم امریکا، از نواحی سنتی صنعتی و کشاورزی به سوی دریا و آفتاب در حرکت‌اند. متروپلیتن‌های امریکائی با جذب مردم و توسعه مرزهای خود، اتلاف وقت مردم را در آمدو شدهای روزانه، از محل مسکونی به محل کار، به یک ساعت و نیم رسانده‌اند.

اغلب جغرافی دانان و جامعه‌شناسان به هنگام بحث در شهرهای این جامعه فراوانی، روی مسائل زیر تاکید دارند:

۱ - فراوانی در مصرف، روز به روز بر میزان زباله‌های تولید شده شهرها می‌افزاید و هم‌اکنون بزرگترین مشکل شهرداریها، پیدا کردن محل دفن و یا از میان بردن زباله‌های شهری است. در مادر شهرهای امریکا، میان ۸۰٪ - ۵۰٪ آلودگی هوا، به وسیله اتومبیل‌های شخصی تولید می‌شود. البته صنعت و نیروگاه‌های برق نیز در این آلودگی سهم‌اند. زیانهای وارده به وسیله آلودگی هوا، بر تولیدات کشاورزی، موسسات، اموال مردم و هزینه‌های درمان بالغ بر ۱۳/۵ میلیارد دلار می‌باشد که هزینه سرانه آلودگی هوا را به ۶۵ دلار میرساند. با توجه به بالا بودن مصرف آب سرانه، تهیه آب کافی در متروپلیتن‌های امریکا نیز با فاصله‌گیری منابع آب از شهرهای مصرف کننده فوق‌العاده گران تمام می‌شود.

۲ - شهرهای مرکزی در نواحی مختلف امریکا، به سرعت با سیاهان، مکزیکی‌ها و پورتوریکوئی‌ها پر می‌شوند.

۳ - واحدهای مسکونی شهرهای مرکزی، از نظر سن ساختمانی، به تدریج آسیب‌پذیر می‌گردند و در نوسازی و بازسازی آنها اقدامات محدودی صورت می‌گیرد.

۴ - بازار مسکن در شهرهای مرکزی امریکا، تعادلی میان عرضه و تقاضا نشان نمی‌دهد.

۵ - محلهای اشتغال از شهرهای مرکزی، به حومه‌ها انتقال می‌یابد و مسائلی را پیش می‌آورد.

۶ - توسعه شهری به موازات توسعه آلودگی محیط زیست صورت می‌گیرد.

۷ - شهرهای بزرگ در لبه توقف قرار گرفته‌اند^{۴۳}

۸ - اکولوژی سیاهان امریکا نیز از مواردی است که هنگام مطالعه اکولوژی اجتماعی شهرهای امریکا، سیاهان و سایر رنگین‌پوستان، در مقایسه با سفیدپوستان، دو تا سه برابر بیشتر از فقر و بیکاری رنج می‌برند. خانواده‌های سیاهان به سبب اقامت در مجاورت شاهراهها، میدانها، چهارراههای بخش مرکزی شهرها و آلودگی شدید این نقاط شهری، بیش از سایر مردم شهری به امراض ناشی از آلودگی هوا مبتلا می‌شوند. برابریک تحقیق، میزان سرب موجود در خون کودکان سیاهان این مناطق شهری، فوق‌العاده زیاد است و میزان سم DDT نیز در خون کودکان دو تا سه برابر کودکان سفیدپوستی است که در هوای پاک شهری زندگی می‌کنند. بررسیهای اکولوژیکی از شرایط زندگی سیاهان شهرهای بزرگ امریکا مسائلی را به شرح زیر در گوهای سیاهان روشن می‌سازد:

۱ - تراکم زیاد جمعیت ۲ - فقدان تجهیزات کافی در واحدهای مسکونی ۳ - استفاده از خیابان به عنوان محل تفریح و گذران اوقات فراغت به سبب فضای ناکافی در واحدهای مسکونی و عدم دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت ۴ - هجوم موش و سایر آفات به خانه‌ها ۵ - بالا بودن میزان اتومبیل میان سیاهان در جهت پر کردن خلاء شخصیت و بی‌اعتنائی محیط زندگی ۶ - ترافیک سنگین محلات سیاهان ۷ - کهنه‌گی و فرسودگی واحدهای مسکونی سیاهان ۸ - بالا بودن میزان اعتیاد، جرم و جنایت، بالا بودن میزان خانواده‌های بی‌سرپرست^{۴۴}. پاره‌ای از جغرافی دانان امریکائی با مطالعه اکولوژی سیاهان در رابطه با نحوه زندگی اجتماعی آنها چنین اظهار نظر می‌کنند: ممکن است روزگاری کره ماه کاملاً در اختیار امریکائی‌ها قرار بگیرد اما تصویر یک زندگی مطلوب برای همه مردم امریکا و سیاهان، مثل ستارگان در دور دستها می‌باشد. زیرا هم‌اکنون ۲۵ میلیون نفر از مردم امریکا، پائین‌تر از مرز فقر قرار گرفته‌اند. در پاره‌ای از شهرهای بزرگ امریکا، درآمد سالانه یک خانواده در بخش ثروتمندترین شهر ۳۵۰۰۰ دلار و در بخش فقیرترین شهر ۲۵۰۰ دلار می‌باشد^{۴۵}. در محلات فقیرنشین شهرها، از هر ده خانواده یک خانواده گرفتار دزدیهای شبانه می‌گردند در حالی که دزدیهای شبانه در محلات ثروتمندترین به ندرت اتفاق می‌افتد. از

۴۳. Ned H. Greenwd and J.M.B. Edwards. Human Environments and Natural Systems. Duxbury Press. 1973. pp. 218-219.

۴۴ - منبع پیش گفته صفحه ۲۲۱.

45. David Smith. «The North American City». The Geographical Magazine. May 1978. pp. 507-510.

چهره‌های کاملاً شناخته شده شهرهای آمریکائی حاکمیت اتومبیل بر آنهاست. بدینسان که اتومبیل شکل و ساخت اکولوژیکی شهر را تعیین می‌کند خانواده‌های آمریکائی با اتومبیل به سر کار خود می‌روند، با اتومبیل به کلیسا می‌روند، با اتومبیل به بانک می‌روند، با اتومبیل به فروشگاه‌های بزرگ می‌رسند، در داخل اتومبیل خود فیلم سینمائی را در سینماهای روباز تماشا می‌کنند و بالاخره عامل اتومبیل، در همه زوایای زندگی مردم شهرهای آمریکا از هنر، نقاشی، شعر، سینما، سکس و جرم و جنایت گرفته تا نحوه زندگی زوجهای آمریکائی و انواع تفریحات انتخابی تأثیر بسیار داشته است.

شهرهای اروپای شرقی و شوروی:

دولتهای سوسیالیستی، وارث فرهنگهای گوناگونی هستند که در طول قرن‌ها در این کشورها ریشه دوانیده است. این فرهنگها، به همراه مشخصات سرمایه‌داری پیشرفته و خصیصه‌های جامعه فئودالی به موازات نفوذ ادیان کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس و اسلام، در طول تاریخ، بافت اکولوژیکی شهرهای اروپای شرقی و شوروی را تعیین کرده است. این قطعات موزائیکی، به روشنی در محلات و خیابانهای شهرهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی قابل مشاهده است. موضوعی که بر مسئولیت برنامه‌ریزان شهری در جهت حراست و پاسداری از این میراثهای فرهنگی و قومی تأکید می‌ورزد. ساخت اکولوژیکی صدها شهر کوچک و شهرهای بزرگ مثل پراگ، بوداپست، بلگراد، ورشو، مسکو و سمرقند بر این توافق سیاست برنامه‌ریزی و فرهنگ سنتی شهر گواهی می‌دهد. بدیگر سخن، برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند که بافت اکولوژیکی شهرهای قبل از انقلاب را با نیازهای زندگی جامعه جدید مطابقت دهند.^{۴۶}

در مطالعه ساخت اکولوژیکی شهرهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی، معمولاً روی چهار عامل تأکید می‌شود: نقش بخش مرکزی شهرها، انتخاب معیارها، میکرورایون، ناحیه و شهر.

۱- بخش مرکزی شهرها:

بخش مرکزی شهرهای شرقی با بخش مرکزی شهرهای غربی تفاوت‌های زیادی دارند. بدینسان که در غرب، بخش مرکزی شهرها نقش تجاری دارد و محل یابی شرکتها، موسسات و

46. F.E. Ian Hmliton. «The East European and Soviet City». The Geographical magazine. May 1978. p. 511.

سازمانهای اقتصادی همه به قیمت زمین، اجاره‌بها و هزینه حمل و نقل وابسته است. در حالی که بخش مرکزی شهرهای اروپای شرقی و شوروی نقش فرهنگی و سیاسی دارند.

در بخش مرکزی اغلب شهرهای بزرگ، یک میدان عمومی با یک کاخ فرهنگی که یادگار روزهای تاریخی است به مرکز شهر اعتبار می‌بخشد. میدان نهم میتمانبر شهر صوفیه، میدان سرخ مسکو، و کاخ فرهنگی ورشو از آن جمله است. در این میدانها مراسم یادبود روزهای تاریخی برگزار می‌شود. میدانهای بخش مرکزی شهرها از مجسمه‌ها، پوسرها و یک ستاره سرخ پوشیده شده است.^{۴۷} در بخش مرکزی شهرهای شرقی، همه آثار تاریخی، قصرهای تاریخی، تاسیسات فرهنگی، مراکز هنری و تحقیقاتی، کتابفروشی‌ها، کانون نویسندگان و روزنامه‌نگاران، کتابخانه‌های معتبر، کلیساهای قدیمی و بالاخره میراث فرهنگی ملت‌های شرقی جای گرفته است. موسسات حزبی و دولتی نیز در بخش مرکزی شهر قرار دارند. انجمنهای علمی مثل انجمن جغرافیائی، انجمن دوستداران طبیعت، انجمن هنرمندان در این بخش فعالیت می‌کنند.

۲- انتخاب معیارها:

در برنامه‌ریزی شهری در کشورهای اروپای شرقی و شوروی، همواره پاره‌ای استانداردها موردنظر بوده است و استاندارد شدن همه واحدهای مسکونی، فضای سرانه و محلات شهری، چهره یکسان و یکنواخت به محلات شهری می‌بخشد.

۳- میکرورایون^{۴۸}، اساس برنامه‌ریزی شهری:

واحد انتخابی در برنامه‌ریزی منطقه واحدهای مسکونی در شهرهای شوروی، میکرورایون می‌باشد که تا حدودی با واحدهای خودیار- محله در شهرکهای جدید انگلیسی برابری می‌کند. فکریاجاد میکرورایونها به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد اما شکل گیری آنها از سال ۱۹۵۸ به بعد می‌باشد. اهداف ایجاد میکرورایونها در شهرهای شوروی به شرح زیر می‌باشد:

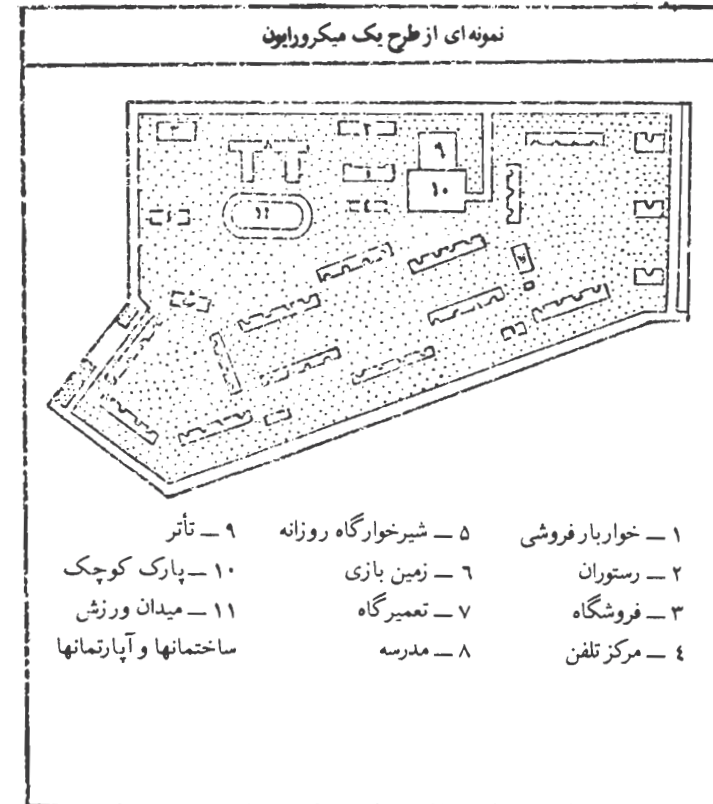
الف- همراهی میان بخشهای سکونت و سازمانهای خدماتی شهر در یک سطح محدود تا توسعه شهری با اصول منطقی صورت بگیرد.

ب- از نظر ایدئولوژی شوروی، میکرورایونها مطلوبترین جامعه محلی بشمار می‌روند که در آنها، خانواده‌ها روابط صمیمانه‌تری با هم برقرار می‌سازند.

47. Dean S. Rugg. Spatial Foundations of Urbanism. Brown Company. Iowa. 1972. p. 219.

48. Microrayon.

نمودار ۴. از: دین راک



هر میکرورایون دارای مشخصات زیر می باشد:

- ۱ - یک میکرورایون در زمینی به وسعت ۳۰ تا ۵۰ هکتار ساختمان می شود.
 - ۲ - بلوکهای آپارتمانی با ارتفاع مختلف در اطراف یک مرکز کوچک ساختمان می گردد. در این مرکز، مدارس، درمانگاه، مغازه ها، فضای باز، رستورانها، لباس شوییها و خدمات دیگر پاسخگوی نیازهای روزانه ساکنین میکرورایون می باشد. حد متوسط شعاع این تأسیسات خدماتی از آپارتمانها: ۲۰۰-۱۵۰ متر در نظر گرفته شده است.
 - ۳ - جمعیت میکرورایونها در اوایل کار ۵۰۰-۳۰۰ نفر بود که بعدها به ۱۲۰۰۰ نفر و گاهی تا ۲۰،۰۰۰ نفر افزایش یافته است. در صورت وسعت گیری میکرورایونها، در برنامه ریزی، تأسیسات خدماتی در ۵۰۰ متری آپارتمانهای مسکونی قرار می گیرد. همه خریدهای روزانه در داخل محدوده میکرورایونها با پیاده روی انجام می شود.
 - ۴ - هر میکرورایون از شبکه های اصلی ترافیک جدا شده است و اغلب آنها به وسیله کمربند فضای سبز احاطه می شوند. البته هر میکرورایون به یک یا چند وسیله حمل و نقل عمومی مربوط می گردد.
- عده ای از محققین با مطالعه میکرورایونها، ضمن پذیرش امتیازات آنها در برنامه ریزی شهری، به نارسائیهای زیر اشاره می کنند:
- الف - ساخت جمعیتی و اجتماعی میکرورایونها را، تنها نزدیکی به محل کار تعیین می کند. از این رو در یک میکرورایون صاحبان مشاغل گوناگون زندگی می کنند. شاید این امر در عدم ایجاد روابط صمیمانه میان همسایگان موثر افتد.
 - ب - با توجه به افزایش تدریجی اتومبیل در جامعه شوروی، میکرورایونها کمتر به فکر خانواده های صاحب اتومبیل بوده است.
 - ج - تراکم جمعیت در ساختمانهای بلندمرتبه بسیار زیاد می باشد.
 - د - فضای سرانه در آپارتمانها محدود گرفته شده است.
- بلوکهای آپارتمانی اغلب ۱۲ تا ۱۶ قطعه می باشد. در شوروی به سال ۱۹۷۴، اعلام شد که حداقل ارتفاع بلوکهای آپارتمانی ۱۲ طبقه و حداکثر آن ۲۵ طبقه خواهد بود اما اغلب بلوکهای آپارتمانی در ۱۶ طبقه ساختمان می شود. بیشتر آپارتمانها دو اتاق خوابه و در هر یک از اتاقها به طور متوسط ۱/۶ نفر زندگی می کنند.
- ۴ - ناحیه و شهر:

در اروپای شرقی و شوروی، به هنگام برنامه ریزی، پیوستگی و ارتباط نزدیکی میان

برنامه ریزی ناحیه ای و شهری دیده می شود. اقتصاد برنامه ریزی شده، شهر را نه به صورت مجزا و جزیره ای بلکه با واحد ناحیه و در سطح ناحیه می نگرد و همه مسائل ناحیه ای و شهری را در یک کلیت می پذیرد. معمولاً در سطح ناحیه مهار کردن توسعه شهرهای بزرگ، تأسیسات صنعتی، تولیدی و خدماتی شهرهای کوچک و متوسط مورد تأکید قرار می گیرد. ایجاد شهرکهای جدید در سطوح ناحیه ای هم بار سنگین شهرهای پرجمعیت را کاهش می دهد و هم شهرکهای جدید به نقشهای تازه مثل نقش معدنی، صنعتی و خوابگاهی دست می یابند. اغلب این شهرکها در حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارند^{۴۹}.

جمعیت شهری:

بعد از انقلاب، یکی از نتایج صنعتی شدن اتحاد شوروی، توسعه سریع شهرها و شهرهای کوچک بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. در سال ۱۹۱۳، تنها ۱۸٪ مردم شوروی در شهرها زندگی می کردند. این نسبت در سال ۱۹۷۹ به ۶۲٪ جمعیت رسید. بدینسان در سال ۱۹۷۹، در حدود ۱۶۴ میلیون نفر از مردم شوروی در شهرها و ۹۹ میلیون نفر در ۴۶۹،۰۰۰ روستا زندگی می کردند. روشن است که این افزایش جمعیت شهری بیشتر از طریق مهاجرتهای روستائی حاصل گشته است. بطوریکه میان سالهای ۱۹۵۹-۱۹۲۷، تقریباً ۴۳ میلیون نفر از روستاها به شهرهای شوروی مهاجرت کردند. این میزان مهاجرت برابر با مهاجرت مردم از اروپا به امریکای شمالی، آفریقا و استرالیا میان سالهای ۱۹۳۹-۱۸۰۰ می باشد.

هم اکنون بیش از ۶۰٪ جمعیت شوروی در ۶۰۰۰ شهر و شهرک اقامت دارند. ۵۶٪ شهروندان شوروی در شهرهای بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفری زندگی می کنند و تعداد این قبیل شهرها به ۲۵۰ شهر می رسد. از آن میان جمعیت ۲۰ شهر بیش از یک میلیون نفر می باشد. از این رو شوروی را سرزمین شهرهای بزرگ می نامند^{۵۰}.

سنخ شناسی توسعه شهری در جهان سوم:

عده ای از محققین به هنگام مطالعه توسعه شهری در کشورهای جهان سوم، با توجه به میزان جمعیت، زمینهای قابل کشت، منابع طبیعی و نرخ افزایش جمعیت، کشورهای جهان سوم را به چهار گروه به شرح زیر تقسیم می کنند:

49. Dean S. Rugg. Spatial Foundations of Urbanism. p. 256.

50. Judith Pallot and Denis J.B. Shaw. Planning in the Soviet Union. Croom Helm. London 1981. p. 215.



چهره شهری در شهرهای جهان سوم



چهره شهری در کشورهای توسعه یافته

۱ — کشورهایی که فعلاً نصف جمعیت آنها شهرنشین است و روند توسعه شهری به طور مرتب ادامه دارد. فشار کمتری از طرف جمعیت کشور به زمینهای قابل کشت و منابع طبیعی وارد می شود. در این گروه، روند توسعه شهری قبل از پایان قرن بیستم پایان می پذیرد و در آن زمان بیشتر جمعیت این قبیل کشورها در حوزه های شهری زندگی خواهند کرد. آرژانتین، برزیل، مکزیک و کلمبیا نمونه ای از این گروه کشورها می باشند. افزایش جمعیت شهرهای بزرگ این گروه تا سال ۲۰۰۰ میلادی به این شرح خواهد بود:

مکزیکوسیتی ۳۱/۵ میلیون نفر، بوئنوس آیرس ۱۳/۷ میلیون نفر، ساو پولو ۲۶ میلیون نفر، ریودوژانیرو ۱۹/۳ میلیون نفر، بوگوتا ۹/۵ میلیون نفر.

۲ — در پاره های از کشورهای جهان سوم، توسعه شهری در یکی دو دهه اخیر شدت بیشتری یافته است. هم اکنون نصف جمعیت این قبیل کشورها در روستاها زندگی می کنند. فشار جمعیت روی منابع طبیعی و زمینهای قابل کشت چندان زیاد نیست. در صورت برطرف شدن موانع موجود در راه بهره برداری از منابع طبیعی، وضع این گروه از کشورها، نظیر کشورهای گروه اول خواهد بود. مصر، کره، مالزی، الجزایر نمونه ای از گروه دوم می باشند. در سال ۲۰۰۰ میلادی، قاهره ۱۶/۹ میلیون نفر، سئول ۱۸/۷ میلیون نفر، مانیل ۱۲/۸ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت.

۳ — در گروه سوم کشورهایی قرار دارند که دارای جمعیت روستائی بیشتری می باشند. اما شهرنشینی و روند توسعه شهری را با شتاب طی می کنند. تا پایان قرن بیستم این قبیل کشورها باز هم جمعیت روستائی بیشتری خواهند داشت و نرخ افزایش جمعیت روستائی نیز بالا خواهد بود. سودان، سنگال، کنیا و نیجریا نمونه ای از گروه سوم می باشند. تا سال ۲۰۰۰ میلادی، لاگوس ۹/۴ میلیون نفر و کینشاسا ۷/۸ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت.

۴ — در گروه چهارم کشورهایی دیده می شوند که فشارهای جمعیتی روی زمینهای روستائی فوق العاده زیاد است. در صورت ادامه نرخ فعلی افزایش جمعیت، در اواخر قرن، این کشورها در شرایط فقر مطلق گرفتار خواهند شد. چین، هند، پاکستان و اندونزی از این قبیل کشورها می باشند. در سال ۲۰۰۰ میلادی شهر شانگهای ۲۲/۱ میلیون نفر، پکن ۲۲ میلیون نفر، کلکته ۲۰ میلیون نفر، بمبئی ۱۹/۸ میلیون نفر، جا کارتا، ۱۷/۸ میلیون نفر، کراچی ۱۶/۶ میلیون نفر جمعیت خواهند داشت^{۵۱}.

در جهت مقایسه توسعه شهرهای جهان صنعتی و توسعه یافته با شهرهای بزرگ جهان سوم که در بالا ذکر شد جمعیت شهرهای بزرگ جهان صنعتی را در اواخر قرن بیستم در اینجا می آوریم: نیویورک ۲۲ میلیون نفر، لندن ۱۲/۷ میلیون نفر، توکیو ۲۸/۷ میلیون نفر پاریس ۱۲/۴ میلیون نفر^{۵۲}.

مهم اینجاست که توسعه شهرهای بزرگ جهان توسعه یافته در یک دوره طولانی و در طی یکی دو قرن عملی شده است در حالی که شتاب توسعه شهری در جهان سوم از پدیده های بعد از جنگ دوم جهانی است. بدینسان با توجه به ارقام موجود، در ۱۷ سال آینده، جمعیت شهری کشورهای جهان سوم ۱/۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ نفر افزایش می یابد. این میزان افزایش، دو برابر جمعیت شهرهای کشورهای صنعتی و توسعه یافته در زمان ماست. در سال ۱۹۷۵، در کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم، ۹۰ شهر بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشتند که این تعداد در ۱۷ سال آینده به ۳۰۰ شهر افزایش می یابد.

برابر مطالعات انجام شده، در اواخر قرن بیستم، تقریباً $\frac{2}{3}$ افزایش جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه، در قاره آسیا زندگی خواهند کرد. چین و هند ۶۰٪ این افزایش را به خود اختصاص خواهند داد و برای اولین بار در تاریخ شهرنشینی، جهان سوم دارای مگاالایس های زیادی خواهد بود.

توسعه شهری در اروپا، در طی قرنهای اتفاق افتاد، جمعیت به آرامی افزایش یافت، درآمدها به تدریج بالا گرفت، تخصصهای کارگری بوجود آمد، بازرگانی میان کشورها تعادل منطقی داشت، انتشار نوآوریها به تدریج در جامعه رسوخ کرد و همه این شرایط، زمینه های مساعدی را جهت توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی، توسعه فرهنگی و تشکیلات منظم سیاسی فراهم ساخت. در برابر این شرایط مساعد و مثبت، توسعه شهری در جهان سوم، روندی جدا از توسعه شهری در اروپا داشت و شرایط حاکم بر آن کاملاً متفاوت بود. اهم این عوامل عبارتند از:

- ۱ - رشد سریع جمعیت.
- ۲ - کاهش سرانه زمینهای قابل کشت و پائین آمدن درآمد سرانه روستائیان.
- ۳ - کاهش هزینه حمل و نقل و ارتباطات و بوجود آمدن امکانات جابجائی سریع مردم.

۴ - ثابت ماندن مرزهای کشورها و ایجاد موانع در جهت مهاجرت های بین المللی.

۵ - بی ثباتی اوضاع سیاسی و وابستگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به کشورهای متروپل.

کشورهائی که از نظر اقتصادی - سیاسی، بیرون از گروه کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی قرار گرفته اند به عنوان جهان سوم خوانده می شوند. این عنوان با مفاهیم گوناگون و بی قاعده، به همه کشورهای در حال توسعه در قاره آسیا، آفریقا و امریکای لاتین اطلاق می گردد. پاره ای از کشورهای جهان سوم، مثل کشورهای عضو اوپک دارای درآمد سرشاری می باشند و برخی دیگر نظیر بنگلادش از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شوند. از این رو عده ای از محققین، ۲۵ کشور جهان را که به حداقل توسعه دست یافته اند جهان چهارم می نامند. برخی از مؤسسات تحقیقاتی، کشورهای دنیا را به کشورهای کم درآمد کشورهائی با درآمد متوسط، کشورهای صنعتی، کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای سوسیالیستی تقسیم می کنند. با هر طبقه بندی که فرض شود حد متوسط درآمد سرانه در کشورهای کم درآمد، ۴۰ مرتبه کمتر از کشورهای صنعتی است.

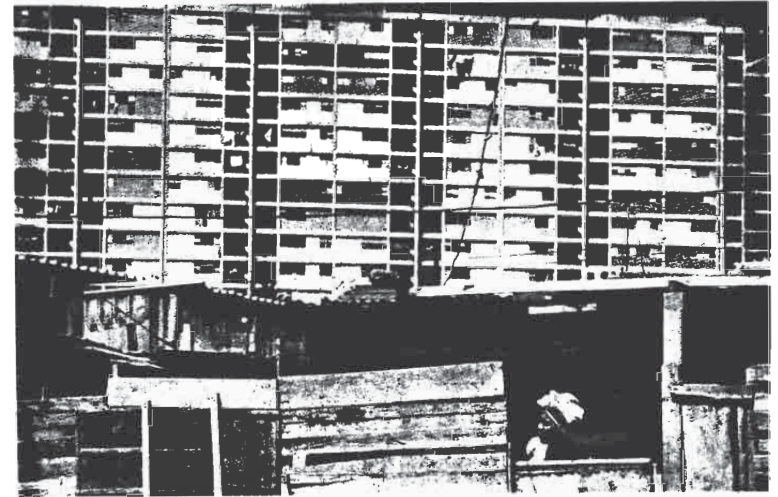
برابر یک تحقیق، در سال ۱۹۷۵، درآمد روزانه ۹۰۰ میلیون نفر در کشورهای جهان سوم کمتر از ۳۰ سنت امریکائی (۲۰ ریال) بوده است. این عده کاملاً در شرایط فقر بسر می بردند. از رقم فوق ۷۰۰ میلیون نفر در حوزه های روستائی و ۲۰۰ میلیون نفر در شهرهای جهان سوم زندگی می کردند. مهم اینجاست که روزه روز بر تعداد فقیران شهری افزوده می شود تا آنجا که در دهه گذشته، نسبت افزایش جمعیت شهری در کشورهای جهان سوم، دو برابر افزایش کل جمعیت گزارش شده است. بدینسان در ۱۷ سال آینده بیش از یک میلیارد نفر بر جمعیت شهری کشورهای جهان سوم افزوده می گردد که بیشتر آنها جزو فقیران شهری خواهند بود^{۵۳}.

برخی از محققین به هنگام طبقه بندی کشورها، به کشورهای جهان سوم، چهارم و پنجم اشاره می کنند و مشخصات هر یک از آنها را به شرح زیر بیان می دارند^{۵۴}.

- ۱ - جهان سوم دارای ۶۲۰ میلیون نفر جمعیت است. این کشورها از منابع طبعی مهم و حیاتی با تجارت خارجی گسترده برخوردارند. میزان نسبتاً زیاد جمعیت شهری، بهره برداری و استخراج زیاد منابع معدنی و حداکثر تاراج منابع معدنی از مشخصات آنهاست.
- نمونه این قبیل کشورها عبارتند از برخی از کشورهای عضو اوپک، برزیل، کره جنوبی، زامبیا،

53. T.G. McGee. "The Poverty Syndrome". Causal work and Poverty in Third world Cities. London. John Wiley. 1979. pp. 45-46.

۵۴ - در این کتاب، همه کشورهای جهان سوم، چهارم و پنجم با عنوان جهان سوم ذکر شده است.



فقروثروت در کنار هم، شهرهای جهان سوم

مکزیک، تایوان.

۲ — جهان چهارم، با ۹۶۰ میلیون نفر جمعیت و دارای مواد خام با محدودیتی در امکانات زیربنایی جدید می‌باشند. تاراج منابع اما بهره‌برداری نه چندان زیاد از منابع، با جمعیت زیاد شهری اما برخی با جمعیت شهری کم از مشخصات این قبیل کشورهاست. مثل تایلند، مصر، اردن، دومینیکن.

۳ — جهان پنجم، با منابع معدنی فوق‌العاده ناچیز و چشم‌اندازی محدود در توسعه مثل بنگلادش، چاد، سومالیا، مالی، اتیوپی، رواندا، اطلاق عنوان کشورهای تحت سلطه به همه کشورهای جهان سوم به سبب رهائی برخی از کشورهای جهان سوم از وابستگی‌های سیاسی-اقتصادی در دو دهه گذشته، کمی نارسا می‌نماید.

گفتیم که شهرهای بزرگ جهان سوم، با شتاب فزاینده‌تر از شهرهای ممالک صنعتی توسعه می‌یابند. چنانکه در سال ۱۹۵۰، در کشورهای جهان سوم تنها یک شهر یعنی بوئنوس آیرس بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت داشت. این رقم در سال ۱۹۶۰ به ۸ شهر رسید در همان زمان کشورهای صنعتی دارای ۱۰ شهر با بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت بودند. به سال ۱۹۸۰، در کشورهای جهان سوم، ۲۲ شهر بیش از ۴ میلیون نفر جمعیت داشت در حالی که این نسبت در کشورهای صنعتی و پیشرفته به ۱۶ شهر بالغ می‌گشت.

در جهت آشنائی با حقایق تلخی که تاکنون در تاریخ بشر دیده نشده است نسبت جمعیت حاشیه‌نشین و زاغه‌نشین شهرهای جهان سوم را نسبت به جمعیت شهری، در پاره‌ای از شهرها ذکر می‌کنیم:

شهر کلکته ۶۷٪، بوگوتا ۶۰٪، کینشاسا ۶۰٪، ایادان ۷۵٪، بمبئی ۴۵٪، کاراکاس ۴۲٪، لیما ۴۰٪، مانیل ۳۵٪، ریودوژانیرو ۳۰٪، جاکارتا ۲۶٪، سئول ۲۴٪ و در کراچی ۲۳٪ جمعیت شهری در زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند. چنین بنظر می‌رسد که به زودی نصف جمعیت شهری دنیا، ساکن زاغه‌ها خواهند بود^{۵۵}.

تأسف بار است گفته شود که در کشورهای جهان سوم محیط زیست انسان توانائی خود را از دست می‌دهد، محیط زیست آلوده می‌شود، خاکها بازده خود را از دست می‌دهند، جنگلها و فضاهاى سبز نابود می‌گردد و صحرای پیشرفت می‌کند. بدینسان در دوه‌آینده شهرهای جهان سوم به اردوگاه فقیران دنیا تغییر نقش می‌دهد. چشم‌اندازهای شهری و مورفولوژی آن دگرگون می‌شود و از هم اکنون این سئوالات مطرح می‌گردد: صدها میلیون

شهرنشین در کدام محل شغلی بکار گرفته می‌شوند؟ چند صد میلیون نفر از شهرنشینان بیکار خواهند بود؟ زمانی که نصف جمعیت شهری ساکن زاغه‌ها باشند شهر چه منظره‌ای خواهد داشت؟ مسائل گوناگون شهری چه سایه سنگینی بر شهر خواهد افکند و بالاخره در شهرهای جهان سوم چند ده میلیون دستفروش خواهیم داشت؟

بزرگترین شهر، انگل یا توسعه‌دهنده:

در قاره آسیا، شاید در همه کشورهای جهان سوم، یک شهر بسیار بزرگ، یک پایتخت و یا یک بندر بزرگ آن چنان امکانات اجتماعی و اقتصادی کشورها را در خود جای می‌دهد که همه شهرهای کوچک و بزرگ را از توسعه و پیشرفت بازمی‌دارد. یعنی توسعه تنها یک شهر به قیمت ویرانی و عقب‌ماندگی همه کشور تمام می‌شود. در آسیا، بزرگترین شهر، از نظر جمعیت، سطح امکانات اجتماعی — اقتصادی و فرهنگی به آن چنان وسعتی می‌رسد که سایر شهرهای درجه اول کشورها در مقایسه با آن کوچک و کم‌اهمیت جلوه می‌کند. نخستین شهر در کشورهای آسیائی از مشخصات زیر بهره‌مند است:

- ۱ — سرمایه‌های یک کشور را می‌بلعد.
- ۲ — مسیرهای بزرگ مهاجرتی را به سوی خود می‌کشد.
- ۳ — نفوذ عمیق در الگوهای اجتماعی — اقتصادی و فرهنگی کشور اعمال می‌کند.
- ۴ — میزان مصرف در مقایسه با سایر شهرها، بسیار بالاست.
- ۵ — هر نوع یادآوری و فرهنگ وارداتی از دروازه‌های آن وارد کشورها می‌شود.
- ۶ — در توسعه و پیشرفت سایر شهرهای بزرگ تأثیرات منفی دارد و چه بسا که آنها را در حالت توقف و رکود نگه میدارد.
- ۷ — فرودگاهش، هتل‌هایش، خیابانهایش و مغازه‌هایش نظیر معروفترین ثروتمندترین شهرهای جهان پیشرفته بنظر می‌رسد. اغلب کشورهای آسیائی، در نخستین مرحله توسعه، همه تلاش خود را به اداره و توسعه یک شهر بکار می‌گیرند و یا از نظر اداری و سیاسی همه امکانات را در یک شهر بسیار بزرگ جمع می‌کنند تا از عهده اداره سازمانهای تولیدی و اداری برآیند. البته ممکن است که کشورهای پرجمعیت آسیا مثل چین و هند به جای یک شهر بزرگ دارای چند شهر پرجمعیت باشند اما باز برتری اقتصادی و فرهنگی یک شهر بر سایر شهرها سایه افکن می‌باشد.

بر این بری^{۵۶}، در پیدایش شهرهای بسیار بزرگ در کشورهای در حال توسعه به عوامل چندی اشاره می‌کند:

- ۱ — کشورهایی که دارای یک شهر بسیار بزرگ می‌باشند معمولاً جزو کشورهایی هستند که تا این اواخر، از جهات سیاسی و اقتصادی به کشورهای دیگر وابسته بوده‌اند.
- ۲ — ممکن است در ردیف کشورهایی قرار بگیرند که در آنها امکان پیدایش و توسعه شهرهای متوسط (از نظر جمعیت و امکانات) وجود ندارد^{۵۷}.

پاره‌ای از شهرهای بزرگ آسیا نقش انگلی دارند و برخی نیز دارای نقش توسعه دهنده می‌باشند: شهری می‌تواند در ردیف شهرهای انگلی قرار بگیرد که بیشتر مصرف کننده باشد هرچند که ممکن است در مقیاس محدود به تولید نیز دست بزند. شهری می‌تواند نقش توسعه دهنده داشته باشد که برخورد آن با مسائل اقتصادی زمان، منطقی و به نفع جامعه شهری تمام شود. به دیگر سخن، نقش توسعه دهنده‌گی شهر با سازمانها و تشکیلات منظم اجتماعی و اقتصادی قادر است حومه‌ها، روستاها و سایر شهرهای یک کشور را نیز به توسعه وادارد.

گفتیم که بزرگترین شهر در کشورهای آسیائی، همه امکانات را در خود جای می‌دهد. دارای خیابانهای وسیع، پارکها، فاضل آب، برق کافی، آب سالم و مدارس و دانشگاه‌هاست اما این یک گوشه شهر است. در برابر این بخش پر رونق و زیبا در بخش مقابل آن، در خیابانها و کوچه‌ها به کودکان لاغر، استخوانی، پابرنه، با بدنی که مدتها حمام ندیده، بی کس و آواره برخورد می‌کنیم که مسئولیت نگهداری خواریا برادر کوچکتر از خود را نیز دارد. این کودکان که والدین اغلبشان از مهاجرین روستائی می‌باشند توانائی سازگاری و پذیرش محیط جدید شهری را بیش از والدین خود دارند. از والدین خود فرمان نمی‌برند اما از جامعه شهری و قوانین آن می‌ترسند. در این بزرگترین شهرها، جوانان مهاجر در نظر اول خسته و درمانده بنظر می‌رسند که مدتها به دنبال کار مداوم می‌گردند. بیکاری‌های فصلی بیشتر آزارشان می‌دهد. گاهی نهارشان را در همان گوشه خیابان می‌خورند. از رفتن به خانه خود گریزانند و در شهر به این سو و آن سو کشیده می‌شوند و چه بسا که به کارهای گناه‌آلوده دست می‌زنند. کم غذائی و سوء تغذیه این جوانان را همواره رنجور و خواب‌آلود نشان می‌دهد هرچند که جوانان مهاجر در بزرگترین و ثروتمندترین شهر یک کشور آسیائی زندگی می‌کنند اما برای سالیان دراز نمی‌توانند خود را به شهر بچسبانند و همواره احساس بیگانگی می‌کنند.

56. Brian J.L. Berry.

57. Urbanization, in Newly Developing Countries New Jersey. Prentice-Hall, 1969. p. 148.

عوامل اکولوژیکی و مهاجرت:

در مطالعه امر مهاجرت، معمولاً به چهار نوع مهاجرت برخورد می‌کنیم: مهاجرت از روستا به روستا، مهاجرت از روستا به شهر، مهاجرت از شهر به شهر، مهاجرت از شهر به روستا. در این میان، مهاجرت از روستا به شهر که از پدیده‌های خاص قرن ماست در سراسر دنیا، شهرنشینی و توسعه شهری را وسعت می‌بخشد و سبب بوجود آمدن شهرهای غول‌آسا و بیمارگونه در جهان سوم می‌گردد. در جریانهای مهاجرتی، سه عامل پیش از همه موثر می‌افتد: اشتغال، درآمد، رشد سریع جمعیت. بدینسان جریانهای مهاجرتی همواره از حوزه‌هایی که امکانات اشتغال و درآمد در آنها زیاد نیست و یا دارای رشد زیاد جمعیت می‌باشد به حوزه‌هایی که نیروی انسانی و آماده به کار طلب می‌کند صورت می‌گیرد.

در همه کشورهای جهان سوم، مهاجرت همواره از نواحی کم توسعه به نواحی توسعه یافته داخلی که در آنها سرمایه‌گذاری‌های بیشتری صورت گرفته است عملی می‌شود. این وضع به کم‌رشدی نواحی مهاجر فرست سرعت می‌بخشد و شکاف چشمگیری میان نواحی توسعه یافته و کم توسعه در داخل کشورها بوجود می‌آورد. در اغلب نواحی داخلی کشورها، آنجا که جاذب مهاجرت‌هاست جزو نواحی پیشرفته اقتصادی محسوب می‌گردند. بدینسان می‌بینیم که جریانهای مهاجرتی، با تفاوت درآمد میان دو ناحیه، تفاوت در میزان توسعه یافتگی نواحی و مراحل توسعه در رابطه است^{۵۸}.

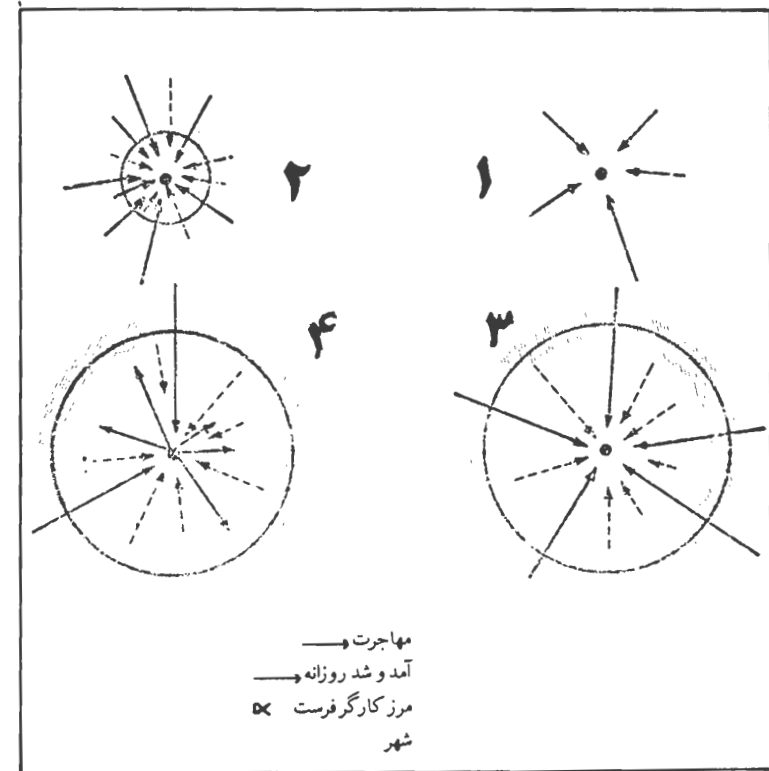
مهاجرت نیروی انسانی فعال به ویژه در گروه سنی ۲۹-۲۰ سال، عقب‌ماندگی حوزه‌های مهاجر فرست را تشدید می‌کند و آنها را از یک جریان طبیعی توسعه باز می‌دارد. روشن است که در صورت سرمایه‌گذاری در نواحی عقب‌مانده و وجود امکانات توسعه در این نواحی، مهاجرت‌ها به این نواحی عقب‌مانده، تغییر جهت می‌دهد. با دگرگونی در شرایط اجتماعی-اقتصادی، شکاف موجود میان نواحی کم توسعه و توسعه یافته داخلی تعدیل می‌گردد و یکی از اهداف برنامه‌ریزی ناحیه‌ای عملی می‌شود.

در مهاجرت‌های روستائی، تحلیل عوامل اکولوژیکی-جغرافیائی، به شرح زیر مورد تاکید واقع می‌شود:

- ۱ — در صورت مساعد بودن عوامل اکولوژیکی و موضع جغرافیائی یک محل، میزان

مهاجرت محدود خواهد بود.

58. Wen Lany Li. «Internal Migration and Regional Development in Taiwan». Internal Migration. London. SAGE. 1976. p. 83.



نمودار ۵. مهاجرت و چهار مرحله توسعه شهری
از: جمزوبلر

- ۲- در شرایطی که هم عوامل اکولوژیکی و هم موضع جغرافیائی محل، مساعد و مطلوب نباشد شدت مهاجرت افزایش می یابد.
 - ۳- در شرایطی که عوامل اکولوژیکی مطلوب، اما موضع جغرافیائی مساعد نباشد شدت مهاجرت بالا خواهد بود.
 - ۴- در شرایطی که عوامل اکولوژیکی مساعد نباشد اما شرایط موضع جغرافیائی مطلوب باشد میزان مهاجرت محدود می گردد. البته در همه موارد به استثنائاتی نیز برخورد می کنیم.
 - ۵- میان عوامل اکولوژیکی (مثل آب و خاک) با عوامل اقتصادی وابستگی نزدیکی وجود دارد که در امر مهاجرت از عوامل مهم شناخته می شود.
 - ۶- عوامل جمعیتی در امر مهاجرت، کیفیت خاص خود را دارد. روستاهائی که به اضافه جمعیت گرفتارند جماعات بیشتری را به بیرون از روستا می فرستند.
 - ۷- شهرهائی که فرصتهای جدید شغلی بوجود میاورند زمینه های مساعدی را برای پذیرش مهاجرین فراهم می کنند.
 - ۸- عامل آموزش و پرورش، بخش ناچیزی از جمعیت روستائی را به شهرها می کشاند. کودکان آن هم در شرایط خاص خانوادگی جهت تحصیل به شهرها مهاجرت می کنند.
 - ۹- عوامل سیاسی نیز به هنگام ناآرامیها، پاره ای از روستاها را از جمعیت خالی می کند. در مهاجرت های روستائی که به شهرها صورت می گیرد شرایط زیر همواره تعیین کننده می باشد:
- ۱- هر چند که در مساله مهاجرت، فرد یا یک خانواده تصمیم به مهاجرت می گیرد اما در نهایت امر مهاجرت به صورت مهاجرت اکثر خانواده های یک روستا و یا یک گروه خویشاوند در می آید.
 - ۲- تصمیم به مهاجرت های گروهی، آن چنان براساس عقل و منطق قرار می گیرد که قبلاً شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر مهاجر پذیر و روستای مهاجر فرست مورد ارزیابی واقع میشود و امکانات برابر و یا نابرابر مبدء و مقصد به روشنی بررسی می گردد.
 - ۳- منطقه نفوذ شهرهائی که جمعیت روستائی بیشتر دارند جماعات زیادی را به شهرها می فرستد. در این میان، حوزه هائی که در مسیرهای حمل و نقل واقع شده اند مهاجرین زیادی را به سوی شهرها حرکت می دهند.

۴ — مهاجرین در محل مهاجرت از نظر سن، میزان آگاهی یا تحصیلات، پایگاه خانوادگی و میزان درآمد انتخاب می‌شوند یعنی همواره بهترین‌ها به شهر مهاجرت می‌کنند و چون افراد پرتوان چه از نظر جسمی و چه از جهت اقتصادی اقدام به مهاجرت می‌کنند معمولاً روستاها از طریق مهاجرت، همه نیروهای سازنده خود را از دست می‌دهند.

۵ — مهاجرین بعد از مهاجرت، وابستگی نزدیک خود را با اقوام، قبیله و روستای خویش حفظ می‌کنند و روابط متقابل میان شبکه‌های خویشاوندی بین روستا و شهر برقرار می‌شود که این جریان، مهاجرت‌های بیشتری را به شهرها سبب می‌گردد.

۶ — گاهی اوقات، مهاجرت‌ها به صورت تدریجی انجام می‌گیرد و در این راه سلسله مراتب شهری موثر می‌افتد. اما زمانی نیز جاذبه یک مادر شهر یا پایتخت آن، چنان وسعت می‌یابد که اغلب مسیرهای مهاجرتی از چهارگوشه کشور به مادر شهر یا پایتخت ختم می‌شود. در پاره‌ای اوقات به مهاجرت‌های معکوس برخورد می‌کنیم که در جریان آن، شهر بخشی از جمعیت خود را به روستاها می‌فرستد. عوامل این قبیل مهاجرت‌های معکوس عبارتند از:

الف — عده‌ای از کارگران غیرماهر، بعد از ۲۰-۱۰ سال کار و اقامت در شهر، به روستای خویش برمی‌گردند تا بقیه عمر خود را در زمینهای خانوادگی به کار کشاورزی بپردازند.

ب — کارگران بازنشسته و از کارافتاده، علاقمند می‌شوند که بقیه عمر خود را در زادگاه خود بگذرانند.

ج — زنان و کودکان خانواده‌های کم درآمد، به سبب هزینه‌های سنگین زندگی در شهر به روستای خود که هنوز به شیوه زندگی در آن وابسته‌اند مراجعت می‌کنند.

د — عده‌ای از روستائیان که به امید کار بهتر و درآمد بیشتر به شهر مهاجرت کرده‌اند به سبب عدم توفیق در درآمد لازم، به روستای خود برمی‌گردند.

در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، مهاجرت از شهر به روستا غالباً به سبب گریز از آلودگی هوا، آلودگی صوتی، آلودگیهای اجتماعی، تمایل به زندگی در محیطهای آرام روستائی و کشاورزی صورت می‌گیرد. در حالی که در کشورهای جهان سوم، مهاجرت‌های معکوس نیز بیشتر دلایل اقتصادی دارد.^{۵۹}

59. K. C. Zachariah. «Bombay Migration Study». The City in Developing Countries. Prentice-Hall. New Jersey. 1969. p. 363.

مطالعات انجام شده در شهرهای هند نشان می‌دهد که عامل دفع در روستاها، بیش از عامل جذب در شهرها، مهاجرت‌ها را شدت می‌بخشد. گاهی اوقات نیز در شهرها عامل دفع عامل بازدارنده‌ای در برابر مهاجرت‌های روستائی می‌گردد. در پاره‌ای از شهرهای هند، میزان بیکاری میان شهروندان (نه مهاجرین) در حدود ۸/۲٪ و میان مهاجرین روستائی ۶/۴٪ می‌باشد. عوامل بالا بودن میزان بیکاری میان شهروندان را می‌توان چنین بیان کرد:

۱ — عده‌ای از مهاجرین روستائی تنها به امید کاریابی و انجام هرگونه کاری به شهر مهاجرت می‌کنند و در فکر کار مطلوب نمی‌باشند.

۲ — در صورت پیدا شدن هرگونه فرصتهای اشتغال در شهرها، مهاجرین روستائی اولین افرادی می‌باشند که به همه نوع کار، هرچند سنگین و ناخوشایند، تن درمی‌دهند.

۳ — اغلب مهاجرین، بعد از مدتی اقامت در شهر، در صورت عدم دست‌یابی به کار یا به شهر دیگر مهاجرت می‌کنند و یا به زادگاه خویش برمی‌گردند.

در شهرهای جهان سوم، امواج مهاجرین بیکار که صبحگاهان چهارراهها و خیابانهای اصلی شهرهای بزرگ را می‌پوشانند عامل مهم بازدارنده‌ای در برابر مهاجرت‌های روستائی می‌باشند.^{۶۰}

بدینسان، عامل دفع نه تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز عمل می‌کند.

مهاجرت‌های روستائی و پژوهشهای موردی:

پژوهشهای موردی در زمینه مهاجرت‌های روستائی، نشان میدهد که در آسیا، هر ناحیه جغرافیائی و هریک از کشورها، از خصیصه‌های مشترک اجتماعی و اقتصادی در مبداء و مقصد مهاجرت برخوردارند که به مهاجرت‌های روستائی حالت شتاب می‌بخشد. سطح رشد و توسعه اجتماعی — اقتصادی نقطه مقصد در حقیقت به عنوان میزان و توان جذب نیروی کار، نابرابری درآمد در شهر و روستا و کیفیت عرضه خدمات در میان شهر و روستا از عوامل مهم جریانهای مهاجرتی محسوب می‌شود. در آسیا در جهت آشنائی با امر مهاجرت به شهرها، نتیجه چند پژوهش موردی را در اینجا می‌آوریم که بیانگر سیاست برنامه‌ریزی و شرایط خاص ناحیه‌ای است:

هند:

به هنگام آخرین سرشماری در کشور هند، ۱۹۷۱، بیش از $\frac{1}{3}$ جمعیت هند در محل

60. Ashish Bose. «The Urbanization Process in South and Southeast Asia». Urbanization and National Development. pp. 99-100.

اقامت خود مهاجر محسوب می شدند. در این کشور عوامل زیر نقش اساسی در جریانهای مهاجرتی داشته است:

- ۱ - وجود و مداومت نابرابری و عدم تعادل در سکونتگاههای انسانی.
- ۲ - کاهش تدریجی امکانات سکونتگاههای کوچک مقارن با توسعه شهرهای بزرگ و مادر شهرها در فاصله دو آمارگیری (۱۹۷۱-۱۹۶۱).
- ۳ - جریانهای بزرگ مهاجرت از نواحی کم توسعه و محدود در شرایط زیربنائی (ناحیه محروم) به نواحی توسعه یافته و پرامید با شرایط مطلوب زیربنائی (ناحیه توسعه یافته).
- ۴ - هجوم مهاجرتهاى معکوس از شهر به حوزه های روستائی میان سالهای ۷۱-۱۹۶۱.
- ۵ - تأثیر میزان صنعتی شدن شهر و ناحیه، درجه شهرنشینی، سطح آموزش، تراکم سکونتگاهها، کیفیت مالکیت زمین هم در مبداء و هم در مقصد، سطح خدمات عرضه شده.
- ۶ - انقلاب سبز با افزایش ظرفیت اشتغال و درآمد.
- ۷ - دست یابی مهاجرین به انواع مهارتها، تحصیلات و درآمد بیشتر در مقایسه با زمینه های شغلی و سطح درآمد غیرمهاجرین.

اندونزی:

- ۱ - نرخ بالای رشد جمعیت.
- ۲ - فراهم شدن امکانات تمرکز و تراکم جمعیت در چند شهر بزرگ اندونزی.
- ۳ - افزایش بیکاری در روستاها در نتیجه رشد بالای جمعیت به همراه انقلاب سبز، در اینجا زمینهای روستائی در اختیار گروه کوچک از جامعه قرار گرفت. و این عده روزه روز بر وسعت زمینهای خود افزودند. از طرفی بهره گیری از تکنولوژی جدید کشاورزی و افزایش قیمت زمین از عوامل مهم جریانهای روستائی در اندونزی بوده است.
- ۴ - محدودیت سطح اشتغال در شهرهای کوچک.
- ۵ - نارسائی و گاهی شکست در برنامه های مربوط به تهیه نخستین نیازها در سکونت گاههای انسانی.

فیلیپین:

- ۱ - رشد زیاد اقتصاد شهری در مقایسه با اقتصاد روستائی، عدم تعادلی در سطح اشتغال و درآمد میان شهر و روستا بوجود آورد و مهاجرتهاى روستائی را سبب گشته است.

۲ - جریانهای شدید مهاجرتی به نواحی بسیار توسعه یافته کشور و مهاجرت محدود به نواحی کم توسعه، این وضع از توزیع متعادل جمعیت در کشور جلوگیری کرد.

سیریلانکا:

برخلاف سایر کشورهای آسیائی، در کشور سیریلانکا به تعادل منطقی در توزیع جمعیت کشور میان شهر و روستا برخورد می کنیم و رشد معقول جمعیت در شهر و روستا به همراه مهاجرت محدود ناشی از تعقیب یک برنامه ریزی سالم می باشد که در زیر به سرخط آن اشاره می شود:

- ۱ - صنعتی شدن متناسب و منطقی کشور.
 - ۲ - انتخاب صحیح مراکز مهم صنعتی کشور نظیر صنایع فولاد و سیمان در مجاورت منابع مواد اولیه.
 - ۳ - تغییر تدریجی از اشتغال در کشت وسیع به کشت و زراعت در مزارع به همراه مالکیت زمین و کار مستقل.
 - ۴ - عواملی که به شهرنشینی و توسعه شهری امکان می دهند و یا آن را تضعیف می کنند عبارتند از:
 - ۵ - عملکرد منطقی دولتها در تهیه و حمایت از نیازهای نخستین زیربنائی جامعه روستائی، تضمین قیمت محصولات کشاورزی و بیمه تولیدات کشاورزی.
 - ۶ - اجرای سیاست رفاه اجتماعی نظیر کمکهای مالی، تحصیل رایگان، بهداشت و درمان رایگان در حوزه های روستائی^{۶۱}.
- البته پاره از عوامل محیطی نیز در قاره آسیا در مهاجرتها موثر می افتد از آن جمله است: ضعیف شدن خاک های کشاورزی، خشکسالی، سیل، هجوم ملخ.
- از بحث فشرده ای که در زمینه مهاجرت به شهرهای آسیائی بعمل آمد میتوان چنین نتیجه گرفت:

- ۱ - همه مردم می خواهند به درآمدهای بیشتری دست یابند.
- ۲ - مردم به جایی مهاجرت می کنند که مزد و حقوق بیشتری می دهند از اینرو ۹۰٪ مهاجرتها، مربوط به شرایط اقتصادی جامعه است.
- ۳ - صنعتی شدن با شهرنشینی و توسعه شهری وابسته بهم عمل می کنند.

61. Bhaskara Rao. «Environmental managment and migration». Reading in Environmental management. United Nations. 1980. pp. 202-206.

منابع فصل پنجم

- Annals of Association of American Geographers. Volume 69. 1979.
- Breese, Gerald. The city in Developing countries. prentice Hall. 1969.
- Bromly, Ray. Chris Gerry. Casual work and Poverty in Third world cities. John willy, sons. 1979.
- Greenwd H. Ned and J. M. B. Edwards. Human Environments and Natural systems. Duxbury press. 1973.
- Institute of scientific co-operation. Applied Geography and Development. Tubingen. Volume 19. 1982.
- Jordan G. Terry. The European culture Area. Harper and Row. 1973.
- Mingione, Enzo. social conflict and The city-Basil Blackwell. 1981.
- Rugg S. Dean. spatial Foundations of urbanism. WM. C. Brown company publishers. 1972.
- Richmond H. Anthony and Daniel Kubat. internal migration. SAGE. 1976.
- stretton, Hugh. Urban Planning in Rich and poor countries. Oxford University press. 1978.
- Third world planning review. Vol Three No. one. 1981.
- The Geographical magazine. May 1978.

۴ — عواملی که به شهرنشینی و توسعه شهری امکان می‌دهند و یا آن را تضعیف می‌کنند

عبارتند از:

- الف — عوامل فیزیوگرافیکی؛ منابع طبیعی، آب و هوا.
- ب — عوامل اکولوژیکی؛ فضای زندگی، میزان جمعیت.
- ج — عوامل ژئوپلتیکی؛ وابستگی به بازارهای جهانی، انزوایگزینی.
- د — عوامل اجتماعی — فرهنگی؛ همانندی قومی، ارزشهای فرهنگی.

United Nations Reading in Environmental management. 1980.
world Development. Vol 4. number 5, 1976.

Yeates H, maurice and Barry J. Garner. The North American city.
Harper, Row Publishers. 1971.

عوامل جغرافیائی و شهرهای اسلامی:

از مشخصات جغرافیائی شهرهای اسلامی، حالت درون مرزی بودن آنهاست. بدینسان که اغلب شهرهای اسلامی در داخل کشورها و در داخل خشکیهای نواحی جغرافیائی بوجود آمده و یا به اعتبار رسیده‌اند. البته این حالت سوای کیفیت توسعه شهرهای یونانی- رومی است که موقع جغرافیائی خود را از دریاها طلب می‌کردند.

آتن، کورنت^۱، کارتاژ، سیراکیوز^۲، اسکندریه، رم و قسطنطنیه از آن جمله است. حتی شهرهای مهم دو قرن اخیر کشورهای غربی مثل ونیز و ناپل، نیویورک، سن پترزبورگ (لنین‌گراد)، لیسبون، آمستردام، لندن، فیلادلفیا، کپنهاگ نیز توسعه شهری و اعتبار خود را از آبهای دنیا جسته‌اند. اما شهرهای اسلامی خاومیهانه، اغلب، موقع درون مرزی دارند نظیر ری، اصفهان، تهران، تبریز، مشهد، نیشابور، قاهره، قونیه، دمشق، حلب، بغداد، موصل. فراموش نکنیم پاره‌ای از شهرهای اسلامی مثل، استانبول که موقع بندری دارد به سبب شرایط خاص جغرافیائی و دفاعی، همواره نقش ناظر بر هجومهای خارجی داشته است و نمی‌توانسته از ارزش و اعتبار بیفتد و یا بنادری مثل طرابلس، صیدا و صور در یک دوره معین از شهرهای فعال ممالک اسلامی بشمار می‌آمدند^۳.

یکی از علل درون مرزی بودن شهرهای اسلامی به اوایل اسلام برمی‌گردد. بدینسان که اغلب شهرهایی که در دوره شکوفائی اسلام بوجود آمده‌اند در ابتدا به صورت اردوگاههای

1. Corinth.

2. Syracuse.

3. Charles Issawi «Economic Change and Urbanization in the Middle East», Middle Eastern Cities. University of California Press, 1966. p. 106.

مسلمانان بودند این اردوگاهها در حاشیه صحاری به تمرینات نظامی مسلمانان اختصاص داشت. بصره، کوفه و فسطاط از آن جمله است.

زمانی که مسلمانان به مصر، عراق و رم حمله می کردند زنان و کودکان خود را نیز با خود می بردند و وقتی که شهری را می گشودند در بیرون شهر چادر می زدند و در همان چادرها که در واقع اردوگاهشان بود با زن و فرزند اقامت می کردند مدتی که می گذشت خواه ناخواه مجبور می شدند خانه ها و بازارها و عمارات دیگری در آن بسازند و به تدریج شهرهای کوفه، بصره و فسطاط از آن اردوگاهها پدید آمدند^۴.

می دانیم که بیشتر کشورهای جهان اسلام در مناطق خشک و نیمه خشک قرار گرفته است. از این رو پاره ای از شهرهای اسلامی در نقش (بنادر صحرایی) ظاهر شده اند. این شهرها، در طول قرن ها، همه کاروانیان را پناه می دادند و در مبادله و توزیع کالاهای تجاری به مثابه یک بندر دریائی معتبر عمل می کردند. دمشق، حلب، کرمان و یزد از آن جمله است. از طرفی، شهرهایی هم که در ایجاد آنها خلفا و حکمرانان مؤثر بوده اند حالت درون مرزی داشته اند بغداد، سامره، قاهره نمونه روشن آن است. بدینسان می بینیم که شهرهای اسلامی، همواره به حالت درون مرزی پناه برده و از دریاها دوری می جستند. پاره ای از شهرها نیز که نقش خود را از بارگاههای دینی بدست آورده اند حالت درون مرزی دارند.

به طور کلی، شهرهای اسلامی، در محیطهای گوناگون جغرافیائی، در دشتهای ساحلی، دامنه کوهستانها، در حاشیه صحاری، در واحه ها، استپها و در مناطق جنگلی بوجود آمده اند. روشن است که همه این عوامل جغرافیائی در شکل گیری، توسعه و مورفولوژی شهرهای اسلامی اثرات چشمگیری داشته است. در این میان منابع آب و خاک حاصلخیز بیش از سایر عوامل جغرافیائی در بنیان و ادامه حیات شهرها بسیار مؤثر افتاده اند. شهرهای اسلامی ناحیه مدیترانه علاوه از شرایط محیطی از فرهنگ شهری یونانی، رومی و بیزانس نیز تأثیر پذیرفته اند. در همه شهرهای اسلامی در مدرسه ها، رصدخانه ها، مساجد، قصرها، کاروانسراها، بازارها، شرایط جغرافیائی، به همراه سنتهای فرهنگی عمل کرده است. شاید کمتر نواحی جغرافیائی را در دنیا سراغ داشته باشیم که مثل شهرهای اسلامی خاورمیانه، تا این حد رنگ محیط طبیعی بخود بگیرد و از محیط زیست و ناحیه جغرافیائی خود متأثر گردد. در شهرهای اسلامی، معمار مسلمان کوشش کرده است که اثرات خشنوت بار آب و

۴- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام. ترجمه و نگارش علی جوهر کلام. صفحه ۳۸۱.

5. V. F. Costello, Urbanization in the Middle East. Cambridge University Press. 1977. p. 5.

هوائی را با طرحهای معماری تعدیل کند. سقف پوشیده بازارها، حیاط بزرگ و پردرخت مساجد و خانه ها، آب نماها و حوضهای بزرگ خانه ها، کاروانسراها، مساجد و بازی نور و آب در این حوضها، دیوارهای گلی و بلند واحدهای مسکونی و ایوان خانه ها همه در جهت جلوگیری از شرایط نامساعد آب و هوائی و زیباسازی و سالم سازی محیط زیست شهری صورت گرفته است.

میان سالهای ۱۹۲۰-۱۸۰۰، که نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی بیشتر می شود شهرهای اسلامی خاورمیانه، ناگزیر با شبکه های مهم ارتباطی تجاری و مالی جهان پیوند می خورد و اروپائیان به عنوان مأمورین سیاسی، بازرگانان، کارشناس فنی، با سرمایه گذاری در منابع معدنی، کارخانه ای و یا مواد خام به شهرهای اسلامی وارد می شوند. روشن است که به موازات ورود اروپائیان، صادرات بیشتر مورد تأکید قرار می گیرد.

با ورود اروپائیان، اقتصاد درون مرزی شهرهای اسلامی که خاص شهرهای داخلی بود شکسته می شود و اقتصاد برون مرزی حاکمیت می یابد. از این رو لازم می آید که بنادر جدیدی ایجاد شود و بنادر کوچک موجود توسعه یابد. ایجاد، توسعه و شکوفائی بنداری چون پورت سعید، اسکندریه، بیروت، تریپولی، حیفا، بصره، بحرین، ازبیر، کازابلانکا، طنجه، رباط، آقادر و آبادان همه ناشی از تمایل شدید به یک اقتصاد برون مرزی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بوده است. البته در توسعه بنادر مسلمان نشین شمال آفریقا، مهاجرت صدها هزار فرانسوی، اسپانیائی و ایتالیائی بسیار مؤثر افتاده و ساخت بخشی از شهرهای مسلمان نشین این ناحیه را کاملاً در اختیار خود گرفته است و شهرهایی با دو چهره کاملاً متضاد بوجود آوردند که از مشخصات اکولوژیکی شهرهای استعمارزده خاورمیانه است.

توسعه شتاب زده بنادر کشورهای اسلامی با افزایش درجه شهرنشینی و توسعه شهری، همراه نبوده است. بدینسان که هر چند، چند بندر و شهر بزرگ به توسعه می رسید و افزایش جمعیت پیدا می کرد اما درجه شهرنشینی همچنان پائین بود. پائین بودن میزان شهرنشینی در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ ناشی از دو عامل زیر بوده است:

۱- توسعه بنادر به قیمت عقب ماندگی و توقف سایر شهرها تمام شده است. بخشی از تجارت قاهره به اسکندریه و پورت سعید انتقال یافت. بیروت بخشی بزرگی از تجارت دمشق و حلب و بنادر کوچک مثل صیدا را به خود اختصاص داد.

۲- کاهش صنایع دستی و پیشه وری، سبب شد که از توسعه سریع شهرهای حلب، دمشق، بغداد، قاهره، تبریز، اصفهان، بورسا، آماسیا، دیاربکر جلوگیری شود و این شهرها تنها

توانستند در برابر بنادر پررونق کشورهای اسلامی به رشد آرام خود ادامه دهند. در این توسعه آرام شهری، گاهی کاهش جمعیت برخی از شهرها، عوامل تجاری، گسترش شیوه زندگی غربی، توسعه کشاورزی در پاره‌ای از روستاها و شاید عوامل دیگر موثر بوده است. بی‌جهت نیست که مهاجرت از روستاها به شهرها، در کشورهای اسلامی خاورمیانه، تا جنگ اول جهانی فوق‌العاده ناچیز بوده است.^۶

از دهه ۱۹۲۰ به بعد یعنی در ۶۰ سال گذشته، رشد سریع جمعیت، کشف و بهره‌برداری از معادن نفت، اثرات ناشی از جنگ دوم جهانی، خروج دسته‌جمعی خارجی‌ان از پاره‌ای از شهرها، کمکهای خارجی، استقلال برخی از کشورها و امر صنعتی شدن، در افزایش میزان شهرنشینی و توسعه شهری از عوامل تعیین‌کننده به‌شمار می‌روند. این عوامل در برخی کشورها، جماعات انسانی را از داخل کشورها به سواحل و بنادر کشانیده و در بعضی کشورها، به شهرهای درون‌مرزی توسعه شتاب‌آلودی بخشیده است. امروزه که بر شتاب توسعه شهری و شهرنشینی در کشورهای اسلامی خاورمیانه افزوده شده است. می‌توان مشخصات زیر را در مورد شهرهای اسلامی بیان کرد:

۱ — جمعیت فوق‌العاده زیاد نخستین شهر کشورهای اسلامی، تا آنجا که گاهی ۳ تا ۸ برابر دومین شهر جمعیت دارد و ظهور جهان‌شهرهای جدیدی را امکان می‌دهد. در نخستین شهرهای ممالک اسلامی معمولاً ۳۰٪ تا ۷۰٪ شاغلین به صنعت گرد آمده‌اند. در همان حال این قبیل شهرها از مراکز مهم فرهنگی کشورهای اسلامی نیز بشمار می‌روند. قاهره، استانبول، تهران، بغداد، تونس از آن جمله است و این آغازی است در جهت تشکیل مگالاپلیس در کشورهای اسلامی، بدانسان که هم‌اکنون مقدمه آن با توسعه شهرهای اسکندریه و قاهره و به هم‌پیوستگی آنها به عنوان یک مگالاپلیس فراهم آمده است. کشورهای نفت‌خیز اسلامی، بالاترین درآمدهای حاصل از نفت را بیشتر در نخستین شهر خود صرف می‌کنند.

۲ — در داخل شهرها، هنوز هم هر محله‌ای به صورت یک گتو عمل می‌کند. از یک نوع استقلال و هویت خاصی برخوردار است. روابط قومی، قبیله‌ای، مذهبی و زبانی حاکم بر آنهاست.

۳ — مطالعات انجام شده در شهرهای اسلامی بیانگر این واقعیت است که بیشتر مهاجرتها روستائی عامل اقتصادی دارند. ۶۵٪ مهاجرین شهر بیروت، ۶۰٪ مهاجرین

6. Charles Issawi «Economic Change and Urbanization in the Middle East». Middle Eastern Cities. University of California Press. 1969. p. 110.

اسکندریه و بیشتر مهاجرین شهرهای استانبول، آنکارا و بغداد به جهت شرایط نارسای اقتصادی در روستاها، به شهرها مهاجرت کرده‌اند. اصولاً بیشتر مردمی که امروزه در شهرهای اسلامی زندگی می‌کنند منشاء روستائی دارند و بخشی نیز از شهرهای کوچک آمده‌اند.

۴ — همه درآمدها و یا کمکهای خارجی، در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی و یا به صورت هزینه‌های نظامی خرج می‌شود و در نهایت از این جریان، جمعیت شهرنشین بهره‌مند می‌گردد.

۵ — افزایش سالیانه جمعیت در کشورهای اسلامی در دهه ۱۹۲۰ در حدود ۱٪ بوده است که هم‌اکنون این میزان به ۳٪ افزایش یافته است.

اروپائیان و شهرهای اسلامی:

از قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰، استعمار اروپا یک دوگانگی به شهرهای اسلامی تحمیل کرد. این دوگانگی با افزودن شهر اروپائی به شهرهای قدیمی و اسلامی بوجود آمد: تونس، الجزایر، فاس^۷، رباط نمونه‌ای بر این گفته است. شهر اروپائی غالباً در بیرون از دیوارهای شهر قدیمی ساختمان می‌شد. از طریق این شهر اروپائی، شهروندان مسلمان با شیوه زندگی اروپائیان آشنا می‌گشتند. عده‌ای از اعراب با پذیرش شیوه زندگی اروپائیان نه تنها ساخت فیزیکی شهرها بلکه بافت فرهنگ شهری را نیز به دوگانگی کشانند.

بعد از ورود استعمار، در کوتاه‌مدت، اهمیت اجتماعی-اقتصادی شهر قدیم به سرعت کاهش می‌یافت و نقش دولتی و سیاسی شهر در بخش اروپائی نشین جا می‌گرفت. بخش دولتی به موازات ایجاد مرکز جدید تجاری در شهر اروپائی یعنی در بخش جدید شهر، بوجود می‌آمد. مرکز جدید تجاری با بازار قدیم شهر به رقابت نمی‌پرداخت، زیرا مرکز جدید، مشتریان ویژه خود را داشت. اما کانون جاذبه شهر جابجا می‌گشت و این کانون به مرکز جدید تجاری انتقال می‌یافت.

به محض توسعه بخش اروپائی نشین یا شهر اروپائی، خانواده‌های ثروتمند، شهر قدیم را ترک می‌گفتند تا در بخش اروپائی نشین به امکانات و تجهیزات تازه‌ای دست یابند. در اغلب شهرهای اسلامی، تقریباً ۴۰ سال بعد از تسلط استعمار، همه خانواده‌های ثروتمند جامعه شهری، حتی بخش بزرگی از طبقه دوم، شهر قدیم را ترک کردند. به جای این عده، مهاجرین روستائی و یا مهاجرین شهرهای کوچک وارد بخش قدیم شهر شدند. با شدت‌یابی

7. Fez.

مهاجرتهای روستائی، در هر یک از واحدهای مسکونی چندین خانواده زندگی می کردند. بعد از جنگ دوم جهانی، شهرهای استعمارزده اسلامی، به تراکم اضافه جمعیت گرفتار آمد. چنانکه در شهر تونس در هر هکتار ۱۲۰۰ نفر زندگی می کردند. این اضافه جمعیت به همراه فقدان تعمیرات کافی، واحدهای مسکونی بخش قدیمی شهر را به ویرانی کشاند. از طرفی این وضع، گروه سنی جوان بخش قدیمی شهر را ناگزیر ساخت که در اولین فرصت، منطقه سکونتی خود را ترک گوید و در حومه ها به دنبال واحدهای مسکونی مطلوب با فضای بیشتر بگردد. بدینسان بخش قدیم شهرهای اسلامی که روزگاری تعادل مطلوبی در محیط اجتماعی شهر نشان می داد به صورت گتوهای اجتماعی طبقه کم درآمد و گروه سالمند درآمد.

بعد از ترک اروپائیان، عده ای از خانواده های طبقه دوم که هنوز در بخش قدیم شهر زندگی می کردند به سبب وجود محلهای اشتغال در بخش اروپائی نشین به این بخش انتقال یافتند و در خانه های اروپائیان ساکن شدند.

تعادلهای اکولوژیکی و شهرهای اسلامی:

عده ای از محققین معتقدند که دین اسلام با نظام ارزشی خود، الگوهای رفتاری، نقش سازمانهای اجتماعی و مورفولوژی سکونتگاههای انسانی را تعیین کرده است. برای این عده، شهرهای اسلامی، حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین اسلامی است که می توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد. در عوض، برخی از محققین به جای استفاده از عنوان شهرهای اسلامی، به مفاهیم حاصل از اسلام در شهرها معتقدند.

از اوایل دهه ۱۹۶۰، اعتراض و بازنگری نسبت به تکنولوژی مهار نشده و اثرات آن در محیط زیست، به ویژه انطباق تکنولوژی پیشرفته در جوامع در حال توسعه آغاز می شود. این جریان فکری را بعدها مطالعات باشگاه رم^۸ در زمینه کیفیت محیط زیست انسان و انتشار کتاب (کوچک زیباست)^۹ تکمیل می کند. انطباق نوع تکنولوژی بر محیط زیست و بازنگری به تکنولوژی پیشرفته و نتایج حاصل از تخریب محیط زیست، کاملاً با اصول و معتقدات اسلامی پیوند می خورد.

جهان و تعادلهای فوق العاده حساس محیط زیست که آفریدگار جهان آن را سامان

۸- باشگاه رم، در سال ۱۹۶۸، بعنوان یک مؤسسه جهانی، از فلاسفه، علمای محیط زیست، اقتصاددانان و محققین علوم اجتماعی تأسیس گردید. اهداف آن عبارت بود از: مطالعه و تحقیق در زمینه مسائل مربوط به جهان غنی و فقیر، تخریب محیط زیست، برنامه ریزی شهرت و مشکلات اجتماعی.

۹- ای. اف. شومانر، کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، سروش، تهران ۱۳۶۰.

داده است امروز، در غرب به عنوان نظام اکولوژیکی، بحثهایی را موجب گشته است. انسان با نظام اکولوژیکی نمی تواند معامل کند، نمی تواند در آن مداخله نماید، آن را تضعیف کند و در نهایت به تعادلهای اکولوژیکی آسیب رساند. این طرز تفکر اکولوژیکی، کاملاً با نظام جهان و تعادلهای حساس محیطی منطبق است. بی جهت نیست که در اعتقادات اسلامی، روی تکنولوژی میانی و شایسته محیط زیست، تأکید می شود و سعادت انسان را در آن می یابد که در یک محیط هماهنگ با محیط طبیعی و یکدلی با آفریدگار این نظام اکولوژیکی زندگی کند. چنین می نماید که در اعتقادات اسلامی، انسان مسئول حفظ و نگهداری تعادلهای محیطی می باشد. در گذشته که اصول و اعتقادات اسلامی، محیط زیست شهری و معماری شهرها را تعادل و توازن می بخشید ناشی از این طرز تفکر اسلامی بود که امروزه پاره ای از آنها در تفکرات علمی برنامه ریزان شهری، -جغرافی دانان، جامعه شناسان و معماران غربی دیده می شود.^{۱۰}

ناحیه گرایی در شهرهای اسلامی ساخت اکولوژیکی شهرها و محیط زیست شهری را آسیب پذیر ساخته و وصله های ناجوری به عنوان شهرکهای جدید و محلات جدید تعادلهای محیطی را بر هم زده است. معماری اسلامی با خلق یک اثر به صورت میدان، محله، ساختمان، آن را به عنوان یک تولید فیزیکی که می تواند خادم نسلهای زیادی باشد بوجود می آورد و در ساخت آن روح و فرهنگ مردم و شیوه زندگی آنها را دخالت می دهد. معمولاً در معماری اسلامی چهار عامل مهم تعیین کننده می باشد:

- ۱- شرایط آب و هوایی.
- ۲- مواد و مصالح محلی.
- ۳- فورمهای سنتی.
- ۴- شیوه زندگی و ارزشهای اسلامی و اجتماعی.

در دوره های تاریخی، عدم توجه به شرایط ناحیه ای و تعادلهای اکولوژیکی، حتی در سقوط و یا کاهش اسباب شهرهای اسلامی موثر بوده است. بدینسان که علاوه بر حملات خارجی و حوادث مهم تاریخی، در کاهش و یا سقوط شهرهای اسلامی، عامل از بین رفتن منابع چوب و تهیه لوار بسیار تأثیر داشته است. چوب مهمترین مواد و مصالح ساختمانی و تأسیسات شهری بود. استفاده از چوب از ساختمان خانه تا کشتی سازی، شخم زنی و سوخت متداول بود. متأسفانه به سبب چرای بی حد، نابودی تدریجی مراتع و قطع درختان، در نهایت

10. Friedrich R. Ragette. «The Congruence of recent western design Concepts with Islamic Principles». Ekistics. Vol 47, Jan/Feb. 1980. p. 39.

فرسایش شدید خاک، تعادلهای اکولوژیکی را در مناطق خشک و نیمه خشک کشورهای مسلمان نشین خاورمیانه نابود می سازد و در نتیجه از اعتبار و اهمیت شهرها نیز کاسته می شود.^{۱۱}

پیامبر اسلام (ص) می فرمود هرکسی که درختی بنشانند خداوند به او به اندازه میوه های آن پاداش می دهد.^{۱۲} حضرت رسول (ص) حفاظت باغها و جنگلهای اطراف مدینه را همواره سفارش می فرمود و برخی از این جنگلهای به مثابه پارک تابستانی مردم به شمار می آمد. قطع درخت مذموم بود و هر شهری دارای مناطق حفاظت شده ای بود که برای سالم سازی محیط زیست لازم شمرده می شد.

مثل این است که نظام اسلامی، قوانین آن، حفاظت مکانهای عمومی، فضاهای سبز، جنگلهای، سواحل دریاها، دریاچه ها، کناره های رودها را جهت استفاده عموم لازم می داند. بدینسان در بسیاری از کشورهای اسلامی، در دوره های تاریخی، از به تاراج رفتن محیط طبیعی، آلودگی محیط زیست انسان و بهره برداری شخصی از فضاهای سبز، سواحل دریاها و مکانهای عمومی به عنوان دارائی شخصی جلوگیری شده است.

در دوره امپراطوری عثمانی قوانینی برای حفاظت محیط زیست تهیه شد که در همه کشورهای تحت سلطه عثمانی قابل اجرا بود: «دریاها، دریاچه های بزرگ، رودها، فضاهای سبز، مراتع، مکانهای ملی، تحت نظارت دولتها می باشد. هر فردی می تواند از این مکانهای عمومی استفاده کند اما هرگز نباید موجب تخریب و ویرانی آنها گردد. هیچ فردی حق ندارد فرد دیگری را از بهره گیری از این مکانها مانع شود. این مکانها مالکیت عمومی دارند»^{۱۳}.

در دورهای که این قوانین اجرا می شد محیط زیست انسانی از تعرض و تخریب برکنار بود. شهرها به توسعه مطلوب و متعادل دست یافتند و سواحل، دریاها، دریاچه ها و کناره رودها از آلودگی نجات یافت. روشن است در دوره هایی که این سواحل و محیطهای طبیعی به مالکیت شخصی درآمدند زیباییهای محیط زیست نابود گردید و محیط زیست انسانی نیز آلوده و به زشتی گرائید.

11. V.F. Costello. Urbanization in the Middle East. Cambridge University Press. 1977. p. 18.

۱۲- ما من رجل یغرس غرسا الا کتب الله من الاجر قدر ما یخرج من ثمر ذلک الغراس. المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی. لیدن ۱۹۶۲.

13. Ali Safak. «Urbanism and Family Residence in Islamic Law». Ekistics Vol 47. Jan/Feb. 1980. p. 23.

در دوره های تاریخی، در پاره ای از کشورهای اسلامی، زمانی که دولتها هزینه سالم نگهداشتن حوزه رودها را در اختیار نداشتند در بخشهای نزدیک شهرها مشارکت مردم سبب جلوگیری از آلودگی رودها می شد. این طرز تفکر نیز که از قوانین اسلامی گرفته شده بود شرکت مردم را در وظایف شهرداریها نشان می دهد و بیانگر این واقعیت است که همه مردم در برابر حفاظت محیط زیست و دارائیهای عمومی به یکسان مسئولند. برابری یک روایت روزی حضرت علی علیه السلام به اشغال بخشی از خیابان به وسیله مغازه داران برخورد می کنند سؤال می فرمایند اینها چیست؟ پاسخ می شنید که کالاهای مغازه داران است و یا مواد مورد نیاز در ساختمان مغازه هایشان می باشد. حضرت علی می فرماید کوچه ها و خیابانها، دارائی اختصاصی مغازه داران نمی باشد این کوچه ها و خیابانها از آن همه مسلمانان می باشد.

با استفاده از دستورات اسلامی می توان چنین نتیجه گرفت:

۱- اسلام دسوراتی در زمینه حرایست از تعادلهای اکولوژیکی و سالم سازی محیط زیست و سکونتگاههای انسانی صادر کرده است.

۲- اسلام حق مالکیت عمومی و خصوصی را قبول کرده است. اما میان این دو نوع مالکیت به یک تعادلی معتقد است. اگر این دو حقوق برخورد داشته باشد حقوق عمومی و نفع عمومی مقدم شمرده می شود.

۳- زمانی که یک شهر به وسیله مسلمانان ایجاد می شد در ابتدا، مسجد مرکزی شهر، دادگاه دولتی و میدان اصلی تعیین و ساختمان می گشت. بعد خیابانها و کوچه های اصلی به چهار سمت مختلف احداث می شد. عرض خیابانها و کوچه ها همواره با در نظر گرفتن نفع عمومی و نیازهای مردم معین می گشت.

۴- خیابانها، کوچه ها، میدانها و بازارها به عنوان اموال عمومی و جهت استفاده همه مردم شهرها بوجود می آمد. در این محلهای، قدرت قانون، اجازه استفاده شخصی یا حق ویژه را به هیچ فردی نمی داد.

۵- افراد حق آلوده ساختن آب و اتلاف آن را نداشتند.

۶- افراد حق تجاوز به سواحل دریا و زیباییهای طبیعی و مکانهای عمومی را ندارند همه ویژگیهای محیط زیست در جهت سالم سازی محیط زندگی و سلامتی عمومی، باید بوسیله قوانین پاسداری شود.

۷- شرکت همه مردم شهری می تواند محیط زیست سالم شهری فراهم آورد.

۸- معماری اصیل اسلامی در همه ساختمانهای دولتی و شخصی بکار گرفته

در شهرهای اسلامی سنتی، هر محله‌ای، مسجدی داشت که علاوه بر عبادت آموزش افراد محله را نیز بعهده می‌گرفت. مسئولین محلی، در صورت نیاز، به آسانی می‌توانستند با شهروندان تماس بگیرند و اطلاعات لازم را کسب کنند. اکنون این وظیفه را بانک اطلاعات انجام می‌دهد. هر بازار محله، برای طبقه کم درآمد محل اشتغال بشمار می‌رفت. محله به مثابه خانه خانواده، هاب بود و وابستگی محله‌ای بسیار عمیق می‌نمود. حریم محله محترم شمرده می‌شد. تاسف بار است گفته شود زمانی که در شهرهای اروپائی با پذیرش ارزشهای محله‌ای در قالب (واحد خودیار) و در شوری به عنوان (میکرورایون)، نظام توسعه شهری و برنامه‌ریزی شهری تعیین می‌شود و در این محلات، شبکه‌ای از پیاده‌روها، محله را در بر می‌گیرد و سعی می‌کنند تا وسایل نقلیه موتوری از داخل محلات و یا بخشهای تاریخی شهرها حذف شود مسئولین شهرهای اسلامی با نابودی شبکه پیاده‌روهای غنی و پراورش خود، به فکر خفه کردن محلات و بخشهای مهم شهری یا توسعه خیابانهای اتومبیل‌رو می‌افتند.

روشن است که به جای حذف وسایل نقلیه موتوری به حذف همه ارزشهای محله‌ای و فرهنگی خود تاکید می‌کنند. هم اکنون معماران مسلمان بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند: توجه به الزامات یک شیوه معماری مبتنی بر آراء غربی از یک سو، مقتضیات حفظ یک هویت ملی و یک میراث فرهنگی پرتوان اسلامی از سوی دیگر. تا آنجا که به محیط زیست جامعه اسلامی مربوط است طرز تفکر غربی نه تنها منجر به ایجاد شرایط زندگی بهتر نشده، بلکه موجب نقض واریگی یا نابودی کامل شهرهای اسلامی مثل قاهره، استانبول، تهران و جد شده است و ما امروز بهتر این نکته را دریافته‌ایم که شهرهای مزبور سابقاً دارای کیفیت اکولوژیکی صحیحی بوده‌اند. در شهرهای اسلامی گذار از یک فرهنگ، به فرهنگ دیگر چنان ناگهانی بوده است که فرصت تبلور و تنظیم مجموعه روشنی از تعاریف و اهداف را بدست نداده است.

سرنوشت استانبول، قاهره، دمشق و بیت المقدس بسیار آموزنده است زیرا سلیقه غربیها در معماری دیرزمانی است که بدانجا راه یافته است. محیط زیست گذشته، توان قابل ملاحظه‌ای بری بقاء دارد. علیرغم معالیهان شدیداً مخرب در دهه‌های اخیر، محیط زیست سنتی، خصوصاً در نواحی روستائی و نیمه روستائی، شهرهای کوچک، هنوز هم امکان آن را دارد که تا مدتی پابرجا بماند. در میان معماران مسلمان، گرایش فزاینده‌ای نسبت به ارزیابی و کاربرد شیوه‌های سنتی معماری بذاته مولود مدینه‌ای نیست بلکه بیشتر محصول ناتوانی از

۱۴. Ali Safak, «Urbanism and Family Residence in Islamic Law», Ekistics, Vol 47, Jan/Feb, 1980, pp. 23-24.

درک کردن و آشتی دادن دید تحمیلی غربیها نسبت به شهر و معماری آن، با شیوه زندگی سازم با آن است. عده‌ای از معماران مسلمان به رابطه بیانی سرک و فرزند و اهمیت سکهای محلی تاکید می‌کنند و در واقع استفاده کارآمد و آگاهانه از فرمهای سنتی همراه با کاربرد نسبی شیوه‌های جدید می‌تواند منجر به یافتن راه‌حلهائی برای مساله زیبایی ساختمان در عین تامین وسائل راحتی موجود در بناهای جدید شود. طرحهای نوسازی شهری که اصول فضا سازی غربی را داخل بافت شهری موجود می‌کنند نتایج فاجعه آمیزی بدست می‌دهد. نوسازی مرکز شهر مشهد در اطراف حرم حضرت رضا علیه السلام، نابودی قابل پشیمانی بخشی قدیمی شهر استانبول و تخریب محلات قدیمی جدّه و مکه از آن جمله است^{۱۵}.

شهرهای اسلامی سنتی:

شهرهای اسلامی سنتی، بر اساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر موم، حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت گزینی شکل گرفته بود. این طرز تلتی از زندگی کاملاً در ساخت اکولوژیکی شهرهای اسلامی موثر افتاده است که مرزهای پردوام محلات و خانه‌ها، بن بست بودن کوچه‌ها و محلات، انتخاب نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه مردم محله، نمونه روشن آن است. چیزی که اخیراً در باغشهرهای اروپای شمالی متداول گشته است. در این باغشهرها به حریم محلات و خلوت گزینی تاکید بسیار می‌شود^{۱۶}.

«شهر اسلامی، بیش از آنکه منزلگاهی برای قافله‌های عازم نواحی دوردست یا رابطی برای حمایت از مومنان در برابر هجوم دشمنان باشد مأمن شیوه‌ای از زندگی بود که در آن همگان در تصمیم گیری و اجرای امور، مشارکت داشتند. مسجد نخستین وجه تمایز شهر اسلامی از ده بود. بازاری با اصناف جداگانه، چند کاروانسرا و گرمابه نیز در آن وجود داشت. دنیای کوچکی بود با تشکیلات متحدالمرکز و مبتنی بر سلسله مراتب، که آرمان مذهبی و اجتماعی اسلام در آن تجسم یافته بود. دنیائی که در آن مردم با یکدیگر می‌زیستند، با یکدیگر عبادت می‌کردند و آمل مشترک داشتند. هدف گرد آمدن بود نه پراکنده شدن، یگانه گشتن بود نه جدا شدن»^{۱۷}.

در شهرهای اسلامی سنتی، بخش مرکزی شهر، به جزیره‌ای می‌ماند که اطراف آن را

۱۵- دوگان کوپان «پاسداری از میراث قدیم در معماری جدید» مجله پیام، بهمن ۱۳۶۰ صفحات ۷۵-۶۸.

16. Francois-Auguste de montequin «The Islamic City», Ekistics, Jan/Feb 1980, p. 37.

۱۷- دنیای اسلام، مأموریت جهانی اسلام، مجله پیام صفحه ۱۸.

شبکه‌ای از پیاده‌روها احاطه می‌کرد. بخش مرکزی شهر، یک محیط فیزیکی با ارزشهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و پادار میراثی دینی و فرهنگی مسلمانان بود. شهرهای اسلامی سنتی عوامل شهری منحصی به این شرح داشته‌اند:

- ۱- بازارها ۲- مساجد ۳- ارک دولتی ۴- محلات خودیار ۵- کاروانسراها ۶- مدارس و حوزه‌های علمی ۷- انجمنهای صنفی.

بازار از مشخصات مهم شهرهای اسلامی محسوب می‌شود که هنوز هم با گذشت قرن‌ها، ارزش و اعتبار خود را در شهرهای اسلامی از دست نداده است. در قرون وسطی، در ایران، ترکستان، افغانستان، بین‌النهرین و ماوراء قفقاز، بازارها سرپوشیده و سقف آنها هلالی بود ولی در سوریه و مصر که احتمال بارندگی کم بود نخست روی طاق را چوب بست می‌زدند و سپس روی آن را با حصیر می‌پوشانیدند تا از حرارت خورشید گزندگی به مردم نرسد.

بازارهای مهم شهرهای اسلامی، در دوره قرون وسطی، عبارت بودند از: بازار جواهرفروشان، بازار فرشفروشان، بازار نساجان، بازار کفاشان. بازار رویگران، بازار چلنگران، بازار آهنگران، بازار درزبان، بازار بزازان، بازار خرازیها، بازار عماده و مندیله فروشان، بازار رنگرزان، بازار شیرینی فروشان، بازار سفالگران، بازار مرغ فروشان، بازار کنده کارها و حکاکها؛ در هر یک از این بازارها، صنفهای مربوط به نقش بازار نیز فعالیت می‌کردند مثلاً در بازار درزبان، پارچه‌فروشی، رفوگری، گلدوزی، قلابدوزی، اتوکنشی، لکه‌گیری هر یک مغازه ویژه داشتند.

در بازار سفالگران نیز، نقاشان هنرمند و بندزن‌ها کارگاههای مخصوصی داشتند. در بازار مرغ فروشان نه تنها مرغ بفروش می‌رسید بلکه کبوتر، قمری، طاووس، قناریهای ایالت بنگال و طوطیها و پرندگان زیبای سرزمینهای دیگر نیز دیده می‌شد. در بازار گل‌فروشان، انواع گلها، گیاهان، رستنیها، انواع قلمه‌ها، نهالها و درختان کوچک فروخته می‌شد. گاهی هم در بعضی از شهرها، بازارهای بین‌المللی تشکیل می‌شد که در آنها همه نوع جنس مع ماه می‌گشت. بازار فروش اسب در ترکستان، بازار الاغ در خوزستان، بازار گربه در اردبیل که در آن زیباترین گربه‌های جهان عرضه می‌شد از آن جمله است.^{۱۸}

حال بازارهای یک شهر اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و وضع فعلی آن را از نظر می‌گذرانیم تا نمونه‌ای از بازارهای شهرهای اسلامی زمان ما باشد. اگر از مسجد جمعه شهر لاهور حرکت کنیم در برصه کالاهای تجاری و مواد قابل فروش در بازارها سلسله‌مراتبی

۱۸- علی‌مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی. ترجمه مرتضی راوندی. ص ۳۰۰-۲۸۸.

به شرح زیر می‌یابیم:

- ۱- شمع‌فروشی، عطریات.
- ۲- کتابفروشی‌ها، مغازه‌های فروش نوشت‌افزار، صحنی.
- ۳- قیصریه شامل فراورده‌های نساجی، کالاهای گرانبها، لباس‌فروشی.
- ۴- کنش‌فروشی.
- ۵- فرش‌فروشها، خیاطها، پرده‌فروشها.
- ۶- جواهرفروشها، در قیصریه یا در مجاورت آن.
- ۷- گوشت‌فروشی و مغازه‌های فروش مواد غذایی.
- ۹- در دروازه‌های شهر مغازه‌های آهنگری، نعلبندی، پشم‌بافی، زمین‌سازی، زنیل‌سازی.^{۱۹}

بیرون از دروازه‌های شهر:

فعالتهای مربوط به دیباغی، رنگریزی و کارگاههایی که بوهای تند و ناراحت‌کننده تولید می‌کردند در بیرون از دروازه‌های شهر قرار داشتند. از طرفی کارگاهها و تولیداتی که به فضای وسیع احتیاج داشتند در بیرون از دیوارهای شهری مکان‌یابی می‌کردند. گاهی نیز بازارهای مکاره، نمایشگاه، انواع بازیها و سرگرمیها در بیرون از دروازه‌ها دایر می‌شد. ساختمانهای مربوط به کاروانها در پشت دیوارهای شهر بنا می‌گشت. در پاره‌ای اوقات مهاجرینی که تازه به شهر آمده بودند در پشت دیوارهای شهری حومه خوابگاهی ایجاد می‌کردند.^{۲۰} باغهای ثروتمندان و خانه‌های تابستانی آنها نیز در این بخش قرار داشت. گورستانها نیز از جمله مؤسساتی بود که در بیرون از دیوارهای شهری ایجاد می‌شد. زمانی که در پشت دروازه‌ها و دیوارهای شهر، حومه خوابگاهی و یا ساختمانهایی بنا می‌گشت بلافاصله بازارچه‌ای نیز بوجود می‌آمد تا پاسخگوی نیازهای روزانه و هفتگی ساکنین باشد. گاهی نیز در اطراف شهرها میدانهای تیراندازی و اسب‌سواری ایجاد می‌شد تا مسلمانان با تمرینات مرتب خود را در برابر دشمنان قوی سازند.

رابطه شهر و ده:

معمولاً شهرهای اسلامی، با روستاهای منطقه نفوذ خود از سه طریق در ارتباط بودند:

- ۱- تعداد زیادی از روستاها مواد غذایی شهر را تأمین می‌کردند. این روستاها، نظم

19. Samuel V. Noe, «in Search of the traditional Islamic City: an analytical Proposal with Lahore as a case-example», Ekistics, p-69.

20. Samuel V. Noe, «in Search of the traditional Islamic City. Ekistics, p. 69.

منابع فصل ششم

- Brown, L. carl. From madina to metropolis. The Durwin press. 1973.
 Costello, F. V Urbanization in the Middle East. Cambridge University press. 1977.
 Lapidus. M. Ira. Middle Eastern Cities. University of California press. 1969.
 Ekistics. Vol 47, Jan/Feb. 1980.

المعجم المفهرس لالفاظ الحديث النبوی. لیدن ۱۹۶۲.

مظاهری، علی. زندگی مسلمانان در قرون وسطی. ترجمه مرتضی راوندی. مرکز نشر سپهر. ۱۳۴۸.

زیدان، جورجی. تاریخ تمدن اسلام. ترجمه و نگارش علی جواهرکلام. امیرکبیر ۱۳۵۲.

مجله پیام. دی ۱۳۵۶.

مجله پیام. آبان- آذر ۱۳۶۰.

- و امنیت و قانون از شهرها طلب می کردند. و شهر امنیت روستاها را تأمین می کرد.
 ۲- شهر از طریق علمای اسلامی و مفسران قرآن با روستاها در ارتباط بود.
 ۳- فروشندگان و بازرگانان شهری با روستاها در جهت خرید تولیدات روستائی و فروش فرآورده های شهری در رابطه بودند.
 روستاها به تولیدات مواد غذایی می پرداختند و چندان قدرتی نداشتند که در توسعه شهری و فرهنگ شهری نقش مهم داشته باشند. فعالیت اقتصادی شهرها، مربوط به تجارت بود به ویژه که تجارت با شهرهای معروف و دوردست، بر اعتبار شهرها می افزود. اصولاً اعتبار عمده شهرها به تجارت خارجی وابسته بود.
 از قرن ۱۷ و ۱۸ به سبب عدم امنیت کافی در روستاها، مهاجرت به شهرها شروع می شود و در اغلب موارد، روستاها از جمعیت خالی می گردد. گاهی تعداد روستاها به $\frac{۱}{۸}$ کاهش می یابد. در پاره ای اوقات، روستائیان به سبب عدم امنیت، در اطراف شهرها به کشاورزی می پردازند اما در داخل شهرها زندگی می کنند. البته در دوره های تاریخی، روستائیان به هنگام قحطی و یا بدهوائی نیز به شهرها هجوم می آوردند زیرا در سابق، میان شهر و روستا، راههای مرتبی وجود نداشت تا مواد غذایی مورد نیاز به هنگام وقوع حادثه در اختیار آنان قرار داده شود.

فصل هفتم

آینده شهرها و توسعه شهری

افزایش جمعیت شهری

شهرنشینی و توسعه شهری به وسعت امروزی، پدیده تازه‌ای است که همه قاره‌های سیاره زمین را تحت تسلط خود گرفته است. حدس می‌زنند که در سال ۱۸۰۰، کمتر از ۳٪ مردم جهان در شهرها زندگی می‌کردند. این نسبت در سال ۱۹۲۰ به ۱۴٪ رسید و در سال ۱۹۵۰ تا ۲۵٪ افزایش یافت. درجه بالای شهرنشینی در این دوره‌ها، به توسعه صنعتی در کشورهای توسعه یافته وابسته بود و در این سال‌ها، شهرهای بزرگ به عنوان کانون اصلی صنایع، فعالیت‌های تجاری و فرهنگی شناخته می‌شدند. برابر بررسی‌های سازمان ملل، هم‌اکنون جمعیت شهرنشین دنیا، سالانه ۳٪ افزایش می‌یابد. این نسبت در کشورهای توسعه یافته و صنعتی، سالانه ۱/۷٪ می‌باشد، در حالی که افزایش سالانه جمعیت شهری در کشورهای در حال توسعه از ۴٪ نیز تجاوز می‌کند^۱. چنین می‌نماید که جمعیت شهرنشین دنیا، از سال ۱۹۵۰ به بعد، دو برابر گشته است. پیش‌بینی می‌شود که قبل از پایان قرن بیستم، جمعیت شهری بار دیگر دو برابر گردد، بدین سان که ۱۶ سال بعد، ۵۰٪ جمعیت دنیا ساکن شهرها خواهند بود. برابر گزارشات بانک جهانی، در سال ۱۹۸۰، در حدود ۳۳٪ جمعیت کشورهای در حال توسعه، ۹۹۵ میلیون نفر، در شهرها زندگی می‌کردند این نسبت در سال ۲۰۰۰، به ۴۴٪ افزایش می‌یابد. روشن است که این افزایش شتاب‌آلود جمعیت شهری، تخریب شدید کیفیت زندگی را به دنبال خواهد داشت^۲. در سال‌های آینده، شاید همه

شهرهای پر جمعیت و پایتخت‌های کشورهای جهان سوم در ردیف شهرهای انگلی طبقه‌بندی شوند چرا که این قبیل شهرها، همه نواحی جغرافیایی، شهرها، شهرهای متوسط، شهرک‌ها و روستاها را، حتی از توسعه آرام نیز باز می‌دارند و توسعه نیافتگی را بر همه نواحی کشوری تحمیل می‌کنند. از طرفی نخستین شهرهای ممالک جهان سوم نیز به دو بخش کاملاً مجزا، با دوگانگی اقتصادی تقسیم می‌شوند: شهر معمولی با اقتصاد شهری و شهر فقرا و بیکاران با اقتصاد فقر^۳.

در سراسر جهان، به سال ۱۹۵۰، تنها ۶ شهر بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت داشتند و مجموع جمعیت آنها از ۴۴ میلیون نفر تجاوز نمی‌کرد. این میزان در سال ۱۹۸۰ به ۲۵ شهر با بیش از ۲۵۰ میلیون نفر رسید. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۰۰، ۶۰ شهر بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت و مجموع جمعیت این شهرها از ۶۵۰ میلیون نفر تجاوز خواهد کرد. تأسف انگیز است گفته شود که از این میزان، ۴۵ شهر در کشورهای در حال توسعه در ردیف شهرهای ۵ میلیونی قرار می‌گیرد و قاره آسیا، این کهن‌ترین کانون تمدن بشری، بیشترین شهرهای بیش از ۵ میلیون نفری را به خود اختصاص می‌دهد. در قاره آسیا، اردوگاه‌های بزرگ بی‌خانمانان و خانه‌به‌دوشان، چهره‌های فقرآلود شهرهای بزرگ را به نمایش می‌گذارند^۴.

با توجه به آنچه که گفته شد پیش‌بینی می‌شود که در دو دهه آینده، بیش از ۶۰۰ میلیون نفر به نیروی کار کشورهای در حال توسعه افزوده می‌شود. روشن است که بیشتر این توده‌های انبوه انسانی، جهت کارایی به شهرها بویژه به شهرهای بزرگ جهان سوم سرازیر می‌شوند. در حالی که هم‌اکنون نیز، بیکاری مرمز، کارهای نیمه‌وقت و فصلی، منشاء بسیاری از مسایل شهرهای بزرگ جهان سوم می‌باشد. بدین سان، در سال‌های پایانی این قرن، رژه میلیون‌ها بیکار در خیابان‌های شهرهای بزرگ جهان سوم، تیره‌روزی‌های تازه‌ای در پیش روی مردم شهرها قرار می‌دهد. با قبول این افزایش شدید نیروی انسانی و هجوم آنها به شهرهای بزرگ جهان سوم، از هم‌اکنون می‌توان وضع محیط‌زیست شهرهای کشورهای در حال توسعه را بدین شرح خلاصه کرد: آلودگی بیکاری، آلودگی فقر، آلودگی بیماری، آلودگی تراکم جمعیت، آلودگی جرم و جنایت، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، کمبود واحدهای مسکونی، آلودگی زباله‌ای و آلودگی زباله. در این زمینه نگاهی گذرا به کشور مکزیک به عنوان نمونه، ما را با حقایق بیشتری از شهرهای جهان سوم آشنا می‌سازد:

— کل جمعیت مکزیک در سال ۱۹۸۱، در حدود ۶۹ میلیون نفر

— کل جمعیت مکزیک در سال ۲۰۰۰، در حدود ۱۰۲ میلیون نفر

— جمعیت کمتر از ۱۵ سال ۴۲٪

— جمعیت در حوزه‌های شهری ۶۷٪

— دو برابر شدن جمعیت شهری در ۱۶ سال.

در دهه گذشته، جمعیت شهر مکزیکوسیتی، تقریباً دو برابر گشت و در سال ۱۹۸۰، جمعیت آن به ۱۴ میلیون نفر رسید. حدس می‌زنند که در سال ۲۰۰۰، ۱۴ سال بعد، جمعیت شهر به ۳۱ میلیون نفر بالغ گردد. در حالی که مکزیکوسیتی، هم‌اکنون با ۱۵ میلیون نفر جمعیت، زیر فشارهای ناشی از مهاجرت‌ها، زباله‌نشینی، حاشیه‌نشینی، کمبود آب و فاضلاب و نارسایی حمل و نقل عمومی، آلودگی شدید هوا، روزهای تاریکی را می‌گذراند. طرح‌هایی در دست تهیه است تا با انتقال صنایع و اجرای سیاست عدم تمرکز، جمعیت شهر در سال ۲۰۰۰، از مرز ۲۵ میلیون نفر تجاوز نکند!! یادآور می‌شویم که در سال ۱۸۰۰، کل جمعیت شهرنشین دنیا در حدود ۲۷ میلیون نفر بوده است.

افزایش جمعیت شهرهای بزرگ در سال‌های آینده^۵

درجه	سال ۱۹۹۰	جمعیت	سال ۲۰۰۰	جمعیت
		(ملیون نفر)		(ملیون نفر)
۱—	توکیو—یوکوهاما	۲۳/۴	مکزیکوسیتی	۳۱
۲—	مکزیکوسیتی	۲۲/۹	سائوپولو	۲۵/۸
۳—	نیویورک	۲۱	توکیو—یوکوهاما	۲۴
	(شمال شرقی نیوجرسی)			
۴—	سائوپولو	۱۹/۹	نیویورک	۲۲/۸
			(شمال شرق نیوجرسی)	
۵—	شانگهای	۱۷/۷	شانگهای	۲۲/۷
۶—	پکن	۱۵/۳	پکن	۱۹/۹
۷—	ریودوژانیرو	۱۴/۷	ریودوژانیرو	۱۹
۸—	لوس آنجلس	۱۳/۳	بمبئی بزرگ	۱۷/۱
۹—	بمبئی بزرگ	۱۲	کلکته	۱۶/۷

۱۰-	کلکته	۱۱/۹	جا کارتا	۱۶/۶
۱۱-	سئول	۱۱/۸	سئول	۱۴/۲
۱۲-	بوئنوس آیرس	۱۱/۴	لوس آنجلس- لانگ بیچ	۱۴/۲
۱۳-	جا کارتا	۱۱/۴	قاهره-جیزه	۱۳/۱
۱۴-	پاریس	۱۰/۹	مدرس	۱۲/۹
۱۵-	اوزکا-کوب	۱۰/۷	مانیل	۱۲/۳
۱۶-	قاهره-جیزه	۱۰	بوئنوس آیرس	۱۲/۱
۱۷-	لندن	۱۰	بانکوک-تونبور	۱۱/۹
۱۸-	راین-رور	۹/۳	کراچی	۱۱/۸
۱۹-	بوگوتا	۸/۹	دهلی	۱۱/۷
۲۰-	شیکاگو	۸/۹	بوگوتا	۱۱/۷
۲۱-	مدرس	۸/۸	پاریس	۱۱/۳
۲۲-	مانیل	۸/۶	تهران	۱۱/۳
۲۳-	مسکو	۸/۵	استانبول	۱۱/۲
۲۴-	تهران	۸/۳	بغداد	۱۱/۱
۲۵-	استانبول	۸/۳	اوزکا-کوب	۱۱/۱
۲۶-	بغداد	۸/۲	لندن	۹/۹
۲۷-	دهلی	۸/۱	داکا	۹/۷
۲۸-	کراچی	۷/۹	شیکاگو	۹/۴
۲۹-	بانکوک	۷/۵	راین-رور	۹/۲
۳۰-	میلان	۷/۴	مسکو	۹/۱

اگر به جدول افزایش جمعیت شهرهای بزرگ در سال های آینده دقت کنیم ملاحظه می شود که در سال ۱۹۹۰، از ۳۰ شهر پرجمعیت دنیا، ۱۹ شهر و در سال ۲۰۰۰ میلادی، ۲۰ شهر بزرگ در جهان سوم خواهد بود. از طرفی، برابر جدول، شهر مسکو، میان سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، در مدت ده سال سالانه به طور متوسط ۶۰،۰۰۰ نفر به جمعیت خود اضافه می کند. این افزایش بطئی جمعیت شهر مسکو، در گذشته، حال و آینده تا حدودی شگفت انگیز

می نماید. جهت دریافت پاسخ لازم، به تحقیقات جودیت پلست^۷ استاد جغرافیا در دانشگاه آکسفورد و دنیس شا^۸ استاد جغرافیا در دانشگاه بیرمنگام مراجعه کردیم. این جغرافی دانان، در تحقیقات خویش، عوامل سه گانه زیر را در کنترل توسعه شهرهای بزرگ شوروی مؤثر می دانند^۹:

- ۱- اجرای سیستم پاسپورت داخلی که مهاجرت روستاییان را به دو شهر بزرگ شوروی، مسکو و لنین گراد، تحت کنترل قرار می دهد. بدینسان که در شوروی از سال ۱۹۳۲ به بعد، سیستم پاسپورت داخلی عملی شده است و با کنترل مهاجرت ها، اقامت اختیاری در شهرهای بزرگ از مهاجرین سلب می شود و برای دانشجویان و افرادی که نمی خواهند به طور دائمی در شهرهای بزرگ اقامت کنند پاسپورت موقتی صادر می گردد.
 - ۲- تأسیس و توسعه صنایع در مالکیت دولتی است. در نتیجه دولت شوروی، از سال ۱۹۳۱، طی فرمانی، ایجاد صنایع جدید را به بیرون از شهرهای مسکو و لنین گراد کشانده است. در سال ۱۹۵۶، در حدود ۴۸ شهر دیگر نیز مشمول این فرمان گشت و حق ایجاد تأسیسات جدید صنعتی و یا توسعه صنایع قدیمی در داخل این شهرها ممنوع شد.
 - ۳- استفاده از زمین های شهری تحت نظارت خاصی درآمده است و در شهرها، تأکید روی زمین های شهری، بیشتر مربوط به سکونتگاه های انسانی است. از اینرو، هرگونه نیاز به زمین با تشریفات خاصی مورد بررسی قرار می گیرد.
- با وجود این، بازهم در گذشته، جمعیت شهر مسکو از معیارهای تعیین شده، در طول یک دهه، تا حدود یک میلیون نفر بیشتر بوده است.

هدهدناپلیس^{۱۰} (عشرت آباد)^{۱۱}

می دانیم که در همه کشورهای، بخش مرکزی شهرها، بیانگر خصیصه های اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی ملت ها می باشد. از اینرو، در همه کشورهای، بخش مرکزی شهرها، شخصیت، اعتبار و نماد فرهنگ ملی را می رساند. بی جهت نیست که مانهاتان نیویورک، شانزه لیزه پاریس و میدان سرخ مسکوبه عنوان نماد ملی این کشورها، در همه پوسترهای تجارتي، فرهنگی و تبلیغاتی ظاهر می شود. در اغلب موارد بخش مرکزی شهرها، دارای نقش های گوناگونی است که از آن جمله است نقش تجاری، اداری، دولتی، مالی، صنعتی، فرهنگی، پذیرایی، توریستی، عتیقه فروشی، عمده فروشی و خرده فروشی. در بخش مرکزی شهرها، همه این فعالیت ها در وسعت محدودی متمرکز می شود و همه اینها، روزانه

جماعات کثیری را به محدوده مرکزی شهرها می کشانند. متأسفانه، در دوده اخیر، کاهش اعتبار و حتی ویرانی فیزیکی و تجاری مؤسسات اجتماعی این میراث ملت ها، به سرعت فراهم شده است. این جریان در سال های آینده نیز ادامه خواهد داشت. صنایع و ترافیک پرتراکم، محیط بخش مرکزی شهرها را آلوده می کنند، بیمارستان ها و درمانگاه های این بخش، دیگر مثل سابق، قادر به درمان بیماران خود نیستند، مؤسسات تحقیقاتی، کتابخانه ها و مدارس نیز از شلوغی و آلودگی های محیطی رنج می برند. پوسترها، آگهی های تبلیغاتی و چراغ های نئون نیز این نماد تاریخی ملت ها را به آلودگی می کشاند^{۱۲}. با مختصر توضیحی که درباره بخش مرکزی شهرها داده شد، بهتر است آینده این بخش را در آمریکا، کانون عظیم ترین سرمایه ها، شرکت ها و تجارتخانه ها، مطالعه کنیم. در این مطالعه، بیش از همه، از تحقیقات جان سامر^{۱۳}، محقق آمریکایی بهره گرفته ایم.

جان سامر می گوید: زمانی می توان آینده را دید که بتوان زمان حال را بهتر شناخت. به سخن ساده، آنچه در زمان حال می گذرد بذرو ریشه آینده است. آیندنگری باید براساس تحلیل شرایط حال صورت بگیرد. جان سامر، میان همه پیش بینی ها در زمینه آینده شهرهای آمریکایی، به نقش لذت جویی مرکز شهرهای بزرگ تأکید بسیار دارد. او می گوید در یکی دو دهه آینده، جامعه آمریکا، به لذت جویی بیش از کار تمایل نشان خواهد داد و بخش مرکزی شهرهای بزرگ و شاید شهرهای متوسط آمریکا نیز، کانون های اصلی ارضای نفس را تشکیل خواهند داد. سامر اضافه می کند که در آینده، شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه آمریکا، زمینه های مساعدی جهت ارضای نفس فراهم می آورد، بدان سان که در زیر می آید^{۱۴}:

۱ — توسعه تکنولوژی امکان می دهد که جامعه شهری آمریکا، با ساعات کار کمتر، بیش از گذشته، از ساعات فراغت خود استفاده کند.

۲ — جریان پیام های الکترونیکی به جای جریان مواد و کالاها، تغییراتی در سازمان دهی شهری به وجود می آورد و ساعات بیشتری را آزاد می کند.

۳ — هم اکنون، بیشتر مردم شهرنشین آمریکا، ساعات و نیروی کار اضافی خود را در شغل دوم و یا در مسایل مربوط به آسایش خانواده خویش صرف می کنند. البته امروزه نیز، عده ای از مردم شهری، وقت آزاد خود را در انواع تفریحات و سرگرمی ها سپری می کنند. روشن است که ساخت اجتماعی — اقتصادی جامعه آمریکا با تغییر ارزش ها و تمایل به لذت جویی سازگاری باشد.

۴ — از نظر روانی، در جامعه شهری آمریکا، روزه روز تمایل به پناه بردن به جهان

رویاها، سفر به انتهای وجود و یا در لاک خود فرو رفتن شدت می یابد. در این جریان گریز از دنیای واقعی و پناه بردن به دنیای رویاها، دو عامل بیش از سایر عوامل مؤثر بوده است:

الف — افزایش بی سابقه تجاوز، تهاجم، پرخاشگری، جرم و جنایت در جامعه شهری آمریکا.

ب — نقش تلویزیون و برنامه های آن.

۵ — در ۲۵ سال گذشته، جامعه آمریکا از یک جامعه صنعتی به یک جامعه خدماتی تبدیل شده است. بدین سان که بعد از جنگ جهانی دوم، در اقتصاد آمریکا، بخش خدمات، میان بخش های کشاورزی و صنعتی، رشد شتاب آلودی داشته است. یادآور می شود که علاوه از آمریکا، پاره ای از کشورها نیز به این دوره وارد شده اند که کانادا، انگلستان، سوئد و بلژیک از آن جمله است. در این جریان، بخش اعظم شاغلین در بخش خدمات و آن هم در مرکز شهرهای بزرگ به کار گرفته شده اند.

۶ — در سال های آینده، افزایش جمعیت شهرنشین (شهرها، شهرک ها و حومه ها) تا ۹۰٪ کل جمعیت آمریکا، خود عاملی است که نقش لذت جویی را در شهرهای بزرگ رونق می بخشد.

۷ — در جامعه شهری آمریکا، سرمایه گذاری در امر تفریحات، سرگرمی ها، گذران اوقات فراغت و لذت جویی نظیر انواع ورزش ها، مراکز تفریحی و استراحتگاهی، تئاترها، داروهای مخدر، پورنوگرافی، روزه روز بیشتر می شود. نظری به روزنامه نیویورک تایمز یکشنبه ها، این گفته را به خوبی روشن می سازد.

جان سامر به این قبیل شهرها، عنوان هدناپلیس (عشرت آباد) می دهد.

در حقیقت، هدناپلیس شهری است که در آن سرمایه گذاری های کلان در ارضای نفس، لذت جویی و خدمات شخصی صورت می گیرد. در همان حال، سرمایه گذاری در تولید کالا، کاهش می یابد. در این قبیل شهرها، به موازات سرمایه گذاری های کلان در امر لذت جویی، خدمات تازه و مشاغل تازه نیز ایجاد می شود.

استرس، فشارهای روانی — عصبی، نیز عاملی است که جامعه شهری آمریکا را به شدت تهدید می کند. در این زمینه به نوشته تحقیقی مجله تایم، پرتیراژترین مجله هفتگی آمریکا توجه فرمایید: «در ۲/۳ آمریکاییانی که به پزشک خانوادگی خود مراجعه می کنند علایم استرس دیده می شود و شرکت ها و کارخانه ها، اعلام می دارند که غیبت های سالانه ناشی از فشارهای روانی — عصبی آنچنان زیاد است که سالانه از میلیاردها دلار تجاوز

می‌کند». مجله تایم اضافه می‌کند که در جامعهٔ امروزی آمریکا، سه داروی پرفروش یعنی تاکامت^{۱۵}، اندرال^{۱۶} و والیوم^{۱۷}، همگی با استرس در رابطه‌اند. استرس در جامعهٔ آمریکا، ناشی از اضطراب، تشویش و نگرانی از ته‌اجم، عدم اطمینان به آینده و شیوهٔ خاص زندگی است.^{۱۸}

در جامعهٔ شهری دنیا، نواحی ویژه‌ای وارد دویۀ هدنایلیس (عشرت‌آباد) می‌شود که مگالاپلیس شمال شرق آمریکا، جنوب شرق کانادا، بخش جنوبی کالیفرنیا، حوزهٔ لندن—لیورپول، حوزهٔ پاریس—بن از آن جمله است. مورفولوژی هدنایلیس، بنابه نظر جان سامر، از مناطق کاملاً مشخصی به شرح زیر تشکیل می‌شود:

۱- مرکز اصلی شهر:

دو سه دهه است که صنایع و گروه‌های پردرآمد و گروه‌های میانی بخش مرکزی شهرها را ترک می‌کنند. غالب این مردم، از آپارتمان‌های پرتراکم به واحدهای مسکونی مستقل پناه می‌برند. حومه‌های پروسعت خوابگاهی و مراکز بزرگ خرید در بیرون از شهرها تشکیل می‌شود. به موازات خالی شدن مرکز اصلی شهر از گروه‌های پردرآمد و میانی، گروه‌های کم‌درآمد وارد این بخش می‌شوند و در آپارتمان‌های کهنه و فرسوده اقامت می‌کنند. سابقاً واحدهای مسکونی پراعتبار و فعالیت‌های پررونق بازرگانی، امتیاز خاصی به بخش مرکزی شهرها می‌بخشید. اما امروزه، در جوامع غربی، بخشی از مراکز اصلی شهر در اختیار خانه‌های مخروبه، تأثیرهای ویژه، مشروب‌فروشی‌ها و عشرتکده‌ها قرار گرفته است.

در دورۀ هدنایلیس، به شاغلین در صنعت تفریحات و وقت‌گذرانی‌ها حداکثر حقوق پرداخت می‌شود. آپارتمان‌ها و بلوک‌های ساختمانی که به ارضای نفس و خوشگذرانی اختصاص می‌یابند با گاردهای مخصوص محافظت می‌شوند. در حقیقت، مرکز شهرهای هدنایلیس، به صورت شهری در داخل شهر دیگر به ایفای نقش می‌پردازند و دارای مرزهای کاملاً مشخصی می‌باشند.

در مرکز اصلی شهرها، بخشی نیز به تجارت و خرده‌فروشی می‌پردازند و در ارتباطات تجاری، تلفون و ویدیو دوجانبه، به طور گسترده در شهرهای آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اغلب شاغلین در همان محل سکونت، به کار گرفته می‌شوند. کارکنان ترمینال‌های تله‌تایپ می‌توانند در خانه‌های خویش انجام وظیفه کنند. در این صورت، از وسایل حمل و نقل استفادهٔ کمتری می‌شود. توزیع کالا در خانه‌ها و از طریق تلویزیون انجام می‌گیرد و بسیاری

از هزینه‌های رفت و آمد، پس انداز می‌شود.

بخش بزرگی از مرکز شهرهای آمریکایی به تأثیرها، مغازه‌های کادویی، رستوران‌های هوس‌آلود و عشرتکده‌ها اختصاص می‌یابد. در اینجا، با ارزان‌ترین وجهی، ارضای نفس عملی می‌شود که امکان آن در سایر نقاط شهری مقدور نیست. بوی غلیظ دلار، همه جای عشرت‌آباد را می‌پوشاند. با کارشبانۀ که تا صبح ادامه می‌یابد، شهرها اغلب دونوبتی کار خواهند کرد. با وجود این، در بخش مرکزی شهرها، پاره‌ای از دادگاه‌ها، موزه‌ها، سازمان‌های مالی و شرکت‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

۲- منطقهٔ مسکونی:

در دو دهۀ آینده، منطقهٔ مسکونی یا حلقهٔ مسکونی با تراکم شدید جمعیت، اطراف بخش مرکزی شهرها را می‌پوشاند. در این منطقه، واحدهای مسکونی و ادارات بسیار فعال می‌نمایند و مدیریت‌های سطح متوسط در ادارات کار می‌کنند. اما مدیریت‌های سطح بالا، از مرکز شهر و منطقهٔ مسکونی به نقاط کم‌تراکم شهر انتقال می‌یابند.

سال‌هاست که پارک‌های صنعتی، با نقشه و برنامه‌ریزی کاملاً علمی، منطقه‌بندی شده‌اند. این پارک‌ها، هم در داخل شهرها، اطراف مرکز اصلی شهر، قرار دارند و هم در طول شاهراه‌ها و مسیرهای اصلی حمل و نقل که کالاهای، مواد سنگین و تولیدات کارخانه‌ای را عبور می‌دهند ایجاد شده‌اند. پارک‌های صنعتی، دارای واحدها و بخش‌های مختلف صنعتی است که در کل به صورت مجموعهٔ واحدی عمل می‌کنند.^{۱۹} در شهرهای آیندۀ آمریکایی و اروپایی، پارک‌های صنعتی جای خود را به پارک‌های خدماتی می‌دهند.

در جامعهٔ شهری آمریکا، گریز به دنیای رویاها و سفر به انتهای وجود، به صورت مرض مزمن درمی‌آید. مردم به صورت تماشاچی زندگی درمی‌آیند و بیش از پیش به دنیای خیالی خود پناه می‌برند. تنها زمانی بیدار می‌شوند که تلویزیون در ساعات آخر شب، اخبار واقعی را به دنیای واقعی آنها می‌رساند.

گریز به دنیای رویاها، چند سالی است که به تدریج بر جامعهٔ آمریکا مسلط می‌شود. شاید، نشانه‌های روشن آن، تهیهٔ فیلم‌های جنگ ستارگان باشد که مردم آمریکا، به شدت از آنها استقبال می‌کنند. سرمایه‌گذاری در این قبیل فیلم‌های سینمایی گاهی از مرز ۴ میلیون دلار هم تجاوز می‌کند. آیا در سال‌های آینده، تنهایی شدیدآمریکائی وارد ادبیات جهان می‌شود؟

در بیرون از منطقه مسکونی، به فضاهای باز و پارک ها برخورد می کنیم که مردم شهرهای رفاه زده و همدناپلیس، تعطیلات آخر هفته خود را در آنها می گذرانند. این مناطق بین شهری، تا حدودی آرام و سالم می ماند و از هوای پاک استفاده می کند. از اینرو، مناطق بین شهری شهرهای آمریکایی در جهت پاسخگویی به تقاضاهای مردم برای استراحت و گذران اوقات فراغت، به تدریج به تجهیزات و تأسیسات لازم و کافی دست می یابند و در آنها، هتل ها، پانسیون ها و خانه های تعطیلاتی تازه ای ایجاد می شود.

شهر بزرگ نیویورک که به عنوان مرکز عمده فعالیت های اقتصادی در دنیای امروز شهرت دارد و هسته اصلی مگالاپلیس شمال شرق آمریکا محسوب می شود خاستگاه همدناپلیس، عشرت آباد، خواهد بود. جناح های نیویورک را سایر مراکز حیاتی آمریکا نظیر بستن، فیلادلفیا و واشنگتن تشکیل خواهند داد. نیویورک هم اکنون نیز، بزرگترین مرکز تفریحی و گذران اوقات فراغت می باشد، تا آنجا که بخش تشرایف برودوی ۲۰، به عنوان مشهورترین خیابان گذران اوقات فراغت در دنیا شناخته می شود. به سخن ساده، نیویورک هم اکنون نیز در نقش مراکز مهم ارضای نفس نه تنها در آمریکا، بل در سراسر جهان ظاهر می شود.^{۲۱}

موضوع مهم دیگر که ممکن است شکل پذیری شهرها و حومه های آمریکایی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد جابه جایی محل اقامت مردم آمریکاست. بر این باری ۲۲، مدیر گروه جغرافیای دانشگاه هاروارد، در نوشته تحقیقی خویش، در زمینه خصیصه های زندگی آمریکایی، به نقل از پتر موریسن^{۲۳} چنین می نویسد: «مشخصات زندگی آمریکایی، به صورت قطعه منظوم مسافرت های پرحادثه اودیسه در اشعار هومر، شاعر یونانی می ماند: ازدواج، تربیت کودک، خدمت ارتشی، تحصیلات عالی، عوض کردن کارفرما، انتقال از یک کارخانه یا اداره محلی به کارخانه دیگر، گاهی با همان کارفرما، جدایی از همسر و بازنشستگی. همه اینها تغییر محل مسکونی و واحد مسکونی را به دنبال دارد. بی جهت نیست که سالانه در حدود ۴۰ میلیون آمریکایی، محل اقامت خود را تغییر می دهند. این تغییر محل اقامت در زندگی هر آمریکایی به طور متوسط به ۱۴ بار می رسد^{۲۴}».

در پایان بحث، ذکر این نکته را لازم می دانیم که اصولاً جامعه آمریکا، یک جامعه رفاه زده و در عین حال یک جامعه فراوانی نیز به شمار می آید.

در سال های اخیر، جغرافی دانان، مفاهیم فاصله را در تصمیم گیری های مردم، عامل اصلی در فضای زندگی می دانند تا آنجا که برخی از جغرافی دانان، از جغرافیا به نام «علم فاصله» نام می برند^{۲۵}. در شهرهای امروزی، مراد ما از عامل فاصله، بیشتر فاصله زمانی است تا فاصله فیزیکی. یعنی مدت زمان رسیدن به محل کار، به بخش مرکزی شهر، مراکز خرید و نظایر آن. زیرا در شهرهای امروزی، با استفاده از انواع وسایل حمل و نقل، با سرعت های مختلف، که در آمدشدهای روزانه به کار گرفته می شود فاصله فیزیکی، اعتبار گذشته خود را از دست داده است. از اینرو، امروز، عامل فاصله با زمان، پول و کیلومتر هر سه سنجیده می شود. چنان که در شهرهای آمریکایی، روزانه در حدود ۹۰ میلیون نفر با اتومبیل، هلی کوپتر، هواپیما و دوجرخه به سر کار خود می روند و از آن میان، سهم اتومبیل بیشتر می باشد.

هم اکنون در پاره ای از حوزه های شهری پرجمعیت، به ویژه در آمریکا، به سبب فاصله گیری بسیار زیاد محل کار و محل زندگی، عده ای از زن و شوهرها، تنها می توانند در اواخر هفته یکدیگر را ببینند. بی جهت نیست که در زمان ما، امراض ناشی از آمدوشدهای طولانی به صورت خستگی مفرط، افسردگی، فشارخون، استرس و بیماری های قلبی در بسیاری از مردم شهرهای پرجمعیت دیده می شود. امروزه، انتخاب محل کار و محل زندگی در شهرهای بزرگ، بیش از هر زمان دیگر، به میزان وقت و پول صرف شده بستگی پیدا کرده است. در چند سال آینده، توسعه تکنولوژی ارتباط از راه دور، می تواند در زندگی شهری تأثیر عمده ای به شرح زیر داشته باشد:

توسعه ارتباط از راه دور، فضای زندگی را وسعت می بخشد. آگاهی مردم از استان، کشور و دنیا فزونی می گیرد و مفهوم «اجتماع» تغییر می یابد. در سابق مفهوم اجتماع به مردمی گفته می شد که در مجاورت هم زندگی می کردند و شیوه زندگی مشترکی هم داشتند. اما امروزه، نه تنها به محل زندگی اطلاق می گردد بلکه به توده های انبوه مردمی نیز گفته می شود که علاوه از محل اقامت (محله - شهر)، در معتقدات، هدف ها، فعالیت ها، نگرش ها و وقت گذرانی ها به طور مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر در ارتباط می باشند. به سخن دیگر، امروزه، اجتماع، دیگر محله مجاور نیست بلکه توده های انبوه انسانی است که از هدف ها و معتقدات مشترک بهره مندند اما در وسعت بسیار گسترده ای پراکنده شده اند. پس شهرها دیگر تنها در حیطه جمعیتی نیستند که در داخل یک واحد سیاسی یا اداری تعیین شده زندگی

می کنند بلکه حوزه های شهری، مادر شهرها، شهرها، شهرک ها، روستاها، همه با هم به صورت بافت زنجیری در یک مجموعه بزرگ شهری، از جماعات کثیر انسانی، از طریق تلویزیون، رادیو و روزنامه، در جریان حوادث مهم سیاسی، فیلم های سینمایی، مسابقات ورزشی، گشایش کتابخانه های تازه و انتشار کتاب های تازه قرار می گیرند و یا روزانه، عده ای از فاصله های ۱۵۰-۱۰۰ کیلومتری جهت کار روزانه وارد مادر شهرها می شوند. هر چند که این عده در داخل مرزهای شهری اقامت ندارند اما در همه امورات شهری مثل پرداخت مالیات، عوارض، پاکیزگی یا آلودگی شهری، تراکم شدید، اشتراک در رویدادهای شهری و کشوری با مردم شهر سهیم اند^{۲۶}.

چنین می نماید که در سال های آینده، عامل محله مثل ۳۰ سال گذشته، دیگر عامل تعیین کننده در سلامت و امنیت شهری نخواهد بود بلکه سراسر مادر شهرها و حتی فراتر از مرزهای مادر شهرها، اجتماع متشکلی خواهد بود که همه ما بدان تعلق داریم. به دیگر سخن، در سال های آینده، پایگاه محله ای به شدت تضعیف می شود و به موازات آن، پایگاه اجتماعی بزرگتر تقویت می گردد.

شهرهای جامعه انبوه آگاهی:

ساخت اجتماعی جوامع ماقبل صنعتی، اشتغال بیش از ۹۰٪ نیروی انسانی در بخش کشاورشی بود. بخش ناچیزی از مردم در صنایع دستی و صنایع تولیدی فعالیت می کردند و کمتر از ۱٪ نیروی انسانی در شاخه های مختلف فرهنگی به خدمت گرفته شده بودند. ماشینی شدن صنعت و کشاورزی، این ساخت اجتماعی را دگرگون ساخت. در برخی از کشورها، اشتغال ۹۰٪ مردم در کشاورزی به ۳-۴٪ کاهش یافت و سهم اشتغال در صنایع به ۲۰ تا ۲۵٪ رسید. بقیه نیروی انسانی در بخش خدمات، فرهنگ، تعلیم و تربیت، علوم، هنر و مدیریت جذب شدند.

بعد از دوره ماشینی شدن، جهان توسعه یافته، وارد عصر اتوماسیون شد که نیروی کار را از شرکت مستقیم در مراحل تولید آزاد می ساخت و به انسان تنها نقش کنترل کننده می بخشید. پاره ای بررسی ها نشان می دهد که امروزه،^۵ نیروی کار موجود در برخی از کشورهای توسعه یافته، قادرند نیازهای همه جامعه خود را تأمین کنند و این سؤال را پیش می آورد که در صورت عملی شدن این مسیر،^۴ نیروی کار چه خواهند کرد؟ اگر در عصر اتوماسیون و کامپیوتر همه کارخانه ها و ادارات به وسیله مغزهای الکترونیکی کنترل شوند در صورت تحقق این امر، ۹۵٪ نیروی انسانی ممکن است هرگز در نیروی کار جذب نشوند. آیا

در شهرهای آینده ممالک توسعه یافته، انسان به مثابه موجود زاید، اضافی و غیر لازم درمی آید؟ در جوامع پیشرفته، هم اکنون روی ۲۵ ساعت کار در هفته، بررسی هایی صورت می گیرد و این بدان معنی است که کار روزانه به ۴ تا ۵ ساعت تقلیل می یابد. اصولاً در جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده اند که کارایی انسان، در سه چهار ساعت اول شروع به کار، بسیار زیاد است. از اینرو در صورت عملی شدن این برنامه، در سال های آینده، مردم شهری وقت آزاد بیشتری خواهند داشت و هزینه های زیادی را در جهت گذران اوقات فراغت خرج خواهند کرد.

در نیمه دوم قرن بیستم، توسعه تکنولوژیک همه جاگیر شد و این توسعه، ابتدا، شهرها را دربر گرفت. چهره اصلی توسعه تکنولوژیک عبارت بود از:

۱- در پاره ای از کشورها، درآمد سرانه مردم به سرعت افزایش یافت.

۲- انقلاب در حمل و نقل سبب شد تا فاصله بین شهری که سابقاً در ۳۶۰ ساعت طی می شد، با خطوط آهن سریع السیر در ۲۰ ساعت پیموده شود و اخیراً این مدت، با قطارهای سریع السیر ژاپنی به سه ساعت و ده دقیقه کاهش یافته است- یعنی $\frac{1}{120}$ وقتی که سابقاً صرف آن می شد.

۳- انقلاب اطلاعاتی، با گسترش همه جانبه تلفن، رادیو و تلویزیون عملی گردید، تا آنجا که هم اکنون، در کشور ژاپن، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در خانه خویش، از همه اخبار مهم دنیا در همان لحظه وقوع باخبر می شوند.

بدین سان جهان ما و کشورها به صورت باورنکردنی و افسانه ای کوچک شده است، چرا که انقلاب حمل و نقل، فضای فیزیکی جهان ما را تحت تسلط خود گرفته و آزادی انسان را به مسافرت، در همه ساعات شبانه روز، به چهار گوشه دنیا عملی ساخته است. در جوامعی که درآمد سرانه زیاد است عامل فاصله، از نظر هزینه و اقتصاد معیار قرار نمی گیرد بلکه سنجش فاصله با وقت و زمان صرف شده تعیین می گردد. روشن است زمانی که فاصله میان پایتخت ها و شهرهای بزرگ جهان کاهش یابد مبادله اطلاعات افزایش سریعی پیدا می کند.

منظور از جامعه انبوه آگاهی، که در اینجا به عنوان مرحله علم رسانی و اطلاع رسانی تعبیر کرده ایم جامعه ای است که در آن کامپیوتر، تلویزیون، تلفن، روزنامه، مجله، سایر عوامل خبررسانی نقش اساسی دارند و همه فعالیت های جامعه به نحوی تحت تأثیر این عوامل قرار می گیرند. در اغلب موارد، رابطه ای میان درجه شهرنشینی و افزایش درآمد دیده می شود و در همان حال، ارتباط نزدیک میان درجه شهرنشینی و جامعه انبوه آگاهی و وابستگی میان سطح

درآمد و جامعه انبوه آگاهی کاملاً روشن است. از طرفی، در مناطقی که سطح درآمد پایین است میزان آگاهی و اطلاع‌رسانی نیز به سرعت سقوط می‌کند. برعکس، زمانی که درآمد شهری به دو برابر افزایش می‌یابد بر سطح اطلاعات و آگاهی‌ها، چندین برابر اضافه می‌شود. به موازات افزایش درآمد در شهرها، مردم به شهرها مهاجرت می‌کنند. زمانی که درجه شهرنشینی و توسعه شهری افزایش می‌یابد تراکم زیاد جمعیت به همراه تراکم فعالیت‌های گوناگون اقتصادی ظاهر می‌شود و بالطبع، سطح اطلاعاتی جامعه نیز بالا می‌رود. بررسی‌های انجام شده در شهر توکیو (ژاپن) نشان می‌دهد که سطح درآمد این شهر، تقریباً ۲/۹ برابر شهر کاگوشیماست، اما تراکم اطلاعات ۸۰ برابر شهر کاگوشیما می‌باشد. در شهرها، جامعه، دولت، قانون، ادارات و همه حوزه‌های فعالیتی انسان در ارتباط با هم عمل می‌کنند. زمانی که اطلاعات به جامعه شهری جریان می‌یابد همه شاخه‌های اجتماعی - اقتصادی فرهنگی جامعه را می‌پوشاند و در نهایت، جریان اطلاعات گسترش پیدا می‌کند.

هم‌اکنون، کشور ژاپن، وارد عصر فراصنعتی می‌شود. (ژاپن) جامعه‌ای است که در آن صنایع علمی، همه صنایع را کنترل می‌کنند. پس باید سیاست جدیدی برای توسعه ناحیه‌ای و شهری تهیه شود تا در آن، تولید، مبادله، خرید و فروش و مصرف اطلاعات اعتبار لازم را بیابند. در جهت خلق چنین سیاستی، اول باید درجه جاذبه شهرها را در اخذ اطلاعات و آگاهی‌ها بشناسیم و بدانیم که چه نوع اطلاعاتی به شهرهای اصلی وارد می‌شود.

در ژاپن که وارد عصر فراصنعتی شده است سه حوزه بزرگ مادرشهری، توکیو و اوزاکا و ناگويا، بیش از ۷۰٪ جریان اطلاعاتی ژاپن را به خود اختصاص داده‌اند. از سال ۱۹۶۰ به بعد، در شهر توکیو، در برابر هر ۱۰۰ کارگریقه‌آبی اضافی، ۶۶ کارگریقه سفید وجود داشته است. صنایع به بیرون از توکیو انتقال می‌یابد و جامعه فراصنعتی یا جامعه انبوه آگاهی، ابتدا، در شهرهای بزرگ تشکیل می‌شود. در یک جامعه فراصنعتی، انباشتگی و تراکم علم آگاهی و اطلاع‌رسانی، مطلقاً طبیعت شهرها را در آینده در اختیار خود می‌گیرد. البته، در ابتدا، بزرگترین حوزه‌های مادرشهری به داخل دوره انبوه آگاهی رانده می‌شود و سایر شهرها به تدریج از اثرات آن متأثر می‌شوند. در کشور ژاپن، از اواسط دهه ۱۹۶۰، در برابر جریان انبوه آگاهی، شهرهای کوچک و شهرهای متوسط ژاپن، وارد دوره صنعتی می‌شوند و عقب‌ماندگی زمانی، میان سطوح مختلف شهری به سرعت کاهش می‌یابد.

برابر یک محاسبه، در ژاپن در سال ۱۹۸۵، میزان اطلاعات اخذ شده، ۵۲/۵ برابر اطلاعات سال ۱۹۶۵ بوده است. در دوره انبوه آگاهی، علم‌رسانی و اطلاع‌رسانی، میزان

تیراژ و نوع کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها به شدت بالا می‌رود و تلویزیون اطلاعات رنگی تولید و پخش می‌کند. میزان رشد اطلاعات تلویزیونی فوق‌العاده زیاد است. در این جامعه انبوه آگاهی، اطلاعات کامپیوتری نقش اول را دارد. ژاپن پیشگام استفاده فوق‌العاده زیاد از کامپیوتر می‌باشد. در چنین جامعه‌ای، برنامه‌ریزی شهری و سیاست شهرنشینی، بیش از هر عامل دیگر، به جریان انبوه آگاهی وابسته خواهد بود.

گفتنی است که شهرهای ژاپن براساس «تولید برای صادرات» نقش یافته و شکل پذیرفته‌اند. از اینرو، به تولید برای صادرات بیش از مطلوبیت نیازهای زیربنایی شهری تأکید می‌شود. چنان که در شهر توکیو، قیمت زمین ده برابر نیویورک است. این بدان معنی است که خرید یک قطعه زمین کوچک شهری، برابر حد متوسط مزد دریافتی یک کارگر ساکن توکیو در مدت ۶/۵ سال می‌باشد. این نسبت در آمریکا به ۴۸ روز کاریک کارگر تقلیل می‌یابد^{۲۷}. در حوزه شهری توکیو-یوگوهاما، باغ‌های سنتی ژاپنی تنها در خاطرات زنده مانده است. نظام منطقه‌بندی به شدت تضعیف شده و فقدان کنترل ساختمان در یک جامعه ساختاری شگفت‌انگیز می‌نماید. در شهرهای ژاپن، کمبود خدمات عمومی نیز توجه بیشتری می‌طلبد. در داخل محدوده متروپلیتن توکیو (شهر قدیمی با حومه‌های نزدیک و با ۱۱/۵ میلیون جمعیت)، تقریباً نصف جمعیت (۴۸٪ برابر آمار سال ۱۹۷۴) هنوز فاقد فاضلاب یا توالت‌های فشاری می‌باشند. در همان حال، ۹۸٪ همه خانه‌های توکیو از تلویزیون رنگی استفاده می‌کنند. آلودگی شدید هوا در توکیو-یوگوهاما، همه ساله گروه‌های زیادی را به مرگ می‌کشد. توکیو دارای یکی از پاکیزه‌ترین و کارآمدترین سیستم مترو است، اما در ساعات تعطیلی ادارات و کارخانه‌ها و ساعت آمد و شد کارگران، جمعیت در ایستگاه‌ها آنچنان موج می‌زند که به استخدام ۷۰۰ فشاردهنده مجبور شده‌اند که شغل آنها، فشار دادن به مسافرین اضافی جهت سوار شدن به قطارهای پرجمعیت است. بی‌جهت نیست که پاره‌ای از این خطوط با ۲۶۰٪ ظرفیت خود، مسافر حمل می‌کنند. بزرگ‌راه‌ها و خیابان‌ها نیز از اتومبیل‌ها انباشته شده است و آلودگی صوتی، بر آلودگی محیط زیست می‌افزاید. توان گفت با همه پیشرفت‌هایی که کشور ژاپن بدان دست یافته است، این سیستم ارتباطی شهر توکیو، تنها برای نصف جمعیت فعلی شهر مناسب می‌باشد^{۲۸}.

در جریان جنگ دوم جهانی، در حدود ۵۶٪ واحدهای مسکونی توکیو از میان رفت و شهر تقریباً با خاک یکسان شد. با پایان گرفتن جنگ، شهر با خیابان‌های وسیعتر، فضاهاى باز بیشتر، پارک‌های بزرگتر و با آراستگی هر چه تمامتر تجدید ساختمان گشت و اکنون،

تأکید کارخانه داران شهر به تولید بیشتر، تجارت بیشتر و صادرات بیشتر به خارج، این شهر زیبا را با مسایل و مشکلات فراوانی روبرو ساخته است.

۱- اکیومناپلیس^{۲۹}

سی.ا. دکسیادس^{۳۰}، محقق برجسته، در مورد آینده شهرها و توسعه شهری چنین می گوید: در قرن ۲۱، الگوهای مختلف شهری و گونه های مختلف سکونتگاهی، از کوچکترین واحد (روستا) تا بزرگترین آن (شهرک ها، شهرها، مادر شهرها و مگالاپلیس ها)، در داخل یک سیستم جهانی در ارتباط با هم قرار می گیرند. دکسیادس، این سیستم جهان شهری را اکیومناپلیس می نامد.

اکیومناپلیس، سیستمی از سکونتگاههای انسانی است که سراسر جهان را احاطه می کند. بدین سان که امروزه، یک روستا یا یک شهرک، به حد کافی از شهرهای بزرگ دور افتاده اند اما در آینده، روستاها، شهرک ها و شهرهای بزرگ همه با هم، تشکیل یک سیستم جهان شهری پروسعت و گسترده ای را می دهند که همانا اکیومناپلیس می باشد. در این سیستم جهان شهری، نظیر مگالاپلیس های امروزی، نواحی پرتراکم و کم تراکم بسیاری خواهیم داشت^{۳۱}.

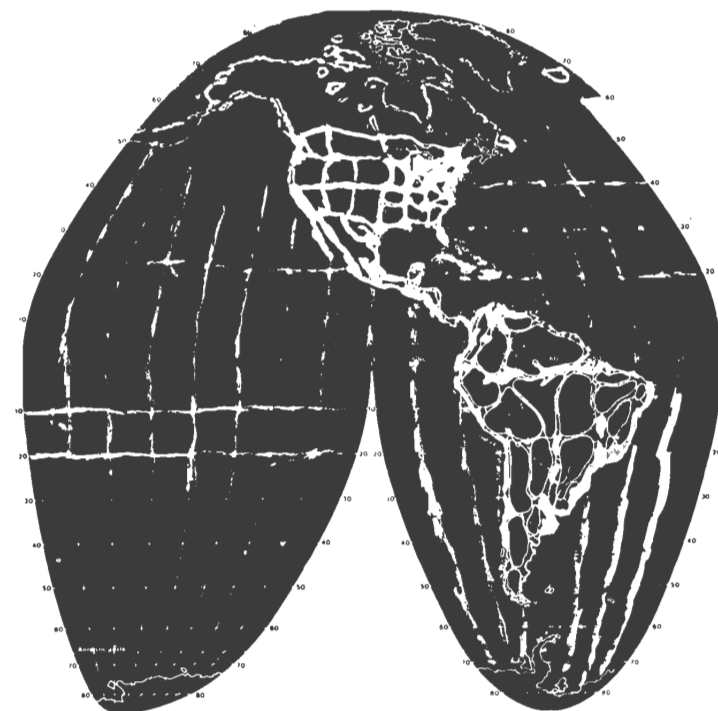
حال این سؤال برای اغلب محققین مطرح است که در دوره اکیومناپلیس، نیازهای جدید، علوم جدید و تکنولوژی جدید چه سان عمل خواهد کرد؟ آیا سیستم اکیومناپلیس، سیاره زمین را مطلوبیت می بخشد و یا آن را به ناپسامانی و آشفته گی می کشاند؟



منابع فصل هفتم

1. Honorable Refael Salas; «Population and the Urban Future», Draper Fund Report, Washington, No 10, 1982, P. 2.
2. P. P. Shriv Astav; «City for the Citizen or Citizen for the City?» in Habitat International, Pergamon Press, Vol. 6, No 1/2, 1982, P. 197.
3. Alan Gilbert and Josef Gugler; «Cities, Poverty and Development» Oxford University Press, 1982, PP. 8-10.
4. Draper Fund Report, No 10, December 1981, P. 2.
5. Editor's Note, «Mexico: A Need for Combative Optimism» Draper Fund Report, No 10, December 1981, PP. 5-6.
6. R. P. Misra and Nguyen Tri Dung; «Large Cities: Growth Dynamics and Emerging Problems» in Habitat International, Pergamon Press, Vol 7, No 5/6, 1983, P. 51.
7. Judith Pallot.
8. Denis J. B. Shaw.
9. Judith Pallot and Denis J. B. Shaw; «Planning in the Soviet Union» Croom Helm, London, 1981, PP. 221-222.
10. Hedonopolis.

۱۱ — واژه عشرت آباد را در برابر همدناپلیس، از دوست ارجمند آقای دکتر عباسعلی رضائی، استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تبریز گرفته‌ام.





انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی را می‌توانید از مراکز زیر تهیه نمایید

- ۱- فروشگاه و نمایشگاه دائمی کتاب (مرکزی): تهران- خیابان انقلاب، نبش فلسطين تلفن ۶۳۹۳۸
- ۲- فروشگاه شماره ۲: تهران- خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران. جنب دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی تلفن ۶۶۲۷۲۵
- ۳- فروشگاه شماره ۳: تهران- میدان ونک خیابان شهید حقانی نبش بزرگراه آفریقا. جنب آزمایشگاه مرکزی مستضعفین جهاد دانشگاهی مرکز پزشکی ایران- تلفن ۶۶۶۱۴۲۱۴
- ۴- فروشگاه شماره ۴: تهران- خیابان شهید بهشتی نبش بخارست. جنب دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تلفن ۶۲۴۸۷۹
- ۵- فروشگاه شماره ۵: تهران- خیابان کریمخان زند، نبش خیابان آبان شمالی، فروشگاه و نمایشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی- تلفن: ۵- ۸۹۱۵۲۱ داخلی ۵۶۰
- ۶- فروشگاه شماره ۶: تهران- خیابان حافظ- جنب دانشگاه صنعتی امیرکبیر- فروشگاه و نمایشگاه دائمی کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر تلفن: ۶۱۳۹۰
- ۷- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید: میدان تقی‌آباد، اول خیابان احمدآباد تلفن ۳۱۰۳۱
- ۸- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه شیراز: خیابان قفس، ساختمان بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شیراز تلفن ۳۲۰۸۲-۶
- ۹- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان: خیابان دانشگاه جنب درب شمالی دانشگاه تلفن ۷۱۰۷۱
- ۱۰- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید باهنر کرمان: بلوار جمهوری اسلامی، دانشکده فنی مرکز فروش کتاب تلفن ۲۹۳۲۱ و ۸۰۲۱۱
- ۱۱- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید چمران اهواز: خیابان سلمان فارسی- نبش داروخانه شبانه‌روزی. خیابان شهید علم الهدی- ساختمان خوابگاه دانشگاه
- ۱۲- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه مازندران: گرگان خیابان شهید بهشتی جنب دانشکده منابع طبیعی
- ۱۳- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان: رشت- خیابان ملت- جنب دفتر مرکزی دانشگاه گیلان- تلفن ۳۰۴۸۸
- ۱۴- فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی مجتمع آموزش عالی بیرجند خیابان دانشگاه تلفن ۷۳۸۰
- ۱۵- مرکز فروش کتاب جهاد دانشگاهی در قم: خیابان ارم- روبروی کتابخانه آیت ۱... نجفی- پاساژ قدس
- ۱۶- مراکز فروش کتاب: کلیه جهادهای دانشگاهی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور
- ۱۷- انتشارات صروش و نمایندگی های آن در سراسر کشور

12. United Nations, «Human Settlements: The Environmental Challenge» The Macmillan Press, 1974, PP. 36-37.

13. John W. Sommer; «Fat City and Hedonopolis: The American Urban Future?» in Human Geography in a Shrinking World, Duxbury Press, Massachusetts, 1975, P. 133.

۱۴ - منبع پیش گفته، ص ۱۳۵

15. tagamet.

16. Inderal.

17. Valium.

18. Time, June 6, 1983.

19. Charles Abrams: «The Language of Cities» Equinox Books, New York, 1971, P. 151.

20. Broadway.

21. John W. Sommer; «Fat City and Hedonopolis: The American Urban Future?» Human Geography in a Shrinking World, Duxbury Press, 1975, P. 145.

22. Brian J. L. Berry.

23. Peter Morrison.

24. Brian J. L. Berry; «The Counterurbanization Process: Urban America Since 1970», Urbanization and Counterurbanization, Edited by Brian Berry, SAGE Publications, London, 1976, P. 26.

25. Maurice H. Yeats and Barry J. Garner; «The North American City» Harper - Row, New York, 1971, P. 11.

26. David A. Lanegran and Risa Palm; «An Invitation to Geography» McGraw - Hill, London, 1973, PP. 198-199.

27. J. John Palen; «The Urban World» McGraw - Hill, London, 1981, P. 418.

۲۸ - منبع پیش گفته، ص ۴۱۹

29. Ecumenopolis.

30. C. A. Doxiadis.

31. C.A. Doxiadis; «Building Entopia» Athens Publishing Center, Athens, 1975, PP. 2-3.